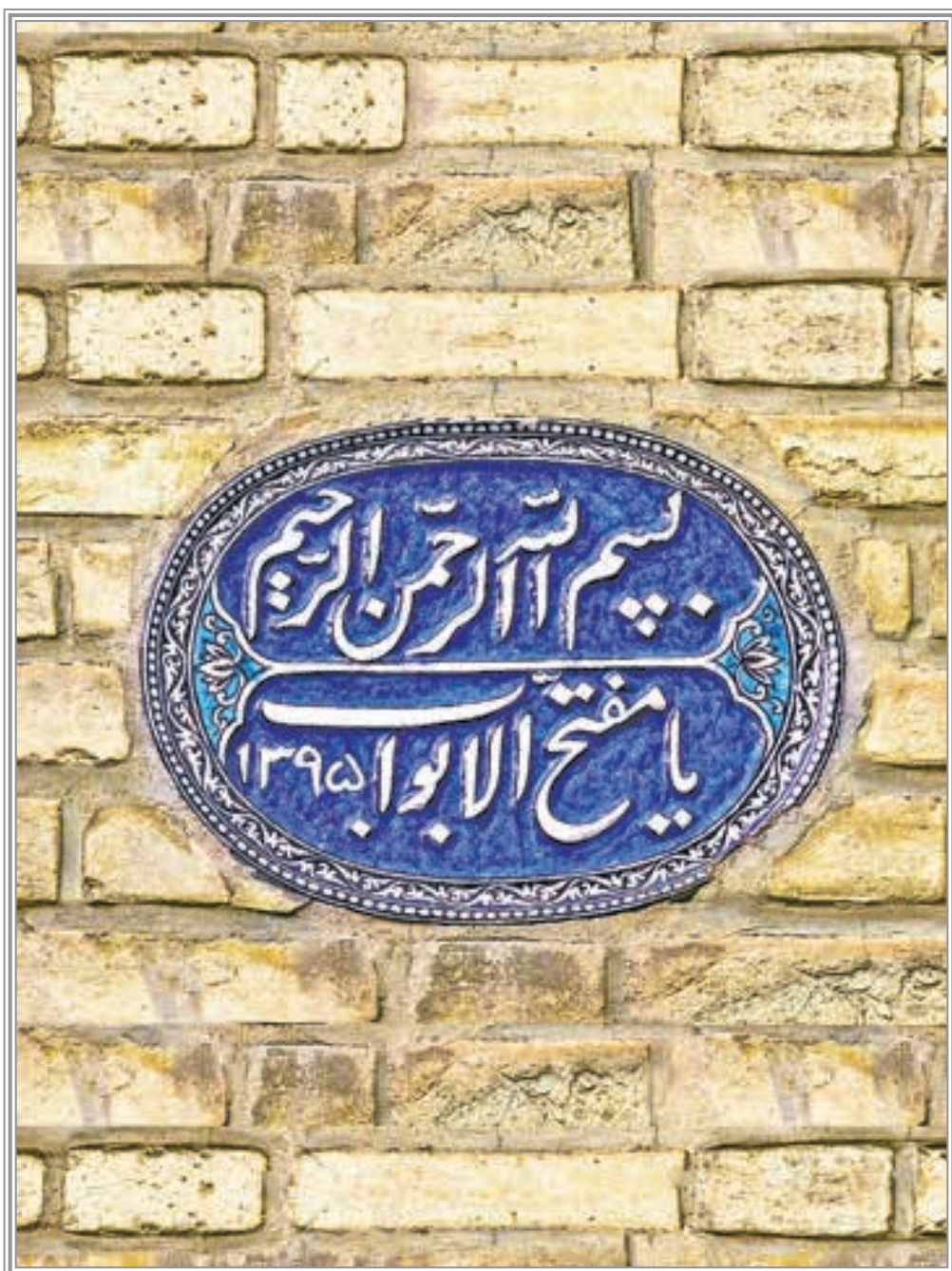




درهای رحمت الهی را با ذکر بسم الله بگشایید



۲۰
ندای رسای
ستم ستمیزی

۲۲
نسخه انسانیت



۲۶
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار هزاران نفر از مردم
آذربایجان شرقی:
اشرافی‌گری و بی‌توجهی
به مستضعفان، ارتجاع و
حرکات ضدانقلابی است

۶
حقوق مردم در
حکومت اسلامی

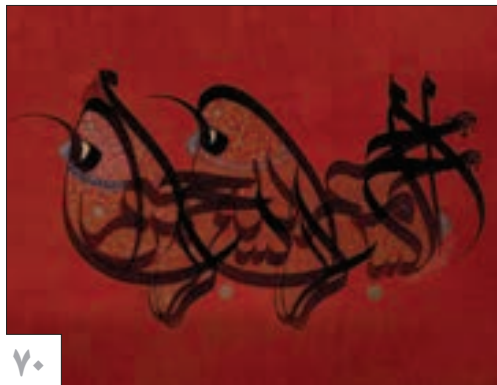


۱۴
مقامات فاطمه
جایگاه و منزلت
حضرت زهرا (س)

۱۸
حضرت فاطمه
تمام حقیقت انسان بود



۲۶



۷۰



۱۰۷

تحریریه:

آداب و مناسبت‌ها: سید محمد سادات
اندیشه: سید جواد میر خلیلی
بین‌الملل: مریم زندیه

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

سر دبیر: یاسر احمدوند
دبیر تحریریه: محمد مهدی بیگلری

مهر و ماه

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و روکرد دینی
جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه
شماره بیست و نهم
پهمن ۱۳۹۶



۹۶

افتتاح ۲۲ پروژه عمرانی
جمعیت هلال احمر همزمان با
دهه فجر انقلاب اسلامی
جشن انقلاب در
هلال احمر

۱۰۰

انسجام بخشی در
داخل و اعتمادسازی
در بیرون



۱۰۶

خبر تلخ و آغاز یک
عملیات دشوار
هواپیمای مسافربری در
سمیرم اصفهان سقوط کرد

۷۶

فرانسه
به زبان ساده



۸۴

بررسی سبک زندگی
اهل بیت علیهم السلام
در تربیت فرزند
در پرتو تربیت

۸۸

دوست داشتن
لازم است اما کافی نیست



۵۷

عزت و عزت مندی
درنگی بر مراحل شکوفایی
عزت و زمینه های تقویت آن

۶۲

ادامه منطقی
شعر فارسی



۶۴

مردم را در
فیلم هایمان ببینیم

۳۰

فلک را سقف
بشکافیم و طرحی نو
در اندازیم



۴۱

خدمت؛
میوه شیرین انقلاب

۴۷

سپیدرویان با آبرو



فنی و هنری:

مدیر هنری و دبیر عکس:
مجید نیک خصلت
صفحه آرایی: محمد پویا

مدیر داخلی: علی احمدوند

ویراستار: زهرا عزیزی
مسئول توزیع: فیروز شیخی

با سپاس از همراهی:

حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان ها

ادب و هنر: زینب مرتضایی فرد

خانواده: مریم بهریان
هلال: سپیده مهدلو

در جستجوی عدالت

جمهوری اسلامی وارد چهلمین سال پیروزی‌اش می‌شود و این فقط یک عدد نیست. اگر در نظر داشته باشیم این چهل سال با چه شرایطی بر این کشور گذشته است، درمی‌یابیم بزرگی همت ایرانیان را که انقلاب خود را چگونه از مسیر پرتلاطم حوادث بی‌شمار گذر داده‌اند و چه رادمدانی که با ایثار جان و مال خود بر استواری این بنا افزوده‌اند. مردمان ایران البته به وعده الهی باور داشتند که اگر دین خدا را یاری کنید، خداوند یاریتان خواهد کرد. «ان تنصروا الله ینصرکم و ینصروا الله ینصركم و ینصروا الله ینصركم» بی‌تردید مهم‌ترین هدف انقلاب مردم ایران، غلبه اراده خداوند بر شیطان بوده است، جایگزین کردن شریعت و احکام دین خدا بر خواست طاغوت بوده است. نخستین سند گویای اهداف و مسیر انقلاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی است. در مقدمه این قانون به اختصار چگونگی و جهت قیام مردم تبیین شده است. «ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت استعماری ملی شدن نفت، به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است.»

این جملات به درستی باطن و ماهیت مبارزات مردم را باز می‌نمایاند. اگر چه در این مبارزات گروه‌ها و جریانات مختلف حضور داشتند، لکن شکی نیست که قاطبه ملت ایران چنین مقصودی در دل داشته‌اند. رأی قاطع به جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن نیز شاهی دیگر بر این مدعاست. جمهوری اسلامی اما برای تحقق این خواست با مشکلات و موانع بسیاری روبه‌رو شد. غائله‌های ماه‌های نخست پس از پیروزی در گوشه و کنار کشور و پس از آن هجوم رژیم بعثی و آغاز جنگ فرساینده تحمیلی بخشی از این مشکلات بودند. این همه اما در برابر اراده قاطع ملت در قیام برای برپایی حکومت دینی ناتوان بود. ملت راه خود را یافته بود.

حکومت دینی اما واقعاً در پی چه بود؟ مهم‌ترین خواست مردم در برپایی حکومت دینی چه بود؟ اصلاً چه فرقی است بین حکومت دینی و حکومت غیر دینی. جمهوری اسلامی مردم را بر امور خود مسلط کرد. اختیار تصمیم‌گیری درباره سرنوشت به خود مردم سپرده شد. اما این ویژگی در برخی نظام‌های حکومتی دیگر نیز وجود دارد. اگر چه برای کشور وابسته‌ای که قلدرترین شاه آن به اشاره آمریکا و انگلیس به جزیره موریس تبعید می‌شود، این دستاورد بزرگی است. اگر چه انتقال روح مجاهدت به همه مردم باعث شد کشور هشت سال در برابر تجاوز خارجی تاب بیاورد و ذره‌ای از این خاک را به دشمن ندهد. فراموش نکنیم که ارتش بزرگ شاهنشاهی با همه تبلیغاتی که درباره‌اش می‌شد، کمتر از چهار روز در برابر متجاوزان از شمال و جنوب کشور دوام آورد و در هم شکست و امرایش پا به فرار گذاشتند. اما همه این دستاوردهای بزرگ و نیز پیشرفت کشور در زمینه‌های مختلف - در پرونده‌ای به‌طور مفصل درباره‌اش نوشته‌ایم - مقدمه‌ای است برای هدف نهایی که عدالت است. در قرآن کریم هدف از فرستادن پیامبران را گردیدن و قیام مردم برای قسط (عدالت) می‌داند. پس اتفاقی نیست که نخستین جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی این آیه است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» این آیه مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی را در خود دارد.

دست یافتن به عدالت البته دشوار است؛ بسیار دشوارتر از دست یافتن به پیشرفت در زمینه‌های علمی و ایجاد رفاه. جمهوری اسلامی برای دستیابی به عدالت و گسترش این مفهوم، نیاز به تلاش و مجاهدتی هم‌سنگ مجاهدت مردان غیور در مبارزات پیروزی انقلاب و نیز هشت سال پایداری دارد، و بلکه بالاتر از آن. در راه گسترش عدالت، فتنه‌ها و شبهه‌ها بسیار است و گذر از آن‌ها استواری در عقیده و راسخ بودن در ایمان می‌خواهد. هنوز تا دستیابی به جامعه مبتنی بر عدل فاصله بسیاری داریم.

سر دبیر

مردم و حکومت

نسبت مردم و حکومت مهمترین شاخصه برای بررسی و دسته‌بندی نوع یک نظام سیاسی است. جایگاه مردم در هر ساختاری و ارزش ذاتی یا طریقی اراده جامعه یا آحاد افراد جامعه می‌تواند تصویری روشن از ویژگی‌های آن ساختار ارایه دهد. در این نوشتار حقوق اصلی مردم در نگاه رهبر انقلاب بررسی شده است. اصولی چون کرامت، حقوق شهروندی، آزادی و... و تحلیل این حقوق از منظر ایشان اهمیت و جایگاه مهم مردم در اندیشه حکومت دینی را باز می‌نمایاند.



اصول راهبردی نظام سیاسی
اسلام در منظومه فکری
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

حقوق مردم در حکومت اسلامی

❖ اصل شهروندی ❖

جدید است. حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است. حقوق شهروندی در واقع بیان کننده حقوقی است که هر فرد در قالب تابعیت یک کشور از آن برخوردار است. همانند حق آزادی فکر، عقیده، بیان و اندیشه، مساوات و برابری همه شهروندان در بهره‌مندی از حقوق و تکالیف و مشارکت همه آن‌ها در ساختن زندگی اجتماعی. انواع حقوق مانند، حق آزادی، حق نظارت، حق انتقاد، حق مساوات، حق قانون‌گرایی، حق عدالت، حق امنیت، حق رفاه و توسعه، حق انتخاب سرنوشت سیاسی، حق مسکن و سکونت و سایر حقوق مادی و معنوی.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این که انقلاب اسلامی، منشأ به وجود آمدن واقعیت شهروندی در ایران است، معتقدند در گذشته واقعیت شهروندی در ایران وجود نداشت و مناسبات بین حاکم و مردم، در قالب رابطه سلطان و رعیت، رابطه غالب و مغلوب، رابطه مالک و مملوک و ارباب و رعیت مطرح بوده است.^۱ این مناسبات به صورت فرهنگ سیاسی رایج در آمده بود. شاهان با این فرهنگ، حکومت می‌کردند که مملکت را متعلق به خودشان می‌دانستند؛ یعنی مثل یک اربابی که یک مزرعه‌ای دارد، یک دهی دارد، یک ملکی دارد، یک عده هم در آن ملک مشغول کار و زندگی هستند. مسئله او، مسئله آن مردم نیست؛ مسئله او مسئله خودش است. ملک مملکت اوست، در آمده‌ای دارد، رابطه حکومت با مردم یک چنین رابطه‌ای بود. مردم به عنوان صاحبان اصلی کشور، مطلقاً مطرح نبودند. در این ملک بزرگ، یک ناصرالدین شاهی حکومت می‌کرد که او همه احاد

شهروند به معنای شهرنشین، بومی، تابع و رعیت است. تا پیش از مشروطیت، در ایران به جای این واژه از اصطلاح «رعیت» استفاده می‌شد. شهروند تبعه‌ای بود که حق و حقوقی در جامعه نداشت و در سلسله مراتب نظام اجتماعی، مردم کشور، رعیت پادشاه و پیرو و فرمانبردار او تلقی می‌شدند. امروزه شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که از یک سو از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد. یا تعبیر شده است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است. بنابراین شهروندی منزلتی برای فرد در ارتباط با یک اجتماع یا دولت است و غالباً این منزلت بر کسی اطلاق می‌شود که از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند و منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند.

در اندیشه سیاسی اسلامی هنوز جای این سؤال باقی است که شهروند تابع یک شهر است یا یک کشور و با این که باید تابع یک امت و دارالاسلام باشد؟ قدر متقین این است که اصطلاح مردم، شهروند و رعیت در متن جامعه معنی می‌یابد خواه جامعه در محدوده دولت شهر و ملی باشد و یا در حد یک امت گسترده در محدوده دولت منطقه‌ای و یا در سطح دولت جهانی باشد، به اعتبار تابعیت و اطاعتش از یک دولت و حاکمیت به او شهروند و رعیت اطلاق می‌شود و به اعتبار این که نقطه مقابل دولت است با عنوان مردم شناخته می‌شود. بنابراین شهروند از مفاهیم سیاسی و اجتماعی و ناظر بر ساختار و حقوق اجتماعی و سیاسی و توزیع قدرت در دولت - شهرهای



حقوق شهروندی با
مفهوم حقوق بشر
رابطه تنگاتنگی
دارد. به یک لحاظ
حقوق شهروندی
بر پایه حقوق بشر
است. از طرفی
هم انسان‌هایی
که در چارچوب
یک کشور واقع
می‌شوند، به اعتبار
بشر بودن‌شان
از همان حقوق
برخوردار هستند.
بر مبنای رویکرد
فلسفی و حقوقی،
بخشی از حقوق
شهروندی در
طبیعت و فطرت
انسانی دارد و
ادیان هم‌ارشد به
حقیقت آن‌ها دارد
و آن حقوق را به
رسمیت شناخته
است



خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، اما جز در بارگاه الهی و جز با یسار او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احیاناً انگیزه‌هایش هیچ‌گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خویش وظیفه‌دار است.

در فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تمام عظمت‌های متعالی انسان ناشی از تعلقی او به آستان ربوبی است. شکوفا شدن استعدادهای عالی و برتر او صرفاً از طریق برقراری این رابطه و توجه به اصل و مبدأ خویش، در نظام تربیتی خاص الهی امکان‌پذیر است. انسان بریده از خدا فاقد این اوصاف و حقوق است. فطرت حقیقتی یکسان و همگانی در میان انسان‌هاست که آن‌ها را به سمت کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. براساس این فطرت، انسان دارای ادراکات و گرایش فطری است. این فطرت دارای دو ویژگی، همگانی و غیراکتسابی بودن است وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست.

بنابراین، حق آزادی، تعالی و کمالی همگانی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به مبانی دینی بر این باورند که تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی، ریشه‌دار و دارای مبنای دینی است.^{۱۰} و حقوق بشر در سایه اسلام و حکومت اسلامی تأمین می‌شود؛ اسلام است که می‌گوید: «إن الحكم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه»^{۱۱} این حکم، هر حاکمیت ظالمانه‌ای را نفی می‌کند.^{۱۲} ایشان بر این باورند که حقوق واقعی بشر تنها در سایه اسلام و حکومت اسلامی تأمین می‌شود و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مصداق بارز حکومت اسلامی، حقوق شهروندی بسیار پیشرفته و قابل دفاعی را در دنیای امروز، عرضه کرده است.^{۱۳} این نظام برای مردم، حق قائل است.^{۱۴} ایشان با اشاره به معیارهای الهی، حقوق شهروندی را منحصر در مسلمانان نمی‌داند. غیرمسلمان‌ها هم از این حقوق برخوردارند.^{۱۵}

اصل کرامت

کرامت از مفاهیمی است که هم برای خداوند به کار رفته است و هم برای انسان؛ هرگاه خداوند با وصف کریم یاد شود، مقصود احسان و انعامی است که از او صادر می‌شود؛ ولی هنگامی که کرامت برای توصیف انسان به کار

این مردم را نوکران خودش می‌دانست؛ اعم از نوکران رسمی‌اش که از صدر اعظمش گرفته تا وزرا و این‌ها که خودشان هم می‌گفتند.^۲ در نظام اسلامی، شهروند کسی است که علاوه بر حق، دارای تکلیف هم هست. از دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تمام کسانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، شهروند جامعه اسلامی محسوب می‌شوند و نوع اعتقاد مذهبی و دینی در احراز شهروندی تفاوتی ایجاد نمی‌کند. همه حق دارند؛ حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد. بنابراین، حتی کسانی که دشمن نظام اسلامی هستند، می‌توانند در این نظام زندگی کنند، مخالفان اسلام و کسانی که اسلام را اصلاً قبول ندارند، می‌توانند در این نظام زندگی کنند و از همه حقوق شهروندی برخوردار باشند.^۳ در احقاق حقوق شهروندی، مذهب و دین مطرح نیست.^۴

حقوق شهروندی با مفهوم حقوق بشر رابطه تنگاتنگی دارد. به یک لحاظ حقوق شهروندی بر پایه حقوق بشر است. از طرفی هم انسان‌هایی که در چارچوب یک کشور واقع می‌شوند، به اعتبار بشر بودن‌شان از همان حقوق برخوردار هستند. بر مبنای رویکرد فلسفی و حقوقی، بخشی از حقوق شهروندی در طبیعت و فطرت انسانی دارد و ادیان هم ارشاد به حقیقت آن‌ها دارد و آن حقوق را به رسمیت شناخته است.^۵ بر مبنای رویکرد کلامی و دین‌شناختی، بخشی از حقوق شهروندی ریشه در تکالیف الهی دارد که خداوند برای انسان‌ها معین کرده است.^۶ تبیین حقوق طبیعی و فطری با حقوق الهی هیچ‌گونه تضاد و تعارضی وجود ندارد. بر مبنای دو نوع حقوق طبیعی و الهی، انسان‌ها در حیات اجتماعی خود و برای سامان دادن به مناسبات اجتماعی یک سری حقوقی را وضع می‌کنند که با عنوان حقوق وضعی و قراردادی نامیده می‌شوند.^۸ حجیت حقوق موضوعه از دین است. بنابراین با حقوق الهی که خداوند در فطرت انسان‌ها به ودیعت گذاشته و حقوقی که به واسطه وحی ابلاغ کرده، نباید در تعارض باشد. از این روی، حق الله هیچ‌گاه رقیب حق الناس نیست؛ نقطه مقابل حق الناس نیست.^۹

عرصه‌ها و گونه‌های حقوق شهروندی

حقوق شهروندی به بخش خاصی از زندگی شهروندی منحصر نمی‌شود بلکه تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی بشر را به اعتبار این که عضو جامعه است، در بر می‌گیرد. حقوق انسانی در همه این عرصه‌ها وجود دارد. بانگاهی به سامانه زندگی شهروندی با این واقعیت مواجه می‌شویم که بخشی از این حقوق، حقوقی است که برای انسان به اعتبار این که فردی از جامعه است تعلق می‌گیرد و نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد و برای حراست از جان، مال و آزادی انسان وضع شده است که اصطلاحاً به آن حقوق عمومی گفته می‌شود. این حقوق در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد و رنگ همان عرصه‌ها را به خود گرفته است و با همان عرصه شناخته می‌شود. در برخی از تقسیمات، حقوق شهروندی، به سه نوع؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی تقسیم شده است.

مبانی حقوق شهروندی

در اندیشه اسلامی، بر خلاف دنیای غرب به‌ویژه مکاتب اومانیسم و لیبرالیسم، که نفی رعیت را برابر با نفی عبودیت الهی و ارتباط انسان با خدا پنداشتند، انسان یک فرد رها شده نیست؛ موجودی است بر گزیده از جانب

می‌رود، اشاره به اخلاق و اعمال پسندیده‌ای است که از ایشان صادر می‌شود و یاد در شأن اوست. در قرآن، کرامت انسان ابتدا به خداوند نسبت داده شده است «لقد کرّمنا بنی آدم»^{۶۱} یعنی ما آدمیزاد را گرامی داشتیم. این پیام الهی بیانگر آن است که نوع انسان از این احسان و تکریم الهی برخوردار شده است. از آموزه‌های قرآنی دو نوع کرامت انسانی قابل استفاده است:

یکم: کرامت ذاتی

مقصود آن چیزی است که در ذات آدمیان و در طبیعت و سرشت‌شان به طور تکوینی و طبیعی وجود دارد و تا زمانی که به مقام اثبات و تحقق خارجی نرسیده است به صورت بالقوه همه انسان‌ها از آن بهره‌مندند. همانند مقام؛ «خليفة الله»^{۶۲}، «روح الله»^{۶۱}، «امین الله»^{۶۱}، «مسجود ملائک»^{۶۲}، «تسخیر کننده آسمان و زمین»^{۶۲}. توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها از وظایف نظام اسلامی است.^{۶۲}



دوم: کرامت اکتسابی

مقصود از این نوع کرامت آن است که انسان‌ها با اسباب خاص و با راهبرد عقل و دین، زمینه‌های بالقوه کرامت و استعداد ذاتی خود را بالفعل می‌کنند در صورت غفلت و گناه و اهمال به مرحله سقوط و اسفل السافلین تنزل می‌کنند. تحصیل این کرامت، در جامعه منوط به اجرای عدالت است، چون مهم‌ترین حرف نظام اسلامی عدالت است. بنابراین اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسان‌ها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند.^{۶۳} کرامت ذاتی که در مقام ثبوت و نفس الامر است، تنها «انسان بودن»

انسان و است و رفتار و کردار آدمی هیچ نقشی در احراز این مقام ندارد. در حالی که در مقام اثبات و اکتساب کرامت، اسباب و شرایط زیادی لازم است. از جمله عقل نقش اساسی در کرامت انسان دارد. اما به دلیل این که انسان خودبنیاد نیست و همه جهت‌گیری‌ها و اهداف را عقل نمی‌تواند تشخیص دهد، نیاز به راهنما و بعثت انبیاء دارد^{۶۴} تا انسان‌ها را نجات بدهد و به سوی نور هدایت کند و به اخلاق انسانی و کرامت برساند.^{۵۲}

شروط دستیابی به کرامت

در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای دستیابی به کرامت به مثابه حق شهروندی دو شرط اساسی وجود دارد:

۱. وجود دولت کریمه

اولین شرط تأمین حق کرامت وجود دولت کریمه است. معنای «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه» این است که پروردگار! ما از تو دولت کریمه می‌خواهیم. خود دولت کریمه هم شرایطی دارد. دولت کریمه دولتی است که عزیز و معتقد راسخ به آن، نفوذناپذیر است. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است.^{۶۴} ایشان الگوی دولت کریمه را دوره ده ساله حکومت پیامبر (ص) می‌دانند که دارای شاخصه‌های ذیل است:

ایمان و معنویت؛ انگیزه و موتور پیش‌برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آن‌ها را در جهت صحیح به حرکت در می‌آورد. با این شاخص، دمیدن و تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه درست به افراد انجام می‌شود.

قسط و عدل؛ اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حق‌دار - بدون هیچ ملاحظه - است.

علم و معرفت؛ در نظام نبوی؛ پایه همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کور کورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص، به نیروی فعال - نه نیروی منفعل - بدل می‌کنند.

صفا و اخوت؛ در نظام نبوی، درگیری‌های برخاسته از انگیزه‌های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت‌طلبی می‌غوض است و با آن مبارزه می‌شود. فضا، فضای صمیمیت و اخوت و برادری و همدلی است.

صلاح اخلاقی و رفتاری؛ انسان‌ها را تزکیه و از مفساد و رذائل اخلاقی، پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مزکی می‌سازد؛ «و یزکیهم» و یعلمهم الکتاب و الحکمة»^{۶۵} تزکیه، یکی از پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکپایه افراد، کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد.

اقتدار و عزت؛ جامعه و نظام نبوی، وابسته، دنباله‌رو و دست حاجت به سوی این و آن درازکن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را پیش می‌برد.

کار، حرکت و پیشرفت دائمی؛ توقف در نظام نبوی وجود ندارد. به طور مرتب، حرکت، کار و پیشرفت است. البته این کار، کار لذت‌آور و شادی بخشی است؛ کار خستگی‌آور و کسل‌کننده و ملول‌کننده و تعب‌آورنده‌ای

چنانچه پذیرش شهروندی یک جامعه‌ای مانع دسترسی انسان به کرامت و کمال و سعادت شود، باید علقه شهروندی قطع و برای به دست آوردن کرامت به مکان دیگری هجرت کند و خود را به شهروندی دولت فاصله ۳۸ و کریمه‌ای برساند

نیست؛ کاری است که به انسان نشاط و نیرو و شوق می‌دهد.^{۸۲} حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با شاخصه‌هایی که برای نظام نبوی ذکر می‌کنند، در دوره معاصر، جمهوری اسلامی را نظامی می‌دانند که به دنبال تحقق دولت کریمه است.^{۸۳}

۲. وجود شهروندان کرامت طلب

یکی از ویژگی‌های ایشان این است که مسائل نظری را در کنار مسائل عملی و قضایای ذهنی را با قضایای عینی تکمیل می‌کنند. انسان کامل معظم له صرفاً ذهنی و انتزاعی نیست بلکه آن را در خارج هم نشان می‌دهند و مصادیق آن را معرفی می‌کنند. آنچه در انسان اصالت دارد، همان ارزش‌های متعالی وجود اوست که با اراده خویش می‌تواند آن‌ها را بالفعل نماید.^{۸۴} در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همه انسان‌ها از ویژگی ذاتی برخوردارند و می‌توانند کرامت اکتسابی را تحصیل نمایند. چنانچه تابع و شهروند یک دولتی شوند، کرامت آن‌ها باید تأمین و حفظ شود، زیرا پذیرش شهروندی و تن دادن به مقررات اجتماعی برای این است که انسان راحت‌تر به حقوق و تکالیف خود برسد و ارزش‌های متعالی را در وجود خویش ایجاد نماید. ایشان بر اساس آموزه‌های دینی، معتقدند چنانچه پذیرش شهروندی یک جامعه‌ای مانع دسترسی انسان به کرامت و کمال و سعادت شود، باید علقه شهروندی قطع و برای به دست آوردن کرامت به مکان دیگری هجرت کند و خود را به شهروندی دولت فاصله ۳۸ و کریمه‌ای برساند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هجرت را به سه نوع تقسیم می‌کند:

– هجرت معنوی الی الله یعنی نجسبیدن به یک مکان.

– هجرت برای به دست آوردن زندگی مدنی و شهری.

– هجرت برای مدنیت و شهروندی جدید.

ایشان، هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه را مصداق نوع دوم هجرت معرفی می‌کنند و معتقدند پیامبر اسلام (ص) با این هجرت یک مدنیت به وجود آوردند. زیرا تا وقتی که مردم تابع مدنیت و تجمع و اجتماع به اصطلاح شهری نشوند، نمی‌شود نسخه‌های الهی و اسلامی را روی آن‌ها اجرا کرد و آن‌ها را به جایی رساند.^{۸۵}

❖ اصل آزادی ❖

مقوله آزادی در فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از مفاهیم اساسی و پیچیده است. بر خلاف بسیاری از متفکران، آزادی تنها پدیده اجتماعی یا سیاسی یا صرفاً یک امتیاز حقوقی نیست تا در قبال دولت حاکم و نظام سیاسی موجود تعریف شود. آزادی با دو رویکرد ایجابی (برخورداری از حقوق انسانی و شهروندی) و سلبی (رهایی از قیود و موانع) قابل طرح است و در اندیشه ایشان به هر دو معنا وارد شده است. در معنای نخست اعتقاد به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی را ریشه‌دار و دارای مبنای دینی معرفی می‌کنند^{۸۶} و به این واقعیت ایجابی تصریح دارند که هر کسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بداند.^{۸۷} اما با رویکرد سلبی، آزادی را در مقابل دو نوع موانع درونی و بیرونی قرار می‌دهند و آن را به معنای رها شدن از قید و بند شهوات و طاغوت‌ها و امکان حرکت و پرواز به سوی اهداف متعالی معنوی و الهی در سایه یک نظام عادلانه اجتماعی و

اقتصادی معرفی می‌کنند.^{۸۸} از نظر ایشان دو نوع سلطه ضد آزادی وجود دارد. یکی سلطه قوای سیاسی اجتماعی و دوم سلطه قوای غضبیه و شهویه؛ و آزادی یعنی رهایی از این دو نوع سلطه و در مقابل، انسانی که بر اثر ضعف، ترس، طمع، حرص و بر اثر شهوات نفسانی مجبور می‌شود تحمیلاتی را و محدودیت‌هایی را قبول کند، آن انسان در حقیقت آزاد نیست.^{۸۹} ایشان با اشاره به مبنای اعتقادی خویش در مورد آزادی، منشأ آن را در نصوص دینی و رسالت انبیا می‌داند و بعثت را به معنای رها کننده انسان و آزاد کننده انسان معنا می‌کنند.^{۹۰} به تبع این بعثت، معتقدند اسلام از همان آغاز همه بشریت و پیوان ادیان قبلی را به آزادی دعوت نمود و به صراحت اعلام کرد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبدوا الا الله و لا نتخذ بعضنا بعضا ارباباً من دون الله».^{۹۱} بیایید هیچ کدام از ما، دیگری را ارباب و سرور خودمان قرار ندهیم، فقط خدای متعال سرور همه باشد. این شعار اسلام و منشور جهانی اسلام است. آزادی اسلامی، یعنی آزادی از غیر خدا و اسلام، که انسان را بنده خدا می‌داند.^{۹۲} بر اساس مبنای فوق، حرکت علیه آزادی یک حرکت علیه یک پدیده الهی است و مبارزه برای آزادی یک تکلیف است. چون مبارزه برای یک امر الهی است.^{۹۳} پس آزادی از منظر ایشان، هم آزادی در محیط زندگی و برخوردار از همه مواهب زندگی و حقوق شهروندی است و هم آزادی از قدرت‌های دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالت‌ها، آزادی از تعصب‌های جاهلانه و کج‌فکری‌ها، و هم آزادی از کمند قدرت استکبار، کمند اقتصادی قدرت‌ها و فشار سیاسی قدرت‌هاست.^{۹۴}

اصول و مبانی آزادی

آزادی در فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هم به مثابه حق انسانی است و هم ناشی از مبانی و باورهای دینی است.^{۹۵} و از هر دو منظر انسان‌ها از مادر آزاد متولد می‌شوند و کسی حق ندارد آن‌ها را برده و اسیر و بنده خودش کند و حق آزادی آن‌ها را سلب کند.^{۹۶} بر مبنای مبانی انسان شناختی و هستی‌شناختی معظم له، انسان با آزادی تعریف نمی‌شود؛ بلکه آزادی با انسان معنا می‌یابد. اگر چه ممکن است در مقطعی، آزادی، هدف کوتاه مدت قرار گیرد، اما حق آن است که آزادی، غایت زندگی نیست، بلکه زندگی آزاد به دنبال سعادت و کمال است. بشر مجموعه انگیزه‌ها و غرائض متضادی دارد و مکلف است در خلال این انگیزه‌های گوناگون راه کمال را بییابد. آزادی به او داده شده به خاطر پیمودن راه کمال است. همین آزادی با این ارزش برای تکامل است؛ کما این که خود حیات انسان برای تکامل است.^{۹۷} ایشان با استناد به آیه «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»^{۹۸} خدا جن و انس را آفریده برای رسیدن به مرتبه عبودیت الهی که بسیار مرتبه والا بی است. آزادی هم مثل حق حیات است، مقدمه‌ای است برای عبودیت. اسلام، آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی تکالیف، کارهای بزرگ و انتخاب‌های بزرگ انجام دهد و به تکامل برسد.^{۹۹} بر مبنای این باور دینی است که ایشان معتقدند هیچ کس غلام و کنیز به دنیا نیامده است. همه انسان‌ها آزادند^{۱۰۰} و آزادی از ره‌آورد های دنیای غرب نیست، بلکه ریشه الهی دارد.^{۱۰۱} آزادی ملازم با اسلام است، به طوری که هیچ کدام بدون دیگری قابل تصور نیست؛ اسلام منهای آزادی، اسلام



انگیزه و موتور پیش برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آن‌ها را در جهت صحیح به حرکت در می‌آورد. با این شاخص، دمیدن و تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه درست به افراد انجام می‌شود



آزادی در فلسفه
سیاسی حضرت
آیت الله خامنه‌ای،
هم به مثابه حق
انسانی است و
هم ناشی از مبانی
و باورهای دینی
است و از هر دو
منظر انسان‌ها از
مادر آزاد متولد
می‌شوند و کسی
حق ندارد آن‌ها را
برده و اسیر و بنده
خودش کند و حق
آزادی آن‌ها را
سلب کند

واقعی نیست و آزادی در غیر اسلام هم توهمی بیش نیست.^{۹۴}

یک سری اصول و قواعد مسلم و ثابتی در فلسفه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای وجود دارد که حرکت به سمت آن‌ها، ارزش و ارزش آفرین و تکامل محسوب می‌شود. این اصول و قواعد میزان ارزشیابی سایر مفاهیم و ارزش‌های سیاسی هستند. آزادی از جمله مفاهیم سیاسی است که در چارچوب این اصول تبیین، تعیین و تحدید می‌شود. اگر آزادی نردبان رشد و ترقی برای رسیدن به کمال و سعادت و حیات طیبه باشد بسیار ارزشمند است؛ اما اگر در خدمت ضایع کردن فرآورده‌های ارزشمند معنوی یا مادی یک ملت به کار گرفته شود، همین آزادی مضر است.^{۹۵} و سبب فساد و گمراهی انسان می‌شود. در این جا به برخی از اصول و مبانی آزادی در اندیشه ایشان اشاره می‌شود:

آزادی، ریشه در اراده الهی دارد. بنابراین برای انسان «اصلت آزادی» وجود دارد و قید و بندهای خارجی و اسارت‌های اجتماعی عارضی هستند.^{۹۶} آزادی به دلیل اصلت الهی ریشه در فطرت^{۹۷} و طبیعت انسانی دارد و جزو حقوق اساسی همه انسان‌هاست و قابل سلب نیست.^{۹۸}

جایگاه فطری، الهی و طبیعی آزادی آن را به مثابه یک حق ضروری و عقلی قرار داده است. خداوند تأمین این حق فطری را بر انسان‌ها به صورت تشریعی واجب کرده است، به طوری که هم بر انسان‌ها واجب است حق آزادی خود را مطالبه و محافظت کنند و هم بر دیگران حرام است که این حق را از سایرین سلب کنند.^{۹۹}

با همه اهمیت و اصلت آزادی، این عطیه الهی برای انسان‌ها، نقش ابزاری و مقدمه‌ای دارد تا انسان‌ها بتوانند کارهای بزرگ و انتخاب‌های بزرگ بکنند و بتوانند به تکامل برسند.^{۱۰۰}

تأمین و تحقق آزادی واقعی انسان تنها در سایه دین امکان پذیر است.^{۱۰۱} آزادی از اساسی ترین مبانی انتخاب انسان است؛ به طوری که بدون آزادی، انتخابی برای انسان در زندگی فردی و اجتماعی باقی نمی‌ماند.^{۱۰۲}

آنچه در دنیای معاصر به نام آزادی مطرح شده، بخش کوچک و تحریف شده‌ای از آزادی است.^{۱۰۳}

مهم‌ترین رکن آزادی انسان، رهایی درونی انسان از اسارت هوا و هوس، شهوات، تمنیات و خواهش‌های نفسانی و رذایل و اوصاف ضد اخلاقی است.^{۱۰۴}

آزادی از نظر ایشان از پدیده‌های مهم، پیچیده و چند ضلعی است که باید به صورت واحد ارزش گذاری بشود، با این تفاوت که ابعاد درونی آزادی،^{۱۰۵} بیشتر مورد توجه قرار دارند و بالطبع موانع آزادی درونی از موانع بیرونی تأثیر گذارتر است.^{۱۰۶} از مصادیق این نوع آزادی، به آزادی فکری و فرهنگی، آزادی از خرافات و جهالت‌ها، آزادی از تعصب‌های جاهلان و کج فکری‌ها^{۱۰۷} اشاره شده است و آزادی از شر نظام‌ها و سنت‌ها و رویه‌های جاهلی و طاغوتی و تشریفات، تجملات، مواضع طبقاتی نادرست و ضد انسانی، رنگ سیاه و سفید، این نژاد و آن نژاد و شرایط اقلیمی است.^{۱۰۸} مهم‌ترین آزادی‌های خارجی را هم در قالب آزادی سیاسی، یعنی رها شدن از قید و بند طاغوت‌ها^{۱۰۹} و قدرت‌های دیکتاتور و مستبد و فشارهای سیاسی آن‌ها معرفی کرده‌اند.^{۱۱۰}

اصل مشارکت

فلسفه سیاسی حضرت آیت الله خامنه‌ای، از دو نوع مشارکت مطلوب، متناسب با نظام مردم سالاری دینی و مشارکت غربی متناسب با نظامات غیر دینی غرب نام برده و با معیارهایی بیان شده است. مشارکت سیاسی دینی را می‌توان چنین تعریف کرد: مشارکت سیاسی نوعی فعالیت ارادی و داوطلبانه با اهداف و انگیزه‌های الهی است که از طریق آن شهروندان یک جامعه در امور سیاسی - اجتماعی خود بر اساس وظیفه با همدلی و همراهی شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم،^{۱۱۱} حمایت جویانه^{۱۱۲} یا رقابت آمیز^{۱۱۳} در شکل دادن به حیات سیاسی و اجتماعی خویش سهیم می‌شوند. در واقع مشارکت سیاسی به معنای احساس تعلق به جامعه،^{۱۱۴} درگیر شدن، سهیم شدن و همکاری در فراگردهای سیاسی است که به گزینش نوع حکومت، ساختارها و رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که در فرآیند اداره جامعه اعم از برنامه‌ریزی، سامان دهی، هماهنگی و نظارت در راستای دستیابی به اهداف آن جامعه، اثر دارد. از این نظر، مشارکت سیاسی، فرآیندی است که شهروندان در آن به فعالیتی ارادی و داوطلبانه دست می‌زنند. در حالی که مشارکت غربی از نظر ایشان رفتاری است بر پایه انگیزه‌های دنیوی و قدرت طلبانه^{۱۱۵} که در آن شهروندان موافق یا مخالف، سازمان یافته یا بدون سازمان، به طور داوطلبانه با روش‌های مشروع و یا نامشروع، برای تأثیر و انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی اقدام می‌کنند. این نوع مشارکت که از روح معنوی و وظیفه دینی تهی است، تحت تأثیر عوامل مادی زیادی قرار دارد که در نهایت آن به مشارکت صوری، ظاهری و نمایشی و تصنعی می‌توان تعبیر کرد.^{۱۱۶}

اصل مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی، ساختاری از نظم سیاسی است که در چارچوب نظام سیاسی اسلام مطرح شده است. اگر چه این ساختار در دوره مدرن پیشنهاد شده است، اما ماهیتی مدرن ندارد و بر همه سطوح نظم سیاسی؛ «نظم سیاسی نبوی»، «نظم سیاسی علوی»، «نظم سیاسی مهدوی» و «نظم سیاسی نبایی» قفیه محور دوره غیبت، منطبق می‌شود. همان طور که حضرت آیت الله خامنه‌ای در توصیف حکومت مدینه پیامبر (ص) آن را مردم سالاری می‌نامند.^{۱۱۷}

مردم سالاری دینی، مفهومی مرکب از دو جزو «مردم سالاری» و «دینی» نیست، بلکه حقیقت واحد درون دینی و جاری در جوهره نظام اسلامی است که فقط در چارچوب مسائل دینی قابل تعریف است.^{۱۱۸} این حقیقت واحد درون دینی در تعین خارجی خود، دارای اجزائی است که در نسبت سنجی ممکن است برخی دارای اولویت و اهمیت بیشتری باشد. یک جزو «دین» و احکام دینی است و جزو دیگر «مردم» و خواست عمومی آن‌هاست و جزو سوم «حکومت» و نظم سیاسی است که در درون آن، سلسله مراتبی از نقش‌ها و جایگاه‌های تصمیم گیری، تقنینی و اجرایی به سامان رسیده است و جزو چهارم عنصر معنوی «حاکمیت» است که این نظم سیاسی را به مثابه یک واحد مستقل تحت آموزه‌های دین متمایز ساخته است.

مردم‌سالاری دینی یک نظام آرمانی قابل تحقق در جامعه اسلامی است که هم ریشه در باطن مردم و هم در مقررات دارد و الگوی عملی آن در زمان حضور معصومان، رفتار سیاسی امیرالمؤمنین (ع) و در زمان غیبت، نظام ولایت فقیه، در ایران است



مردم‌سالاری دینی یک نظام آرمانی^{۳۷} قابل تحقق در جامعه اسلامی است که هم ریشه در باطن مردم و هم در مقررات دارد و الگوی عملی آن در زمان حضور معصومان، رفتار سیاسی امیرالمؤمنین (ع)^{۳۸} و در زمان غیبت، نظام ولایت فقیه، در ایران است.^{۳۹} بنابراین مفهوم مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی گفته می‌شود و در چارچوب مقررات الهی قرار دارد و در راستای حق مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند.^{۴۰}

مردم‌سالاری دینی، خاستگاه نوینی پیدا کرده است و در موارد ذیل با مردم‌سالاری غربی مشابهت دارد، به طوری که در هر دو نظام معتقدند به:

- ذی‌حق دانستن مردم و حرمت‌نهادن به ملت.
- زمینه‌سازی برای مشارکت مردمی در تمام مراحل تصمیم‌گیری سیاسی واجتماعی.

- تعیین انتخابات، به عنوان طریق قانونی اعمال مردم‌سالاری.

- الزام به رأی اکثریت در امور اجرایی.

- احترام به آزادی‌های فردی و جمعی.

- توسعه همه‌جانبه و رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها در پرتو تضاد آرا و تعامل افکار.

مع الوصف تفاوت‌های اساسی بین این دو رویکرد وجود دارد. همین تفاوت‌هاست که تا حدودی پیوستی مردم‌سالاری دینی و تمایزات و شاخصه‌های آن را تبیین می‌کند. در زیر به مواردی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

در مردم‌سالاری غربی، حاکمیت ملی به طور مطلق پذیرفته می‌شود؛ ولی در مردم‌سالاری دینی با پذیرش حاکمیت مطلق خداوند، حاکمیت ملی به صورت نسبی و در طول حاکمیت الهی خواهد بود.

مردم‌سالاری غربی، رأی اکثریت را به صورت مطلق ملاک عمل قرار می‌دهد، اما در مردم‌سالاری دینی در بعد قانون‌گذاری، رأی اکثریت در چارچوب شریعت مورد قبول همان اکثریت پذیرفته می‌شود.

در مردم‌سالاری غربی، حاکمیت اولاً و بالذات از آن مردم است، ولی در مردم‌سالاری دینی، حاکمیت اولاً و بالذات از آن خداست و حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند است و نه در عرض آن.

در مردم‌سالاری غربی، دین صرفاً امری شخصی و مربوط به حوزه فردی است؛ اما در مردم‌سالاری دینی، دین، حوزه فردی و اجتماعی مردم را در بر می‌گیرد.

مردم‌سالاری غربی با مردم‌سالاری دینی در ارائه تعریف از بشر و حقوق آن در پاره‌ای از موارد دیگر باهم اختلاف دارند.

نظام مردم‌سالاری دینی، با این پیش‌فرض بنا شده است که هیچ‌کس حق اعمال حاکمیت ندارد. حاکمیت تنها متعلق به خداوند است، زیرا خداوند به عنوان آفریننده هستی مالک حقیقی و مطلق آن است.

حق امر کردن و فرمانروایی ناشی از مالکیت حقیقی است و خداوند نیز به دلیل مالکیت حقیقی و مطلق بر هستی و انسان، تنها کسی است که حق حکمرانی بر انسان را دارد. تنها خداوند می‌تواند این حق را به افرادی خاص واگذاری کرده و چنین اشخاصی به موجب نصب از جانب خداوند حق فرمانروایی بر انسان را دارند.^{۴۱} خداوند چنین حقی را به پیامبر و

امامان معصوم واگذار کرده است و از این رو آنان مصادیق قطعی حاکمان مشروع هستند.^{۴۲} پیامبر و امامان نیز می‌توانند این حق را به برخی به طور خاص و یا به طور عام واگذار کنند و چنین اشخاصی نیز حق صدور فرمان و حکمرانی را دارند.^{۴۳} امامان معصوم در عصر غیبت، فقیهان را به طور عام جانشین خود قرار داده‌اند و آنان به موجب نصب از جانب ائمه حق صدور فرمان را دارند.^{۴۴} در این نظام، خداوند خالق انسان، جهان و منشأ و مصدر همه امور عالم است و به توانایی‌ها و نیازهای انسان واقف است و بر اساس آن، برنامه زندگی انسان را تنظیم و تدوین می‌کند. در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حق حکومت از ناحیه خداوند هیچ‌گاه قابل تفویض نیست، حتی به پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نیز تفویض نشده است؛ حقی است الهی که از مجاری خاصی با شرایط ویژه‌ای اعمال می‌شود و در همان حال که انسان‌هایی متولی اداره و اجرای قدرت سیاسی هستند، حکومت متعلق به خداوند است.^{۴۵}

جمع‌بندی

نظام سیاسی، جایگاه مهمی در منظومه فکری مقام معظم رهبری دارد. شرح مفاهیم اساسی و دانش‌واژه‌های این نظام، خواننده را به درون شبکه مفهومی آن وارد می‌کند و تبیین بنیان‌های معرفتی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و فرجام‌شناختی، این زمینه را فراهم ساخت تا روشن شود که روبناهای نظام سیاسی و عناصر و اجزای این نظام مبتنی بر زیرساخت‌های اندیشه و پیش‌فرض‌های قطعی است. مبانی توحیدی و الهی در ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه انسانی نقش‌آفرین هستند. با بازسازی مبادی معرفتی، بحث‌غایت که نقش جهت‌دهندگی عناصر اندیشه را دارد، مطرح شد و نشان داده شد که بر خلاف اندیشمندان رفتارگرا، دستگاه معرفتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نشان می‌دهد که ایشان غایت‌مدار هستند و همه اجزا و عناصر اندیشه ایشان جهت‌گیری غایی دارد. در ورا همه رفتارها و افکار سیاسی

ایشان، تحصیل سعادت، نیل به کمال و دستیابی به حیات طیبه، وجود دارد. بعد از تبیین مبدأ و معاد این دستگاه اندیشه، به عناصر قوام‌بخش در قالب دو گفتار اساسی اصول ارزشی و اصول راهبردی نظام سیاسی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شد. از تبیین سه اصل ارزشی دین و سیاست، مشروعیت نظام سیاسی و ضرورت آن، این نتیجه قطعی به دست آمد که در منظومه فکری ایشان، ماجرای سیاست و ارتباط آن با دین، ضرورتی غیرقابل انکار است و مشروعیت نظام سیاسی ریشه در دین دارد. اصل اساسی شهروندی در کنار شهرداری در این منظومه نیز تبیین شد و حقوق فطری، طبیعی، وضعی و شرعی شهروندان جامعه مطلوب بررسی شد و مقوله‌های متعالی‌ای چون اصل کرامت، اصل آزادی، اصل مشارکت و اصل مردم‌سالاری دینی بیان گردید.

«برگرفته از کتاب «منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»
عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران

پاورقی‌ها:

۱. بیانات در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۸/۲۷.
۲. همان.
۳. بیانات در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۸/۲۷.
۴. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۵. بیانات در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۸/۲۷.
۶. بیانات در خجسته سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
۷. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳.
۸. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۹. سوره بقره، آیه ۲۷۹.
۱۰. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۱۱. سوره یوسف، آیه ۴۰.
۱۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳.
۱۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۳/۲۲.
۱۴. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳.
۱۵. بیانات در دیدار با کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۲۹.
۱۶. سوره اسراء، آیه ۷۰.
۱۷. سوره بقره، آیه ۳۰.
۱۸. سوره حجر، آیه ۲۹.
۱۹. سوره احزاب، آیه ۷۲.
۲۰. سوره بقره، آیه ۳۴.
۲۱. سوره نحل، آیه ۱۲.
۲۲. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲.
۲۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۲/۸/۲۳.
۲۴. بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه فجر، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳.
۲۵. بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۵.
۲۶. بیانات، ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۲۷. سوره جمعه، آیه ۲.
۲۸. نماز جمعه، ۱۳۸۰/۲/۲۸.
۲۹. بیانات، ۱۳۷۴/۹/۱۶.
۳۰. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۲.
۳۱. ابونصر فارابی، المله، ص ۵۶.
۳۲. بیانات در شروع درس «خارج فقه»، ۱۳۷۳/۶/۲۰.
۳۳. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۳۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
۳۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۱/۹/۱۲.
۳۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۳۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۴/۱/۳۰.
۳۸. سوره آل عمران، آیه ۶۴.
۳۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
۴۰. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۴۱. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی مراسم سالگرد حضرت امام(ره)، ۱۳۷۸/۳/۱۲.
۴۲. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۴۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۴۴. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۴۵. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۴۶. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۴۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۴۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۴۹. بیانات در دیدار با مدرسان معارف اسلامی آموزش و پرورش، ۱۳۶۱/۶/۱.
۵۰. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۵۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۴/۱/۳۰.
۵۲. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۵۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۵۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۵۵. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۵۶. بیانات در دیدار با مبلغین به مناسبت ایام محرم، ۱۳۷۸/۱/۲۳.
۵۷. بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
۵۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
۵۹. همان.
۶۰. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۶۱. همان.
۶۲. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی مراسم سالگرد حضرت امام(ره)، ۱۳۷۸/۳/۱۲.
۶۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۵۹/۹/۷.
۶۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۱/۹/۱۲.
۶۵. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی مراسم سالگرد حضرت امام(ره)، ۱۳۷۸/۳/۱۲.
۶۶. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱/۲۰.
۶۷. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلین روز از تحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۶۸/۴/۲۳.
۶۸. پیام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و بسیج، ۱۳۶۸/۶/۲۶.
۶۹. پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مردم ایران، ۱۳۶۸/۱۰/۱۸.
۷۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۱/۱۲/۱۲.
۷۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۹ رمضان ۱۳۱۶)، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.
۷۲. بیانات در دیدار جوانان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲.
۷۳. بیانات، ۱۳۸۰/۵/۲۲.
۷۴. بیانات، ۱۳۷۹/۱۱/۱۱.
۷۵. بیانات، ۱۳۸۰/۳/۱۳.
۷۶. بیانات، ۱۳۷۹/۹/۲۶.
۷۷. بیانات، ۱۳۷۹/۱۰/۱۴.
۷۸. بیانات، ۱۳۶۹/۴/۲۰.
۷۹. همان.
۸۰. همان.
۸۱. همان.
۸۲. همان.



مقامات فاطمی

بانوی بانوان

ندای رسای ستم‌ستیزی

نسخه انسانیت

مقامات فاطمه

جایگاه و منزلت
حضرت زهرا (علیها السلام)

مجتبی گودرزی



فاطمه (س) در جهان آفرینش و در دنیای اسلام نقش محوری دارد. روایات بسیاری متذکر شده‌اند که اگر فاطمه (س) نبود آفرینش جهان نبود. در دنیای اسلام محور اسلام، محور رسالت، محور امامت و خلافت منصوب است. او محور اهل بیت (ع) است و محور اصحاب کسا، تداوم بخش نسل پیامبر است در جریان مباحثه او مصداق نساء و الگوی همه نیک زنانی است که تا قیام قیامت بر تارک تاریخ بشریت می‌درخشند. مهدی امت که چشم جهانیان منتظر اوست از نسل فاطمه (س) است پس فاطمه (س) مادر اسلام است و مادر قرآن، ام ابیها و ام الاسلام است. اگر به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک»^۱ که در شأن پیامبر اسلام است توجه شود، باید فاطمه را محور آفرینش دانست از آن بابت که بدون وجود او نسل پیامبر منقطع بود و تداوم بخشی اسلام تا قیام قیامت که توسط نسل فاطمه (س) است بی اثر می‌ماند. فاطمه (س) همچنین محور تداوم عصمت است. فاطمه زهرا (علیها السلام) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست، اما مقام و منزلت او در نزد خداوند و در بین مسلمانان به خصوص شیعیان، کمتر از سایر ائمه (ع) نیست. مواردی که تا اندازه‌ای گویای مقام و جایگاه آن حضرت است عبارتند از:

۱. خطبه فدکیه؛ عبارات متقن و پرمغز این خطبه در باب توحید ذات اقدس ربوبی و نیز معرفت و بینش نسبت به رسول اکرم (ص) و تبیین امامت و همچنین احتجاجات به قرآن کریم و بیان علت تشریع احکام، خود حکایت از دریای بی کران علم اوست که متصل به منبع وحی است.

۲. مرجعیت علمی آن حضرت به گونه‌ای که زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار رجوع می‌کردند و با استدلال و منطق قوی وی





که حاکی از تسلط بر قرآن کریم و شرایط اسلامی بود قانع می‌شدند.

۳. مقام عصمت

در بیان عصمت حضرت فاطمه (علیها السلام) همانند عصمت سایر ائمه (ع) و پیامبر (ص) است یعنی مصونیت او نه تنها از گناه و لغزش بلکه از سهو و خطا، نیز هست. او معصومه است، یعنی محصوره از گناه، یعنی ممنوع و محفوظ از لغزش و انحراف لذا می‌تواند الگو باشد. عصمت یک سبب شعوری است که به هیچ وجه مغلوب نمی‌شود و از انواع شعور و ادراکی نیست که ما با آن آشنائیم و از سنخ علوم و ادراکات متعارضی نیست که قابل اکتساب و تعلم باشد. که در این قسم استدلال به آیه تطهیر ما را از دیگر ادله بی‌نیاز می‌کند.

۴. تکریم پیامبر

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بارها فاطمه او را ستود و تجلیل نمود. نقل شده است که می‌فرمود: «فداها ابوها»^۲ «پدرش به فدایش باد» و گاه خم می‌شد و دست او را می‌بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خدا حافظی می‌کرد، فاطمه (علیها السلام) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می‌شد، خانه او بود. و نیز بارها فرمود: «فاطمه بضعة منی من آذاها آذانی»^۳ «فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است.» و یا می‌فرمود: «من بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم.» او مظهر رضا و غضب الهی است ان الله یرضی لرضاء فاطمة و یغضب لغضبها.^۴ چرا که رضای فاطمه (علیها السلام)، تنها در مسیر حق بدست می‌آید و غضب او فقط در انحراف از حق و عدول از اوامر الهی حاصل می‌شود و در این امر حتی ذره‌ای تمایلات نفسانی وجود ندارد. رسول خدا در جای دیگری فرمود: «فأما ابنتی فاطمه فانها سیده

نساء العالمین من الاولین و الاخرین»^۵ و برترین بانوی اسلام و سیده زنان عالم است. او همسر شهید است و تربیت کننده نسل شهید و خود زن شهیده، واجد کمالات انسانی است و نمونه تربیت محمد (صلی الله علیه و آله) او تنها زنی است که از همان آغاز حیات و تشکّل، بر اساس اصول متعالی اسلام و ارزش‌های اسلامی رشد و پرورش یافته و به درجه‌ای رسیده است که او را در عالم زنان همتائی و در عالم مردان کفوی جز علی (ع) نبوده است. تعبیرات رسول خدا (ص) درباره او تعبیر فرشته‌ای است در صورت انسان «فاطمه خلقت حوریة فی صورة انسیة یا فاطمه، ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین.»^۶ ای فاطمه (س) خدای ترا برگزید و مطهرت گردانید و ترا بر زنان جهان برتری داده و انتخاب کرده است او نه فرشته بلکه فوق فرشته است و حتی فرشتگان در خدمت او بودند. حضرت مهدی عج از فرزندان اوست و این بشارت را پیامبر به او داده بود. «یا فاطمة منا خیر الانبیاء و هو ابوک و منا خیر الاوصیاء و هو بعلک و منا خیر الشهداء و هو حمزة عم ابیک و منها من له جناحان یطیر بهما فی الجنة حیث شاء و هو جعفر ابن عم ابیک و منا سبطا هذه الامة و سید شباب اهل الجنة الحسن و الحسین و هما ابنک و اللذی نفسی بیده منا مهدی هذه الامة و هو من ولدک»^۷ ای فاطمه (س) بهترین پیامبران از ماست و آن پدر تست و بهترین اوصیاء از ماست و آن شوهر تست و بهترین شهیدان از ماست که آن حمزه سیدالشهداء عموی پدر تست و از ما شهیدی است که او را در بهشت دو بال است که به وسیله آن در بهشت هر کجای که بخواهد پرواز می‌کند و آن جعفر پسر عموی پیامبر تست و از ما دو سبط پیامبر این امتند که سید جوانان اهل بهشتند و آن حسن و حسین دو پسر تو هستند و قسم به آن کس که جانم در دست اوست

بعلها و بنوها. در روایتی در ذیل آیه شریفه «ولسوف یعطیک ربک فترضی» آمده است به اذن خداوند حضرت زهرا (س) می‌تواند آن قدر شفاعت کند تا راضی شود.^۸ انشاءالله شفاعت شفیع روز جزا شامل همه ما بشود. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. عیون أخبار الرضا - ترجمه آقاجفی، ج ۱، ص: ۱۶
۲. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ص: ۲
۳. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص: ۲۳
۴. همان
۵. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص: ۲۳
۶. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ص: ۷
۷. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۵، ص: ۲۵
۸. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ص: ۶
۹. همان ص ۱۷۰
۱۰. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص: ۴۴



عبارات متقن و
پر مغز خطبه فدکیه
در باب توحید ذات
اقدس ربوبی و نیز
معرفت و بینش
نسبت به رسول
اکرم (ص) و تبیین
امامت و همچنین
احتجاجات به
قرآن کریم و
بیان علت تشریع
احکام، خود
حکایت از دریای
بی‌کران علم
اوست که متصل
به منبع وحی است



بانوی بانوان

گذری کوتاه بر سبک زندگی فاطمی

حجت الاسلام کاظم دلیری

مدیر پروژه سبک زندگی مرکز اخلاق و تربیت اسلامی

خانه پدر به سر می برد و تاج «ام ابیها» را بر سر داشت و چه آن گاه که در منزل علی (ع) به سر می برد و تاج کفویت علی (ع) را بر سر داشت، خانه داری می کرد. شگفتا که پیش از فاطمه نیز مادرش خدیجه، همسر پیامبر (ص)، که او نیز در زمره چهار زن برگزیده در نزد خداست، خانه داری را برگزید و در بیرون از منزل به دنبال شغل و منصبی نگشت و پس از

خانه داری امری است که امروزه بسیاری از زنان، با بی مهری از کنار آن می گذرند و آن را سبب نقصان و خسران زن می شمارند، و کار در بیرون از منزل را مایه سرافرازی، پیشرفت و کمال او می دانند، از این رو پیوسته از خانه گریزان اند. از سوی دیگر می دانیم که سبک زندگی بانوی بانوان، فاطمه زهرا (س) مبتنی بر خانه داری بود و ایشان، چه آن هنگام که در

سخن از بانویی که حلقه وصل نبوت و امامت، دختر خاتم انبیا، همسر سید اوصیا و مادر دو سرور جوانان اهل بهشت است کار آسانی نیست، اما چنان که گفته اند: آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، از این رو به جرعه ای از این بیکران کوثر بسنده می کنیم و در این نوشتار به برداشتی از سبک زندگی آن بزرگوار می پردازیم.

خانه‌داری با کسب فضائل انسانی منافاتی ندارد و زنان را از کسب فضائل حقیقی انسانی باز نمی‌دارد. برای مثال خطبة فدیة حضرت زهر(س) در مسجد النبی(ص) - که آن را بداهه انشا کردند - سندی محکم بر مقام شامخ علمی ایشان است



دوست و دشمن
به فضائل حضرت
فاطمه زهر(س)،
حضرت
خدیجه(س)
و حضرت
زینب(س)
همچون ایمان
و یقین، علم و
فرزانگی، عبادت
و خداپرستی، زهد
و ساده‌زیستی،
صبر و بردباری،
عفاف و پاکدامنی،
سخت‌و
از خود گذشتگی
ایشان اعتراف و
اذعان دارند، اما
باید پرسید که
آن بزرگواران این
فضائل را در کجا
به دست آوردند؛
در خانه یا بیرون
از آن؟

ضوابط عفاف بود و بس و پیش و پس از آن و حتی در طول سفر نیز آن حضرت پرده‌نشین بود.

۲. بنا بر ضبط تاریخ و حدیث حضرت خدیجه(س)، پیش از ازدواج با پیامبر اکرم(ص) تجارت می‌کرد و بنا بر برخی نقل‌ها از ثروتمندان بزرگ مکه بود، اما نه به این صورت که خود به سیر و سیاحت بپردازد، یا در بیرون از خانه دکان و دکهای باز کند، بلکه افرادی را می‌گماشت تا با سرمایه‌اش تجارت کنند و خود در خانه به سر می‌برد، پس فعالیت اقتصادی زن نیز با خانه‌داری او قابل جمع است. همو زمانی که پیامبر اکرم(ص) در محاصره اقتصادی و سیاسی قرار گرفت، با فداکاری تمام از همه مال خود گذشت و مالش را فدای دین نوپای اسلام کرد.

۳. هر زنی باید پیش از اشتغال در بیرون از خانه پاسخی مناسب به این پرسش داشته باشد که هدف وی از کار در بیرون از منزل چیست؛ آیا به انگیزه کسب کمال واقعی یا حداقل رفع نیاز واقعی است یا به انگیزه حرص بر دنیا، مال‌اندوزی، تفاخر و تکاثر در اموال و القاب است؛ چنان‌که در برخی از روایات آمده است که در دوره آخرالزمان زنان به خاطر حرص بر دنیا با همسرانشان در تجارت مشارکت می‌کنند. و به همین‌سان می‌توان گفت: زنان به خاطر حرص بر دنیا با مردان در سیاست مشارکت می‌کنند و برای حرص بر دنیا در خیابان‌ها به ترح و خودنمایی و بی‌عفتی می‌پردازند.

امید که هر روز بیش از پیش با ابعاد گوناگون زندگی معصومان(ع) آشنا شویم. ❖

ایشان اعتراف و اذعان دارند، اما باید پرسید که آن بزرگواران این فضائل را در کجا به دست آوردند؛ در خانه یا بیرون از آن؟ پاسخ به این پرسش هم روشن است چون بدون شک آنان این فضائل را در خانه به دست آوردند نه در بیرون خانه.

پس خانه‌داری با کسب فضائل انسانی منافاتی ندارد و زنان را از کسب فضائل حقیقی انسانی باز نمی‌دارد. برای مثال خطبة فدیة حضرت زهر(س) در مسجد النبی(ص) - که آن را بداهه انشا کردند - سندی محکم بر مقام شامخ علمی ایشان است و خطابه‌ی غرای حضرت زینب(س) در جمع کوفیان بی‌وفا و محاجة او با فرعون زمان خود، یزید، در دوران اسارت و در کاخ یزید، بر مقام منبع علمی آن حضرت و عقیده و عالمه‌بودن وی شهادت می‌دهد. از سوی دیگر این حرکت‌های بزرگ سیاسی، ماهیت ستمکارانه حکومت‌های وقت را افشا کرد، اما جالب توجه است که آن بزرگواران با این ظرفیت‌های بالای سیاسی و شجاعت و شهامت، هیچ‌گاه به دنبال به‌دست‌گرفتن مناصب رسمی سیاسی و اجتماعی نبودند و این حرکت‌های خود را در ضمن خانه‌داری و پرده‌نشینی خود انجام دادند.

حضرت زینب(س) در قیام خونین کربلا به خواست برادرش امام حسین(ع) او را همراهی کرد و پس از شهادت او نیز تا کوفه و شام سفر پر محنت اسارت را به جان خرید و مظلومیت و غربت امام حسین(ع) را در کوفه بی‌وفا و شام بلا فریاد کرد، اما این حرکت سیاسی تنها در قالب انجام تکلیف شرعی و با رعایت همه اصول و

فاطمه نیز دخترش زینب، قهرمان کربلا، بسان مادر و مادر بزرگ خود، خانه‌داری را اختیار کرد و در بیرون از منزل در جستجوی شغل و منصبی نبود.

اما سر این‌که بانوان برگزیده، با آن‌که همه در خانه بزرگ‌ترین شخصیت‌های اجتماعی عصر خود بودند و می‌توانستند پله‌های ترقی را به آسانی و در اندک زمانی طی کنند، اما خانه‌نشینی را برگزیدند و در بیرون از خانه در تکاپوی شغل و مقامی برنیامدند چه بود؟ آیا این سبک زندگی آنان از سر غفلت و بی‌توجهی بود یا از روی عمد و دانایی؟! آیا فضیلت و کمالی برای بانوان هست که حضرت فاطمه(س) و مادر و دختر او آن را فرو گذاشتند و زنان امروز در جستجوی آند؟! آیا آن سبک زندگی، ویژه آن دوران بود و به سبب تغییر زمانه، عصر ما دیگر خانه‌داری بانوان را بر نمی‌تابد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که هر زن شیعه باید پاسخ مناسبی برای آن‌ها داشته باشد تا در انتخاب سبک زندگی خود موفق باشد.

در این نوشتار در صدد پاسخ تفصیلی به این پرسش‌ها نیستیم، اما با اشاراتی گذرا می‌کوشیم خوانندگان محترم را به تفکر و مطالعه بیشتر در این موضوع مهم واداریم.

۱. بدون شک دوست و دشمن به فضائل حضرت فاطمه زهر(س)، حضرت خدیجه(س) و حضرت زینب(س) همچون ایمان و یقین، علم و فرزانگی، عبادت و خداپرستی، زهد و ساده‌زیستی، صبر و بردباری، عفاف و پاکدامنی، سخت‌و و از خود گذشتگی



حضرت فاطمه زهرا (س) به مقام والایی دست یافته بود که بر اساس دیدگاه شیعه - که برگرفته از آیه تطهیر است - دارای مقام عصمت بود. پیامبر اکرم (ص) پس از نزول آیه تطهیر به مدت شش ماه هر روز هنگام رفتن به مسجد برای نماز صبح، در برابر خانه فاطمه (س) می‌ایستاد و آیه تطهیر را تلاوت می‌کرد و با خطاب اهل بیت، به اعضای آن خانواده سلام می‌داد و آنان را به نماز فرا می‌خواند.

سلام علیها

حضرت فاطمه تمام حقیقت انسان بود

جایگاه معنوی و فضایل فاطمه زهرا (س)
از نگاه امام خمینی (ره)

سید علی هاشمی



محقق مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم

از نگاه امام خمینی حضرت زهراء (س) افتخار خاندان وحی است و چون خورشید بر تارک اسلام می‌درخشد و تاکنون هیچ‌کس از عهده شناخت و معرفی ایشان برنیامده است. امام خمینی خود را از شناخت و معرفی ایشان قاصر دانسته و سخن گفتن درباره فاطمه (س) را تنها یادی از ایشان می‌داند، و معتقد است احادیثی که درباره شأن و مقام فاطمه (س) آمده، به مقدار فهم مستمعان بوده است. و دیگران نیز از عهده ستایش او بر نیامده و هر چه درباره او گفته‌اند به مقدار فهم خودشان بوده است، نه به اندازه مرتبت ایشان.

امام خمینی با تفکیک حکومت و قضاوت از مقامات معنوی و ولایت و خلافت تکوینی - که به موجب آن جمیع ذرات در برابر «ولایت امر» خاضعند - می‌گوید این جزء اصول مذهب ماست که

امام خمینی (ره) درباره مقامات معنوی فاطمه (س) معتقد است، تمام ابعادی که برای انسان وزن متصور است در آن بانوی بزرگوار جلوه کرده بود و ایشان تمام حقیقت انسان بود و همه معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی در ایشان وجود داشت

ایشان ذکر کرده‌اند - با این که آن‌ها هم فضایل بزرگی است - بالاتر می‌باشد.

از فضایل فاطمه (س)، تسبیح ایشان است که روایات در فضیلت آن بسیار است. طبق گزارش برخی روایات، کار سخت و طاقت‌فرسای خانه، موجب زحمت و مشقت فراوان فاطمه (س) شده، از شدت آن، بسیار رنجور شده بود. با پیشنهاد علی (ع) و موافقت فاطمه (س) بنا شد از پیامبر (ص) خدمتگزاری درخواست کنند. پیامبر اکرم (ص) در برابر این خواسته، پیشنهاد نمود تا چیزی به ایشان بیاموزد که بهتر از خدمتکار است و سپس تسبیحی به ایشان آموخت که به تسبیح فاطمه معروف است. امام خمینی تسبیحات فاطمه (س) را در تعقیبات نماز برتر از دیگر تعقیبات می‌داند. این تسبیحات عبارت است از ۳۴ بار الله اکبر ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله.

از سوی دیگر، فتوای فقهی امام خمینی این است که بنابر احتیاط، کسی که وضو ندارد حرام است اسم مبارک پیغمبر و ائمه و فاطمه (س) را مس کند (امام خمینی، رساله توضیح المسائل، ۴۸). اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان ایشان به عمد نسبت دروغ بدهد اگرچه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که فاطمه (س) و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند (همان، ۲۴۴). امام در فتوای فقهی‌شان، سب کننده به فاطمه (س) را همانند سب کننده به پیامبر اکرم و ائمه می‌داند که حکم آن قتل است (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۵۰۲/۲)؛

بر همین اساس، در واکنش به مصاحبه پخش شده در صدای جمهوری اسلامی که الگو بودن فاطمه (س) را زیر سؤال می‌برد، اظهار داشت فردی که این مطلب را پخش کرده تعزیر و اخراج می‌گردد، و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. تکرار چنین کاری تنبیه، توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما را در پی خواهد داشت. البته ایشان اقدام در این زمینه را به قوه قضاییه محول نمود. امام در عزاداری برای فاطمه (س) اهتمام می‌ورزید و در مدت اقامت در نجف اشرف، به مناسبت شهادت فاطمه (س) سه شب در منزلشان ذکر مصیبت برقرار بود. ❖

ائمه (ع) ولایت تکوینی دارند، و از ضروریات مذهب ماست که کسی به مقامات معنوی ائمه نمی‌رسد. طبق روایات، این مقامات معنوی و ولایت تکوینی برای فاطمه (س) نیز هست (امام خمینی، ولایت فقیه، ۵۳-۵۴).

انسان کامل به جهت آن که مظهر همه اسماء و صفات الهی است، تجلیگاه همه کمالاتی است که برای انسان متصور است. فاطمه (س) از مصادیق بارز انسان کامل است. از این‌رو، امام خمینی (ره) درباره مقامات معنوی فاطمه (س) معتقد است، تمام ابعادی که برای انسان و زن متصور است در آن بانوی بزرگوار جلوه کرده بود و ایشان تمام حقیقت انسان بود و همه معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی در ایشان وجود داشت. امام خمینی فاطمه (س) را موجودی روحانی، ملکوتی و الهی جبروتی می‌داند که در صورت یک زن ظاهر شده و تمام هویت انسانی در او جلوه‌گر بود و همه ویژگی‌های پیامبران را دارا بود و اگر مرد بود به جای رسول الله قرار می‌گرفت. وی همچنین براساس روایتی از امام هفتم، موسی بن جعفر (ع)، شب قدر را به فاطمه (س) تفسیر می‌کند (امام خمینی، آداب الصلاة، ۳۲۹-۳۳۰). امام خمینی فاطمه (س) را از معجزات تاریخ و مایه افتخار هستی و افتخار خاندان وحی می‌شمارد که چون خورشیدی بر تارک اسلام می‌درخشد و فضایل او هم‌طراز فضایل بی‌نهایت پیغمبر اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت است؛ از این‌رو، همانند رسول اکرم و ائمه، قبل از این عالم، نوری در ظل عرش بوده است.

مقام علمی فاطمه (س) به گونه‌ای بود که در زمان پیامبر اکرم (ص) مرجع زنان مدینه در احکام دینی بود. از عمار یاسر نقل شده است که فاطمه (س) از آن چه بوده و هست و آن چه تا روز قیامت خواهد بود، آگاه است. امام خمینی در معرفی فاطمه (س) روایتی را که کلینی نقل کرده بازگو می‌کند و می‌گوید طبق این روایت، که سند آن نیز در نگاه وی معتبر است، در مدت ۷۵ روزی که فاطمه (س) پس از رحلت پیامبر (ص) زنده بود و حزن شدیدی داشت، جبرئیل امین خدمت ایشان می‌آمد، با ایشان مراوده داشت و ضمن تعزیت به ایشان، مسائلی را که در آینده رخ خواهد داد، به ایشان خبر می‌داد و ایشان آن‌ها را برای علی (ع) بازگو کرده، او می‌نوشت؛ بنابراین، همان گونه که علی (ع) کاتب وحی پیامبر بود، کاتب فاطمه (س) هم بود (صحیفه امام، ۵/۲۰). به نظر امام خمینی مراوده و نزول جبرئیل بر فاطمه (س) بالاترین شرافت و فضیلت ایشان است؛ زیرا جبرئیل، روح اعظم، بر غیر از طبقه اول از انبیای عظام، مانند رسول خدا، موسی، عیسی و ابراهیم، بر دیگری نازل نمی‌شود. استدلال دیگر امام خمینی این است که باید میان جبرئیل و کسی که بر او نازل می‌شود تناسب باشد، و فرقی نمی‌کند که تنزل جبرئیل به واسطه روح اعظم ولّی خدا باشد و یا خداوند او را مأمور به نزول کند. به نظر امام خمینی نزول جبرئیل امین بر فاطمه (س) شرافت و فضیلتی است که از همه فضایلی که برای

ندای رسای ستم‌ستیزی

مشی و سیره سیاسی حضرت زهرا
الهی و وحیانی است

سید کرم حسین حسینی
مدرس حوزه

ماندگاری و تداوم هر پدیده، رابطه تنگاتنگی با مبانی و رویکردهای آن دارد. هر اندازه پایه‌های این مبانی استوارتر باشد، مانایی و تأثیرگذاری آن بیشتر خواهد بود. دیدگاه‌ها و رویکردهای سیاسی افراد هم از همین زاویه قابل ارزیابی است. هر چند افق و زاویه نگاه افراد در مسائل سیاسی، جامع‌تر باشد، جاودانگی آن بیشتر خواهد بود.

بی‌تردید بشر امروزی به این تجربه گرانبها رسیده است که رفتارهای سیاسی هم مانند سایر مقوله‌های حیات فردی و اجتماعی، اگر تنها از دریچه دنیایی و با نگاهی مادی‌نگر دیده شوند، کاربرد آن موقت و متزلزل و تنها در محدوده دنیا خواهد بود. اما اگر ماورای ماده و زندگی روزمره دنیوی دیده شود، چشم‌انداز و نقطه هدف آن بلندتر و محدوده آن وسیع‌تر خواهد بود و این مهم تنها زمانی محقق خواهد شد که یک فرد سیاسی، پدیده‌های اجتماعی و مسائل سیاسی را از دریچه وحیانی و دینی بنگرد و به ورای زندگی مادی توجه داشته باشد. و این همان نگاه ژرف و الهی است که زهرای اطهر (س) به سیاست داشت؛ همان سیاستی که عین دیانت ماست. اگر این جامع‌نگری به عنوان یک متد و الگوی سیاسی، در رفتار سیاسی زهرا (س) وجود نداشت، اکنون و بعد از هزار و چهارصد و اندی سال، ما نمی‌توانستیم با الهام از آن، از حقانیت امیرالمؤمنین علی (ع) دفاع کنیم.

زمان‌شناسی و شکست سکوت

حضرت زهرا فضای سیاسی عصر خود را به درستی شناخت و متناسب با آن واکنش و عکس‌العمل نشان داد. او نه تنها در مواجهه با فضای سیاسی حاکم بر آن جامعه جزو ساکتین و محافظه‌کاران نبود، بلکه به موقع و بجا سکوت مرگباری که با رعب و سرکوب بر اجتماع مسلمانان سایه افکنده بود را شکست و زبان به سخن و دفاع همه‌جانبه از امام و ولی زمانش گشود و خطبه‌ای خواند تا در طول تاریخ، سندی بر رسوایی کسانی باشد که سفارشات روشن پیامبر اکرم (ص) درباره خلافت بلافصل امام علی (ع) را به فراموشی سپرده و خود قرائتی دیگر



فاطمه(س) نمونه زن سیاستمداری است که نه تنها زندگی خود را فدای ولی زمانش می کند، بلکه از بدن بی جان و جنازه اش هم سپری برای دفاع از حریم امامت و ولایت می سازد. وصیت نامه ای الهی سیاسی از خود به یادگار می گذارد تا در طول تاریخ باندایی رستم های زمانه را به گوش آیندگان برساند و زبان گویای حق طلبی و حقیقت جویی باشد

ظلم ستیزی و پرورش فرزندان

فرج الله میرعرب

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

توجه به فرزندان و استفاده از نکات تربیتی - اخلاقی در سنن مختلف کودکان، شیوه فاطمه(س) است. گاه حسن و حسین علیهما السلام را به پدر می سپرد تا محبت و علاقه پدری در عمق جان کودکان راه یابد و خود به کارهای خانه می پرداخت، گاهی به الگوپذیری کودکان و نوجوانان توجه می نمود و فرزندان خود را به شباهت داشتن به پدر و جدشان دعوت می کرد و زمانی به شکوفایی استعدادهای درونی فرزندان و ایجاد رقابت برای کسب موفقیت و برتری در مسابقاتی مانند خوشنویسی و خطاطی می پرداخت. اما هیچگاه از

آن بانوی حکیم و دانشمند در تمامی این مراحل جرعه های معرفت، محبت الهی، عشق و اشتیاق بندگی را در وجود کودکان به جریان می انداخت تا در آینده زندگی هیچ گاه از دشواری مراحل اطاعت و سختی حوادث هراسان نشده، رضایت خداوند را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و تنها به او فکر کنند و از او مدد بجویند.

حضرت فاطمه(س) از همان دوران کودکی با فرزندان همبازی می شد و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک قرار می گیرد، بنابراین باید از الفاظ و جملات مناسبی استفاده کرد.

یکی از موضوعات مهمی که در سیره عملی آن حضرت مشهود است ظلم ستیزی است. ایشان همواره در تربیت فرزندان گرمی شان نیز بر تقویت روحیه ظلم ستیزی و حق طلبی تاکید داشتند. در احوالات آن حضرت نقل شده است که با فرزندش امام حسن مجتبی(ع) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود:

اشبه اباک یا حسن

واخلع عن الحق الرسن

واعبد الها ذامنن

ولاتوال ذا الاحن

پسرم حسن، مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از گردن حق بر کن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن.

به خاطر همین نقش خطیر امام خمینی(قده) در مورد مقام مادری می فرمود:

«هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است. دامن مادر بزرگ ترین مدرسه ای است که بچه در آن جا تربیت می شود.»

از خلافت و وصایت به مردم ارائه کردند. او نه تنها سکوت را شکست، بلکه در رفتاری شجاعانه، علیه دشمن دست به اقدامی عملی زد و تا پای جان از ولایت دفاع کرد تا اولین شهیده راه ولایت لقب گیرد. از این رو مشی سیاسی فاطمه(س) مشی ای آگاهانه، همراه با بینش و بصیرت، اندیشیده و حساب شده، گزینش شده و مبتنی بر ایمان و عقیده بود.

زهرای اطهر برای احقاق حق پا به میدان مبارزه سیاسی الهی گذاشت که در اثر بی بصیرتی جامعه دینی آن زمان، از بین رفته بود. در یک کلام می توان گفت: زهرای اطهر، الگو و نمونه ای است، از سیاستمداری که همواره منش سیاسی وی با نگاه تیزبین بصیرتش توأم و عجین شده بود.

روشنگری و موضع گیری

او در این روش سیاسی و الهی خود، با استقامت به پیش رفت و در این مسیر، باکی از کتک خوردن، آتش گرفتن خانه و فدا کردن جنینش نداشت. برای او هدف الهی مهم است و این که به هر قیمتی، در دفاع از هدف باید ایستاد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ، پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده اند (باید استقامت کنند)»

فاطمه(س) نمونه زن سیاستمداری است که نه تنها زندگی خود را فدای ولی زمانش می کند، بلکه از بدن بی جان و جنازه اش هم سپری برای دفاع از حریم امامت و ولایت می سازد. وصیت نامه ای الهی سیاسی از خود به یادگار می گذارد تا در طول تاریخ باندایی رستم های زمانه را به گوش آیندگان برساند و زبان گویای حق طلبی و حقیقت جویی باشد. خطاب به امامش عرض می کند: «مرا شب غسل بده، شب کفن و دفن کن، شب بر جنازه ام نماز بگذار و اجازه نده اشخاصی که حقم را غصب کردند و اذیت و آزارم نمودند، بر من نماز بخوانند یا در تشییع جنازه ام حاضر شوند.» علی(ع) هم بر طبق وصیت زهرا شبانه دفنش کرد و قبرش را با زمین هموار ساخت و صورت چهل قبر تازه درست کرد مبادا قبرش شناخته شود.

او که زمانی در این مدینه عزیز کرده رسول خدا بود، مورد احترام مردم بود و پیامبر درباره اش سفارش ها به مردم کرد. آن جایی که فرمود: «فاطمه(س) پاره تن من است، هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است.» و فرمود: «فاطمه(س) یکی از زن هایی است که بهشت مشتاق دیدار آن هاست.» و فرمود: «اگر فاطمه غضب کند خدا غضب می کند.» اکنون باید قبرش مخفی بماند تا سندی بر مظلومیت ابدی خود در تاریخ باقی بگذارد.

بنابر این، سیره سیاسی زهرای اطهر(س) دارای دو شاخص و عنصر اساسی است؛ یکی عنصر بصیرت و بینش سیاسی در عرصه جریان های اجتماعی و دیگری، اقدام عملی اعم از روشنگری های زبانی و موضع گیری های رفتاری در مقاطع حساس سیاسی و دوری گزینی از احتیاط کاری های بی جا، گوشه گیری و سکوت مخرب و شکننده.

۱. سبک چیست و چه ضرورتی در زندگی دارد؟ سبک، متدی است که هر فردی در عمل و در روش برای مقاصد خود به کار می‌برد. بنابراین می‌توان گفت که سبک با واژه‌هایی همچون شیوه، سیره، اسلوب، متد و روش، مترادف است و انواعی دارد: الف) سبک در اندیشه و تفکر (مثلاً سبک متکلمین، سبک حکما و فلاسفه)

۲. سبک در عمل و رفتار؛ رفتارها نیز سبک‌های مختلفی دارند. معمولاً کسانی که در زندگی صاحب سبک هستند، انسان‌های موفق هستند یا حداقل می‌توانند زندگی‌شان را بر مبنای سبکشان به نقد بگذارند.

حال که با معنا و جایگاه سبک آشنا شدیم، آیا می‌شود اظهار داشت که حضرت فاطمه (س) دارای سبک و اسلوب بوده است؟ و آیا آن سبک مخصوص به خود اوست یا این که دیگران نیز می‌توانند آن را داشته باشند؟

۳. آیا برای سبک‌گزینی می‌توان جای پای سبک فاطمه زهرا (س)، انسانی که تمام نسخه انسانیت است گذاشت؟ چون تمام ابعادی که برای زن و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا (س) جلوه کرده است. (او) یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ او که یک موجود الهی جبروتی و به صورت یک زن ظاهر شده است، معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. 'آیا می‌توان بر اساس سیره و سبک او زندگی کرد؟ می‌شود گفت «آری و نه»، اما نه، بدین جهت که صدیقه طاهره از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی، با

قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله (ص) مراحل را طی

نسخه انسانیت

عینیت بخشیدن زندگی با عبادت در سبک زندگی فاطمه

مؤلف: رضا عیسی‌نیا



رضا عیسی‌نیا

عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



کرده تا رسیده به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است. او زنی است که فضایل او هم‌طور از فضایل بی‌نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود.^۲

به خاطر برخی از فضایل خاص آن بانوی یکتای عالم است که امام خمینی این گونه می‌گوید:

«او کسی است که جبرئیل بر او نازل شده است. مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می‌آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است. حتی درباره ائمه هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد، این‌طور که جبرئیل بر آن‌ها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا(س) است و علی(ع) کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز بوده است»^۳

اما در پاسخ به سؤال فوق، از سویی نیز می‌شود گفت بله، چون فاطمه نیز برای زندگی کردن اهداف و مقاصدی را دنبال می‌کند، او مثل همه مردم دیگر زندگی خانوادگی داشت، فرزندان داشت، شوهر داشت، فلذا برای تحقق آن اهداف نیازمند اتخاذ سبک است؛ سبک فاطمه یعنی سبکی که فاطمه در عمل و در روش برای مقاصد خود به کار می‌برد. بنابراین باید دید سبک فاطمه در شوهرداری چگونه بود؟ او در فرزندداری، صاحب چه سبکی است؟ سبک زندگی‌اش چگونه بود؟ برای نمونه می‌توان به سبک زندگی‌اش اشاره داشت. درباره سبک زندگی و سادگی زندگی‌اش گفته‌اند: به حسب نقل - یک پوست داشتند که شب حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) رویش می‌خوابیدند، و روزی همین پوست علوفه شتر را می‌ریختند. البته هیچ کس قدرت ندارد مثل او باشد، اما ما می‌خواهیم کمی به ایشان نزدیک شویم. براساس این منطق و سبک زندگی است که امام خمینی بعد از این که اعلام می‌کند، دسترسی به سبک زندگی آنان در قدرت ما نیست، ولی نباید ناامید شد و برای نزدیک شدن باید تلاش کرد، فلذا در ادامه سخنانش می‌گویند «آنی که ما می‌خواهیم این است که براساس سبک آن‌ها یک بویی از اسلام بیاید در ایران»^۴ حال که تلاش داریم به سبک زندگی بزرگ بانوی اسلام نزدیک و وارد شویم، سؤال سوم را مطرح می‌کنیم.

۴. سبک زندگی فردی و اجتماعی حضرت زهرا(س) چه بود؟

سبک زندگی او برآمده از اعتقاد به اصول پنج‌گانه و تسری دادن آن در زندگی فردی و اجتماعی بود؛ یعنی اصل توحید را فقط در اندیشه نمی‌گذرانند، ایشان اصل توحید را نه فقط به عنوان یک شعار، بلکه به مثابه زندگی فردی و اجتماعی پذیرفته بود؛ چرا که می‌فرماید: «هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای

او تقدیر می‌نماید.»^۵ ایشان براساس این اعتقاد رفتار می‌کردند و اصل امامت نیز زندگی‌شان بود؛ همچنان که در راه امامت تحقیر شدند، سیلی خوردند، صدمه دیدند و در نهایت شهادت را در

راه حفظ امامت پذیرفتند. این فاطمه بود که در روز دهم، خطبه‌اش را درباره سقیفه بیان داشت، او گفت در جریان سقیفه وقتی ابوبکر ساعتی که از سقیفه بیرون آمد و «عمر پیشاپیش او به هروله می‌رفت، و چنان فریاد می‌کشید که بر گوشه‌های لب او، کف برآمده بود.» و یارانش «به لباس اهل صنعان بودند، و بر کسی نمی‌گذشتند مگر این که او را می‌زدند، و پیش می‌انداختند، و دستش را می‌کشیدند و به دست ابوبکر می‌رساندند، و خواه ناخواه از او بیعت می‌گرفتند.»^۶ در مقابل چنین جریانی که آمده بود امامت را به حاشیه و نابودی بکشانند او قیام کرد. زهرا(س) اولین کسی است که وجود تشکیلات و زد و بندهای حزبی گروه حاکم را بر ملا ساخت، و آن‌ها را به توطئه‌ای سیاسی متهم کرد. سبک فاطمه در حمایت از شوهر و امامش، سبک خداترسی و حقانیت بود، چون خطبه‌ای که زهرا(ع) در مسجد نبی(ص) رویاروی خلیفه، و در حضور جمعیت انبوهی از مهاجر و انصار ایراد فرمود، بیشتر سخن در مدح علی، ستایش موضع‌گیری‌های اسلامی و جاودانه اوست، و اثبات حق اهل بیت رسول(ص)، آن‌جا که می‌فرماید:

«آن‌ها وسیله رسیدن انسان‌ها به خداوند، و خاصان و پاکان اویند، و گواهان غیب الهی، و میراث‌بران خلافت و حکومت پیامبرانند.» چون فاطمه درباره علی(ع) بر این باور است که «او پیشوایی الهی و ربانی است، تجسم نور و روشنائی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان است، گوینده‌ای حق‌گو و هدایت‌گر است، او مرکز و محور امامت و رهبری است.»^۷

در ادامه باید اعلام داشت که ویژگی سبک دادخواهی او هیچ‌گونه به مطالبه زمین و خانه ارتباطی ندارد، بلکه از دید زهرا(ع) مسئله، مسئله اسلام، کفر، ایمان و نفاق است، فلذا می‌فرماید: «چگونه رهبری امت را از پایگاه رسالت و قواعد استوار نبوت، و مهبط روح‌الامین دور ساختند، و آن را از دست آگاهان دنیا و دین باز گرفتند؟ باید بدانند که این کار زبانی آشکار است، اما چرا با ابوالحسن به دشمنی برخاستند؟ به خدا سوگند، تنها علتی که باعث این دشمنی شد، قدرت شمشیر او در جهاد، سخت‌گیری و شدت عمل او در برابر حق، یورش عبرت‌آموز او به جای دشمنان و گستاخی و بی‌پروایی او در راه خدا بود. به خدا اگر مانع نمی‌شدند تا زمامی را که رسول خدا(ص) به پیش دست علی(ع) انداخته بود بردارد، آن را در دست امامت می‌گرفت، و کاروان امت را چنان عادلانه و بزرگوارانه پیش می‌برد که در این کاروان، نه مر کب رنجی



زهرا(س) اولین کسی است که وجود تشکیلات و زد و بندهای حزبی گروه حاکم را بر ملا ساخت، و آن‌ها را به توطئه‌ای سیاسی متهم کرد. سبک فاطمه در حمایت از شوهر و امامش، سبک خداترسی و حقانیت بود

اسلام عبادت را برای زندگی می‌خواهد و نباید زندگی به خاطر عبادت محدود شود. در عین حال اسلام می‌کوشد تا در تمام فعالیت‌ها و حرکت‌های انسان صالح، روح عبادت را زنده کند، ولی نه به معنای باز داشتن از فعالیت‌های مختلف نشاط بخش زندگی و محدود کردن عبادت بین دیوارهای معبد، بلکه به این معنی که همه نشاط‌های حیاتی را به عبادت برگرداند

بدن انسان یک نوع تناقض درونی وجود دارد؛ هیچ‌گاه ممکن نیست یکی از این دو طرف به تکامل خود برسد، مگر وقتی که طرف دیگر کوبیده شود. بنابراین برای این که انسان به رشد و تربیت لازم خود دست یابد، باید بدن از طبیعت و تنعم زندگی محروم گردد، و در میدان زندگی باید خود را از آن‌ها به کلی برحذر دارد تا در نبردی دائم در مقابل امیال جسمی، تمایلات و علائق مادی، در زمینه‌های مختلف زندگی پیروز شود. باید بتواند از راه خویش شدن داری مستمر در مقابل امیال و تحمل محرومیت پایدار از شهوات، و تکرار عبادت‌های محدود، روان خود را در این نبرد بر دشمن تن چیره سازد.

اما سبک فاطمه این را نیز مردود می‌شمارد زیرا اسلام عبادت را برای زندگی می‌خواهد و نباید زندگی به خاطر عبادت محدود شود. در عین حال اسلام می‌کوشد تا در تمام فعالیت‌ها و حرکت‌های انسان صالح، روح عبادت را زنده کند، ولی نه به معنای باز داشتن از فعالیت‌های مختلف نشاط بخش زندگی و محدود کردن عبادت بین دیوارهای معبد، بلکه به این معنی که همه نشاط‌های حیاتی را به عبادت برگرداند. مسجد، پایگاهی برای انسان صالح است تا رفتار روزانه‌اش را از آن جا تنظیم و کنترل کند، نه این که حرکت و بسیج او را محدود سازد^۱.

خلاصه کلام این که سبک حضرت فاطمه (س) در زندگی، عینی سازی سه مرحله بود؛ یعنی فهم دین اسلام یا فهم احکام اسلامی، سپس ترویج آن یا مهیاسازی و بسترسازی آن و نهایت اجرایی کردن و پیاده سازی اسلام و احکام الهی بر اساس کتاب و سنت در همه لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی.

انشاءالله ما هم بتوانیم گام‌هایی را بر مدار و محور سبک آن بانوی بزرگ و بزرگوار برداریم. ♦

پی‌نوشت‌ها:

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷
۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷۴
۳. برداشت از سخنان امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۶
۴. برداشت از کلام امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۰
۵. قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَلَصَ عِبَادَتِهِ، اهْبِطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ. ر.ک. بحار الانوار: ج ۶۷، ص ۲۴۹، ج ۲۵
۶. سید محمد باقر صدر، فکد در تاریخ، انتشارات روزبه با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۳۱ به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۱ ص ۷۴.
۷. قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: وَهُوَ أَلَا مَا مِ الْرَبَّانِي، وَالْهَيْكَلُ التَّوْرَانِي، قُطِبُ الْأَقْطَابِ، وَسَلَالَةُ الْأَطْيَافِ، التَّاطِقُ بِالْأَصْوَابِ، نَقْطَةُ دَائِرَةِ الْأَمَامَةِ. ر.ک. رباحین الشریعة: ج ۱، ص ۹۳.
۸. سید محمد باقر صدر، فکد در تاریخ، انتشارات روزبه با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰، ص ۵۷-۶۱
۹. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۴/۳۶۴، ابن طاووس، اللهوف، ۲۸.
۱۰. برداشت از، سید محمد باقر صدر، کلیاتی پیرامون عبادات اسلامی، تهران، روزبه با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی ۱۳۵۹، ص ۳۳-۳۱

ببیند و نه راکب اضطرابی یابد. و آنان را به آبخوری می‌رساند که چشمه زلال و نوشین آن، پیوسته به گوارایی بجوشد و چنان سیراب بازیشان می‌گرداند که عقل به حیرت ماند.^۸ برای مبارزه در مقابل جریان سقیفه، فاطمه (ع) به خانه‌های انصار رفته از آنان یاری می‌طلبد و آنان را به یاری امیرالمؤمنین (ع) فرا می‌خواند، لیکن آنان در جواب می‌گفتند: ای دختر رسول خدا! کار بیعت با این مردم اتمام یافته است، چنانچه پسرعمویت زودتر از ابوبکر از ما بیعت می‌خواست، به یقین کسی را با او برابر نمی‌کردیم و جز او را نمی‌پذیرفتیم. علی (ع) پاسخ می‌داد: شگفتا انتظار داشتید جنازه رسول خدا (ص) را بدون انجام کفن و دفن میان خانه بگذارم و برای به دست آوردن حکومتی که از پیامبر (ص) به جا مانده بود، به نزاع و کشمکش بپردازم؟ فاطمه (ع) نیز می‌گفت: ابوالحسن آنچه سزاوار بود عمل کرد و وظیفه خود را انجام داد. آنان نیز کاری کردند که خدا از آنان بازخواست خواهد کرد.^۹ هدف دخت نبی اکرم در دفاع از علی (ع) نه به عنوان امری شخصی، بلکه فقط برای احیای ارزش‌های فراموش شده اسلام و آرمان‌های بلند رسالت و قرآن و اهداف نورانی ولایت و ایمان بود.

مسئله دیگر در سبک زندگی حضرت فاطمه (س)، گره‌گشایی وضعیت پارادوکسیکالی (وضعیت ناسازگونه) ذلت و تواضع است، چون سبک زندگی ایشان بر مبنای تواضع و فروتنی است؛ در عین حال که تواضع دارد، تن به خواری نمی‌دهد. او سبک فکری‌اش این نیست که من از دیگری برترم، فلذا وقتی غذای خود را، لباس عروس خود را و یا مال خود را به دیگران هدیه می‌کند، زیبایی سبک فاطمه (س) دو چندان و ممتاز می‌شود، چرا که سبک فاطمه (س)، عینیت بخشیدن زندگی با عبادت است، سبک زندگی حضرت فاطمه (س)، جدا ساختن عبادت از زندگی و گرایش به انحصار زندگی در چار چوب تنگ عبادت نیست. چون عده‌ای می‌خواهند با جدا ساختن عبادت از زندگی، عبادت را به جاهای معین محدود کنند، به مکان‌هایی که فقط در آن جاها عبادت انجام دهند و خدا را در حصر دیر و کلیسا و مسجد عبادت کنند، و چون از آن جاها بیرون رفتند، به دیگر زمینه‌های زندگی پرداخته، از عبادت دست بردارند و به امور دنیا بپردازند.

اما در سبک فاطمه (س) دوگانگی و جدانگاری بین عبادت و فعالیت‌های مختلف زندگی وجود ندارد، فلذا عبادتش مانع حرکت متعالی در زندگی عملی‌اش نمی‌شود. در سبک او، انسان عبادات را فقط به خاطر تشریفاتش انجام نمی‌دهد، بلکه مقصود از عبادات، ساختن انسان صالح و کاملی است که بتواند از خودگذشتگی کند و با گذشت از خود، نقش بزرگ‌تری در راه تکاملش ایفا کند و این مقصود حاصل نمی‌شود مگر زمانی که روح عبادت تدریجاً به همه شئون زندگی دمیده شود. از سوی دیگر نیز عده‌ای زندگی را در چار چوب تنگ عبادت محدود می‌سازند. این بینش می‌خواهد انسان را در مسجد حبس کند. این بینش معتقد است بین روح و



سبک زندگی

حضرت فاطمه (س)، جدا ساختن عبادت از زندگی و گرایش به انحصار زندگی در چار چوب تنگ عبادات نیست. چون عده‌ای می‌خواهند با جدا ساختن عبادت از زندگی، عبادت را به جاهای معین محدود کنند، به مکان‌هایی که فقط در آن جاها عبادت انجام دهند و خدا را در حصر دیر و کلیسا و مسجد عبادت کنند، و چون از آن جاها بیرون رفتند، به دیگر زمینه‌های زندگی پرداخته، از عبادت دست بردارند و به امور دنیا بپردازند



اشرافی‌گری و بی‌توجهی به
مستضعفان، ارتجاع و حرکات
ضدانقلابی است
خدمت؛ میوه شیرین انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی:

اشرافی‌گری و بی‌توجهی به مستضعفان ارتجاع و حرکات ضدانقلابی است



رهبر انقلاب اسلامی در ادامه، قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ را سرنوشت‌ساز و تاریخ‌آفرین خواندند و خاطرنشان کردند: اگر این قیام پر عظمت نبود، به احتمال زیاد حادثه ۱۹ دی قم فراموش و مسیر تاریخ کشور عوض می‌شد، بنابراین تبریزی‌ها با قیام و فهم درست و اقدام به موقع توانستند حرکت عظیمی را به وجود آورند که آن حرکت به ۲۲ بهمن ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی منتهی شد.

مقطع کنونی» و «آینده انقلاب» بیان کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای این دیدار با اشاره به تقارن این ایام با شهادت حضرت فاطمه‌زهرا(س)، مقام والای آن بانوی بزرگ را به عنوان برترین زنان اهل بهشت مورد توافق همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی دانستند و گفتند: درس آن بانوی دو عالم به همه مسلمانان، درس شجاعت، فداکاری و معرفت‌آموزی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، صبح روز یکشنبه ۲۹ بهمن، در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم متدین و انقلابی تبریز، درک عمیق و انقلابی ملت در تفکیک میان «انقلاب و نظام» با «عملکرد تشکیلات و دستگاه‌های مختلف» را از علل اصلی حضور متفاوت و تحسین‌برانگیز مردم در راهپیمایی سراسری ۲۲ بهمن امسال خواندند و سخنان مهمی در چهار محور «انقلاب و کارکرد اصلی آن»، «آسیب‌شناسی انقلاب»، «اولویت‌های



رهبر انقلاب
اسلامی، انتخابات
و رأی مردم در
تعیین مستقیم یا
غیر مستقیم رهبری،
رئیس جمهور و
سایر مسئولان
را تنها بخشی از
مردم سالاری
دانستند و گفتند:
مردم سالاری
یعنی «مردم رادر
همه امور زندگی
صاحب رأی و
تدبیر و تصمیم قرار
دادن» و این درست
در نقطه مقابل
هیچ کاره بودن
مردم و استبداد
مطلق سلاطین
و طواغیت در
قرن‌های متمادی
قبل از انقلاب است

با شخص حقیر با چند مسئول دولتی دشمن باشند، زیرا همه کارهایی که آنان را به خشم و غضب وامی دارد، کار ملت ایران است.

ایشان پیشرفت کشور را نتیجه مردم سالاری دینی خواندند و با اشاره به نامگذاری دهه چهارم انقلاب به نام «دهه پیشرفت و عدالت» خاطر نشان کردند: پیشرفت در عرصه‌های مختلف به معنای واقعی کلمه رخ داده، اما در زمینه «عدالت» اقرار می‌کنیم که عقب مانده‌ایم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت عذرخواهی از خداوند و مردم به خاطر عقب افتادن در زمینه عدالت افزودند: ان شاء الله با همت مسئولان و مردان و زنان کارآمد و مؤمن در این زمینه نیز پیشرفت خواهیم کرد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: پیشرفت یعنی یک ملت با اتکا به تصمیم، اراده، دانش و ظرفیت خود، به صفوف مقدم برسد که این واقعیت در ایران محسوس است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تأثیر گذاری و صاحب رأی بودن جمهوری اسلامی در مسائل منطقه، پیشرفت‌های ایران در عرصه‌های پزشکی، هسته‌ای، نانو، زیست فناوری، دفاعی و راه‌های مواصلاتی را یادآور شدند و تأکید کردند: اگر به جوانان اهمیت بیشتری دهیم، از شدت استعداد و ابتکار، آماده پرواز و اوج‌گیری هستند، ولی ما مسئولان قدری در این زمینه کوتاهی داریم و باید همت و تلاش بیشتری صورت پذیرد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: دشمنان ایران از پیشرفت‌های چهار دهه اخیر مطلعند، اما ملت‌ها از این پیشرفت‌ها به‌خوبی آگاه نیستند؛ چرا که ما در تبلیغات ضعیف، کم‌کار و کم‌ابتکار هستیم که باید جبران کنیم.

ایشان در همین زمینه به مسئولان توصیه کردند: به‌صورت عملی و هنرمندانه، و نه با مبالغه و نه صرفاً گزارش‌های زبانی، پیشرفت‌های مختلف کشور را بازگو کنند تا برخی غافلان که نادانسته در این مسائل تشکیک می‌کنند، واقعیت‌ها را درک کنند.

در تعیین مستقیم یا غیرمستقیم رهبری، رئیس‌جمهور و سایر مسئولان را تنها بخشی از مردم سالاری دانستند و گفتند: مردم سالاری یعنی «مردم رادر همه امور زندگی صاحب رأی و تدبیر و تصمیم قرار دادن» و این درست در نقطه مقابل هیچ کاره بودن مردم و استبداد مطلق سلاطین و طواغیت در قرن‌های متمادی قبل از انقلاب است.

ایشان با یادآوری اضافه شدن سلطه و نفوذ خارجی به استبداد داخلی از اواسط دوران قاجار و همه کاره شدن آمریکایی‌ها در دوره پهلوی، افزودند: مردم سالاری اجازه استبداد و سلطه خارجی را نمی‌دهد و علاوه بر تغییر اساسی در اداره سیاسی کشور، اثر آن در خدمات شهری و روستایی و زنده کردن روحیه کارهای بزرگ همچون تشکیل سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و بسیج نمایان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آثار شگرف مردم سالاری در پرورش استعداد های مردمی به یک نمونه در بخش سلامت اشاره کردند و گفتند: در دوران طاغوت کشور به حدی از لحاظ نیروی انسانی ناتوان بود که برای درمان، پزشکان هندی و فیلیپینی به کشور می‌آمدند، اما امروز ایران قطب جذاب سلامت در منطقه و جزو چند کشور اول دنیا در برخی دانش‌های کمیاب و نوپدید است که این نتیجه مردم سالاری و اعتماد به مردم و زنده شدن حس اعتماد به نفس ملی است.

ایشان ابهت، عزت و عظمت ملت ایران را یکی دیگر از کارکردهای انقلاب اسلامی دانستند و گفتند: امروز یک کشور منطقه با وجود فروش روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت و در اختیار داشتن خزانه پر از پول، کشوری عقب‌مانده است و هیچ حرف و خبری از ملت آن در دنیا نیست، اما در اثر مردم سالاری دینی، در نگاه عمومی به کشور، مردم ایران برجسته و پیش برنده انقلابند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: به‌علت وجود این واقعیت، دشمنی دشمنان با مردم ایران است و این گونه نیست که آمریکایی‌ها فقط

ایشان سپس به راهپیمایی پر شور و متفاوت مردم در ۲۲ بهمن امسال اشاره کردند و گفتند: چنین حضور مردمی در دفاع از انقلاب اسلامی آن هم در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب، شبیه معجزه است و در هیچ یک از انقلاب‌های دنیا نظیر ندارد.

رهبر انقلاب اسلامی، علت حضور با انگیزه‌تر مردم در راهپیمایی امسال را بروز دشمنی‌های گوناگون از داخل و خارج از جمله از جانب آمریکا و برخی همسایگان ناخلف و بدعهد خواندند و افزودند: البته مردم به برخی مسائل جاری کشور انتقاد دارند و ما کاملاً از انتقادهای، گلایه‌ها و شکوه‌های آن‌ها مطلع هستیم، اما وقتی پای انقلاب و نظام در میان است، مردم این گونه در دفاع از انقلاب به صحنه می‌آیند.

ایشان، حضور خردمندان مردم را ناشی از وجود «گاهی انقلابی» و «کمال سیاسی» در ملت و توانایی آن‌ها در تفکیک «نظام انقلابی امت و امامت» با «تشکیلات دیوانسالاری کشور» دانستند و گفتند: نه فقط از دولت و قوه قضائیه و مجلس، بلکه ممکن است فردی از شخص حقیر نیز انتقاد داشته باشد، اما انتقاد هیچ منافاتی با ایستادگی پای نظام اسلامی و انقلابی برآمده از پایداری ملت و فداکاری صدها هزار شهید ندارد و به همین علت، مردم با همه وجود از این انقلاب دفاع می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به سوابق برجسته و انقلابی مردم تبریز، این دیدار را بهترین فرصت برای بیان چند مسئله اساسی در خصوص «کارکردهای انقلاب»، «آسیب‌شناسی انقلاب»، «ولایت‌ها» و در نهایت «آینده انقلاب اسلامی» خواندند.

ایشان با اشاره به عظمت و ابعاد خارج از درک انقلاب اسلامی و تلاش فراوان دشمنان برای انکار خدمات و کارکردهای آن، مهم‌ترین کار انقلاب اسلامی را «تبدیل نظام طاغوت به نظام مردم سالار» برشمردند و افزودند: مردم سالاری یعنی در همه چیز «مردم» اصل هستند.

رهبر انقلاب اسلامی، انتخابات و رأی مردم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نوعی جمع‌بندی از این بخش سخنانشان افزودند: انقلاب، کشور را از فلاکت و ملت را از حالت توسری خوری و ذلت خارج کرد و ملت امروز سربلند و سرافراز، به تأثیر گذاری در همه امور مشغول است و این بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب است.

بخش دوم سخنان مهم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به «آسیب‌شناسی انقلاب» اختصاص داشت.

ایشان مهم‌ترین آفت همه انقلاب‌ها را «ارتجاع» به معنای سست‌شدن، توقف و بازگشت به اوضاع قبلی خواندند و خاطر نشان کردند: تقریباً همه انقلاب‌های شناخته‌شده جهان در همان سال‌های نزدیک به این بلّیه دچار شده‌اند.

رهبر انقلاب اسلامی، استحکام و استمرار شعارهای اصلی انقلاب را در طول چهار دهه اخیر بی‌نظیر خواندند، اما هشدار دادند: خطرانی انقلاب را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

ایشان «حرکت به سمت اشرافی‌گری»، «دل‌سپردن به طبقات مرفه به جای توجه به مستضعفان و قشرهای ضعیف» و «تکیه و اعتماد به خارجی‌ها به جای تکیه بر مردم» را نمونه‌های حرکت ارتجاعی خواندند و تأکید کردند: نخبگان جامعه حواسشان جمع باشد، مدیران کشور به شدت مراقب باشند و مردم هم با حساسیت، رفتار ما مسئولان و مدیران را تحت نظر داشته باشند تا این‌گونه حرکات ارتجاعی در کشور اتفاق نیفتد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روی کار بودن «آدم‌های سابقاً انقلابی» اما عوض شدن خط و راه انقلاب را به معنای ارتجاع دانستند و خاطر نشان کردند: انقلاب نشده است که عده‌ای بروند و ما بیااییم، بلکه انقلاب یعنی دگرگونی، تغییر مسیر و حرکت به سمت اهداف والا که اگر این اهداف فراموش شود، انقلاب معنایی ندارد.

ایشان، انقلاب اسلامی در سال ۵۷ را آغاز تغییر و حرکت اصلاحی در جامعه برشمردند و افزودند: انقلاب در سال ۵۷ تمام نشد، بلکه آغاز شد و این حرکت باید عمیق‌تر،

گسترده‌تر و خردمندانه‌تر ادامه یابد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که از تعبیر «انقلابی» برداشت منفی می‌کنند، افزودند: نظام اداره کشور و اصول قانون اساسی باید محترم شمرده شود و کسی نباید تصور کند که انقلاب بدون نظام امکان تحقق دارد.

ایشان تأکید کردند: این خطاست که برخی تصور کنند به اسم انقلاب باید به همه چیز و به همه حوادث و بخش‌های نظام اسلامی زبان انتقاد و اعتراض داشت، زیرا انقلاب یعنی باید نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی و نظام امت و امامت با هدف‌ها و جهت‌گیری انقلابی باشد.

رهبر انقلاب اسلامی با ابراز خرسندی از رایج‌بودن سکه انقلاب و انقلابی‌گری در میان مردم و وجود پرشمار مدیران حقیقتاً انقلابی افزودند: به فضل الهی، جمهوری اسلامی تاکنون از نگاه طاغوتی به مردم دور بوده است و بعد از این هم با حساسیت مردم و مسئولان دور خواهد بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این بخش از سخنانشان را با این جملات مهم و تعیین‌کننده پایان دادند: «اشرافی‌گری و امتیازطلبی مسئولان»، «بی‌مبالاتی به بیت‌المال» و «بی‌توجهی به طبقه مستضعف»، حرکاتی ضدانقلابی است و همه تشکیلات نظام باید با این نگاه به سمت اهداف انقلاب حرکت کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سومین بخش سخنانشان در تبیین «اولویت‌های کنونی کشور»، مسئله «اقتصاد» را بسیار مهم دانستند.

ایشان، تکیه بر ظرفیت‌های درونی و مردم را راه اساسی حل مشکلات اقتصادی خواندند و افزودند: اقتصاد مقاومتی همان‌گونه که بارها گفته‌ایم و همه مسئولان نیز سیاست‌های آن را تصدیق کردند، به معنای محصور شدن در داخل نیست، بلکه درون‌زا و برون‌گراست، بنابراین نگویند می‌خواهیم با دنیا ارتباط داشته باشیم، زیرا ارتباط با دنیا در اقتصاد مقاومتی وجود دارد، اما اعتماد و تکیه باید بر مردم باشد نه به بیگانگان.

ایشان به کارگیری استعدادها، ظرفیت‌ها و سرمایه‌های درونی را نیازمند تدبیر خواندند و افزودند: رونق اقتصاد داخلی نیازمند صادرات خوب، واردات در حد نیاز و جلب سرمایه‌گذاری خارجی است، اما سر رشته و تدبیر کار باید دست مدیران داخلی باشد و کار به بیگانگان سپرده نشود.

ایشان زلزله اقتصادی و ضربه فوق‌العاده شدید حدود یک دهه قبل به برخی کشورهای پیشرفته شرق آسیا را عبرتی بزرگ خواندند و افزودند: این ضربه که یک شبه این کشورها را به فقر و فلاکت کشاند نتیجه وابستگی به سرمایه خارجی بود.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به سود نبردن کشور از اتکا و اعتماد به خارج در برجام و مذاکرات هسته‌ای افزودند: ما نتیجه اتکا به خارجی‌ها را در قضیه برجام مشاهده کردیم و در قضیه مذاکرات هسته‌ای به آن‌ها اعتماد کردیم، اما سودی نبردیم. البته خوشبختانه مسئولان بر خورد خوبی با این مسئله دارند و وزیر امور خارجه که باید از او تشکر کرد، با خبیثت آمریکایی‌ها و به نعل و به میخ زدن اروپایی‌ها، برخورد خیلی خوب و قوی دارد که این راه باید ادامه یابد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: باید از بیگانه بهره برد اما نباید به او اعتماد و تکیه کرد چرا که از راه‌های مختلف بر سر نوشت کشور مسلط می‌شود و همه مسئولان باید این مسئله بسیار مهم را در کانون توجه داشته باشند.

ایشان، چهل سال زحمت ملت را در شرایط تحریم و فشار، به حرکت بر روی سنگلاخ تشبیه کردند و افزودند: با این وجود، پیشرفت کرده‌ایم که این واقعیت نشانه توانایی ملت و کشور است.

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین دیگر اولویت‌های کنونی، «ترجیح مدیریت جهادی بر دیوانسالاری» را مورد تأکید قرار دادند و افزودند: قوای مجریه، قضائیه و همه بخش‌ها باید با مدیریت جهادی یعنی پرکاری همراه با تدبیر، کار را دنبال کنند و برای پیشبرد کارها اصطلاحاً شب‌راز روز نشانند.

«ترجیح متن مردم به اهداف و منافع



جناحی و حزبی» و «اولویت خدمت‌رسانی به قشرهای ضعیف و مناطق محروم» دو توصیه مهم دیگر رهبر انقلاب اسلامی به مسئولان بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه دفاعی ادامه و نوسازی همه شیوه‌ها، ابزارها و تجهیزات مورد نیاز امروز و فردای کشور را، دارای اولویت کامل دانستند و افزودند: بدون لحظه‌ای تردید، کشور باید به سمت هر چیزی که برای دفاع نیاز دارد حرکت کند، ولو همه دنیا مخالف باشند.

رهبر انقلاب اسلامی با انتقاد شدید از دشمنانی که با جنگ‌افزارهای خود بشریت را تهدید می‌کنند، اما با توان موشکی ایران مخالفت می‌کنند، افزودند: این مسئله به شما چه ربطی دارد؟ شما می‌خواهید ملت ایران موشک و دیگر امکانات دفاع از خود را نداشته باشد، تا به او زور بگویید.

ایشان افزودند: ما البته مسائلی همچون بمب هسته‌ای و سلاح کشتار جمعی را حرام می‌دانیم، اما هر چیز دیگری را که لازم داشته باشیم، با قدرت دنبال می‌کنیم.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ترجیح همکاری با همسایگان، کشورهای شرقی و کسانی که با ایران منافع مشترک دارند، در تبیین اولویت‌های اقتصادی نیز، «اشتغال و تولید» را مورد تأکید ویژه قرار دادند و با اشاره به نامگذاری امسال به «اقتصاد مقاومتی؛ تولید - اشتغال» افزودند: در این زمینه البته کارهایی انجام و آمارهایی ارائه شده، اما برای تحقق آنچه مورد نظر است، کار و تلاش بیشتری نیاز است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جوانان و نوجوانان عزیز کشور را به آمادگی ایمانی، علمی و انقلابی فراخواندند و افزودند: جوان، موتور پیشرفت حال و آینده کشور است و نسل جوان کنونی که عزم و همت و بصیرتی بیشتر از نسل اول انقلاب دارد، باید خود را آماده شتاب بخشیدن به پیشرفت کشور کند.

ایشان در بخش پایانی سخنانشان، استمرار و استحکام نظام اسلامی با وجود چهل سال توطئه و اقدام دولت‌های مستکبر و خبیث را بهترین دلیل اقتدار جمهوری اسلامی

حرم، گفت: سالروز قیام ۲۹ بهمن ۵۶ برای آذربایجانی‌ها فقط یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه رجوع به ریشه‌ای است که تا همیشه دست بیعت آذربایجان شرقی را در دستان پر مهر انقلاب اسلامی نگاه می‌دارد. حجت‌الاسلام والمسلمین آل‌هاشم خواستار توجه دلسوزانه دولتمردان به مشکلات دریاچه ارومیه شد و گفت: مردم آذربایجان در همه حوادث به‌درستی راه بر فرصت‌طلبان بستند و مهر غیرت و اعتبار خود را به‌خوبی حفظ کردند. ❖

خواندند و تأکید کردند: تهدیدات، حرف‌ها و نقشه‌های علنی و غیرعلنی دشمنان را می‌دانیم، اما بدون لحظه‌ای تردید تأکید می‌کنیم نظام اسلامی متکی بر مردم، روز به روز قوی‌تر خواهد شد و همان گونه که امام خمینی می‌گفت «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین آل‌هاشم، نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز با اشاره به تقدیم ۱۰ هزار شهید در این استان از جمله ۱۹ شهید مدافع

◀ شرایط ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

درک بهتر دستاوردهای انقلاب اسلامی مستلزم این است که از شرایط ایران پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب تصویری واقعی در دست داشته باشیم. شرایطی که می‌تواند برای ارائه قضاوت بهتر و دقیق‌تر در مورد عظمت دستاوردهای انقلاب اسلامی در مقایسه وضعیت فعلی کشور با وضعیت قبل از انقلاب و نیز سایر کشورهای همسطح، مؤثر واقع شود.

به عنوان مثال تا قبل از انقلاب اسلامی، ایران در عرصه تولید و علم و دانش فاقد جایگاه جهانی بوده و تولیدات صنعتی و تکنولوژیکی آن نیز بسیار محدود و عمدتاً در حد مونتاژ خلاصه شده بود. ساختار حکومتی و سیاسی کشور نیز تا ۲۰۰ سال قبل از انقلاب، در بدترین شرایط ممکن قرار داشته و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) طی این مدت، ایران کشوری بود که نه تنها در نظام بین‌الملل هیچ‌گونه نقشی بر عهده نداشت، بلکه با دخالت علنی دول غربی و شرقی در امور مهمی مانند عزل و نصب شاهان ایران (از جمله پهلوی اول و دوم)، عملاً امکان تصمیم‌گیری در اداره امور داخلی نیز از حکام وقت سلب شده بود.

در این دوران بی‌کفایتی و ناکارآمدی حکومت‌ها به قدری آشکار بود که در جریان حوادثی مانند جنگ جهانی اول و دوم و جنگ‌های ایران و شوروی، علاوه بر تحمیل قراردادهای ننگین تر کمنچای و گلستان، بخش‌های زیادی از شهرهای جنوبی، شمالی و غربی و حتی پایتخت کشور بدون کمترین مقاومت از طرف دولت وقت، تحت اشغال بیگانگان قرار گرفت. در همین ایام روسای جمهور سه کشور آمریکا، انگلیس و شوروی به خود اجازه می‌دهند بدون هماهنگی و اطلاع قبلی دولت ایران وارد تهران شوند و بر سر تقسیم غنائم جنگ جلسه مشترک برگزار کنند، بدون این که کمترین ارزشی برای نظام حکومتی کشور قائل شوند و حتی پس از اطلاع شاه از حضور آن‌ها در پایتخت و درخواست ملاقات، با چنان تکبر و نخوتی با میزبان بی‌اطلاع خود برخورد می‌کنند که وی با سراسر فکندگی تمام محل را ترک می‌کند. به این موارد باید سایر دخالت‌های حقارت‌آمیز نظام سلطه از جمله تحمیل قانون شرم‌آور کاپیتولاسیون و کودتای ۲۸ مرداد و همچنین غارت و چپاول منابع طبیعی و سایر منابع ایران توسط بیگانگان و دست‌نشاندهای حکومت را نیز افزود، مواردی که بیانگر اوج ذلت و سرسپردگی حکام معرّوب حاکم بر کشور بوده است. با گذشت نزدیک به چهل سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نگاهی به گذشته و آنچه بودیم و مقایسه آن با امروز نشان‌دهنده عمق تحولی است که ایران و ملت ایرانی آن را تجربه کرده است. درآمد نفتی ایران از سه میلیارد دلار در سال ۱۳۳۲ به ۵۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید و درآمد سرانه نیز در این مدت به ۱۱ هزار و ۵۱۴ دلار افزایش پیدا کرد با این وجود در بخش‌های فقیر جامعه، فقر هر روز بیشتر و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شد. با این وجود تنها ۱۰ درصد از درآمد سرشار نفت و کمتر از ۱۵ درصد از کل واردات به امر توسعه اختصاص می‌یافت، شرکت ملی نفت به صورت محرمانه، ولی دائمی مبلغ کلانی به حساب شخصی شاه واریز می‌کرد. به گونه‌ای که سرمایه شخصی شاه به یک میلیارد دلار رسیده بود. با این سرمایه‌ها نهادهایی اداره می‌شد که آن‌ها نیز هدفی جز سلطه بیشتر حکومت بر تمامی ابعاد زندگی مردم نداشتند. بر اساس آمار بانک جهانی، ۴۶ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر بودند و ضریب جینی در ایران قبل از انقلاب بیش از ۴۵ بوده است.

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

مروری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی



مداخله گسترده کشورهای غربی در امور ایران تا به جایی در دوره پهلوی گسترش یافته بود که دیگر کسی منکر آن نبود. پهلوی خود در جلسات خصوصی از مداخلات گسترده غربی‌ها در امور ایران گلایه می‌کرد، ولی در عیان دستورالعمل‌های رسیده از اربابان را جامه عمل می‌پوشاند، مروی بر خاطرات شخصیت‌ها و رجال عصر پهلوی خود مؤید این واقعیت است

دستاوردهای سیاسی

الف) استقلال کشور و عزت مردم



خاطرات رجال
پهلوی به عیان عمق
وابستگی ایران به
غرب در این دوره
از تاریخ کشور
را نشان می‌دهد،
وابستگی در این
دوره تا بدان حد
طبیعی و عادی بود
که روزنامه‌ها و
مجلات نزدیک
به حکومت در
پاسخ به اعتراضات
مردمی آن را توجیه
می‌کردند

[منتقدان] مداخله داشته باشند یا نه؟»

مقامات رژیم پهلوی نیز به این‌که آمریکا در امور ایران مداخله می‌کرده است معتقد بوده و هرگاه فرصتی به دست می‌آوردند از آن سخن می‌گفتند و گلایه می‌کردند، به عنوان نمونه احمد آرامش که مدتی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه ایران در دولت شریف امامی و پیش از روی کار آمدن علی امینی شخصیت وابسته به آمریکا در تیرماه ۱۳۴۰ طی سخنانی می‌گوید: «مخالفت من فقط با سیاست جانکاه ده ساله گذشته آمریکا است... سال‌ها است که دولت آمریکا با تمام قوا، ولی با عناوین به ظاهر فریبنده در تمام شئون زندگی ما دخالت کرده و انگشت دارد و هر زمان به طریقی برای ما حادثه آفریده و تعیین سرنوشت می‌کند، تمام وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی و عمرانی وابسته به دولت ایران زیر نظر مأموران و نمایندگان مختلف آمریکایی قرار گرفته و آنان در غالب جاهانه تنها به عنوان مشاور و مستشار بلکه به صورت دستور دهنده و کارفرما در زندگی ما مداخله می‌کنند.

اقتصاد کشور به وسیله عوامل و ایادی داخلی و خارجی دولت آمریکا به کلی در هم ریخته و اکنون وضع به شکلی درآمده که طبق اظهار آقای نخست‌وزیر هم دستگاه اقتصادی دولت در آستانه ورشکستگی است و هم ملت و ما هر روز ناگزیر هستیم که دست تکی به سوی آمریکا و آمریکائیان دراز کنیم و برای گرداندن چرخ زندگی خود از آنان قرضه و اعتبار بگیریم».

امروز نزدیک به چهار دهه از سقوط رژیمی که همه مقدرات ایران اسلامی را تحت حاکمیت و نظارت غرب و به ویژه آمریکا قرار داده بود می‌گذرد، استقلال و عزت ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی زبانزد خاص و عام است، در جنگ تحمیلی و در حالی که ابرقدرت‌های شرق و غرب از رژیم بعث صدام حمایت می‌کردند ایران اسلامی تنها تنهای تنها و استقلال هر چه تمام در برابر تهاجم بیگانه ایستاد، اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی خود را به خواست بیگانه گره نزد و امروز هر چه در کشور می‌گذرد محصول خواست و تصمیم ملت ایران است و یکی از شعارهای اساسی ملت ایران در دوره انقلاب یعنی «استقلال» تحقق پیدا کرده است.

«استقلال» یکی از اصلی‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی ملت ایران بود، مداخله گسترده کشورهای غربی در امور ایران تا به جایی در دوره پهلوی گسترش یافته بود که دیگر کسی منکر آن نبود، پهلوی خود در جلسات خصوصی از مداخلات گسترده غربی‌ها در امور ایران گلایه می‌کرد، ولی در عیان دستورالعمل‌های رسیده از اربابان را جامه عمل می‌پوشاند، مروی بر خاطرات شخصیت‌ها و رجال عصر پهلوی خود مؤید این واقعیت است.

اسدالله علم نخست‌وزیر و وزیر دربار که خاطرات روزانه او چهره‌ای بدون روتوش از پهلوی ارائه می‌دهد می‌نویسد: «از مدت‌ها پیش شکایت داشته‌ام عمال بیگانه در دولت، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بسیاری از وزارتخانه‌ها نفوذ کرده‌اند. شاه با این همه گزارش‌های اطلاعاتی که دریافت می‌کند، این حقیقت را نادیده می‌گیرد. این ما هستیم که تحت فشار قرار داریم نه طرف مقابل، وقتی خزانه خالی است چگونه می‌توانیم وارد جنگ اقتصادی شویم؟» این بخش از خاطرات اسدالله علم به عیان نشان می‌دهد که خود رژیم پهلوی معتقد و اطلاع داشته است که عمال بیگانه در تمامی شئون کشور از دولت گرفته تا بانک مرکزی و سازمان برنامه نفوذ کرده و استقلال کشور در خطر جدی قرار گرفته است، ولی به اطلاعاتی که دست او در این زمینه می‌رسید وقعی نمی‌گذاشت و از کنار آن به سادگی عبور می‌کرد.

خاطرات رجال پهلوی به عیان عمق وابستگی ایران به غرب در این دوره از تاریخ کشور را نشان می‌دهد، وابستگی در این دوره تا بدان حد طبیعی و عادی بود که روزنامه‌ها و مجلات نزدیک به حکومت در پاسخ به اعتراضات مردمی آن را توجیه می‌کردند، به عنوان نمونه مجله «خواندنی‌ها» در شماره ۱۳ تیر ۱۳۴۰ می‌نویسد: «می‌گویند آمریکایی‌ها در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و مالی ما مداخله می‌کنند، من کار ندارم به این‌که بیچاره آمریکایی‌ها بعد از هزار میلیون دلار وام و کمک به تصدیق خودمان، آیا باید حق این را داشته باشند که به اندازه یک دهم هم پیمان خشک و نم پس نده انگلیسی‌مان در کارها و یا لاقل در طرز خرج نظارت و به قول



ب) آزادی



دوران
نخست‌وزیری
امیرعباس‌هویدا
(۱۳۴۳-۱۳۵۶)
سخت‌ترین
برهه سانسور و
کنترل سازمان
یافته مطبوعات
و روزنامه‌ها را
تجربه کرد و
ارباب مطبوعات و
نویسندگان جرأت،
تنها در چهارچوب
تعیین شده‌از
سوی ساواک و
مجموعه حاکمیت
قلم‌فرسایی
می‌کردند.

در حالی که در دوره پهلوی حتی مقامات و مسئولین کشور جرأت این را نداشتند که سخنی بگویند مبادا «علیحضرت خوشش نیاید» و در نتیجه همیشه مراقب سخن گفتن خود بوده‌اند امروز روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر هر چه می‌خواهند می‌گویند و می‌نویسند. کافی است به کنترل رسانه‌های مکتوب اعم از روزنامه‌ها و کتاب‌ها توسط ساواک بپردازیم تا مشخص شود که در این برهه زبان‌ها برای گفتن و قلم‌ها برای نوشتن تا چه اندازه محدود بوده‌اند. با آغاز ریاست نصیری بر ساواک، سانسور مطبوعات گسترش یافت، در دهه‌های ۵۰-۱۳۴۰، مطبوعات و روزنامه‌ها از محتوی



کنترل سازمان یافته مطبوعات و روزنامه‌ها را تجربه کرد و ارباب مطبوعات و نویسندگان جرأت، تنها در چهارچوب تعیین شده از سوی ساواک و مجموعه حاکمیت قلم‌فرسایی می‌کردند. مطبوعات همواره سایه سنگین ساواک را بر فعالیت‌های خود احساس می‌کردند. آنچه در نشریات منعکس می‌شد، در درجه اول ارائه تصویری غیرواقعی، تحسین‌آمیز و ستایش‌گرانه از شخص شاه و دربار بود. چنین القا می‌شد که کشور تحت هدایت‌های شاه به سرعت در مسیر توسعه و تعالی قرار گرفته و مخالفان حکومت جز جلوگیری از این حرکت قصدی نداشته و بنابراین محکوم به شکستند. به عبارت دیگر مطبوعات تنها مواردی را منعکس می‌کردند که خوشایند ساواک، دربار، شاه و مجموعه حاکمیت بود.

عاری شدند؛ در همان حال روزنامه‌نگاران و ارباب مطبوعات، تحت مراقبت‌های دائمی ساواک قرار گرفتند. دوران نخست‌وزیری امیرعباس‌هویدا (۱۳۴۳-۱۳۵۶) سخت‌ترین برهه سانسور و

ج) مردم‌سالاری دینی

در دوره پهلوی اصولاً و به معنای واقعی آن انتخاباتی برگزار نمی‌شد. اسدالله علم نخست‌وزیر و وزیر دربار پهلوی در خاطرات روز ۱۵ فروردین ۱۳۵۴ با صراحت به تقلب در انتخابات دوره پهلوی اذعان کرده و می‌نویسد: «مطلبی نخست‌وزیر در کیش به من می‌گفت که خیلی جالب بود و فهمیدم عنوان رشوه را دارد. آن این بود که گفت: هر کسی را از هر جا تو خواهی من و کیل خواهم کرد. هر کس باشد،



هیچ فکر نکن، به من بگو تمام می‌کنم.» علاوه بر اسدالله علم هندرسن، سفیر آمریکا در ایران نیز در گزارشی به وزارت امور خارجه این کشور پیرامون انتخابات مجلس هجدهم، به تعیین نمایندگان مجلس از بالا اشاره می‌کند، وی در این گزارش می‌نویسد: «علاء وزیر دربار اظهار داشت چند هفته پیش، اسدالله علم، رئیس املاک سلطنتی، به او گفته است به دستور شاه صورت اسامی عده‌ای را برای نامزدی نمایندگی مجلس تهیه کرده، شاه لیست مزبور را با اسامی نامزدهای نمایندگی از سوی زاهدی تطبیق داده و پس از یک‌دست کردن اسامی نامزدها، چند تن از نامزدها را جایه‌جا کرده است.» حسین فردوست از نزدیک‌ترین دوستان شاه نیز در کتاب خاطرات خود بر این نکته اذعان دارد. وی می‌گوید «یک کمیسیون سه‌نفره برای انتخابات مجلس در منزل اسدالله علم تشکیل می‌شد. منصور اسامی نامزدها را می‌آورد و با نظر علم مهر نمایندگی آن‌ها تأیید می‌شد. پس از بررسی صلاحیت امنیتی و مطالعاتی این افراد، ترتیب انتخاب این اسامی داده می‌شد و به صورتی ظاهری، نام آن‌ها از صندوق آرا بیرون می‌آمد.» در جزوه‌ای که تحت عنوان «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران»

ملت ایران در چهار دهه گذشته همواره برای تعیین سرنوشت کشور پای صندوق‌های رأی رفته‌اند و همه مسئولین جمهوری اسلامی مستقیم و یا غیرمستقیم منتخب همین ملت هستند و کسی در این شک و شبهه‌ای ندارد

هنوز بهار ۱۳۵۹ نرسیده بود در دو انتخابات دیگر نخستین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس اول را نیز انتخاب کردند. ملت ایران در چهار دهه گذشته همواره برای تعیین سرنوشت کشور پای صندوق‌های رأی رفته‌اند و همه مسئولین جمهوری اسلامی مستقیم و یا غیرمستقیم منتخب همین ملت هستند و کسی در این شک و شبهه‌ای ندارد. برگزاری انتخابات



در جوامع انقلابی، آن هم در اولین ماه‌های بعد از انقلاب امری دور از انتظار است چرا که با وجود توطئه‌های جهانی ممکن است انتخابات آزاد، باعث روی کار آمدن ضد انقلاب یا بهانه‌ای برای کوبیدن این جوامع از طرف مجامع استعماری شود. امام خمینی (ره) با آگاهی‌های فراوانی که به مردم می‌دادند و با اعتمادی که به مردم داشتند، حاکمیت بر سرنوشت مردم را به خودشان سپردند. از جمله آن‌ها انتخابات نظام جمهوری اسلامی، انتخابات قانون اساسی، انتخابات خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس است که در همان سال اول انقلاب برگزار شد. این کار غیر مترقبه فقط و فقط به جهت حضور آگاهانه مردم در صحنه‌های متعدد انقلاب بوده است.

توسط سیا و برای آشنایی مقدماتی افرادی که به منظور مأموریت‌های مختلف سیاسی و جاسوسی از طرف آمریکا به ایران می‌آمدند تهیه شده است و در واقع یک مجموعه فشرده و نسبتاً جامع از ساخت جامعه ایران و نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در آن از دیدگاه مأموران و جاسوسان درجه اول به شمار می‌آید، آمده است: «در طول ۱۲ سال

گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاه انتخاب می‌شوند حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.» امروز و با گذشت نزدیک به چهل سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی سالی نبوده است که در ایران انتخابات برگزار نشود، در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی نوع نظام سیاسی کشور به رأی عمومی گذاشته شد، پس از رأی مردم به «جمهوری اسلامی»، مردم بار دیگر پای صندوق‌های رأی رفته «نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی» را انتخاب کردند، پس از تدوین قانون اساسی در یک فراندوم دیگر به آن رأی دادند و در ادامه و در حالی که

دستاوردهای فرهنگی و معنوی

الف) رشد دینی



در دوره پهلوی رژیم عامدانه فساد را در بین جوانان و نسلی که آینده ایران به دستان آنان چشم دوخته بود رواج می‌داد، سخنان رجال عصر پهلوی نگاهی بیندازیم تا واقعیت برای همگان عیان شود

حال حاضر اکثر جوان‌های ما مشروب‌خوار شده‌اند و این قسمتی از مشکلات جامعه ماست.»



در دوره پهلوی رژیم عامدانه فساد را در بین جوانان و نسلی که آینده ایران به دستان آنان چشم دوخته بود رواج می‌داد، کافی است به سخنان رجال عصر پهلوی نگاهی بیندازیم تا واقعیت برای همگان عیان شود. علی‌امینی، نخست‌وزیر وقت، ۸ شهریور ۱۳۴۰ طی سخنانی گفته بود: «با نهایت تأسف باید گفت که ایمان و اعتقاد ما سست شده، اگر در ملتی ایمان مذهبی یا ملی قوی باشد، هیچ بیگانه‌ای نمی‌تواند به آن ملت راه یابد.» امینی در جمع مردم گفته بود: «متأسفانه باید گفت که فساد محیط ما از همان خانواده‌ها شروع می‌شود و ر کود اخلاقی و اختلاط تمدن‌های داخلی و خارجی تمام اصول زندگی ما را به هم زده است. فیلم‌های فاسد و خراب و مناظر مستهجن پاک اخلاق اطفال و جوانان ما را فاسد کرده باید با فساد اخلاق که از مجلات خراب نیز ناشی می‌شود مبارزه کرد.» وی همچنین گفته بود: «مایه ننگ است که در مملکت اسلامی دولت‌ها برای افزایش درآمد خود مصرف تریاک و یا الکل را تجویز کنند. در

منتشر نشوند و جوانان را به فساد سوق ندهند. امروز چهل سال از آن روزها می‌گذرد، پیشرفت معنوی امروز قابل مقایسه با دوره پهلوی که فساد سازمان یافته از سوی رژیم بر مردم تحمیل می‌شد نیست، جوانان این مرز و بوم در دهه شصت غسل شهادت می‌کردند و برای دفاع از وطن به جبهه‌ها می‌رفتند، زمانی که این جوانان با امام دیداری می‌کردند از ایشان تقاضا می‌نمودند دعا کند تا به شهادت برسند، امروز و در دهه نود شمسی همین مردم آرزو می‌کنند که به آنان اجازه داده شود به سوره رفته و از حرم اهل بیت دفاع کنند.



شهریور ۱۳۴۰ علی امینی نخست‌وزیر وقت، از انتشار فیلم‌ها و مجلات مستهجن انتقاد کرده و می‌گوید این روند باعث فساد اخلاقی جوانان این کشور شده است، کافی است بدانیم که از این سال‌ها روند انتشار فیلم‌ها و مجلات مستهجن به صورت عمومی گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. در حالی که نشریات از انتشار خبرهای روز کشور خودداری می‌کردند و یا ساواک مانع آنان می‌شد روزی نبود که نشریاتی مانند «خواندنی‌ها»، «تهران مصور»، «سپید و سیاه» و ده‌ها نشریه دیگر با صفحات روی جلد مبتذل و مستهجن

ب) پیوند دین و سیاست

تأثیر فوق العاده‌ای بر جهان اسلام و کشورهای جهان سوم بگذارد.



هدف اصلی و اساسی ادیان الهی، رشد و تکامل بشر بر مبنای توحید، از طریق دعوت به مبارزه با کفر و شرک و الحاد بوده است. قدرت‌های استکباری جهان برای چپاول دسترنج توده‌های محروم، نغمه «جدایی دین از سیاست» را مطرح کردند و با این توطئه توانستند بر جنبه‌های فکری، فرهنگی، دینی و ملی جوامع اسلامی استیلا یافته، منابع مادی و ذخایر زیر زمینی آن‌ها را به غارت ببرند و عجز و یأس را بر جوامع اسلامی حاکم گردانند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر چنین عقیده و نغمه‌ای خط بطلان کشید و نهضت اسلام را تبدیل به پدیده‌ای منسجم و جهانی کرد. امام خمینی (ره) در ادامه قیام خود تنها به مبارزه با حکومت‌های غاصب و ضد اسلامی اکتفا نکرد بلکه به منظور ایجاد حاکمیت الهی بر اساس موازین اسلام (در عمل) اصل مقدس ولایت فقیه را مطرح و زمام امور جامعه اسلامی را خود در دست گرفت و رهبری سیاسی - مذهبی را عینیت بخشید و توانست چهره مخدوش جهان اسلام را اصلاح کرده،

ج) مقابله با تهاجم فرهنگی

مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر مراکز آموزشی کشور، رسانه‌های گروهی اعم از صدا و سیما، روزنامه‌ها، مجلات و حتی سینما، تئاتر و سایر وسایل هنری و فرهنگی در جهت رشد فرهنگی جامعه اسلامی به کار گرفته شدند. یکی از مظاهر بارز مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، تلاش در جهت

استعمار نو، شگردهای خود را برای غارت اموال و منابع کشورهای جهان سوم بر پایه سلطه فرهنگی استوار ساخته است؛ بیگانه ساختن مسلمانان از فرهنگ اصیل اسلامی، از بارزترین توطئه‌های استعمارگران در تثبیت سلطه بر کشورهای اسلامی بوده است. پس از انقلاب اسلامی، احیای فرهنگ اسلامی و ارزش‌های آن



از دستاوردهای فرهنگی انقلاب، مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در خانه و اجتماع بود. براساس خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش‌های غربی در عصر پهلوی، هویت زن مسلمان ایرانی مورد تهدید واقع شده بود به تدریج در جامعه فرهنگ برهنگی و بی‌عفتی رواج می‌یافت و از فعالیت‌های اجتماعی و مفید زنان کاسته می‌شد

ایران در بسیاری از فناوری‌ها نه تنها خود کفا شده، بلکه به کشور صادر کننده خدمات فنی مهندسی در حوزه‌های صنعت نفت، کشاورزی، بهداشت، سدسازی، تراکتورسازی، هسته‌ای، خودروسازی، سلول‌های بنیادین و... تبدیل شده است



در دوره پهلوی
اکثریت ملت
ایران بی‌سواد
بوده‌اند و رژیم
جز مبارزه شعاری
بابی‌سوادی که
نتیجه‌اندکی داشته
و قابل ملاحظه
نبود کاری از پیش
نمی‌برد، امروز با
گذشت نزدیک
به چهار دهه از
پیروزی انقلاب
شکوهمند اسلامی
ملت ایران مرزهای
علم و دانش را
در نور دیده و به
پیشرفت‌های
عظیمی نائل
شده‌اند

دستاوردهای فرهنگی انقلاب، مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در خانه و اجتماع بود. براساس خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش‌های غربی در عصر پهلوی، هویت زن مسلمان ایرانی مورد تهدید واقع شده بود به تدریج در جامعه فرهنگ برهنگی و بی‌عفتی رواج می‌یافت و از فعالیت‌های اجتماعی و مفید زنان کاسته می‌شد. پس از انقلاب اسلامی

جایگاه زن در جامعه‌ی اسلامی تبیین شد و همان‌گونه که زنان در جریان انقلاب فعالیت داشتند پس از انقلاب نیز به جایگاه واقعی که مسئولیت در برابر مصالح اجتماعی و سیاسی جامعه و حضور فعال در صحنه‌های مختلف بود دست یافتند.



تحقق عدالت اجتماعی در ایران بود. شرکت‌های چند ملیتی، با غارت منابع داخلی ما - اعم از نیروی کار، مواد اولیه ارزان و... فقر و تنگ دستی را بر سراسر کشور ما گسترده بودند. در داخل کشور نیز مرفهین بی‌درد و وابسته به نظام طاغوت، سرمایه کشور را در دست داشتند. در این کشور حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داری برقرار بود. دستاورد انقلاب در این زمینه دگرگون

ساختن ملاک‌های برتری اجتماعی، از بعد اقتصادی به تقوا بود. حضرت امام خمینی (ره) بارها و بارها با ذکر رنج‌های بی‌شماری که بر اقشار محروم اجتماع رفته، اصرار داشتند که بزرگ‌ترین افتخار در نظام اسلامی خدمت به محرومین است. یکی دیگر از

د) ارتقای سطح علمی جامعه

(ره) در ۷ دی ۱۳۵۸ طی پیامی جهت «مبارزه عمومی بابی‌سوادی» تأکید کردند: «از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهمتر از آن هاست آموزش برای همگان است. مع‌الأسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجلت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد.» (صحیفه امام، جلد ۱۱، صفحه ۴۴۶)



پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رغم هیاوه‌ی زیادی که در تبلیغ رشد فرهنگی کشور و مبارزه با بی‌سوادی می‌شد، درصد بسیار زیادی از مردم ایران، حتی در شهرهای بی‌سواد بودند. در نظام جمهوری اسلامی به خصوص پس از پایان جنگ نهضت مدرسه‌سازی و افزودن فضای آموزشی به وسیله دولت رشد شتابنده‌ای یافت به طوری که هر سال بیش از صد هزار متر مربع به فضای آموزشی کشور اضافه می‌گردد.

نهضت سوادآموزی در باسواد کردن میلیون‌ها نفر از کسانی که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. موفقیت چشم‌گیری داشته است. تعداد دانشجویان، قبل از انقلاب اسلامی ۱۶۰ هزار نفر بود و اکنون به بالای یک میلیون نفر رسیده است که این آمار نشان از رشد فرهنگی مردم و آموزش نیروهای متخصص و مورد نیاز کشور دارد. در راستای همین رشد فرهنگی، قدرت ابتکار و خلاقیت اقشار ملت به ثمر نشسته است به طوری که جهان هر ساله شاهد پیروزی‌های نخبگان ایرانی در رشته‌های مختلف در سطوح جهانی است.

در دوره پهلوی اکثریت ملت ایران بی‌سواد بوده‌اند و رژیم جز مبارزه شعاری بابی‌سوادی که نتیجه اندکی داشته و قابل ملاحظه نبود کاری از پیش نمی‌برد، امروز و با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران مرزهای علم و دانش را در نور دیده و به پیشرفت‌های عظیمی نائل شده‌اند. بی‌سوادی اکثریت ملت ایران در دوره پهلوی به آن حدی بود که امام خمینی



نیروهای نظامی
ایران پس از
پیروزی انقلاب
اسلامی حافظ
استقلال و تمامیت
ارضی کشور
بوده‌اند تاجایی
که امروز قدرت
موشکی ایران
آمریکا را به هراس
انداخته و نگران
ساخته است

بوده است که نشان‌دهنده رشد ۳ برابری متوسط جهانی در این حوزه است.

هم اکنون ما شاهد این هستیم که ایران در بسیاری از فناوری‌ها نه تنها خودکفا شده، بلکه به کشور صادر کننده خدمات فنی مهندسی در حوزه‌های صنعت نفت، کشاورزی، بهداشت، سدسازی، تراکتورسازی، هسته‌ای، خودروسازی، سلول‌های بنیادین و... تبدیل شده است. در عرصه علوم نوین، دانشمندان ایرانی توانسته‌اند تا مرزهای جدید دانش بشری پیش روند و در مواردی از این مرزها نیز عبور کنند. موفقیت‌های دانشمندان ایرانی در زمینه‌های سلول‌های بنیادین، نانو تکنولوژی، مهندسی ژنتیک، علوم هسته‌ای، علوم فضایی و... از این موارد است. این آمار در بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز قابل استخراج و بر اساس آن مقایسه پیش و پس از انقلاب است و آنچه ذکر شد نشان می‌دهد که ایران اسلامی با اکثریت شهروندان بی‌سواد در سالی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید امروز به اکثریت قریب به اتفاق با سواد رسیده است.

در حالی که نرخ پاسوادی در سال ۱۳۵۵، ۲/۴۷ درصد بوده است این میزان در سال ۱۳۹۰، به ۲/۹۳ درصد رسیده است، در سال ۱۳۵۵، ۴۷ هزار و ۴۷ مدرسه دانش آموز می‌پذیرفت و در سال ۱۳۹۰، ۹۱ هزار و ۸۳۰ مدرسه مشغول فعالیت بودند. در سال ۵۵، ۷۰۰ مرکز آموزشی فنی و حرفه‌ای در کشور فعالیت می‌کرد و این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۶ هزار و ۹۸۳ واحد رسیده است.

پیش از انقلاب و در سال ۱۳۵۰ دو مرکز آموزش استعدادهای درخشان در کشور فعالیت می‌کرد و این تعداد در سال ۱۳۹۰ به ۶۷۰ مرکز رسیده است. در حالی که سال ۱۳۵۵، ۱۷۰ هزار دانشجو، در ۲۲۳ واحد دانشگاهی تحصیل می‌کردند این میزان در سال ۱۳۹۰، به ۴ میلیون دانشجو و ۲۵۴۰ واحد دانشگاهی رسیده است. تعداد رشته‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های موجود کشور در سال ۱۳۵۵، ۱۸۲ رشته و در سال ۱۳۹۰، ۱۰۳۳ رشته بوده است. بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی اطلاعات علمی (ISI)، تعداد مقالات علمی چاپ شده از محققان ایرانی در مجلات معتبر بین المللی در سال ۱۳۵۷، ۴۵۰ مقاله و در سال ۲۰۱۲، ۱۵۵/۳۴ مقاله

دستاوردهای دفاعی

الف) دفاع قهرمانانه در مقابل حملات رژیم بعث

در حالی که ارتش ایران که رضاشاه بدان می‌بالید و به اتکای آن یک دیکتاتوری تمام‌عیار در کشور حاکم کرده بود شهریور ۱۳۲۰ و به دنبال حمله متفقین بدون هیچ‌گونه مقاومتی سلاح بر زمین گذاشت و عقب نشست، نیروهای نظامی ایران امروز حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران هستند. در دوره پهلوی رژیم که به قدرت نظامی خود اطمینان نداشت در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب استقلال و تمامیت ارضی کشور را وجه‌المصلحه قرار می‌داد، از جایی عقب‌نشینی می‌کرد تا جای دیگری را به دست آورد یا بیشتر از آن از کف ندهد، ولی امروز نیروهای نظامی ایران آمریکا را در خاورمیانه زمین گیر کرده است.

در حالی که آمریکا با فتنه به وجود آمده در سوریه گمان می‌کرد این کشور را از محور مقاومت جدا کرده بود حضور مدافعان حرم این اجازه را به او نداد و امروز «ایرانی‌ها» هزاران کیلومتر آن سوتر از مرزهای ایران مقابل تروریست‌ها که سربازی آمریکا را بر عهده دارند ایستاده و آنان را متواری ساخته‌اند. نیروهای نظامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی حافظ استقلال و تمامیت ارضی کشور بوده‌اند تا جایی که امروز قدرت موشکی ایران آمریکا را به هراس انداخته و نگران ساخته است.

ارتش ایران در دوره پهلوی و با دستور مستقیم شاه و به درخواست پادشاه عمان در ظفار برای مقابله با چریک‌های جدایی طلب چپ‌گرا در این منطقه مداخله نظامی کرد. حضور نظامی ایران در تغییر



در دوران قاجار و پهلوی بخش‌های مختلف و مهمی از ایران جدا شد؛ گرجستان، ارمنستان، هرات و افغانستان، بخش‌هایی از ترکمنستان و بحرین بخشی از این سرزمین‌ها هستند. حال آن‌که در جنگ تحمیلی و نابرابر ۸ ساله، یک وجب از خاک ایران هم به چنگ دشمن نیامد



وضعیت به سود پادشاهی عمان و سرکوب شورش ظفار نقش داشت. نظامیان ایرانی به استعداد زیر وارد عمان شدند: ۳۲ فروند بالگرد بل ۲۰۵ و ۲۰۶، ۱۴۷۰۰ تفنگدار دریایی ایران، ۱۰ فروند اف ۴، ۳ فروند سی ۱۳۰، تعداد نامعلومی بالگرد آ. اچ ۱ کبری. نیروهای ایرانی در درگیری مستقیم با شورشیان حضور داشتند و در سرکوب آن‌ها نقش بسزایی ایفا کردند، اما آن روی سکه این جنگ فاجعه‌ای تکان‌دهنده برای ایران بود:

- تعداد تلفات ارتش عمان در جنگ: ۱۸۷ کشته و ۵۶۰ زخمی

- تعداد تلفات انگلستان: ۲۴ کشته و ۵۵ زخمی

- تعداد تلفات ایران: ۷۲۰ کشته و ۱۴۰۴ زخمی

تلفات ایران نسبت به نیروهای انگلیس و حتی خود ارتش عمان تامل برانگیز است. در زمان شاه پرداختن به تلفات نیروهای ایرانی در روزنامه‌ها ممنوع بود و در یک مورد هم که نویسنده‌ای در روزنامه کیهان به تلفات بالای نظامیان ایرانی اشاره کرد بازداشت و به زندان محکوم شد! با گذشت زمان ناگفته‌ها و خیانت‌های این جنگ بیشتر آشکار شد و مشخص شد که انگلیس نقش اساسی در کشیدن پای ایران به میدان نبرد عمان را داشته است.



طبق گزارش یک خبرنگار که به ظفار رفته بود نیروهای ایرانی که جلوتر از ارتش‌های انگلیس و عمان در نبردها حضور داشتند با نبرد سخت در کوهستان‌ها و دره منطقه را پاکسازی می‌کردند و آنگاه ارتش عمان و انگلیس منطقه پاکسازی شده را تحویل می‌گرفتند و در آن اردوگاه ایجاد می‌کردند! این خود نشان می‌دهد که ارتش و نیروهای نظامی ایران در دوره پهلوی نه حافظ امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور که پیشمرگ سلاطین منطقه و نیروهای انگلیسی بوده است! نکته دیگر آن که جمهوری اسلامی تنها حکومتی است که در دوران معاصر در حفظ تمامیت ارضی ایران موفق بوده است. در دوران قاجار و پهلوی بخش‌های مختلف و مهمی از ایران جدا شد؛ گرجستان، ارمنستان، هرات و افغانستان، بخش‌هایی از ترکمنستان و بحرین بخشی از این سرزمین‌ها هستند. حال آن‌که در جنگ تحمیلی و نابرابر ۸ ساله، یک وجب از خاک ایران هم به چنگ دشمن نیامد.

ب) تشکیل سپاه و بسیج

ناخواسته و تحمیلی از سوی ابر قدرت ها و مزدوران داخلی آن ها در کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان ... و در نهایت متجاوزان رژیم بعث عراق بودند و توانستند با اهدای خون پاکشان درخت انقلاب را آبیاری کنند و آن را از گزند ضد انقلاب محفوظ بدارند. در سایه این فداکاری ها بود که سپاه و بسیج در قلب امت مسلمان بیش از پیش جای گرفت و مظهری از اخلاص و تعهد و ایثار شد. به طوری که امام خمینی (ره) در دیدارهای مختلف از آن ها این چنین یاد می کردند: «من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی گردد اگر سپاه نبود کشور هم نبود... ای کاش من هم یک پاسدار بودم. بسیج لشکر مخلص خداست من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گردانند، چرا که در این دنیا افتخار این است که خود بسیجی ام... بسیج میقات پا برهنگان و معراج اندیشه، پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گم نامی و بی نشانی گرفته اند.»

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی تشکیل سپاه و بسیج به فرمان امام خمینی (ره) بود. این دو نهاد مقدس از بدو تشکیل، در گیر جنگ های



ج) خودکفایی نظامی



قبل از انقلاب، تقریباً تمام تسلیحات نظامی از خارج وارد می شد، اما اکنون ایران در زمره یکی از کشورهای تولیدکننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان قرار گرفته و در کنار کشورهایی چون هند و برزیل مطرح شده است و تولیدات خود را به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می کند

پیموسته بر توانایی های نظامی و راهبردی خود بیفزاید. خوشبختانه پیشرفت های نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال های اخیر قابل توجه بوده است. به گونه ای که اکنون در زمره قدرت های برتر موشکی جهان با دارا بودن موشک های بالستیک است. ضمن این که اکنون ایران در صنعت دفاعی نیز از معدود کشورهای دنیا است که به طور کامل خوداتکاست.

قبل از انقلاب، تقریباً تمام تسلیحات نظامی از خارج وارد می شد، اما اکنون ایران در زمره یکی از کشورهای تولیدکننده تسلیحات پیشرفته نظامی در جهان قرار گرفته و در کنار کشورهایی چون هند و برزیل مطرح شده است و تولیدات خود را به بیش از ۳۰ کشور جهان صادر می کند. تولید محصولات الکترونیکی و راداری، ادوات و تجهیزات خاص از این جمله است. اکنون ایران در زمینه صنایع زرهی و ساخت انواع نفربر در بین ده کشور برتر دنیا قرار گرفته است.

منابع قدرت را به دو دسته ملموس (مادی) و ناملموس (معنوی) تقسیم می کنند و از جمله منابع محسوس قدرت، توان نظامی، تعداد نظامیان و... است. اهمیت قدرت نظامی نیز به دو دلیل عمده است؛ اول این که دولت ها در تحلیل نهایی ممکن است برای تأمین مقاصد خود به کاربرد نیروی نظامی نیاز پیدا کنند و دوم این که با تهاجم نظامی بیگانگان به مرزهای یک کشور، در صورت ضعف قدرت نظامی آن کشور، هر چند به لحاظ سایر مؤلفه های قدرت از استحکام لازم برخوردار باشد، موجودیت آن در معرض تهدید جدی قرار می گیرد. از این روست که همه کشورها نسبت به تقویت بنیه نظامی خود اهتمام لازم را دارند.

در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، این مسئله از دو جهت اهمیت مضاعف می یابد: قرار گرفتن ایران در یک منطقه حساس و تضادهایی که قدرت های بزرگ با نظام جمهوری اسلامی دارند. بنابراین، جمهوری اسلامی باید



گرایش شدید به دین یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در خارج ایران است. پس از انقلاب اسلامی صدها کتاب در مورد نقش مذهب در اجتماع و سیاست به بازارهای جهان آمده و بسیاری از دانشگاه‌های جهان به تحقیق درباره مذهب پرداخته در حالی که قبل از آن دین را افیون توده‌ها می‌دانستند

« دستاوردهای بین‌المللی

الف) تجدید حیات اسلام در جهان



مقام معظم رهبری، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را تجدید حیات اسلام در جهان خوانده و فرمودند: «علی‌رغم گذشت بیش از یک صد و پنجاه سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه جانبه علیه اسلام، امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا حیات جدیدی را باز یافته و مسلمانان به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده‌اند.»

ابعاد مختلف این تجدید حیات را در ظهور جنبش‌های اسلامی، از شرقی‌ترین نقاط آسیا تا آمریکا می‌توان مشاهده کرد اگر صدها هزار نفر در کنار کاخ سفید شعار «الله اکبر» سر می‌دهند و مرکز شرک و ظلم جهانی را به لرزه در می‌آورند، به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامی این خودباوری از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران است. از

میان جنبش‌های اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفتند می‌توان از انتفاضه فلسطین، حزب الله لبنان، جبهه نجات اسلامی الجزایر، نهضت مسلمانان مصر، جبهه‌های اسلامی در سودان، کشمیر، عراق، ترکیه، آذربایجان و... نام برد که با شعار الله

اکبر علیه استکبار جهانی به پا خواسته‌اند.

پیام‌های امام خمینی (ره) به مسلمانان به خصوص در موسم حج که خواستار وحدت مسلمانان در برابر استکبار جهانی بود، باعث می‌شد که روح تازه‌ای در کالبد مسلمانان جهان دمیده شود. در یکی از این پیام‌ها امام می‌فرماید: «هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستم گران به پاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.»



به دنبال این پیام‌های وحدت بخش بود که بازگشت به تفکر دینی به خصوص دین اسلام آغاز شد. گرایش شدید به دین یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در خارج ایران است. پس از انقلاب اسلامی صدها کتاب در مورد نقش مذهب در اجتماع و سیاست به بازارهای جهان آمده و بسیاری از دانشگاه‌های جهان به تحقیق درباره مذهب پرداخته در حالی که قبل از آن دین را افیون توده‌ها می‌دانستند.

مقام معظم رهبری، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را تجدید حیات اسلام در جهان خوانده و فرمودند: «علی‌رغم گذشت بیش از یک صد و پنجاه سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه جانبه علیه اسلام، امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا حیات جدیدی را باز یافته و مسلمانان به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده‌اند.»

ابعاد مختلف این تجدید حیات را در ظهور جنبش‌های اسلامی، از شرقی‌ترین نقاط آسیا تا آمریکا می‌توان مشاهده کرد اگر صدها هزار نفر در کنار کاخ سفید شعار «الله اکبر» سر می‌دهند و مرکز شرک و ظلم جهانی را به لرزه در می‌آورند، به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامی این خودباوری از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران است. از

میان جنبش‌های اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفتند می‌توان از انتفاضه فلسطین، حزب الله لبنان، جبهه نجات اسلامی الجزایر، نهضت مسلمانان مصر، جبهه‌های اسلامی در سودان، کشمیر، عراق، ترکیه، آذربایجان و... نام برد که با شعار الله

ب) ترویج روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در میان دین‌باوران

توانست با تکیه بر آموزه‌های دینی تحول‌آفرینی کند و در استقرار الگوی دینی حکومت موفق شود، دین‌باوران و بویژه مسلمانان به اعتماد به نفس و خودباوری روزافزونی رسیدند.

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، هیچ نقشی برای دین در تحول‌آفرینی اجتماعی و اداره حیات سیاسی - اجتماعی قائل نبودند و اساساً دین گمشده نظریه‌های علوم اجتماعی بود. از وقتی که انقلاب اسلامی

ج) الهام بخشی برای جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی بخش

جهد اسلامی فلسطین نیز می‌گوید: «برماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری صهیونیست‌ها از تمام راه حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام خمینی در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم.»

موشه دایان، وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی در دولت بگین، در خصوص انقلاب اسلامی می‌گوید: «زلزله‌ای در منطقه رخ داده است و من بگین را نصیحت کردم که مسئله‌ای مهم‌تر از کمپ دیوید اتفاق افتاده که باید به آن پیردازیم.» دکتر فتحی شقاقی، رهبر وقت سازمان

د) ایجاد و تقویت محور مقاومت اسلامی در منطقه

این موضوع بدان سبب است که تمامی اعراب در جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ مقابل رژیم صهیونیستی شکست خوردند اما همین رژیم در مقابل یک گروه شیعی در جنوب لبنان تن به شکست می‌دهد.

حاصل این دستاورد علاوه بر شکست رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه، خاموشی فتنه صهیونیستی - تکفیری در منطقه و نجات مردمان منطقه از آتش وحشی‌گری گروهک‌های تروریستی بوده است. اهمیت

ه) بی اعتبار سازی نظام دو قطبی حاکم بر روابط بین الملل

بر روابط دو ابر قدرت صوری بوده و از ریشه‌های عمیق برخوردار نیست. فراتر از این، انقلاب اسلامی ابر قدرت‌ها را نیز تحقیر کرد؛ کارتر، رئیس جمهوری وقت آمریکا در جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا گفت که ایران ما را تحقیر کرد. امام (ره) در جواب کارتر گفتند: «این اول راه است، ایران تا آخر شما را تحقیر خواهد کرد».

تا قبل از انقلاب اسلامی هیچ تحولی در دنیا رخ نمی‌داد مگر این که وابسته به یکی از دو ابر قدرت آمریکا و شوروی می‌بود. پیروزی انقلاب اسلامی، بدون وابستگی به هیچ یک از این دو ابر قدرت، نه تنها این قاعده متعارف در آن زمان را زیر سؤال برد، بلکه با آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله و حمایت هر دو ابر قدرت از عراق متجاوز، نشان داد که تضاد حاکم

و) تحول در هندسه قدرت نظام جهانی

برتری ارزشی غرب تردید ایجاد کرد و آن را زیر سؤال برد. از سوی دیگر، این انقلاب با ایستادگی در مقابل تمامی زیاده‌خواهی‌های غرب نشان داده است که حتی می‌توان با ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و تسلیم حرف زور دیگران نشدن نیز پیشرفت کرد. از این رو انقلاب اسلامی در بی اعتبار سازی پایه‌های هندسه کنونی نظام جهانی موفق بوده است.

به عبارت دیگر، آن زمان که انقلاب اسلامی توانست تحول سیاسی اجتماعی ایجاد کند و حتی الهام بخش سایر ملت‌ها شود، بیشترین ضربه به پایه‌های فکری نظام موجود جهانی وارد آورد و در مراحل بعدی که نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت و ساختارهای سیاسی اجتماعی بر مبنای ایده‌های اصلی و اساسی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد، این نظام با ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌های ابر قدرت‌ها و زیر بار حرف زور آن‌ها نرفتن، نشان داد که پایه دوم این نظم جهانی نیز از اعتبار چندانی برخوردار نیست. ❖

دو پایه اساسی هندسه حاکم بر نظام جهانی پایه فکری و ارزشی و پایه عملی. به تعبیر مقام معظم رهبری، «آن پایه اخلاقی و فکری عبارت بود از ادعای برتری فکری و ارزشی غرب». «پایه عملی، مسئله توانایی‌های سیاسی و نظامی بود که اگر ملت‌ها یا دولت‌ها یا جریان‌های گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند، اینها با فشار سیاسی و با فشار نظامی با آن‌ها مواجه می‌شدند و کارهای زیادی را انجام می‌دادند که کسانی که زیر بار آن عامل اول نمی‌رفتند، با فشار عامل دوم، یعنی فشار سیاسی و فشار نظامی و امنیتی، مجبور بشوند با آن‌ها همراهی کنند و همکاری کنند»

امروزه هر دوی این پایه‌ها دچار چالش شده‌اند و انقلاب اسلامی در ایجاد چالش برای این پایه‌های نظم جهانی بسیار تأثیر گذار بوده است. در حقیقت آنگاه که انقلاب اسلامی در چارچوبی غیر از چارچوب‌های فکری و ارزشی غرب شکل گرفت و پیروز شد، در



آنگاه که انقلاب اسلامی در چارچوبی غیر از چارچوب‌های فکری و ارزشی غرب شکل گرفت و پیروز شد، در برتری ارزشی غرب تردید ایجاد کرد و آن را زیر سؤال برد. از سوی دیگر، این انقلاب با ایستادگی در مقابل تمامی زیاده‌خواهی‌های غرب نشان داده است که حتی می‌توان با ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و تسلیم حرف زور دیگران نشدن نیز پیشرفت کرد



خدمت

میوه شیرین انقلاب

مروری بر مفهوم خدمت در
اندیشه بنیانگذاران انقلاب



تشکیل حکومت بتوان در گستره جامعه، زمینه خدمات رسانی را به عموم و به ویژه آسیب پذیرترین اقشار، فراهم آورد. امام خمینی (ره) اندیشه خدمت به آنان را جزو وظیفه خویش تلقی می کرد و بسیاری از نامه های خصوصی ایشان به دیگران متضمن همین معنا هستند.

بارها تعبیر این که «خدمتگزار مردم هستم» در کلام ایشان جاری شد و این نبود جز آنکه ایشان به این جمله باور داشت و مردم نیز این را باور داشتند. برخی از تعبیر ایشان را در ذیل می آوریم تا این باور را از درون کلمات ایشان بکاوییم. «امیدوارم دعا کنید که کوتاهی نکنم»، «من هر جا باشم خدمتگزار همه هستم»، «من به حق، خدمتگزار شما هستم»، «امید است که این آخر عمر در خدمت شما باشم»، «تا نفس می کشم، خدمت به شما می کنم»، «من تا آن قدر که هستم خدمت می کنم به شما» از این نمونه هادر کلام ایشان فراوان یافت می شود.

چنین نگرشی، به جهان بینی امام خمینی (ره) بر می گردد، رمز و راز چنین نگاهی را در شرح ایشان بر چهل حدیث می توان یافت: «ای مدعی معرفت و جذب سلوک و محبت و فنا، خداوند از لسان پیامبرش فرموده اولیائی تحت قبائی لایعرفهم غیر ی. تو اگر از اولیای حق و محبین و مجذوبینی، خداوند می داند به مردم این قدر اظهار مقام و مرتبت مکن و این قدر قلوب ضعیف بندگان خدا را از خالق خود به

در آموزه های دینی و اخلاقی، مردم جایگاهی والا و ارزشی بی شمار دارند. از منظر اخلاق اسلامی، مردم به مثابه خانواده خداوند هستند و نباید به فراموشی سپرده شوند و از منظر سیاسی و اجتماعی پایه های اصلی حکومت به دوش آن ها نهاده شده است و به هر میزان که در حکومت نقش آفرین باشند، آن حکومت از استواری و استحکام بیشتری برخوردار است.

هرگز نباید از نظر دور داشت که هر تلاشی بی آنکه به سعادت مردم بیانجامد نمی تواند از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشد. امام خمینی (ره) در نهایت محبوبیت خویش، هرگز در محاسبات خود فارغ از مردم عمل نکرد مخلوق را در رتبه طولی پس از خالق می دید و هر گونه خدمت به مخلوقات را عین اطاعت از خالق می انگاشت. امام خمینی (ره) در اندیشه سیاسی خود اساس تشکیل حکومت اسلامی را مقدمه برای واجبات دیگری بر می شمارد و در استدلال های ایشان در کتاب ارزشمند «ولایت فقیه»، این استدلال که تشکیل حکومت مقدمه انجام واجبات خداوند است، جایگاه ویژه ای دارد.

این انگاره از حکومت، هرگز تحلیل های تئوری قدرت در اندیشه سیاستمداران را بر نمی تابد، به ویژه آنکه از نگاه یک رهبر مذهبی به این معنی است که فضای خدمت به جامعه گسترده تر شود و از مجرای



مخلوق متوجه مکن و خانه خدا را غضبناک مکن.» در اندیشه امام خمینی (ره) حکومت، مرکب راهواری است که راکب را به خدمت بر خلق خدا می‌رساند. مقام معظم رهبری نیز بارها در خلال سخنانشان بر این موضوع تاکید کرده‌اند و تا آن جا که سالی را با نام سال خدمت‌رسانی نامیده‌اند و این نشان از آن دارد که ایشان نیز بر همین باور و رأی هستند. خدمت در اندیشه بنیانگذاران انقلاب اسلامی یعنی تحقق یافتن عدالت، امنیت، رفاه و تربیت و آموزش در جامعه. در ادامه به برخی از مصادیق خدمت‌رسانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تبیین بهتر اندیشه بنیانگذاران انقلاب که در رفتار کارگزاران حکومت تبلور یافته است، اشاره می‌شود.

◀ زمینه‌سازی برای پیشرفت

بسترسازی و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در حوزه‌های مختلف در ۴ دهه گذشته در جهت بسترسازی برای جهش در پیشرفت صورت پذیرفته است از جمله:

- زیرساخت‌های اقتصادی در حوزه‌هایی چون تأمین انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، بهداشت و درمان، آموزش.
- باز شدن پنجره جمعیتی بیش از ۵۵ درصد از جمعیت کشور در سن فعالیت ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند
- تربیت نیروی انسانی متخصص کارآمد، متعهد و عمدتاً جوان و دارای عزم پیشرفت
- شکل‌گیری مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی، پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش بنیان
- تجربیات موفق در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری چون هسته‌ای، نانو، بیوتکنولوژی، موشکی، سلول‌های بنیادین، هوافضا، داروهای نو ترکیب و پزشکی که ثابت نمود در صورت اتکا به ظرفیت‌های داخلی و مدیریت مناسب آن‌ها، دسترسی به قله‌های علم و فناوری امکان پذیر است.
- حضور مقتدرانه ج.ا.ا در منطقه و تبدیل ایران به قطب تأمین ثبات و امنیت در منطقه
- ثبات و امنیت داخلی و خارجی قابل تحسین در منطقه و جهان

◀ تولید ملی

- ۵۷ برابر شدن صادرات غیرنفتی، افزایش صادرات غیر نفتی از ۵۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۳۱ میلیارد دلار
- ۵/۶ برابر شدن تولید و مونتاژ خودرو، افزایش تولید و مونتاژ ۱۵۰ هزار دستگاه خودرو در سال ۱۳۵۷ به تولید و مونتاژ بیش از ۹۷۷ هزار دستگاه خودرو
- ۳۰ برابر شدن تولید محصولات پتروشیمی، افزایش تولید محصولات پتروشیمی از ۱/۶ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۴۸/۱ میلیون تن
- ۲۴ برابر شدن تولید فولاد خام، افزایش میزان تولید فولاد خام ۶۸۰ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱۶/۷ میلیون تن
- ۱۵ برابر شدن تولید محصولات فولادی، و تولید ۱ میلیون تن

محصولات فولادی در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱۵/۷ میلیون تن

● در سال ۱۳۵۶ میزان تولید ناخالص داخلی ۱۱۹ هزار میلیارد تومان بود که این رقم با ۱/۷ درصد رشد به بیش از ۲۰۳ هزار میلیارد تومان رسیده است.

● نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۵۶، حدود ۳/۷- درصد بوده است که این نرخ به ۴/۵ درصد رسیده است و بیانگر آن است که سرعت پیشرفت اقتصادی در سال‌های بعد از انقلاب به مراتب بیشتر از سال ۱۳۵۶ بوده است.

◀ شاخص فقر و دسترسی به خدمات اساسی

بر اساس شاخص‌های اقتصادی، فقر در مقایسه با سال‌های آخر پیش از انقلاب به طرز قابل توجهی کاهش یافته است به طوری که میزان فقر (به معنای نسبت افراد کمتر از دو دلار در آمد در روز) تک رقمی بوده، که با توجه به استاندارد کشورهای درحال توسعه کاملاً پایین و یک هشتم در پیش از انقلاب است.

طی سال‌های بعد از انقلاب شاخص دسترسی به خدمات اساسی و لوازم خانگی افزایش داشته است به طوری که با وجود گسترش شهرنشینی، مالکیت مسکن و مساحت سرانه خانه‌ها افزایش یافته است و شکاف شهری - روستایی در دسترسی به خدمات اساسی کمتر شده است و شکاف‌نهایی میان مناطق روستایی و شهری کمتر شده است.

پیش از انقلاب تنها ۳/۱ میلیون مشترک برق اعم از خانگی و عمومی و صنعتی و کشاورزی وجود داشت و این درحالی است که این رقم به بیش از ۳۰ میلیون مشترک رسیده است.

وضعیت آبرسانی در سال ۱۳۵۷ میزان تولید آب ۱/۵ میلیون متر مکعب آب و تعداد انشعابات ۲/۷ میلیون بوده است، اما اکنون در کل کشور ۴۵۰ هزار کیلومتر شبکه آبرسانی شهری و روستایی وجود دارد و نرخ دسترسی به آب لوله‌کشی سالم در مناطق روستایی نیز افزایش یافته که با توجه به پراکندگی وسیع خانواده‌های روستایی در کشور، دستاورد عظیمی محسوب می‌شود.

در بخش شاخص‌های مهم بخش گاز و گازرسانی پس از انقلاب تنها پنج شهر و در حدود ۵۰ هزار انشعاب برخوردار بودند که اکنون بیشتر مناطق شهری و روستایی کشور از این نعمت بهره‌مندند و تعداد انشعابات به حدود ۱۳/۵ میلیون انشعاب رسیده و برای اولین بار بیش از ۱۰ هزار روستا گازدار شده‌اند.



در اندیشه امام خمینی (ره) حکومت، مرکب راهواری است که راکب را به خدمت بر خلق خدمت‌رسانی می‌رساند. مقام معظم رهبری نیز بارها در خلال سخنانشان بر این موضوع تاکید کرده‌اند و تا آن جا که سالی را با نام سال خدمت‌رسانی نامیده‌اند و این نشان از آن دارد که ایشان نیز بر همین باور و رأی



← زیرساخت‌های اقتصادی

- ۶ برابر شدن راه‌های کشور، افزایش راه‌های اصلی و فرعی کشور از ۳۶ هزار کیلومتر به بیش از ۲۱۰ هزار کیلومتر
- ۲ برابر شدن میزان راه آهن کشور، افزایش میزان راه آهن کشور از ۴/۶ هزار کیلومتر به نزدیک ۱۰ هزار کیلومتر
- ۲۰ برابر شدن ظرفیت بندر کشور، ارتقای ظرفیت بندر از ۱۰ میلیون تن به بیش از ۲۰۰ میلیون تن
- ۳۰ برابر شدن سدهای مخزنی کشور، تعداد سدهای مخزنی کشور از ۱۳ سد به حدود ۴۰۰ سد بزرگ
- ۱۴ برابر شدن تولید برق کشور، افزایش تولید برق کشور از ۲۰ به ۲۸۰ میلیارد کیلووات ساعت و برق دار شدن ۹۹/۹ درصد روستاها و ۱۰۰ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار و ۹۹/۳ درصد روستاهای زیر ۲۰ خانوار
- افزایش دسترسی به آب تصفیه شده به بیش از ۹۶/۲ درصد رسیده است.
- توسعه صنعت گاز، افزایش سهم گاز در سبد انرژی کشور از ۱ درصد در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به ۷۲ درصد
- ۲۱۱ برابر انشعاب گاز در کشور (۹۷ درصد شهرها و ۸۰ درصد روستاها)، انشعاب گاز در اوایل انقلاب از ۵۰ هزار انشعاب (تنها ۹ شهر و یک روستا) به ۱۰ میلیون و ۵۷۰ هزار انشعاب در سال ۱۳۹۵ (یک هزار و ۸۳ شهر و ۲۳ هزار روستا)
- ۳۵ برابر شدن تعداد مشترکین تلفن ثابت، از ۸۵۰ هزار اشتراک در قبل از انقلاب به حدود ۳۰ میلیون اشتراک تعداد دفاتر خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی به بیش از ۸ هزار و ۴۴۳ دفتر رسیده است.

← توسعه اقتصادی و اجتماعی

- نمره ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی از ۵۶۷/۰ در سال ۱۹۹۰ به ۷۶۶/۰ در سال ۲۰۱۴ بهبود یافته است. (بهبود رتبه از ۹۲ به ۶۹)
- ایران از حیث میزان افزایش شاخص توسعه انسانی طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ پس از کشورهای رواندا و چین در رتبه سوم جهان قرار گرفته است.
- امید به زندگی ایران از ۵۴/۱ سال در ۱۹۸۰ به ۷۵/۴ سال در ۲۰۱۴ افزایش یافته است. (بهبود رتبه از ۱۴۲ به ۶۳)

- ایران از حیث میزان افزایش شاخص امید به زندگی طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۸۰ در رتبه هفتم جهان قرار گرفته است.
- میانگین سال‌های تحصیل ایران از ۲/۳ سال در ۱۹۸۰ به ۸/۲ سال در ۲۰۱۴ افزایش یافته است. (بهبود رتبه از ۱۰۹ به ۱۰۰)
- ایران از حیث میزان افزایش میانگین سال‌های تحصیل طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۸۰ در رتبه پنجم جهان قرار گرفته است.
- سال‌های مورد انتظار تحصیل در ایران از ۹/۲ سال در ۱۹۹۰ به ۱۵ در ۲۰۱۴ افزایش یافته است. (بهبود رتبه از ۱۱۴ به ۴۵)
- ایران از حیث میزان افزایش سال‌های مورد انتظار تحصیل طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ در رتبه ششم جهان قرار گرفته است.
- نرخ مرگ و میر کودکان (در هر ۱۰۰۰ تولد) در ایران از ۴۴/۱ در سال ۱۹۹۰ به ۴/۱۴ در سال ۲۰۱۳ بهبود یافته است. (بهبود رتبه از ۱۰۹ به ۹۲)
- بهبود توزیع درآمد، کاهش ضریب جینی از ۰/۴۳۶۰ در سال ۱۳۵۷ به ۰/۳۹۸۸

← صنعت نفت

- پس از انقلاب تولیدات پنج فرآورده اصلی پالایشی، نسبت به قبل از انقلاب با رشدی بالغ بر ۱۳۵/۵ درصدی حدود ۲/۴ برابر شده است. در این مدت مجموع تولید پنج فرآورده اصلی (گاز مایع، بنزین، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره) از ۹۹/۷۴ میلیون لیتر در روز به بیش از ۲۳۵/۷۳ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است. همچنین افزایش ذخایر هیدرو کربوری مایع و گاز طبیعی به گونه‌ای بوده که طی چهار دهه اخیر ۳۶/۴ میلیارد بشکه نفت خام و ۲۱۹۴ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی استخراج شده است. افزایش تعداد شهرهای گازرسانی شده از ۵ شهر به ۷۴۴ شهر و افزایش تعداد روستاهای گازرسانی شده از یک روستا به ۷۳۶۴ روستاست که نشان دهنده حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش است.

← علم و فناوری

- ۲۴ برابر شدن تعداد دانشجویان، افزایش تعداد دانشجویان از ۱۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۴/۳ میلیون
- ۱۳ برابر شدن تعداد دانشجویان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، از ۲۴۸ نفر به ۵۴۸۶ نفر افزایش یافته
- ۵/۱۶ برابر شدن سهم ایران از تولید مقالات ISI؛ سهم ایران از تولید مقالات خارجی ISI از ۰/۱ درصد (۶۶۹ مقاله) در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱/۶۵ درصد (۲۳ هزار مقاله)
- ساخت هواپیما و بالگرد سبک و نیمه سنگین
- پرتاب ماهواره، ساخت کشتی و تولید انواع قایق که برای اولین بار در تاریخ کشور رخ داده است.
- رتبه جهانی تولید علم ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ از ۵۳ ام به ۱۶ ام در جهان ارتقا یافته است. رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته انرژی اتمی از ۸۳ به ۱۱ ام ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۴۱۸)



در بخش

شاخص‌های

مهم بخش گاز و

گازرسانی پس از

انقلاب تنها پنج

شهر و در حدود

۵۰ هزار انشعاب

بر خوردار بودند که

اکنون بیشتر مناطق

شهری و روستایی

کشور از این نعمت

بهره‌مندند و تعداد

انشعابات به حدود

۱۳/۵ میلیون

انشعاب رسیده و

برای اولین بار بیش

از ۱۰ هزار روستا

گازدار شده‌اند



ساخت انواع رادار
با بُرد بیش از یک
هزار کیلومتر و
پر تاب چندین
ماهواره با سر نشین
و بدون سر نشین
به فضا از جمله
مواردی هستند که
کسب رتبه هفتم
جهان در سامانه
کامل پر تاب
ماهواره و رتبه
دوازدهم جهان در
طراحی و ساخت
ماهواره را برای
یازدهمین عضو
باشگاه فضایی
جهان یعنی ایران
به ارمغان آورده
است

- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته نانو و نانو تکنولوژی از ۵۷ام جهان به ۱۶ام ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱ به ۶۸۷)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته بیوتکنولوژی از ۵۶ به ۱۴ام جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۱۱ به ۶۱۸)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته مهندسی هوا فضا از ۴۳ به ۱۱ام جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۴ به ۳۴۱)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته پزشکی از ۵۴ به ۱۹ام جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۶۴ به ۳ هزار)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته شیمی از ۴۸ به ۱۱ام جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۷۹ به ۳ هزار)
- رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته فیزیک و نجوم از ۶۴ به ۱۹ام جهان ارتقا یافته است. (افزایش تعداد مقالات از ۲۱ به ۱ هزار)
- رشد روزافزون و حضور فعال کشور در عرصه های علمی به طوری که تا سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع در کشور ثبت شده است.
- پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان و پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته اند.
- بر اساس گزارش سازمان بین المللی آیسسکو، جمهوری اسلامی ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی از لحاظ علمی و پژوهشی و ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای اسلامی قرار دارد.
- دستیابی به فناوری و دانش کامل چرخه سوخت هسته ای و قرار گرفتن در ردیف پنج کشور برتر جهان
- ورود موفقیت آمیز و همزمان با سایر کشورهای پیشرفته به عرصه علوم جدید مانند نانو تکنولوژی که رتبه هفتم جهانی را به خود اختصاص داده و سایر علوم جدید از جمله لیزر، میکرو الکترونیک، ورود به علم ساخت روبات و کسب موفقیت های جهانی در مسابقات روباتیک، توسعه سخت افزاری و ساخت ابر رایانه، توسعه نرم افزاری و بهره برداری گسترده از علوم رایانه ای در کشور و کسب ۳۶۲ مدال در المپیادهای مختلف علمی جهان
- افزایش تعداد پزشکان از ۱۵ هزار نفر پیش از انقلاب به بیش از ۱۱۱۰۰۰ نفر و رفع کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی
- تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری ها
- دستیابی به دانش کشت سلول های بنیادین، قرار گرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری های چشمی
- کسب تجارب ارزشمند برای مقابله با انواع عوارض و بیماری های ناشی از عوامل شیمیائی

پیشرفت های صنعت نظامی و دفاعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش روزافزون تحریم های مختلف از سوی دشمنان انقلاب اسلامی متخصصان دلسوز و جوان این کشور را واداشت تا کمر همت در بی نیازی کشور از قدرتهای

- جهانی ببندند و در این راه دستاوردهای گوناگونی را در حوزه های مختلف از جمله صنعت دفاعی و نظامی کشور رقم بزنند. پیشرفت ایران در زمینه ساخت و تولید انواع سلاح ها و تجهیزات نظامی به قدری شگفت انگیز بوده که مؤسسه گلوبال فایر پاور اعلام کرد که ارتش ایران در رتبه ۲۳ جهان قرار گرفته است و این در حالی است که این آمار پیشرفت ایران را در زمینه نظامی ثابت می کند. نمونه های زیر تنها بخشی کوچک از پیشرفت های خیره کننده ایران در صنعت نظامی و دفاعی کشور پس از انقلاب اسلامی است و این پیشرفت ها در حالی به دست آمده که تا پیش از انقلاب اسلامی نیروهای مسلح ایران در بعد تجهیزات و آموزش کاملاً وابسته به غرب بودند.
- ساخت انواع سلاح ها و تجهیزات نظامی از جمله: ساخت انواع هواپیما و جت های جنگنده مافوق صوت رادار گریز (مانند صاعقه و آذر خش)، آموزشی (مانند پرستو، درنا، سیمرغ، شفق، تندر)
 - خودکفایی در تولید و ساخت انواع هواپیماهای بدون سر نشین مدرن
 - ساخت انواع بالگرد (مانند، بالگردهای شاهد، شباویز ۲۰۷۵ و ۲۰۶۱ و بالگرد ضد تانک ۲۰۹۱) و تعمیر انواع هواپیما و بالگرد با کسب رتبه پنجم جهانی بخشی از دستاوردهای صنعت هوایی است.
 - پیشرفت ایران در زمینه ساخت و تولید انواع موشک های بالستیک، دور برد زمین به زمین، زمین به هوا و انواع موشک های دریایی (مانند موشک ماهواره بر سفیر، شهاب، سجیل، موشک کروژ) ایران را در ردیف معدود کشورهای دارنده تکنولوژی ساخت موشک های فوق دقیق سطح به سطح قرار داده است.
 - ساخت انواع رادار با بُرد بیش از یک هزار کیلومتر و پر تاب چندین ماهواره با سر نشین و بدون سر نشین به فضا از جمله مواردی هستند که کسب رتبه هفتم جهان در سامانه کامل پر تاب ماهواره و رتبه دوازدهم جهان در طراحی و ساخت ماهواره را برای یازدهمین عضو باشگاه فضایی جهان یعنی ایران به ارمغان آورده است.
 - ساخت زیر دریایی، ساخت و تعمیر انواع ناو و ناوچه ساخت هاور کرافت (قایق های دوزیست) ساخت انواع قایق های تندرو و قایق پرنده
 - ساخت و تعمیر انواع زره پوش و تانک
 - خودکفایی در ساخت انواع تجهیزات و سلاح های سبک، نیمه سنگین و سنگین مانند: انواع خمپاره انداز و توپ های مدرن، انواع سامانه ها و سلاح های پدافند ضد هوایی و مهمات سبک و سنگین
 - توسعه صنایع مخابراتی و ساخت انواع بی سیم و تقویت و توسعه صنایع اپتیک و ساخت انواع دوربین های معمولی و دید در شب و صدور برخی از این محصولات به ۳۲ کشور جهان
 - این موارد از دستاوردهای صنایع نظامی محسوب می شوند که قبل از انقلاب اسلامی، تولید آن ها در کشور سابقه نداشته و مهم تر این که بخش قابل توجهی از آن ها، صرفاً در انحصار تعداد معدودی از کشورها پیشرفته جهان قرار داشته است. ❖

درپرتومعنا

سپیدرویان با آبرو

بی تفاوت نباشیم

میان‌ه‌رو باش

عزت و عزت‌مندی

آبروی مؤمن، در آموزه‌های دینی ارزش و جایگاه بالایی دارد؛ به گونه‌ای که هم‌ردیف مال و جان وی ذکر شده و گاهی از جان و مال او نیز مهم‌تر است. ابن عباس می‌گوید: «رسول خدا(ص) خطاب به کعبه گفت: خوشا به حال تو ای خانه! چه باعظمتی و چقدر حرمت تو بزرگ است! به خدا سوگند که حرمت مؤمن نزد خداوند، از حرمت و عظمت تو بیشتر است؛ زیرا خدای تعالی از تو یک چیز را حرام کرده است، اما از مؤمن سه چیز را: خورش، مالش و سوء ظن به او.» در بعضی روایات به جای عنوان «سوء ظن»، عنوان «عرض مؤمن (آبروی مؤمن)» آمده است؛ چنان‌که رسول اکرم(ص) فرموده: «خون (جان)، آبرو و مال مسلمان، بر مسلمان دیگر حرام است.»

متأسفانه، امروزه حرمت و آبروی مسلمانان حفظ نمی‌گردد و با کمترین بهانه، آبروی افراد در جامعه ریخته می‌شود. از این رو، بایسته است که این موضوع، از نظر آموزه‌های دینی بررسی شود.

حفظ آبرو، امری فطری

قرآن کریم، انسان را موجودی برخوردار از کرامت ذاتی می‌داند که خداوند وی را بر دیگر آفریدگانش برتری داده است: «و ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.» از برجسته‌ترین مظاهر کرامت انسان، برخورداری از عقل و حیاست؛ از این رو، انسان همواره و به طور طبیعی، در مقابل آنچه حرمت او را تهدید می‌کند، واکنش نشان می‌دهد. قرآن کریم مطالبی را نقل می‌کند که از تمایل فطری انسان به حفظ آبرو حکایت دارد.

ضرورت حفظ آبرو

بر اساس آموزه‌های دینی و حکم فطرت و عقل، هر مسلمانی وظیفه دارد در حفظ آبروی خویش و دیگر مسلمانان کوشا باشد. هر گونه تلاشی برای هتک حرمت مسلمانان، پیامدهای بسیار زیان‌بار دنیوی و اخروی را در پی دارد؛ چنان‌که حفظ آبروی مسلمانان، پاداشی فراوان در دنیا و آخرت به ارمغان می‌آورد و موجب توفیقات مادی و معنوی می‌شود.

قبل از این که دیگران در اندیشه حفظ آبروی ما باشند، خودمان باید در حفظ آبروی مان تلاش کنیم. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «خون‌ها، مال‌ها و آبروهایتان بر شما حرمت دارد؛ همان‌گونه که عید قربان در ماه ذی‌الحجه و در سرزمین مکه حرمت دارد؛» یعنی مؤمن همان‌گونه که حرمت روز عید قربان و ماه ذی‌الحجه و شهر مکه را پاس می‌دارد، باید در حفظ آبرو و حرمت خود نیز بکوشد.

امام علی(ع) می‌فرماید: «آبروی خود را هدف تیرهای سخنان مردم قرار مده؛» یعنی مؤمن نباید بی‌جهت کاری کند که مردم از او بدگویی کرده و آبرویش را در جامعه بشکنند.

حفظ آبرو آن قدر مهم است که انسان باید مال خود را در راه آن هزینه کند. امیر مؤمنان(ع) می‌فرماید: «بهترین عمل، آن است که انسان با مالش آبروی خود را حفظ کند.»

سپیدرویان با آبرو

آبروی مؤمن با ارزش است

حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب حسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



قرآن ضمن معرفی ملاک‌هایی برای آبرومندی و محبوبیت، بر این نکته تأکید می‌کند که انسان پیش و بیش از هر چیز، باید در پی کسب منزلت نزد خداوند باشد که در این صورت، خدا طبق یک سنت تغییرناپذیر، به او محبوبیت و منزلت والای اجتماعی می‌بخشد

خویشستن دارند و فقر خود را آشکار نمی‌کنند، کسی که از حالشان بی‌خبر است، آنان را توانگر می‌پندارد و توازن نشانشان، بینوایی آنان را درمی‌یابی. آنان با وجود نیازمندی شدید، به اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند.»

خداوند در داری‌های توانگران، برای نیازمندان حقی قرار داده است. قراردادن چنین حقی، موجب جلوگیری از تحقیر نیازمندان از سوی توانگران می‌شود.

آباتی که به صدقه پنهانی و منت‌نگذاشتن در صدقه تشویق می‌کند نیز در جهت حفظ آبروی نیازمندان، قابل تفسیر است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «آبروی تو، یخی است که درخواست و اظهار نیاز نزد دیگران، آن را قطره‌قطره آب می‌کند. پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرومی‌ریزی؟»

انسان خردمند، باید بداند درخواست کمک از فردی که آبروی دیگران برای او بی‌ارزش است و از این که حرمت نیازمندان را بشکند، باکی ندارد، کاری پس اشتباه است. سعدی گوید: اگر آبروی فردی را در یک محله‌ای بریزی، ممکن است سنت حاکم بر روزگار، آبروی تو را در شهری ببرد.

در روایتی آمده است: «مردی از مسلمانان مدینه، به شخصی بدهکار شد و نتوانست قرض خود را ادا کند. طلبکار، طلب خود را از آن مرد مطالبه می‌کرد. آن مرد برای چاره‌جویی نزد امام حسین (ع) آمد. همین که خواست نیاز خود را بیان کند و آثار درخواست در چهره‌اش ظاهر شد، امام حسین (ع) دریافت که او برای حاجتی آمده است. برای این که آثار ذلت و خواری سؤال بر چهره‌اش ننشیند، خجل نشود و آبروی حفظ شود، به او فرمود: آبروی خود را از درخواست رویاری و مستقیم نگهدار، نیاز خود را بنویس و به من ده که به خواست خدا آنچه تو را شاد کند، به تو خواهم داد. او برای امام نوشت: ای اباعبدالله! فلانی پانصد دینار از من طلب دارد و با اصرار از من مطالبه کرده است. از او برای من مهلت بخواهید تا زمانی که گشایشی برایم ایجاد شود و بتوانم طلبش را بپردازم.»

امام حسین (ع) پس از خواندن نامه او، به منزل خود رفت و کیسه‌ای محتوای هزار دینار آورد و به او داد و فرمود: با پانصد دینار این پول، بدهکاری خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر، به زندگی خود سروسامان بده و جز به نزد سه نفر به هیچ کس حاجت خود را مگو: اول، مؤمن و دین‌دار که دین، نگهبان اوست و باعث می‌شود حاجت تو را بدهد و آبروی تو را جایی نریزد. دوم، جوانمرد که به دلیل جوانمردی‌اش، حیا می‌کند درخواست تو را رد کند. سوم، صاحب اصالت خانوادگی که می‌داند تو به جهت نیازت، دوست نداری آبروی خود را از دست بدهی. او شخصیت تو را حفظ می‌کند و حاجت را روا می‌سازد.»

نسبت دادن فحشا به دیگران

از آن جا که هتک حرمت دیگران با متهم کردن آنان به فحشا، پیامدهای ناگواری در زندگی خانوادگی و اجتماعی دارد، حفظ آبرو

در آموزه‌های دینی، بیش از سفارش درباره حفظ آبروی خویش، به حفظ آبروی دیگران سفارش شده است، زیرا معمولاً انسان‌ها برای حفظ آبروی خود انگیزه دارند، اما برای حفظ آبروی دیگران، نه تنها انگیزه کافی ندارند، بلکه گاه به دلیل حسادت‌ها و رقابت‌ها در امور مادی و کم‌ارزش دنیا، برای ریختن آبروی دیگران از انگیزه بسیاری برخوردارند. در روایتی رسول خدا (ص) فرموده: «کسی که در راه غیبت برادرش و کشف سر و عیوب مخفی او قدم بردارد، اول گامی که برمی‌دارد، در جهنم می‌گذارد و خدای تعالی عیوب او را در بین خلایق آشکار ساخته، آبرویش را ببرد.»

عوامل وزمینه‌های هتک آبرو و حرمت

قرآن ضمن معرفی ملاک‌هایی برای آبرومندی و محبوبیت، بر این نکته تأکید می‌کند که انسان پیش و بیش از هر چیز، باید در پی کسب منزلت نزد خداوند باشد که در این صورت، خدا طبق یک سنت تغییرناپذیر، به او محبوبیت و منزلت والای اجتماعی می‌بخشد؛ «انان که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، خدای مهرگستر، محبت آنان را در دل مردم قرار خواهد داد.»

در تفسیر این آیه، از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «وقتی خدا بنده‌ای را دوست بدارد، به جبرئیل خطاب می‌کند که تو نیز او را دوست بدار. سپس جبرئیل در بین اهل آسمان ندا می‌دهد که خدا آن بنده را دوست می‌دارد. پس شما نیز او را دوست بدارید. آن گاه خداوند همان محبت اهل آسمان به آن بنده را در بین اهل زمین نیز قرار می‌دهد.» بنابراین، هر عملی که محبت خداوند را در پی داشته باشد، موجب جلب آبرو می‌شود و هر عملی که از محبوبیت انسان نزد خداوند بکاهد، سبب کم شدن آبروی او نزد خدا می‌شود.

نمونه آن، بنی اسرائیل است که به دلیل مخالفت با برخی دستورهای دینی‌شان، شایسته خواری و رسوایی در دنیا شدند. نمونه دیگر، قوم صالح است که به دلیل تکذیب حضرت صالح (ع) و معجزه‌های وی، گرفتار عذاب خوارکننده الهی شدند.

از دیدگاه قرآن کریم و روایات، عوامل و زمینه‌های متعددی موجب هتک حرمت و آبروریزی می‌شود که گذرا به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اظهار نیازمندی نزد دیگران

مهم‌ترین چیزی که با آبروی انسان در ارتباط است و موجب شرمساری، سرشکستگی و سرافکنندگی انسان می‌شود، اظهار نیازمندی نزد دیگران است. هر مسلمانی وظیفه دارد از دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران بپرهیزد و آبروی خود را حفظ کند، اما اگر دیگران به او نیاز داشتند، قبل از درخواست و اظهار نیاز آن‌ها، نیاز آنان را برآورده ساخته و آبرویشان را حفظ کند. قرآن با ستایش از فقیران عقیف، نیازمندان جامعه را به حفظ آبروی خود و درخواست نکردن از ثروتمندان تشویق کرده است:

«صدقات، برای آن تهی‌دستانی است که در راه خدا محصور شده‌اند و نمی‌توانند برای کسب درآمد در زمین سیر و سفر کنند. از آن جا که



در آموزه‌های دینی، پیش از سفارش درباره حفظ آبروی خویش، به حفظ آبروی دیگران سفارش شده است، زیرا معمولاً انسان‌ها برای حفظ آبروی خود انگیزه دارند، اما برای حفظ آبروی دیگران، نه تنها انگیزه کافی ندارند، بلکه گاه به دلیل حسادت‌ها و رقابت‌ها در امور مادی و کم‌ارزش دنیا، برای ریختن آبروی دیگران از انگیزه بسیاری برخوردارند

آنان باشد و نیز از سوءظن که آن نیز می تواند مقدمه ای برای تجسس و غیبت باشد، نهی کرده است؛ «ای مؤمنان! از بسیاری از گمان ها دوری کنید که برخی از گمان ها، گناه است و [در کار مردم] کاوش ننمایید و از یکدیگر غیبت نکنید.»

البته هر عملی که غرض از آن، مشورت دادن به کسی که از انسان درباره فردی مشورت خواسته، آن هم به میزان ضرورت برای مشورت دهی، یا منظور از آن دادخواهی باشد، غیبت شمرده نمی شود.

تهمت

نسبت دادن خطا و گناه خود به دیگران که موجب خدشه دار کردن آبروی آنان است، از نظر قرآن، بهتان و گناهی آشکار است؛ «و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بی گناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است.»

جدال با دیگران

امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «هر کس نسبت به آبروی خود بخیل است و نمی خواهد آبرویش نزد کسی ریخته شود، باید از جدال با دیگران بپرهیزد.»

این نکته شایان توجه است که برخی از ملاک های آبرو یا بی آبرویی، امور اعتباری برخاسته از سنت های نادرست اجتماعی است که قرآن در صدد تغییر این باورهای نادرست، و معرفی معیارهای درست است؛ مانند این که در جاهلیت، طایفه و قبیله را معیار آبرو و ارزش می دانستند و داشتن فرزند دختر را معیار ننگ و بی آبرویی به شمار می آوردند؛ در حالی که قرآن، طایفه ها و قبیله ها را معیار شناسایی یکدیگر معرفی می کند و ارزش و آبرو را به تقوا می داند.

در نظر مردم ظاهرین، برخورداری از امور مادی، عاملی برای کسب منزلت اجتماعی و آبرو به شمار می رود؛ چنان که یکی از آموزه های داستان قارون که در قرآن کریم آمده، کشیدن خط بطلان بر این پندار مردم ظاهرین است.

سیره اهل بیت علیهم السلام در حفظ آبروی دیگران

اهل بیت پیامبر (ص) در زمینه حفظ آبروی دیگران، الگویی بی بدیل اند. در روایت است که امیر مؤمنان (ع) مقدار پنج وسق (حدود پنج بار) خرما برای مردی که آبرومند بود و از کسی تقاضایی نمی کرد، فرستاد. شخصی که در آن جا بود، به آن حضرت گفت: آن مرد که تقاضای کمک نکرد. چرا برای او خرما فرستادی؟ به علاوه، یک وسق برای او کافی بود. امام خطاب به او فرمود: خداوند امثال تو را در جامعه ما زیاد نکند. من می بخشم و تو بخل می ورزی. اگر من آنچه را که مورد حاجت اوست، پس از درخواستش به او بدهم، در این صورت، چیزی به او نبخشیده ام، بلکه بهای آبرویی را که به من داده، به او پرداخته ام؛ زیرا اگر صبر کنم تا او سؤال کند، در حقیقت، او را وادار کرده ام که آبرویش را به من بدهد؛ آن رویی را که در هنگام عبادت و پرستش خدای خود و خدای من، به خاک می ساید.»

همچنین، نقل شده است که مردی خدمت امام حسن (ع) رسید و با

از حد تشویق فراتر رفته و شکل قانون به خود گرفته است. از این رو، برای متهم کردن دیگران، مجازات (حدّ قذف) پیش بینی شده است، و کسانی که به زنان شوهردار نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچ گاه شهادتی از آنان نپذیرید و اینان خود فاسق اند.

عمل کسانی که زنان پاکدامن را به عمل ناروا متهم کرده، آبروی آنان را می ریزند نیز گناهی بس بزرگ شمرده شده که افزون بر تازیانه، مورد لعن الهی قرار گرفته، در دنیا و آخرت از رحمت او محروم شده و مستحق عذاب عظیم خداوند خواهند بود؛ «بی گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر آزار همه جا و با ایمان، نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برای آن ها عذابی سخت خواهد بود.»

این که برای اثبات زنا، لواط و مساحقه، چهار شاهد لازم است - با این که در مسائلی مهم تر چون قتل، دو شاهد کافی است - برای حفظ آبروی افراد در جامعه است.

تمسخر و تحقیر دیگران

خداوند مؤمنان را از تمسخر و نسبت دادن القاب زشت به یکدیگر نهی کرده است تا حرمت ها حفظ شود؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز گروهی آزار مردان شما گروه دیگر را مسخره نکنند. شاید آن گروه (مسخره شدگان)، بهتر از آنان باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را. شاید آن گروه، بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب جویی نکنید و همدیگر را به لقب های زشت بخوانید. بدنامگذاری است [یاد کردن مؤمن به] فسق، پس از ایمان. آنان که توبه نکنند، آن هاینکه که ستمکارند.»

غیبت، تجسس و سوءظن

خداوند از غیبت که عاملی برای ریختن آبروی افراد جامعه است، و از تجسس از اسرار مردم که می تواند زمینه ای برای غیبت و کشف اسرار



در جاهلیت، طایفه و قبیله را معیار آبرو و ارزش می دانستند و داشتن فرزند دختر را معیار ننگ و بی آبرویی به شمار می آوردند؛ در حالی که قرآن، طایفه ها و قبیله ها را معیار شناسایی یکدیگر معرفی می کند و ارزش و آبرو را به تقوا می داند



در نظر مردم ظاهرین، بر خورداری از امور مادی، عاملی برای کسب منزلت اجتماعی و آبرو به شمار می‌رود؛ چنان‌که یکی از آموزه‌های داستان قارون که در قرآن کریم آمده، کشیدن خط بطلان بر این پندار مردم ظاهرین است



نکته بسیار مهم در خصوص حفظ آبروی مسلمان که در بعضی روایات آمده این است که حتی اگر مسلمانی آبروی برادر مسلمان خود را بُرد، برای این که باب انتقام‌گیری باز نشود و مردم جامعه در ریختن آبرو با یکدیگر مسابقه نگذارند، بایسته است کسی که آبرویش ریخته شده، خویشنداری و گذشت کرده، آن را به حساب خدا بگذارد تا خداوند آبرویش را باز خرد و از اجر اخروی نیز بر خوردار شود

گفتن دو بیت شعر، اظهار فقر و پریشانی کرد: هر چه داشته‌ام، فروخته و خرج کرده‌ام و دیگر هیچ متاعی برایم باقی نمانده است تا آن را به درهمی بفروشم و برای زندگی‌ام هزینه کنم. چهره‌ام به‌روشنی گویای این حال پریشانی است. تنها چیزی را که برای خود نگه‌داشته‌ام و آن را نفروخته‌ام، اندکی آبروست که تصمیم گرفتم آن را بفروشم، اما احساس کردم شما خریدار آبرو هستید. آمده‌ام آن اندک آبرو را به شما بفروشم.

حضرت امام حسن (ع) خازن خود را طلبید و فرمود: چه مقدار مال نزد توست؟ عرض کرد: دوازده هزار درهم. فرمود: آن را به این مرد فقیر ده که من خجالت می‌کشم. خازن عرض کرد: دیگر چیزی برای نفقه باقی نماند. امام فرمود: تو آن را به این مرد فقیر ده و حسن ظن به خدا داشته باش. خداوند تدارک می‌کند. سپس حضرت آن مرد را طلبید و عذرخواهی کرد و فرمود: ما حق تو را ندادیم، اما به قدر آنچه بود، دادیم و این دو بیت را در جواب دو بیت وی فرمود:

ای مرد عرب! ما را به عجله انداختی. از این رو، به جای کرم‌های درشت ما، نرمه‌های آن بر تو بارید. اگر به ما مهلت می‌دادی، از ابر کرم ما این گونه بر تو نمی‌بارید. حال، این مقدار کم را بگیر و آبرویت نیز مال خودت. چنان فرض کن که آن آبروی خود را که نگه داشته بودی، به ما نفروخته‌ای و ما نیز اینگار چیزی نخریده‌ایم؛ چرا که این مال (۱۲ هزار درهم)، بهای آبروی تو نیست.

امام مجتبی (ع) اینچنین برای آبروی یک مسلمان، ارزش و حرمت قابل بود. مشابه این روایت، از امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام نیز نقل شده است.

نکته بسیار مهم در خصوص حفظ آبروی مسلمان که در بعضی روایات آمده این است که حتی اگر مسلمانی آبروی برادر مسلمان خود را بُرد، برای این که باب انتقام‌گیری باز نشود و مردم جامعه در ریختن آبرو با یکدیگر مسابقه نگذارند، بایسته است کسی که آبرویش ریخته شده، خویشنداری و گذشت کرده، آن را به حساب خدا بگذارد تا خداوند آبرویش را باز خرد و از اجر اخروی نیز بر خوردار شود.

آثاری آبرویی در آخرت

بر اساس آموزه‌های اسلامی، زندگی انسان در حیات اخروی، بازتاب اعمال وی در این جهان است که با آبرومندی یا بی‌آبرویی همراه است. قرآن کریم از وجود دو گروه «روسفید» و «روسياه» در روز بازپسین خبر می‌دهد؛ روسفیدان در این آیه، به مؤمنان تفسیر شده است؛ همان گونه در آیه دیگر آمده است که در قیامت، خدا پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند، خوار نسازد.

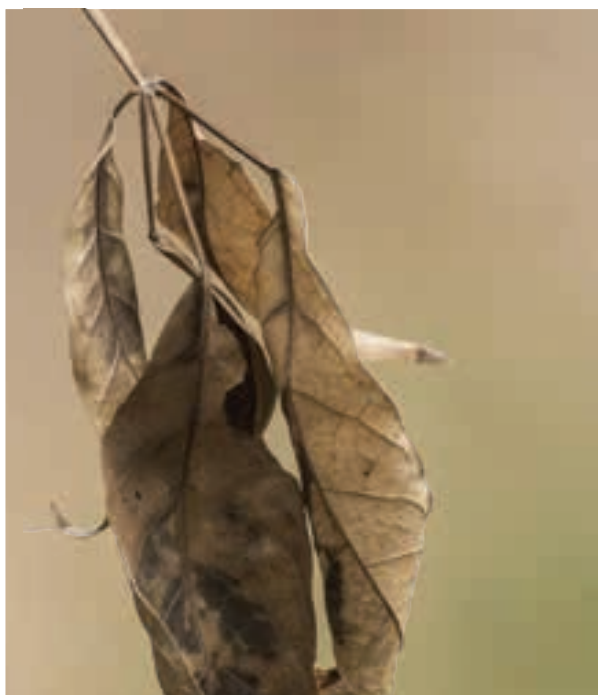
در آیه دیگر، کسانی که بر خداوند دروغ ببندند، روسياه شناسانده شده‌اند و در مقابل آنان، از پروا پیشگان یاد شده که از روسياهی میرا هستند؛ «در روزی که روی‌هایی سپید گردد و روی‌هایی سیاه؛ اما آنان که روی‌هاشان سیاه گردد، آیه ایشان گفته شود: [آیا پس از ایمان آوردنتان کافر شدید؟ پس بچشید عذاب را به سزای آن که کفر می‌ورزیدید. اما آنان که روی‌هاشان سپید شود، در مهر و بخشایش خدایند او] در آن جاودانند.»

قرآن کریم با تعبیر «ناکسوا رؤوسهم»، از خواری و سرافکندگی مجرمان در آخرت، در پیشگاه خداوند خبر می‌دهد؛ «و اگر ببینی آن گاه که این بزهکاران سرهای خود را نزد خداوندشان [به خواری و شرم] در پیش افکنده باشند.»

همچنین، قرآن کریم از زبان اولوا الألباب نقل می‌کند که هر کسی به جهنم برود، خداوند او را خوار و رسوا کرده است؛ «پروردگار! هر که را تو به آتش درآوری، به راستی خوار و رسوایش کرده‌ای.» بدین جهت است که اولوا الألباب از خداوند می‌خواهند که آنان را در آخرت خوار و رسوا نگرداند؛ «پروردگار! و آنچه را بر [زبان] فرستادگانت به ما وعده دادی، به ما از زانی دار و ما را در روز رستاخیز خوار و رسوا مگردان که تو خلاف وعده نمی‌کنی.»

با همه ارزشی که اسلام و قرآن برای آبرو و حرمت انسان قائل است و حرمت و وجاهت انسان مؤمن را از کعبه نیز بالاتر می‌شمرد، اما در جایی که انسان بر سر دو راهی قرار گیرد که آبروی خود را نزد سایر مردم، اعم از مسلمان و مؤمن یا عموم انسان‌ها، حفظ کند و یا آبروی خود را نزد خدای تعالی حفظ کرده و بر خلاف دستورات خدای تعالی عمل نکند و عذاب خدا در دنیا و آخرت را برای خویش نخرد، بدیهی است که راهکار دوم، ترجیح دارد. از این رو، بنده مؤمن نباید عملی را مرتکب شود که مستوجب عذاب الهی گردد. افزون بر قرآن کریم، این مطلب را از بعضی احادیث معصومان علیهم السلام نیز می‌توان برداشت کرد؛ برای نمونه، یکی از شعارها و رجزهای امام حسین (ع) در روز عاشورا این جمله بلند و شریف است:

«مرگ و کشته شدن، بهتر و شایسته‌تر از آن است که انسان برای خود لکه عار و ننگ بخرد و حرمتش شکسته شود و آبرویش بر باد رود و شرفش زیر پا گذاشته شود. اما عار و ننگ و بر باد رفتن شرف و عزت و حرمت نیز بهتر و شایسته‌تر از داخل شدن در آتش جهنم و گرفتار عذاب الهی شدن است.» ❖



بی تفاوت نباشیم

تبعات و پیامدهای منفی اجتماعی
ترک امر به معروف و نهی از منکر

حجت الاسلام والمسلمین جلال عراقی
محقق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میانسان طاعون و دردهایی که در گذشتگان آنان سابقه نداشته است، پدید می آید و از پیمان و ترازو کم نگذارند، مگر این که به قحطی و سختی در تأمین مخارج زندگی و ستم سلطان دچار شوند و از دادن زکات منع نمایند، مگر این که آمدن باران آسمان بر آن ها ممنوع گردد...»
همچنین پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نموده و یکدیگر را بر نیکی یاری کنند، همواره در خیر و سعادت به سر خواهند برد و در غیر این صورت، برکت ها و خیر الهی از آنان گرفته خواهد شد و برخی (اشرار) بر دیگران مسلط خواهند گردید و یآوری، نه در زمین و نه در آسمان نخواهند داشت.»

۲. شیوع و رواج مفاسد اجتماعی و اخلاقی
مفاسد اجتماعی و اخلاقی عبارتند از: حرکات و اعمال خلاف شرع و اخلاقی که مانع بهره‌مندی شهروندان از حقوق شرعی و قانونی خود می‌گردد. همیشه عده‌ای هستند

اجتماعی هیچ انسانی را نمی‌توان بی‌تأثیر در جامعه دانست. لذا رفتارهای اجتماعی خوب و نیک، اثرات مثبت و رفتارهای اجتماعی زشت و بد، جو مسموم را در جامعه به وجود می‌آورد؛ به طوری که انسان را از خدا دور می‌کند. چنان که قرآن کریم مکررا سرنوشت شوم اقوام گذشته را برای امت اسلامی یادآوری می‌کند و علت دورافتادن کافران بنی‌اسرائیل از رحمت خدا را، باز نداشتن یکدیگر از منکرات؛ یعنی ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته است.^۱
اینک چند مورد از مهم‌ترین پیامدهای منفی اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. سلب برکات الهی

یکی از تبعات و پیامدهای اجتماعی اهمیت ندادن و ترک امر به معروف و نهی از منکر این است که برکت، خیر و رحمت پروردگار از مردم گرفته می‌شود.
امام باقر (ع) فرمود: «حضرت رسول خدا (ص) فرمودند: ... هیچ‌گاه در مردمی فاحشه (زنا) پیدا نشود که آن را آشکار کنند، مگر این که در

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و آثار مثبت و مفید و ارزنده آن، می‌توان فهمید که ترک این دو فریضه بزرگ چه وضعیت اسفباری را به وجود خواهد آورد. زیان‌هایی که ترک این دو رکن عظیم اسلام به بار می‌آورند، شاید هیچ عامل دیگری به بار نیاورد، و یکی از عواملی که منجر به سستی افراد و به دنبال آن جامعه شده است و آنان را به زوال رهنمود می‌کند، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین میزان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تنها در بُعد آثار سازنده و مثبت آن خلاصه نمی‌شود، بلکه آیات و روایات به تبیین آثار منفی ترک آن نیز پرداخته است.

ترک این دو اصل مهم اسلامی تبعات و پیامدهای منفی فراوانی را به بار می‌آورد که ما بعضی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

تبعات و پیامدهای منفی اجتماعی

جامعه، یک اجتماع به هم پیوسته است و تفکیک افراد در آن میسر نیست. مجموعه رفتارهای اجتماعی افراد هر جامعه، اخلاق عمومی آن جامعه را به وجود می‌آورد. رفتار

هر چند تخلف و گناه، کم و بیش در هر جامعه‌ای از سوی افراد مفسد و شرور وجود دارد و نمی‌توان توقع داشت که در اجتماع هیچ گونه معصیتی وجود نداشته باشد، ولی در یک اجتماع ایده‌آل اسلامی و سالم نباید اجازه داد که منکرات شیوع پیدا کند

گسترش منکرات است، از جامعه گرفته شد، دیگر خوبی‌ها و نیکی‌ها در آن جامعه باقی نمی‌ماند و منکرات و زشتی‌ها جای آن‌ها را خواهد گرفت.

۳. تسلط اشرار

جامعه مسلمانی که نسبت به معروف (ارزش‌ها) و منکرات (ضد ارزش‌ها) از خود حالت دلسوزی و دفاع نشان ندهد، اهمیت و حد و حدود آن را نشناخته و عمل نکند، با آنان که ارزش‌ها را پایمال می‌کنند به مقابله بر نخاسته، دفاع از اسلام و ارزش‌های والای آن را سرلوحه زندگی و حرکت خویش قرار ندهد، از قوه حاکمه چه انتظاری می‌تواند داشته باشد؟ هر چند حکومت در دست یاران علی(ع) باشد.

قطعاً چنین جامعه‌ای آینده خطرناکی دارد که از آن جمله سلطه اشرار است که بی‌تفاوتی‌ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر زمینه را برای حکومت اشرار آماده می‌کند. اشرار و مفسدین با شعارهای اصلاح طلبانه، همچون حقوق بشر، آزادی و... قدم به میدان گذاشته و با تحریف این مفاهیم، به دست گرفتن قدرت در جوامع اقدام می‌کنند و در بسیاری از موارد توفیق یافته‌اند به اهداف خود برسند.

امام رضا(ع) در این زمینه می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر کنید که در غیر این صورت اشرار شما، شما را به کار خواهند کشید و بر شما حاکم خواهند شد. آن گاه که خوبان شما برای رهایی از ظلم و جور اشرار دعا می‌کنند، ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود.» حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند: «هنگامی که امیران و فرمانروایان شما از خوبان شما باشند، و ثروتمندان شما بخشنده، و در اداره امور (با صاحب‌نظران مؤمن و دلسوز) مشورت کنید، روی زمین برای شما بهتر از درون آن خواهد بود (و زندگی ارزش دارد) ولی زمانی که حاکمان شما اشرار باشند و پولداران شما بخیل (و دست‌تنگ) و کارهای دنیا و آخرتتان به دست زنان تن سپرده شده باشد (اموری که آنان صلاحیت انجام یا نظر در آن را ندارند به آنان سپرده شود) در این هنگام دل زمین برای شما بهتر از روی آن است و زندگی

و اهمیت مبارزه با آن‌ها اگر بیشتر از عوامل برون مرزی نباشد، کمتر نیست و در این جا ما یکی از علل رواج این پدیده نامیمون در جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این علت و عامل عبارت است از ترک امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی که از مهم‌ترین عوامل رواج مفاسد اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه است.

ترک امر به معروف و نهی از منکر به مرور زمان زمینه را برای ترک کارهای نیک و انجام کارهای زشت و ناروا در جامعه پدید می‌آورد، چون وقتی عده‌ای در جامعه مرتکب کارهای زشت و فسادانگیزی می‌شوند و کسی متعرض آن‌ها نمی‌شود، افراد دیگر جسارت پیدا کرده به این اعمال فسادانگیز مبادرت می‌کنند و بدین ترتیب فساد اخلاقی اجتماعی سراسر جامعه اسلامی را فرا خواهد گرفت، چنان که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «به‌درستی که وقتی کسی گناهی را مخفیانه انجام دهد جز به خودش ضرر نمی‌رساند، اما هنگامی که آشکارا معصیتی را مرتکب شود و کسی هم به او اعتراض نکند، به عموم مردم ضرر خواهد رساند.»

پس هر چند تخلف و گناه، کم و بیش در هر جامعه‌ای از سوی افراد مفسد و شرور وجود دارد و نمی‌توان توقع داشت که در اجتماع هیچ گونه معصیتی وجود نداشته باشد، ولی در یک اجتماع ایده‌آل اسلامی و سالم نباید اجازه داد که منکرات شیوع پیدا کند، تا حدی که هر کس به راحتی بتواند از قانون الهی تخلف کند، زیرا در این صورت، انجام کار نیک مثل راست‌گویی و صداقت، امانداری، کسب روزی حلال و... در جامعه از انجام کارهای زشت و ناروا مثل غیبت، دروغ‌گویی، پرده‌داری، خیانت، حرام خوردن، عیب‌جویی و... سخت‌تر می‌شود، و گناه در برخی از افراد محدود نمی‌شود، بلکه آلودگی مفسد و گناهان عموم مردم را فرا می‌گیرد و به این صورت زمینه سقوط جامعه فراهم می‌شود.

لذا یکی از تبعات و پیامدهای منفی اجتماعی ترک این فریضه الهی، شیوع و گسترش مفاسد اجتماعی است، چون زمانی که امر به معروف که عامل گسترش نیکی‌ها، و نهی از منکر که عامل جلوگیری از عمومی شدن و

که منافع شخصی خود را در بی‌قانونی و هرج و مرج اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جستجو می‌کنند.

از آن جا که این گروه در تمام اقشار جامعه یافت می‌شوند، برای رسیدن به اهداف خود باید بازاری آشفته بیابند که برای رسیدن به چنین کاری در صدد ترویج منکرات و الگوهای منکر بر می‌آیند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. عوامل و ریشه‌های مختلفی را می‌توان برای افزایش و گسترش مفاسد اجتماعی و اخلاقی ذکر کرد. با بررسی و مطالعه علل و عوامل مفاسد اجتماعی و اخلاقی، انسان به این نتیجه می‌رسد که رواج روزافزون مفاسد اجتماعی در جامعه معلول دو علت است:

الف) عامل برون مرزی

ب) عامل درون مرزی

عامل برون مرزی نخستین نوع از انواع عوامل رواج ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای غیر اخلاقی در جامعه است. زیرا در جهان امروز که ارتباطات همچنان از بقیه امور پیشی گرفته و حرف اول را می‌زند، فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌های مختلف، به‌ویژه ملت‌های پیشرفته غربی و صهیونیسم در ویترین رسانه‌ها قرار گرفته و مردم ملت‌های مختلف، به‌ویژه جوانان و نوجوانان آن‌ها را تحریک می‌کنند، تا با تقلید از آنان از اصالت‌های بومی و آداب و رسوم ملی و یا مذهبی و عقاید خود دست بردارند و جذب فرهنگ صادراتی آنان شوند تا از این طریق در آن کشورها نفوذ کرده و آنان را به صورت برده‌ای نوین در آورند.

این پدیده شوم دشمنان بشریت، حساسیت شخصیت‌های سیاسی و علمی کشورهای جهان، به‌خصوص جهان اسلام و در رأس آن‌ها ام‌القرای اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است و آنان را به مبارزه با این نوع تهاجم فرهنگی واداشته است. چنان که امام راحل و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بارها این خطر را به مسلمانان گوشزد کرده و آنان را به مبارزه با این شبیخون فرهنگی دعوت کرده‌اند.

اما عامل دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی و مفاسد اخلاقی، درون مرزی است و ریشه در داخل دارد. عوامل درون مرزی متنوع‌تر است



ترک امر به

معروف و نهی از

منکر به مرور زمان

زمینه را برای ترک

کارهای نیک و

انجام کارهای

زشت و ناروا

در جامعه پدید

می‌آورد، چون

وقتی عده‌ای در

جامعه مرتکب

کارهای زشت

و فسادانگیز

می‌شوند و کسی

متعرض آن‌ها

نمی‌شود، افراد

دیگر جسارت پیدا

کرده به این اعمال

فسادانگیز مبادرت

می‌کنند



عذاب فراگیر
تنها برای کسانی
که با رضایت، در
وقوع جرم مؤثر
بوده‌اند نیست،
بلکه همه کسانی
که قدرت بر انکار،
اعتراض، جلوگیری
و یا جدایی از مجرم
داشته‌اند ولی
تحمل و سکوت
کردند، مشمول
عذاب الهی
می‌شوند

مفهوم انسانی، اسلامی نداشته و در حقیقت از ارزش تهی خواهد بود.^۱
بنابر این یکی از آثار منفی اجتماعی که بر ترک امر به معروف و نهی از منکر مترتب می‌شود، سلطه اشرار بر مردم است و به عبارت دیگر هر کس در انجام این فریضه بزرگ کوتاهی کند، سهم و نقشی در به قدرت رسیدن مفسدین خواهد داشت.

۴. نازل شدن بلا، گرفتاری، عقوبت الهی و عذاب فراگیر

در جامعه‌ای که به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل شود، نه تنها خیلی از گرفتاری‌ها و بلاها نازل نمی‌شود، بلکه از تأثیرات مثبتی که ذکر کردیم بهره‌مند خواهند شد.
گرفتاری‌ها و عذاب‌های مختلفی که دامگیر جوامع بشری است، عوامل و علل گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها ترک امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی است و در قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره‌های بسیاری شده است. اصولاً فلسفه یادآوری مکرر سرنوشت اقوام گذشته در قرآن برای آن است که امت اسلامی در برابر شیوع گناهان در جامعه بی تفاوت نباشند و با احساس مسئولیت، در برابر گناهان بایستند.



«پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که مردم را از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزه‌کار بودند؟» و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند به ستم هلاک کند.^۲

پس قرآن مجید علت نابودی اقوام گذشته را ترک اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر دانسته است. چنان که سرگذشت عبرت‌انگیز قوم شعیب بهترین دلیل بر این مطلب است.
در قرآن کریم سوره اعراف آمده است: «و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من! خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است، پس پیمانه و ترازو را تمام نهید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این آرهنمودها! اگر مؤمنید برای شما بهتر است.»

اهل مدین زندگی خوبی داشتند، مشغول به تجارت بودند و از این طریق خداوند متعال نعمت‌های فراوانی به آن‌ها داده بود که ناگاه به بت پرستی گرویدند و گناهان دیگری هم در میان آن‌ها شایع شد. خداوند متعال حضرت شعیب را برای اصلاح آن‌ها فرستاد که گروهی از مردم سکوت اختیار کردند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند.
امام باقر (ع) سرنوشت این عده و گنهکاران قوم شعیب را این گونه بیان می‌فرماید:

«خداوند متعال به شعیب وحی فرمود: که ای شعیب صد هزار نفر را از قوم تو عذاب خواهم کرد! از این صد هزار نفر، چهل هزار نفر از بدکاران، و شصت هزار نفر از خوبان هستند. حضرت شعیب گفت: اشرار که مستحق عذابند، اما چرا اخیار و خوبان عذاب می‌شوند؟ خداوند متعال به او فرمود: خوبان را عقاب می‌کنم به خاطر این که با اهل معصیت کنار آمده و برای رضای من بر آنان خشمگین نشدند. (با ناراحتی و غضب من نسبت به اهل معاصی، آن‌ها خشمگین نشدند).»

فلسفه یادآوری مکرر سرنوشت اقوام گذشته در قرآن برای آن است که امت اسلامی در برابر شیوع گناهان در جامعه بی تفاوت نباشند و با احساس مسئولیت، در برابر گناهان بایستند

پس معلوم می‌شود که عذاب فراگیر تنها برای کسانی که با رضایت، در وقوع جرم مؤثر بوده‌اند نیست، بلکه همه کسانی که قدرت بر انکار، اعتراض، جلوگیری و یا جدایی از مجرم داشته‌اند ولی تحمل و سکوت کردند، مشمول عذاب الهی می‌شوند. چنان که در قرآن کریم آمده است: «و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.»

مرحوم طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «از این آیه استفاده می‌شود که هر چند ظلم ستمگران باعث نزول عذاب می‌شود، ولی عموم مردم باید جلوی آن ظلم را بگیرند و آتش ستم را خاموش کنند. اگر در انجام این وظیفه کوتاهی کردند، آتش فراگیر خواهد بود و آثار نکبت‌بار گناه، ذلت و خواری و عقوبت‌های الهی همه را در بر خواهد گرفت.»^۳

روایات فراوانی در این زمینه وارد شده که ما به عنوان نمونه برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم: از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمود: «چون ملایان یهود و دیرنشینان نصارا کار امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند متعال به زبان پیامبرشان آن‌ها را لعنت کرد و آن‌گاه بلا همگان را فرا گرفت.»

در حدیثی از امیرالمؤمنین (علی ع) می‌خوانیم که فرمود: «اقوام گذشته به این جهت هلاک و نابود شدند که مرتکب گناه می‌شدند و دانشمندانشان سکوت می‌کردند و نهی از منکر نمی‌نمودند، در این هنگام بلاها و کیفرها بر آن‌ها فرود آمد. پس شما ای مردم امر به معروف و نهی از منکر کنید تا به سرنوشت آن‌ها دچار نشوید.»

لذا از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که یکی از پیامدها و تبعات منفی اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر، نازل شدن بلا و گرفتاری و عذاب عمومی بر آن جامعه است. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره مائده، آیات ۷۸-۷۹
۲. سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۹، ص ۶۳

اعتدال یا میانه‌روی، از موضوعاتی است که با تعبیر مختلف در قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، در این مقاله با توجه به آیات و روایات، برخی از جلوه‌های اعتدال را در زندگی فردی و اجتماعی انسان بررسی کرده‌ایم.

الف) زندگی فردی

شرع مقدس برای ابعاد مختلف زندگی فردی انسان، احکام الزامی (واجب و حرام) بسیاری را وضع کرده است و در قلمرو گسترده‌ای نیز، حکم الزامی ندارد؛ یعنی قلمرو مباحات، مستحبات و مکروهات. بزرگان دین، همواره انسان‌ها را در ابعاد زندگی خود، حتی در قلمرو مباحات، به میانه‌روی سفارش کرده و از افراط و تفریط، برحذر داشته‌اند. در این جا به نمونه‌هایی از اعتدال در زندگی فردی اشاره می‌کنیم.

اعتدال در لباس و پوشش

حضرت علی (ع) در خطبه همام، یکی از صفات متقین را اعتدال در لباس و پوشش دانسته است: «وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتَصَادُ». در کتاب کافی نیز همین مطلب با عبارتی مشابه از حضرت نقل شده است: «وَلَا يَلْبَسُ إِلَّا الْإِقْتَصَادَ». علی (ع) در این کلام، میانه‌روی در لباس را از ویژگی‌های متقین برشمرده است. به گفته ابن ابی‌الحدید، اقتصاد در لباس به این معناست که لباس پرهیزکاران، نه بسیار گرانبها و عالی و نه بسیار حقیر و بی‌ارزش، بلکه در حد میانه است.

در فرهنگ اسلامی، پوشش فرد متقی باید در حد متعارف جامعه باشد. البته معیار اعتدال

در این امر، عرف

جامعه‌ای است

که فرد در آن

زندگی می‌کند، به

همین دلیل، تغییر

عرف در طول

زمان و نیز تفاوت

عرف‌ها، در انتخاب نوع

پوشش تأثیرگذار است و هر کس باید با توجه به عرف

زمان و مکان از افراط و تفریط بپرهیزد.

در روایات متعددی، از پوشیدن لباس شهرت منع

شده است. منظور از لباس شهرت، لباسی

است که از نظر پارچه، رنگ یا دوخت،

برای شخص استفاده‌کننده متعارف

نباشد. لباس شهرت را می‌توان

نتیجه نوعی افراط یا تفریط در

میانه‌روی باش

مروری بر

اعتدال و میانه‌روی

در زندگی فردی و اجتماعی

حجت‌الاسلام دکتر سعید شریعتی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق



لباس شهرت، لباسی است که از نظر پارچه، رنگ یا دوخت، برای شخص استفاده کننده متعارف نباشد. لباس شهرت را می توان نتیجه نوعی افراط یا تفریط در انتخاب نوع پوشش دانست. در واقع، یکی از حکمت های ممنوعیت لباس شهرت در اسلام، خارج شدن از حد میانه و اعتدال است.

نوزدهم سوره لقمان می خوانیم: «و در راه رفتن (و رفتارت)، میانه رو باش و از صدایت بکاه؛ زیرا ناخوش ترین صداها، آواز خران است.» از جمله سفارش های لقمان به فرزندش که در آیه فوق بیان شده، اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن است. علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در ذیل این آیه می نویسد: «قصد»، به معنای میانه روی و اعتدال در یک چیز است و «غض»، عبارت است از کوتاه کردن و کاستن از نگاه یا صوت. میانه روی در راه رفتن، هم در شیوه راه رفتن و هم در سرعت مشی، پسندیده است. از این رو، راه رفتن با حالتی متکبرانه و متفاوت با شیوه متعارف، بر خلاف دستورات دینی است.

اعتدال در اعتقاد و رفتار دینی

اعتقاد به توحید، نبوت و امامت، پایه های بنیادین دینداری و شالوده شخصیت هر شیعه است. اما همین اعتقاد، ممکن است دچار افت افراط یا تفریط شود و نتیجه ای وارونه بر جای گذارد؛ چنان که گاهی خطر افکار غلوآمیز و انحرافی در جامعه اسلامی و شیعی، کمتر از افکار الحادی نیست. علاوه بر این، در مرحله عمل نیز خطر افراط و تفریط وجود دارد.

ب) زندگی اجتماعی

یکی از رسالت های دین اسلام، آموزش و تربیت انسان ها برای داشتن روابطی پایدار و هدفمند با دیگران است. در این راستا، آموزه اعتدال در روابط اجتماعی، به صورتی پرننگ و برجسته در منابع دینی مطرح شده که در این جا، به برخی از مهم ترین جلوه های اعتدال در زندگی اجتماعی اشاره می شود.

اعتدال در دوست داشتن دیگران

از نظر قرآن و سنت، ملاک اصلی دوستی ها در جامعه اسلامی، دین و مناسبات مذهبی است؛ یعنی هدف افراد از ایجاد روابط دوستانه، انگیزه های صرفاً مادی یا ضد دینی نباشد؛ بلکه برای خدا و در راستای آرمان ها و دستورات دینی باشد. دوستی برای خدا، از هر جهت اثربخش تر و پایدارتر خواهد بود.

یکی از نشانه های دوست داشتن دیگران برای خدا، این است که این دوستی هیچ گاه پرننگ تر از دوستی خدا و دستورات دین نمی شود. خداوند در آیه ۲۴ سوره توبه به هشت سرمایه زندگی مادی انسان اشاره کرده و به مسلمانان صدر اسلام و نسل های بعد هشدار داده است که اگر زندگی مادی، در نظر انسان پرازش تر و گران بها تر از خدا و پیامبر (ص) و جهاد و اطاعت فرمان او باشد، تا آن جا که حاضر نباشد آن ها را فدای دین کند، معلوم می شود که ایمان واقعی و کامل در وجودش تحقق نیافته است.

انتخاب نوع پوشش دانست. در واقع، یکی از حکمت های ممنوعیت لباس شهرت در اسلام، خارج شدن از حد میانه و اعتدال است.

اعتدال در خوراک

بدن انسان برای رشد، بقا و سلامتی خود، نیازمند خوراک است. انسان به دلیل بر خورداری از قدرت انتخاب، گاهی در انتخاب نوع، کیفیت و میزان خوراکش دچار زیاده روی یا کم روی می شود. از نظر اسلام، از یک سو پر خوری و شکمبارگی به شدت نکوهش شده و از سوی دیگر، کوتاهی و تفریط در این زمینه نیز پذیرفته نشده است.

امام صادق (ع) می فرماید: «در نزد خداوند، چیزی مغضوب تر از شکم آکنده و پُر وجود ندارد.» همچنین می فرماید: «دورترین حالت انسان به خداوند، زمانی است که شکمش پُر باشد.» در روایتی از پیامبر اسلام (ص)، قلب انسان به زراعتی تشبیه شده که پر خوری، باعث از بین رفتن آن می شود.

از این گذشته، پُر بودن شکم، حتی از غذای حلال و پاک، باعث سنگینی بدن، کسالت و مانع از انجام عبادت و لذت بردن از آن است. منظور از پر خوری در روایات فوق، زیاده روی و تجاوز از حدود است و هیچ گاه به معنای بی توجهی به نیازهای اساسی بدن و کوتاهی در امر تغذیه نیست؛ زیرا این امر نیز، به سلامتی انسان لطمه می زند. به همین دلیل، در برخی احادیث، تعبیر «قصد» به کار رفته است. علی (ع) در این باره می فرماید: «بر شما باد به میانه روی در خوراک؛ زیرا این امر، دورتر از اسراف برای سلامتی بدن، و بهتر و یاری کننده تر برای عبادت است.» سعدی شیرازی در گلستان حکایت می کند: «یکی از حکما پسر را نهدی همی کرد از بسیار خوردن؛ که سیری، مردم را رنجور کند. گفت: ای پدر! گرسنگی، خلق را بگشاید؛ نشنیده ای که ظریفان گفته اند: به سیری مردن به، که گرسنگی بردن. گفت: اندازه نگهدار.»

اعتدال در راه رفتن

راه رفتن، رفتاری ساده، طبیعی و روزمره است که انسان از کودکی می آموزد. در آموزه های دینی، در مورد شیوه راه رفتن مؤمنان، دستورات جالبی دیده می شود؛ چنان که در آیه

میان‌روی در راه رفتن، هم در شیوه راه رفتن و هم در سرعت مشی، پسندیده است. از این رو، راه رفتن با حالتی متکبرانه و متفاوت با شیوه متعارف، بر خلاف دستورات دینی است.

اعتدال در تربیت دینی فرزندان

تربیت فرزندان صالح، زمینه ایجاد جامعه‌ای سالم و صالح را فراهم می‌کند، از این رو، در اسلام، بر این امر تأکید فراوان شده است. از این گذشته، تربیت دینی فرزندان، از جمله حقوقی است که فرزند بر پدر و مادر دارد. پیامبر اسلام (ص) خطاب به امام علی (ع) فرمود: «ای علی! حق فرزند بر پدرش، نام‌گذاری و تربیت نیکوی او و قرار دادنش در جایگاه و مسیری شایسته است. ولی متأسفانه در جامعه ما، بسیاری از والدین به دلایل مختلف، در امر تربیت فرزندانشان کوتاهی می‌کنند. این کوتاهی، بدون تردید، پیامدهای ناگواری دارد که برخی از نمونه‌ها و نشانه‌های آن را در جامعه می‌بینیم. از سوی دیگر، گاهی نیز در تربیت دینی افراد، تندروی‌هایی دیده می‌شود که آن هم به نوبه خود، ناپسند و دارای آثار مخرب و منفی است.

واکاوی روایات و تعلیمات دینی، اصول و معیارهای مهمی را در تربیت دینی افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان در اختیار ما قرار می‌دهد؛ از جمله این که برنامه‌ریزی برای آموزش و تربیت دینی نباید به گونه‌ای باشد که موجب دل‌زدگی و تنفر آنان شود. این اصل، در انجام عبادت نیز مورد سفارش قرار گرفته است. رسول

خدا (ص) فرمود: «این دین، محکم و متین است. پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را در نظر بندگان خدا مکره و ناپسند نسازید، تا میداد مانند سوار در مانده‌ای باشید که نه مسافت پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است (به سبب زیادی سرعت، مرکبش در میان راه از رفتن باز مانده و خودش هم به مقصد نرسیده است).»

اعتدال در انفاق

انفاق، یکی از برترین سجایای اخلاقی است که در آیات و روایات بدان سفارش شده است. نکته جالب این که در زبان قرآن، انفاق با این که بسیار پسندیده و مطلوب است، اما ممکن است به آفت اسراف گرفتار شده و به ضدّ ارزش تبدیل شود. از همین جا، می‌توان فهمید که واژه «اسراف» در فرهنگ اسلامی، منحصر در ریخت و پاش و زیاده‌روی در مصرف نعمت‌های الهی نیست؛ بلکه افراط و تجاوز از حد در انفاق نیز می‌تواند مصداقی از اسراف باشد. در آیه ۶۷ سوره فرقان می‌خوانیم: «آن‌ها کسانی هستند که به هنگام انفاق، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدال را رعایت می‌کنند.»

در یکی از روایات اسلامی، تشبیه جالبی برای اسراف شده است و آن این که هنگامی که امام صادق (ع) این آیه را تلاوت فرمود، مشتی سنگ‌ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت و

فرمود: «این همان «اقتار» یا سخت‌گیری است.» سپس مشتی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن به روی زمین ریخت و فرمود: «این، «اسراف» است.» بار سوم، مشتی دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود؛ به گونه‌ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش باز ماند و فرمود: «این، همان «قوام» است.» در آیه ۱۴۱ سوره انعام نیز می‌خوانیم: «کُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ از میوه آن‌ها به هنگامی که به ثمر نشست، بخورید؛ ولی به هنگام چیدن، حق آن را بایدا دادا کنید و اسراف نکنید؛ زیرا خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.»



آیه دیگری که به روشنی بر اعتدال در انفاق دلالت می‌کند، آیه ۲۹ سوره اسراء است: «هرگز دست را بر گردنت زنجیر مکن (ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد [نیز] دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی.»

در مورد شأن نزول این آیه آمده است: روزی زنی فرزندش را برای درخواست کمک به محضر رسول خدا (ص) فرستاد و به وی گفت: به نزد پیامبر برو، اگر به تو فرمود چیزی در نزد ما نیست، به ایشان بگو: پیراهنتان را به من بدهید! آن فرزند، طبق تعلیم مادرش به نزد پیامبر رفت و چون مالی در دست رسول خدا نبود، پیراهن حضرت را مطالبه کرد و پیامبر نیز، درخواست او را رد نکرد و پیراهن مبارک را به او داد. این ماجرا سبب شد که خداوند متعال در آیه فوق، ادب انفاق را به رسول خدا گوشزد کند و او را به قصد و میان‌روی دستور دهد. ❖

شناخت مهم‌ترین نیاز انسان

در قدم اول، انسان باید بداند که عزت نفس، یکی از حیاتی‌ترین نیازهای نوع بشر است و اهمیتش از آب و غذا کمتر نیست. چنان‌که جسم انسان بدون آب و غذا می‌میرد، روح وی نیز بدون عزت نفس پژمرده خواهد شد. به این جهت برای تربیت انسان، باید به این نیاز روانی پاسخ داد. رسالت تربیتی پیامبران الهی نیز در این جهت بوده است که عزت‌های مجازی و دروغین را به کناری زنند و مردمان را به عزت حقیقی برسانند؛ زیرا هیچ‌چیز در تربیت چون عزت، شخصیت آدمی را تحکیم و تثبیت نمی‌کند و هیچ دژی چون عزت، انسان را در برابر وسوسه‌ها حفظ نمی‌کند.

توجه به ارزش انسان

توجه به جایگاه ارزشمند انسان در عالم هستی، او را به پاسداری از عزت نفس خود وامی‌دارد و انسان آگاه، تلاش می‌کند که هرگز خود را ارزان نفروشد.

امیر مؤمنان (ع)، عزیزترین عبد خدا می‌فرماید: «جان‌های شما را قیمتی جز

بهشت نیست؛ پس به غیر آن نفروشید؛ زیرا هر که از خدا به دنیا خشنود شود، بی‌گمان به چیزی پست خشنود شده است.»

ایمان، اولین پله عزت

انسان مؤمن هرگز ذلت نمی‌پذیرد و اساساً عزت از ایمان جدا نمی‌شود. عزت‌خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر آدمی را از عزت نفشش تهی کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند؛ بنابراین ایمان راستین، اولین پله عزت و عزت‌خواهی است.

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند عزیز و شکوهمند، تمام امور مؤمن را به خود او واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده است که ذلیل باشد. آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنان است؛» پس مؤمن همیشه عزیز است و ذلیل نیست.»

امام حسین (ع) داشتن عزت نفس را یکی از صفات ضروری مؤمنین دانسته و می‌فرماید: از انجام کارهایی که نیاز به پوزش دارد [و عزت نفس را خدشه‌دار می‌کند] بپرهیز، زیرا مؤمن نه کار بد می‌کند و نه پوزش می‌طلبد؛ ولی منافق [که برای خود ارزش قائل نیست]، هر روز کار بد انجام می‌دهد و پیوسته عذرخواهی می‌کند.»



عزت و عزت‌مندی

درنگی بر مراحل شکوفایی عزت و زمینه‌های تقویت آن

حجت‌الاسلام عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی
پژوهشگر و استاد حوزه علمیه قم

از منظر قرآن و اهل بیت (ع)، منشأ عزت و عزت‌مندی، عزت خداوند است و تمام کرامت‌ها و سرافرازی‌ها متعلق به اوست. مولای عزت‌مندان عالم، امام علی (ع) فرمود: «کسی که از طریق غیر خدا به عزت برسد، همان عزت [غیر واقعی] او را به هلاکت می‌رساند.» در این جا، مراحل شکوفایی و ثبات عزت نفس و زمینه‌های تقویت آن را با توجه به آیات قرآن بررسی می‌کنیم، زیرا جامعه امروزمان – بیش از هر زمان – به شدت به آن نیازمند است.

انسان مؤمن هرگز ذلت نمی‌پذیرد و اساساً عزت از ایمان جدا نمی‌شود. عزت خواهی، ریشه در فطرت و ایمان انسان دارد و اگر آدمی را از عزت نفسش تهی کنند، از انسانیت و ایمانش چیزی باقی نخواهد ماند؛ بنابراین ایمان راستین، اولین پله عزت و عزت خواهی است

تقوا و پرهیزگاری

بعد از ایمان راسخ، تقوا از عواملی است که به انسان اعتماد به نفس می‌دهد، شخص را به جایگاه عزت و کرامت رسانده و عزیز و گرامی می‌داند.

خودنگهداری (تقوا)، سرافرازی می‌آورد و پرده‌داری، سرافکنندگی. تقوا راه می‌نماید و خودخواهی به گمراهی می‌کشاند و پرهیزگاری ارجمند می‌سازد.

چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان علی (ع): «تقوا عزت می‌بخشد و تبه‌کاری ذلیل می‌سازد.»

عزت نفس حاج ملاحادی سبزواری

در احوال فیلسوف بزرگ، حاج ملاحادی سبزواری نوشته‌اند: «از کثرت عزت نفسی که داشت، از هیچ‌کس چیزی نمی‌خواست. تحف و هدایا را نیز اصلاً قبول نمی‌کرد. همه عمر را، در کمال زهد و تقوا، صدق و صفا و بی‌آلایشی و نهایت «عزت نفس» گذرانید. به هیچ‌یک از شاهان و ثروتمندان اعتنایی نداشت.

ناصرالدین شاه، در سبزواری به خانه‌اش رفت و روی حصیری که فرش اتاق تدریس بود نشست و تألیف کتابی را در

اصول دین به زبان پارسی درخواست کرد.

پس از رفتن، پانصد تومان برای ملاحادی

فرستاد، ولی آن مرد عزیز النفس

و منیع الطبع نپذیرفت و نصف

آن را به طلاب و نصف دیگر

را به فقرا حواله داد و دستور

فرمود که به سادات، دوبرابر

دیگران بدهند.»

افزون بر آن، خودسازی

و تصفیه باطن از مواردی

است که اوج گرفتن

شرافت، کرامت و عزت

نفس را در پی دارد و

انسان‌های خودساخته،

عزیزترین اشخاص جامعه

اسلامی هستند؛ به گونه‌ای

که تمام حرکات و سکنات

آنان - نه تنها در عصر خود، بلکه

در زمان‌های آینده هم - به منزله

الگوی انسان‌ها مطرح می‌شود. به

همین دلیل، کسانی که به سعادت خود

علاقه‌مندند، تلاش می‌کنند با تقوا و

پرهیزگاری، عزت و کرامت خود را همواره

شکوفانگه دارند و هرگاه گرفتار آلودگی

شدند، با امید به رحمت و فضل خدا، از درگاه

حضرت حق طلب بخشایش کرده و خود را از خواری گناه برهانند تا روح عزت، عظمت و کرامت انسانی را در وجود خویش، دوباره زنده کنند.

ولایت‌مداری

امروز جامعه اسلامی ما، از هر زمان دیگری بهتر درک می‌کند که اطاعت از رهبر صالح و ولی امر، چقدر عزت جامعه را به دنبال دارد و هر کسی دنبال عزت و سربلندی است، باید مطیع و پیرو اولیای الهی و پیشوایان معصوم (ع) و جانشینان آن گرامیان باشد؛ چنان که امام سجاد (ع) فرمود: «پیروی از اولیای امر، تمام عزت است.»

تبعیت از ولی خدا و رهبر الهی، نه تنها شوکت شکوه و عزت فردی همراه دارد، بلکه سبب تعالی و عزت جامعه و نظام اسلامی نیز می‌شود. دشمنان مکار و حيله‌گر جوامع اسلامی، خوب فهمیده‌اند که برای شکستن ابهت و عظمت مسلمانان، باید رهبران صالح را از آنان دور کنند؛ چنان که در صدر اسلام چنین کردند. دشمنان ما بر این باورند که ستون خیمه نظام اسلامی، رهبری ولی امر است و باید در صدد تضعیف آن باشند. آنان تلاش

می‌کنند بین مردم و رهبری فاصله ایجاد کنند. ایشان با تشکیک در

سخنان رهبری، معادل‌سازی،

برجسته‌کردن مخالفان

حرکت رهبری و به

فراموشی سپردن

رهنمودهای ولی امر

مسلمین، اهداف

خود را در به ذلت

کشیدن امت اسلام

دنبال می‌کنند.

دشمنان اسلام

متوجه شده‌اند، امام

بی‌امت و رهبری که

سخنش در میان مردم

خریداری ندارد، نمی‌تواند

تأثیری داشته باشد.

امت بی‌امام نیز، قدرت

مقاومت در مقابل توطئه‌ها

را نخواهد داشت. به این سبب،

استکبار جهانی همواره در صدد

جداکردن امت از امام و رهبر بیدار بوده

است. آنچه جامعه اسلامی را به عزت

می‌رساند، امامی است که امت را پشت

سر دارد و عزت واقعی جامعه اسلامی



کسانی که به کمیت سعادتی خود علاقه‌مندند، تلاش می‌کنند با تقوا و پرهیزگاری، عزت و کرامت خود را همواره شکوفانگه دارند و هرگاه گرفتار آلودگی شدند، با امید به رحمت و فضل خدا، از درگاه حضرت حق طلب بخشایش کرده و خود را از خواری گناه برهانند تا روح عزت، عظمت و کرامت انسانی را در وجود خویش، دوباره زنده کنند





مردمانی که
روحیه جهاد و
شهادت را در
وجودشان تقویت
کنند، در راه
اهداف والایشان
استقامت ورزند
و برای تحقق
آرمان‌های مقدس
الهی با تمام وجود
به استقبال شهادت
بروند، ملتی
عزیز، مورد توجه
دیگران، مقتدر و
مستقل خواهند بود



خواهند بود. برای همین رزمندگان و جهادگران راه خدا، همیشه در صف مقدم پاسداری از عزت و شرافت قرار دارند. آن‌ها تلاش می‌کنند با نثار جان خویش از مرز عزت و شرافت پاسداری کنند و خود نیز به عزت ابدی برسند.

شهادت، در حقیقت پیروزی و فتح عزت‌مندانه است؛ پیروزی بر شیطان و فتح قلعه‌های رفیع کمالات و فضایل. قرآن مجید می‌فرماید: «بگو، آیا درباره‌ی ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید (پیروزی یا شهادت)؟»

برای مسلمان دین‌باور و خدامحور، هم شهادت و هم کشتن دشمن، هر دو پیروزی است؛ چرا که هدف از جهاد مقدسش، احقاق و اعتلای پرچم حق، روشن کردن شاهراه انسانیت و پرتو افشاندن در ظلمات استبدادها، ستم‌ها و فسادهاست؛ برای همین او در هر دو صورت به هدف والایش رسیده و موجب استحکام ارزش‌های الهی و انسانی شده است.

عبادت، اطاعت و حق‌جویی، کسب کمالات معنوی و علمی، انقطاع از غیر خدا، قناعت به داشته‌های خود و اقتصاد مقاومتی، اجتناب از دنیاپرستی و شناخت ریشه‌ها و زمینه‌های ذلت، از دیگر قدم‌هایی است که باید در این مسیر برداشت تا همیشه در دنیا و آخرت عزیز و سرافراز بود. ♦

زمانی خواهد بود که ولی‌الله اعظم، حضرت صاحب‌امر (عج) ظهور کند و امت در پشت سر حضرتش قدم به قدم حرکت کند.

مقاومت و شهادت‌طلبی

اگر روحیه مقاومت، شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا در افراد جامعه‌ای نباشد و مردم به تن‌پروری و تعلقات مادی مشغول شوند، سرنوشتی ذلت‌بار و آینده‌ای حقارت‌آمیز خواهند داشت.

امیر مؤمنان علی (ع) در خطبه معروف خود می‌فرماید: «جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر دوستان خاص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خداوند لباس ذلت و خواری را بر او می‌پوشاند، دچار بلا و مصیبت می‌شود، کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی می‌ماند، حق از او روی می‌گرداند و به علت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است.»

بر اساس این بینش الهی، مردمانی که روحیه جهاد و شهادت را در وجودشان تقویت کنند، در راه اهداف والایشان استقامت ورزند و برای تحقق آرمان‌های مقدس الهی با تمام وجود به استقبال شهادت بروند، ملتی عزیز، مورد توجه دیگران، مقتدر و مستقل

انقلاب اسلامی در
دنیای تصویر
اصالت‌های ایمانی و ملی
مردم را در فیلم‌هایمان ببینیم
ادامه منطقی شعر فارسی



اصالت‌های ایمانی و ملی

درنگی در مفاهیم و
مؤلفه‌های ادبیات انقلاب

♦♦ دکتر محمد رضا ترکی
شاعر و دانشیار دانشگاه تهران

زیر ادبیات دفاع مقدس چیزی جز تداوم ادبیات انقلاب اسلامی، ولی در بستر مضامین مرتبط با دفاع هشت‌ساله ملت ایران نیست.

ادبیات انقلاب، چنان که گذشت، گستره‌ای وسیع دارد. به یک اعتبار، همه آثار پدید آمده در چند دهه اخیر در ایران را می‌توان ادبیات انقلاب یا به تعبیر دقیق‌تر، ادبیات دوران انقلاب دانست و همه جریان‌ها و طیف‌های مختلف ادبی را زیر چتر آن قرار داد؛ چرا که کمتر اثر ادبی را در این چند دهه می‌توان یافت که به‌نوعی از حادثه انقلاب اسلامی تأثیر نپذیرفته باشد. بر این اساس، همه آثار پدید آمده در این دوران، حتی کارهایی را که علیه آن یا از موضع بی‌طرفی به مواضع انقلاب نوشته شده‌اند نیز می‌توان مرتبط با ادبیات دوران انقلاب به‌شمار آورد؛ ضمن این که می‌توان به اعتباری دیگر و از منظری محدودتر نگرست و تنها نوعی خاص از ادبیات این دوران را که به قلم افراد خاصی آفریده شده مصداق ادبیات انقلاب شمرد.

متأسفانه تاکنون تعریف دقیقی از مقوله ادبیات انقلاب صورت نگرفته و هر کس به‌گونه‌ای به تعریف و تحدید مرزهای آن پرداخته است. گاه نیز نامشخص بودن تعریف این پدیده باعث سوء تفاهم‌هایی شده و کسانی بی‌آن که مشخص کنند دقیقاً از چه مقوله‌ای سخن می‌گویند، براساس سلیقه و عمدتاً نگاه‌های ایدئولوژیک، به رد و قبول آن پرداخته‌اند. بدیهی است تا زمانی که مقصود ما از ادبیات انقلاب اسلامی به‌دقت مشخص نشود، هر گونه داوری درباره آن راه به جایی نخواهد برد و به پیشداوری‌های سلیقه‌ای و بی‌معیار نزدیک‌تر خواهد بود.

برای آشنایی با یک پدیده، تعریف دقیق و رفع سوء تفاهم‌های موجود درباره آن، بهترین راه این است که به مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت آن توجه کنیم. بدیهی است وقتی مؤلفه‌های اصلی یک پدیده شناخته شود، به راحتی می‌توان در مورد ماهیت واقعی آن سخن گفت و به داوری درباره آن پرداخت؛ اما برای کشف مؤلفه‌های هر پدیده‌ای، راهی جز استقرار مصادیق بارز آن نیست.

ادبیات انقلاب اسلامی - در مفهوم عام آن - محصول گفتگمانی است که بر بازگشت به خویشتن و اصالت‌های ایمانی و ملی در برابر دست‌اندازی فرهنگ استعمارگر بیگانه تأکید می‌کند و آن دسته از جریان‌ها و آثار ادبی را دربر می‌گیرد که در نیم‌قرن اخیر با محوریت این نگاه به‌وجود آمده‌اند یا از این پس به‌وجود خواهند آمد. این گفتگمان بر پذیرش آگاهانه - و نه تقلیدی - مظاهر دنیای جدید، در عین حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های واقعی و صحیح گذشته تأکید می‌کند و بر آن است که با احیای روح حماسی مذهب، می‌توان جامعه‌ای معنوی، آزاد، مستقل و براساس مبانی ایمانی و در عین حال بهره‌مند از مزایای دنیای جدید بنا نهاد. اما این اصطلاح اغلب در مفهوم خاص، به معنی آثاری به کار می‌رود که در سال‌های نخستین انقلاب و نزدیک به آن با التزام به واقعیت‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی آفریده شده است. بسیاری از صاحب‌نظران، مفهوم ادبیات انقلاب را بر ادبیات سال‌های جنگ، یعنی آثاری که در زمینه فداکاری‌های رزمندگان و حوادث جنگ نوشته شده نیز گسترش می‌دهند و حق نیز همین است؛

ادبیات انقلاب، مردمی است و به باورها و اعتقادات مردم و دیدگاه‌های دینی و ملی آنان احترام می‌گذارد و خود را در برابر مشکلات، دغدغه‌ها و رنج‌های قشرهای فرودست جامعه مسئول می‌بیند و به دلیل همین ویژگی، مخاطبان خود را از میان مردم برمی‌گزیند

مؤلفه‌های ادبیات انقلاب اسلامی

گستره زمانی: این ادبیات همزمان با پیدایش نهضت اسلامی ملت ایران، از اوایل دهه ۴۰ به این سو شکل گرفته و تاکنون، حدود نیم‌قرن از پیدایش آن می‌گذرد. طبعاً آثاری که در این محدوده زمانی آفریده شده باشد یا از این پس آفریده می‌شود، به شرط برخورداری از ویژگی‌هایی که در پی خواهد آمد، می‌تواند جزو ادبیات انقلاب اسلامی به‌شمار آید.

بازگشت به خویشتن: ادبیات انقلاب اسلامی براساس دفاع از هویت و بازگشت به خویشتن در برابر هجوم سیاسی، فکری و فرهنگی استعمار شکل گرفته و هرگونه تسلیم از سر ذلت در برابر بیگانه را نفی می‌کند. بر این اساس، همه آثاری که با محوریت اصالت‌های فرهنگ خودی آفریده شده، حتی اگر به‌عنوان بخشی از ادبیات انقلاب اسلامی شناخته نشده باشد، یکی از مؤلفه‌های مهم این ادبیات را دربردارد.

آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهی: ادبیات انقلاب آرمان‌گرا و عدالت‌خواه است و این ویژگی باعث می‌شود همواره به ناهنجاری‌ها، ناپسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه و جهان و هرگونه تبعیض و استبداد معترض بماند. بر این مبنا، ادبیات سازشکار و توجیه‌گر، حتی اگر خود را مصداق ادبیات ناب انقلاب هم بداند، خارج از مقوله و محدوده ادبیات انقلاب اسلامی خواهد بود. بر پایه همین نگاه است که می‌بینیم شاعران و نویسندگان انقلاب، در طول این دوران و در موارد بسیار، به نقد ناهنجاری‌های اجتماعی و مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و جهان پرداخته‌اند.

مردم‌گرایی: ادبیات انقلاب، مردمی است و به باورها و اعتقادات مردم و دیدگاه‌های دینی و ملی آنان احترام می‌گذارد و خود را در برابر مشکلات، دغدغه‌ها و رنج‌های قشرهای فرودست جامعه مسئول می‌بیند و به دلیل همین ویژگی، مخاطبان خود را از میان مردم برمی‌گزیند و برای ارتباط با مردم از زبان و بیانی نزدیک به آنان بهره می‌برد.

شاعران و نویسندگان این گفتمان ادبی، همواره از دردهای مردم سخن گفته و در این زمینه با آنان همدلی کرده‌اند و برخی از آنان به همین دلیل در سال‌های پیش از انقلاب شکنجه و به زندان و تبعید محکوم شده‌اند. البته باید میان ادبیات مردمی و ادبیات عوامانه و عامه‌پسند تفاوت قائل شد. ادبیات مردمی، ادبیاتی است خلاقانه و مبتنی بر هنر که به صورت جدی مشکلات اجتماعی را پیگیری می‌کند، اما ادبیات عامه‌پسند تنها به سرگرم کردن گروه‌هایی از مردم می‌پردازد.

نمادها و تمثیل‌ها: نمادها و نشانه‌ها، با تداعی و مفاهیم تودرتویشان، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های متون ادبی هستند. نحوه شکل‌گیری و حضور نمادها در متن ادبی، تا حدود زیادی می‌تواند هویت و سمت‌گیری فکری و فرهنگی آن را تعیین کند و نشان بدهد یک اثر می‌تواند زیرمجموعه ادبیات انقلاب اسلامی محسوب شود یا نه. طبعاً حضور نمادهای مذهبی، عرفانی و ملی در چارچوب یک نگاه حماسی، خواه

ناخواه، به یک اثر، صبغه ادبیات انقلاب اسلامی می‌بخشد و نمادهای لاییک و غیرحماسی، اثر را از این مقوله دور می‌کند.

استفاده از قالب‌های متنوع: براساس استقرار آثار موجود، ادبیات انقلاب، قالب ادبی خاصی را برنمی‌تابد و خود را در قالب و زبان و شیوه خاص، از سنتی، نو، قدیم و جدید محصور نمی‌کند و از همه امکانات موجود، به‌ویژه زبان نو و قالب‌های مختلف شعر و داستان و... برای بیان مفاهیم خویش کمک می‌گیرد. به همین دلیل است که هم قالب‌های کهن و سنتی در عرصه ادبیات انقلاب حضور دارند و هم قالب‌های نو، و آثار موفق‌تری در هر دو شیوه و در اشکال مختلف آن‌ها به قلم سخن‌سالاران این ادبیات آفریده شده است.

مضامین اسلامی، قرآنی و عرفانی: محتوای ادبیات انقلاب اسلامی موجب شده است مضامین اسلامی، قرآنی و اشارات عرفانی در آن بسامد بالایی داشته باشد. در این میان، نگاه حماسی به مذهب، به‌خصوص حادثه بزرگ عاشورا، جایگاه ویژه‌ای در منظومه فکری این ادبیات احراز می‌کند. مضامینی چون انتظار، موعودگرایی، وحدت اسلامی، شهادت و... نیز از درون‌مایه‌های رایج این ادبیات است.

تعهد در ادبیات: ادبیات انقلابی نوعی ادبیات متعهد است و خود را در برابر باورها، آرمان‌های انقلاب و سرنوشت جامعه مسئول می‌بیند. شاعر و نویسنده انقلابی، انسان مسئولی است که از رنج هموعان خویش در هر جای جهان رنج می‌برد.

براساس نگرش این شاعران و نویسندگان، نظریه هنر برای هنر و ادبیات برای ادبیات، فروکاستن از ارزش هنر و ادبیات است و هر هنرمند، شاعر و نویسنده‌ای، به دلیل انسانیته که از آن بهره‌مند است، نمی‌تواند در برابر رنج‌های بشری بی‌اعتنا باشد. هنرمند، همان‌گونه که در برابر ذات هنر و هدف هنر که زیبایی‌آفرینی است، متعهد است، در برابر منش انسانی و وجدان اخلاقی خویش نیز مسئولیت دارد.

نگاه باورمندانه: ادبیات انقلاب، ادبیاتی ایدئولوژیک، یعنی مکتبی است؛ به این معنی که به حقایقی در این جهان باور و اعتقاد دارد و در نگریشان به جهان، مبانی دینی و ارزش‌های الهی را در نظر می‌گیرد. ادبیات اخلاق‌مدار، نگاه امیدوارانه و منظر انسانی و جهانی از دیگر مؤلفه‌ها و مشخصه‌های ادبیات انقلاب اسلامی است.

برخی از این مؤلفه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند و برخی شمول بیشتری دارند و می‌توانند به‌نحوی با برخی دیگر همپوشانی داشته باشند؛ اما این ویژگی به‌هیچ‌وجه از اهمیت و ارزش آن‌ها نمی‌کاهد، زیرا این مؤلفه‌ها شاخص‌هایی هستند که می‌توانند محدوده و دامنه ادبیات انقلاب اسلامی را مشخص کنند. به یقین می‌توان مؤلفه‌های دیگری را نیز بر این شمار افزود. به نظر می‌رسد، بعد از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی و پدیدآمدن آثار مختلف اجتماعی، فرهنگی و ادبی آن، اینک زمان آن فرا رسیده باشد از منظر درست به توصیف، تحلیل و ارزیابی آنچه رخ داده است بپردازیم. بدون در نظر گرفتن این ضرورت، ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور، بخش‌هایی از واقعیت در غباری از گذشت زمان از یادها برود و احیاناً دچار تحریف‌های خواسته یا ناخواسته بشود. ❖



ادبیات

انقلاب، ادبیاتی

ایدئولوژیک، یعنی

مکتبی است؛ به این

معنی که به حقایقی

در این جهان باور

و اعتقاد دارد و

در نگریشان به

جهان، مبانی دینی و

ارزش‌های الهی را

در نظر می‌گیرد.

ادبیات اخلاق‌مدار،

نگاه امیدوارانه

و منظر انسانی

و جهانی از

دیگر مؤلفه‌ها و

مشخصه‌های

ادبیات انقلاب

اسلامی است



«پژوهش» اولویت مهم ادبیات
انقلاب در عصر کنونی است

ادامه منطقی شعر فارسی

اسماعیل امینی ✨
شاعر و مدرس دانشگاه

پژوهش مورد نظر خود بگیریم و این مشکل پایه و اساس ناصحیح بودن انسان سازی در جامعه و کشور ماست، چرا که شاکله اصلی کاری و فکری هر فردی در جامعه را نظام آموزش و پرورش می سازد. آیا در مدارس آموزش و پرورش ما و یا در حوزه های علمیه جایگاهی به پژوهش می دهند؟ آیا به دانش آموز مجوز اظهار نظری غیر از آنچه در کتاب های درسی، چه درست و چه غلط، داده می شود؟ جواب این سؤال ها منفی است؛ چرا که اصلاً از دانش آموز چنین خواسته ای ندارند و حتی شرایط را برای چنین فضایی فراهم نمی کنند. متأسفانه نظام آموزش ما مبتنی بر گفته های اشخاص مختلف علمی است و حتی ارزیابی دانش آموزان نیز بر همان پایه و

این گونه با آن برخورد می کنند. در بسیاری از موارد دیده شده که دانشجویی به دلیل کسری نمره، با درخواست استاد مربوطه مقاله ای را برای افزایش نمره درسی خود ارائه می کند، اما اصلاً به این موضوع توجه نمی شود که این مقاله از اصول علمی پژوهش و محتوای لازم برخوردار است یا نه؟ اصلاً آن دانشجو اگر واقعا در پی دانش بود که نمره اش کم نمی شد و دروس مهم و اصلی خود را به درستی مطالعه می کرد.

در حوزه پژوهش اگر پرسش و نظریه ای نداشته باشیم، متوجه نمی شویم که کجا بودیم و به کجا می رویم. بدون توجه به این موضوع، اصلاً نمی توانیم تصمیم درستی برای

حوزه ادب انقلاب اسلامی، دچار خطایی است که در حوزه پژوهش در این زمینه وجود دارد. این خطا به دانشگاه ها و علوم جوی نیز ورود کرده است. خطای مذکور این است که عموم دانشگاهیان و جویان تصور می کنند که پژوهش به معنای گردآوری مطالب از کتابخانه ها و به خصوص دنیای اینترنت است. در نهایت نیز همین مطالب را در قالب پایان نامه های دانشگاهی به اساتید دانشگاهی ارائه می کنند و از آن جا که معمولاً در این امر سهل انگار شده است، توجه دقیقی به پژوهش ندارند و آن را می پذیرند. این در حالی است که ماجرای پژوهش ویژه تر از آن است که دانشگاه ها

وجود ادبیات انقلاب به این دلیل نیست که به آن دلبستگی داریم یا این که به سفارش نظام حکومتی پیگیر آن هستیم. ادبیات انقلاب بسیار گسترده‌تر از آن است که قابل تصور باشد

می‌خورند، اما دیدیم که شد. همان موقع هم کدام شاعر را می‌توانستیم بباییم که متون دینی در اشعارش نماد نداشته باشد؟ اساساً شعر ایران پیش از اسلام نیز شعر دینی بوده است.

جریان شعر انقلاب اسلامی، ادامه منطقی شعر فارسی است، با این تفاوت که شاعران کهن شعر فارسی، انسانی را می‌آفریدند که سراپا پاکی و شجاعت باشد و تا آخرین توان خود پای حمایت از سرزمین خود می‌ایستد، اما در دوران انقلاب و دفاع مقدس ما در واقعیت با چنین انسان‌هایی روبه‌رو شدیم. به عنوان مثال، مادری که هر سه فرزند خود را تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده است قصه و داستان نیست، واقعیت محض است. شعر حماسی که کارش آفرینش اغراق است در بیان این واقعیات در بسیاری از موارد عقب می‌ماند و از بیان دلآوری‌های انسان‌های قهرمان دفاع مقدس عاجز است. دوران دفاع مقدس با هیچ دوره تاریخی ما قابل مقایسه نیست و همین موضوع ما را ملزم به پژوهش می‌کند. ❖

یعنی آیا اندیشه‌های «سلمان هراتی» در افکار دیگر شاعران هم بوده است؟ اگر چنین بوده، آیا در جهت رشد حرکت داشته و یا خلاف جهت رشد ادبیات انقلاب بوده است؟ آیا می‌توانیم آثار انقلاب را به دو دسته طبیعی به معنای بیان واقعیات انقلاب و دسته مدافع انقلاب تقسیم کنیم؟ وقتی می‌گوییم شعر و ادبیات انقلاب اسلامی آیا توقع داریم که همه مؤلفه‌ها به یک شیوه تحلیل شده باشند و یا این که طیف‌های مختلف سیاسی، زبانی و اجتماعی را در آن می‌پذیریم؟ آیا به لحاظ ساحت‌ها و قالب‌ها پیشروی داشته‌ایم و گسترده‌تر یا محدودتر شده است؟

سؤال‌های مطرح‌شده برای پژوهش در شعر انقلاب اسلامی اولویت دارد؛ چرا که برای شناخت و ترسیم راه آینده ادبیات انقلاب لازم و ضروری است. پس از انقلاب عده‌ای از جوانان در حوزه هنری جمع شدند و شروع به کار در عرصه شعر انقلاب کردند. در این شرایط عده‌ای می‌گفتند که این جوانان سعی دارند با وارد کردن مطالب مذهبی در شعر، تغییر و تحولی ایجاد کنند، اما شکست

اساس است؛ یعنی اگر دانش‌آموزی بخواهد پاسخ سؤال‌های امتحانی را با ادبیاتی غیر از آنچه در کتاب درسی آمده بدهد، با جریمه و کم‌شدن نمره از سوی آموزگار خود مواجه می‌شود. این گونه دانش‌آموز را مجبور به حفظ عینی کلمات و واژه‌ها می‌کنند و جایی برای تراوش ذهن کودک و یا نوجوان نمی‌گذارند. چرا که اصلاً دیدگاهی به پژوهش در نظام آموزشی کشور ما وجود ندارد.

وجود ادبیات انقلاب به این دلیل نیست که به آن دلبستگی داریم یا این که به سفارش نظام حکومتی پیگیر آن هستیم. ادبیات انقلاب بسیار گسترده‌تر از آن است که قابل تصور باشد. دوران انقلاب و دفاع مقدس حتی اگر دوران درخشانی برای ادبیات ایران هم نباشد، حداقل تکه جدا نشدنی‌ای از تاریخ کشور ماست. دوران انقلاب و دفاع مقدس برای تمامی مردم ایران، حتی آنان که در بطن شکل‌گیری انقلاب نبودند و برایشان خیلی ملموس یا مهم نیست، ارزشمند و تأثیرگذار است. مگر می‌شود شاعری را یافت که نشانه‌ای از ارزش‌های مردمی در اشعارش دیده نشود؟ دوران انقلاب یکی از ارزش‌های مهم مردمی است که نمی‌توانیم آن را کنار بگذاریم، بلکه باید روزبه‌روز آن را تقویت کنیم. شخصی که خود را هنرمند می‌داند اما توجهی به ارزش‌های مردمی ندارد، هنرمند نیست. بی‌توجهی به اعتقادات و ارزش‌های مردمی ستیز با آن هاست. آدمی حتی اگر دین هم نداشته باشد به اعتقادات اجتماعی احترام می‌گذارد.

یکی دیگر از موضوعاتی که باید در مورد شعر و ادبیات انقلاب اسلامی به آن توجه کرد این است که آیا ما اساساً گونه شعری با عنوان «شعر انقلاب اسلامی» داریم، یا این که چنین گونه‌ای از شعر تنها ساخته خواسته‌های شخصی ماست که دوست‌دار انقلاب هستیم؟ اگر چنین ادبیاتی شکل گرفته آیا به انتخاب مؤلفان ادبیات بوده یا به سفارش نظام حکومتی شکل گرفته است؟ آیا طی گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، شعر و ادبیات آن تغییر کرده و یا ثابت مانده است؟



جریان شعر انقلاب اسلامی، ادامه منطقی شعر فارسی است، با این تفاوت که شاعران کهن شعر فارسی، انسانی را می‌آفریدند که سراپا پاکی و شجاعت باشد و تا آخرین توان خود پای حمایت از سرزمین خود می‌ایستد، اما در دوران انقلاب و دفاع مقدس ما در واقعیت با چنین انسان‌هایی روبه‌رو شدیم



حال و هوای سینمای انقلاب در
گفتگو با سیدضیاءالدین دری
کارگردان تلویزیون و سینما:

مردم را در فیلم‌هایمان بینیم

امید رستگاری



نمی‌تواند کمتر از یک میلیون نفر باشد.

این رقم و تعداد تماشاگری که شما می‌گویید معمولاً در سینمای ما رُبایی است و کمتر فیلمی یک میلیون تماشاگر دارد.

نه، رُبایی نیست و برای فیلم‌های آقای ده‌نمکی اتفاق افتاده است، به هر دلیل. وقتی فیلم ایشان با بلیت مثلاً ۵۰۰۰ تومان، هفت میلیارد تومان فروخت، یعنی در کشور حدود دو میلیون نفر فیلم او را دیدند. کف این رقم مساوی است با کف فروش فیلم‌های تجاری قبل از انقلاب.

بحتم همین است که فقط درباره فیلم‌های او و سه چهار فیلم دیگر چنین اتفاقی افتاده است و تعداد تماشاگر به رقم یک میلیون نمی‌رسد.

بله، نمی‌رسد. عرض همین است. یک‌بار دیگر حرفم را تکرار می‌کنم و آن این‌که پس از گذشت سه دهه از انقلاب، فقط دو سه فیلم آقای ده‌نمکی تازه توانستند به کف فروش فیلم‌های تجاری و مبتذل قبل از انقلاب نزدیک شوند. تازه همان زمان

فیلم را تشویق می‌کند. البته برخی فکر می‌کنند با به کارگرفتن چنین موضوعاتی در فیلم‌ها می‌توانند مخاطب را به سالن‌های سینما بیاورند، اما باز هم این اتفاق نمی‌افتد. با این‌که وزارت ارشاد هم به آن‌ها اجازه داده و هیچ بهانه‌ای هم ندارند، حرفشان را هم به کرسی نشانده‌اند، اما کماکان نمی‌توانند مخاطب را به سالن‌ها بکشانند. کف تماشاگر ماهم به زور به صدهزار نفر می‌رسد، به طوری که با بلیت هفت هزار تومان و با ۱۲۰ هزار مخاطب، فروش آن به سختی یک میلیارد تومان می‌شود. در حالی که سینمای ما باید در شرایطی باشد که فیلم‌های فروش آن به کف یک میلیون مخاطب در پایتخت برسد، در آن صورت آن سینما سودده می‌شود. فیلمی خوب، موفق و پرفروش است که مخاطب آن در پایتخت حداقل به سه میلیون نفر برسد. در حالی که امروز داشتن ۱۲۰ هزار مخاطب برای یک فیلم، آن هم در گروه سینمایی، در واقع یعنی یک شکست آشکار و رقم یک میلیارد تومان فروش نباید ما را خیلی فریب دهد، چراکه فقط ۳۰۰ میلیون تومان از اصل سرمایه بازگشته است. کف فروش برای یک شهر ۱۲ میلیون نفری

سیدضیاءالدین دری، از نویسندگان و کارگردان‌های شناخته‌شده تلویزیون و سینماست و سریال‌های موفق «کیف انگلیسی» و «کلاه پهلوی» و فیلم‌هایی چون «لژیون» و «سینما سینماست» را در کارنامه دارد. با او درباره حال و هوای سینمای انقلاب، معضلات و دغدغه‌های امروز سینمای کشور و همچنین راه‌حل برون‌رفت از این مشکلات گفتگو کردیم.

مردم کم سینما می‌روند و بارها از این موضوع انتقاد شده است. شما دلیل این اتفاق را در چه می‌بینید؟

مردم ما به حق فیلم‌هایی می‌خواهند که خودشان را در آن ببینند. مردم ما فیلم‌هایی می‌خواهند که بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی‌شان باشد. شرایط اجتماعی ما چیست؟ بی‌پولی، فقر، بیکاری، رانت‌خواری، اختلاس و موارد دیگر. حالا فیلمسازان می‌خواهند چنین موضوعاتی را به فیلم تبدیل کنند، آیا می‌توانند؟ سینما باید به سمت انتقاد از جامعه برود. اگر تماشاگر با دیدن این فیلم‌ها احساس عقده‌گشایی کند، برای او فیلم خوشایند خواهد بود و احتمالاً

وقتی انقلاب شد، همه با شور و هیجان برای اصلاح امور آستین بالا زدند و انقلاب ما بیش از آنچه اقتصادی باشد، بنا به فرموده حضرت امام فرهنگی بوده و در حقیقت همین مسئله، انقلاب ما را از همه انقلاب‌های قرن بیستم و نیمه دوم قرن نوزدهم متمایز کرده است



ما از روز اول
به دلیل آن که
می‌خواستیم
مظاهر فرهنگ
غرب را از جامعه
خود پاک کنیم،
در حوزه فرهنگ،
به ویژه سینما،
تئاتر و دیگر هنرها
به وجه ظاهری
بیشتر توجه نشان
دادیم و برای
پایه گذاری این
اندیشه خردورانه
در حوزه فرهنگ،
از تدوین یک
استراتژی
کوتاه مدت،
میان مدت و
بلند مدت غفلت
کردیم



فکر می‌کنید مشکل سینمای ما این روزها چگونه می‌تواند حل شود؟

معتقدم مشکل سینمای ما هم اکنون با ورود رهبری حل می‌شود و البته احساس می‌کنم ایشان ورود خواهند کرد. ورود ایشان می‌تواند سینمای ایران را خیلی موزون‌تر و متعادل‌تر کند. ما باید در حوزه سینما به وفاق دهه اول انقلاب برسیم. در آن سال‌ها به دلیل حضور حضرت امام و به دلیل شرایط کشور و دفاع مقدس، همه تفکرها و سلیقه‌ها در کنار هم فعالیت می‌کردند و سید تولید سینمای ما حداقل متنوع بود و تا حدود زیادی ایجاد رضایت می‌کرد. به نظرم باید دوباره همان فضا حاکم شود. گروه‌های سیاسی، چه آن‌ها که در دولت‌اند و چه آن‌ها که خارج از دولت هستند، نشان داده‌اند به سهولت کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند، به همین دلیل شاید ورود آقا به این صحنه، آن هم در موضوع حساس فرهنگی مثل سینما، در حقیقت ما را به آن وفاق مورد نظر نزدیک کند. ♦

پایه‌گذاری این اندیشه خردورانه در حوزه فرهنگ، از تدوین یک استراتژی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت غفلت کردیم. این غفلت با تغییر دولت‌ها و به ویژه پس از امام، به دلیل رقابت‌های سیاسی‌ای که اتفاق افتاد

قبل از انقلاب به دلیل ریزش مخاطبان، تولیدکنندگان فیلم‌ها ناراحت بودند. به تاریخ آن موقع مراجعه کنید. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم اگر فرض کنیم طبق نظر مدیران محترم، سینمایی که دارد به سمت خصوصی شدن حرکت می‌کند حتی به سوددهی برسد، به همان اندازه در برابر منویات سازمان سینمایی و مدیریت فرهنگی ایستادگی خواهد کرد. چرا؟ چون مدعی خواهند شد سرمایه از ماست و این محصول یا کالای فرهنگی هم باید در جامعه خریدار داشته باشد. پس شما چه کاره‌اید که به ما می‌خواهید بگویید چه فیلمی بسازید؟ در واقع تنها نقشی که برای سازمان سینمایی باقی می‌ماند این است که بگوید چه فیلمی نسازید یا چه کارهایی نکنید که اسمش همان نقش نظارتی است. نقش نظارتی هم نمی‌تواند از این اندازه بیشتر جلو برود. حال باید نتیجه بگیریم که اساساً در نگرش کلان در حوزه فرهنگی، آیا چنین وضعی را می‌خواهیم یا نه؟ اگر می‌خواهیم که مسئله حل است و نباید هم انتظار داشته باشیم منویات نظام یا دولت یا هر دو دستمایه تولید فیلم‌ها شود و اگر نمی‌خواهیم، به طور طبیعی اگر بخش خصوصی هم راغب به سرمایه‌گذاری شده باشد، عقب‌نشینی خواهد کرد. آن موقع است که می‌گویند شما پول بدهید و ما فیلمی را که می‌خواهید می‌سازیم.

با حرف‌هایی که زدید، آیا اصلاً آمیدی به بهبود اوضاع هست؟

بله. وقتی انقلاب شد، همه با شور و هیجان برای اصلاح امور آستین بالا زدند و انقلاب ما بیش از آنچه اقتصادی باشد، بنا به فرموده حضرت امام فرهنگی بوده و در حقیقت همین مسئله، انقلاب ما را از همه انقلاب‌های قرن بیستم و نیمه دوم قرن نوزدهم متمایز کرده است. بنابراین ما از روز اول به دلیل آن که می‌خواستیم مظاهر فرهنگ غرب را از جامعه خود پاک کنیم، در حوزه فرهنگ، به ویژه سینما، تئاتر و دیگر هنرها به وجه ظاهری بیشتر توجه نشان دادیم و برای

اهالی سینما و تلویزیون از دشواری‌های ساخت آثار انقلابی می‌گویند

انقلاب اسلامی در دنیای تصویر

علی سمیعی

دنیای تصویر آن‌چنان که باید و شاید نتوانسته دینش را به سوژه‌های مربوط به این حادثه تاریخی ادا کند. انقلاب با تمامی فراز و نشیب‌هایش بستر خوبی را در اختیار فیلمنامه‌نویسان و کارگردان‌ها قرار می‌دهد تا با ساخت آثار نمایشی در گونه‌های مختلف، این مقطع حساس را به تصویر بکشند.

اکنون بسیاری از لوکیشن‌های اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ را از دست داده‌ایم و کارگردان‌ها و فیلمنامه‌نویسان، دشواری‌های بازسازی تصویری مقطع مربوط به انقلاب را اصلی مانع بر سر ساخت آثار این‌چنینی می‌دانند. ضمن این‌که حساسیت‌های محتوایی هم کار را پیچیده‌تر کرده است؛ چرا که خیلی از شخصیت‌های مبارز انقلابی در قید حیاتند و به تصویر کشیدن آن‌ها ممکن است واکنش‌های این افراد را در پی داشته باشد.

در یک نگاه کلی می‌توان فیلم‌ها و سریال‌های مربوط به انقلاب را در دو گروه دسته‌بندی کرد. دسته اول سریال‌هایی است که به شخصیت‌ها و ماجراهای تاریخی پرداخته‌اند. این شخصیت‌ها مابه‌ازا دارند و با مراجعه به صفحات تاریخ می‌توان زندگینامه‌شان را مورد بررسی قرار داد. در آثار دسته دوم، کارگردان‌ها تلاش کرده‌اند با تکیه بر شخصیت‌های غیرتاریخی و گمنام، به موقعیتی داستانی دست پیدا کنند.

در میان سریال‌های دسته اول می‌توان به کارهایی چون «فرار بزرگ» ساخته حسین لطیفی، «معمای شاه» ساخته محمدرضا ورزی، «طبل تو خالی» زنده‌یاد احمد نجیب‌زاده و «فراموشخانه» به کارگردانی عبدالرضا نواب‌صفوی اشاره کرد. ناصر گیتی‌جاه اولین بازیگری است که با حضور در «طبل تو خالی» در نقش شاه ظاهر شده است. عبدالرضا نواب‌صفوی در فراموشخانه سراغ گزینه دیگری رفت و نقش شاه را به رضا بنفشه‌خواه سپرد.

فرار بزرگ، ساخته حسین لطیفی از





مهم‌ترین ظرفیت برای شناخت نسل جوان

در همه ژانرها ضعف و قوت وجود دارد و در ژانر انقلاب اسلامی هم آثاری تولید شده که بعضی خوب بودند و دیده شدند و برخی هم خیر. ظرفیت دو واقعه مهم تاریخ معاصر ما یعنی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خیلی زیاد است و این گونه نیست که با ساخت چند فیلم و سریال بگوییم همه واقعیت‌های جنگ و انقلاب گفته شده است

محمدرضا شفیعی، تهیه‌کننده آثاری همچون «وضعیت سفید»، «کیمیا» و «تنهایی لیل» هم در این باره می‌گوید: در همه ژانرها ضعف و قوت وجود دارد و در ژانر انقلاب اسلامی هم آثاری تولید شده که بعضی خوب بودند و دیده شدند و برخی هم خیر. ظرفیت دو واقعه مهم تاریخ معاصر ما یعنی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خیلی زیاد است و این گونه نیست که با ساخت چند فیلم و سریال بگوییم همه واقعیت‌های جنگ و انقلاب گفته شده است.

او در ادامه می‌افزاید: ساخت فیلم و سریال مهم‌ترین ظرفیت برای شناخت نسل جوان از انقلاب است، اما باید ظرفیت و ابزار نمایشی‌اش به‌درستی رعایت شود. شما می‌توانید فیلمی بسازید که محتوای مورد پسندی به لحاظ نظام داشته، اما به معکوس خود تبدیل می‌شود. کار هنری و فیلمسازی به‌شدت به ظرایف مورد نیاز خود احتیاج دارد؛ یعنی شما اگر بخشی از این ظرایف را در نظر نگیرید، از لحاظ محتوا نتیجه معکوس می‌گیرید. اتفاقاً باید در همین ژانر انقلاب و دفاع مقدس برای ساخت فیلم‌ها سخت‌گیری بیشتری باشد و برای اثرگذاری درست واقعا از همه ابزار بهره بگیریم و سپس سریال خود را تولید کنیم. شفیعی ادامه می‌دهد: در ده سال گذشته چند فیلم سینمایی و سریال با موضوع

جهان تبدیل شده است، چون تصویرهای تکان‌دهنده و خوبی دارد. حتی افرادی که بخواهند علیه نازیسم و هیتلر فیلم بسازند، یکی از اسنادشان همین فیلم است.

او با بیان این‌که در تصویر انقلاب در سینما و تلویزیون‌مان حتی اگر نتوانستیم سیاست را از خودمان دور کنیم و نگاه بی‌طرفانه داشته باشیم، از نظر ساختار و اجرا نیز نتوانستیم اثر قابل قبولی بیافرینیم، تصریح می‌کند: نکاتی که اشاره کردم سبب جذابیت یک اثر می‌شود، حتی اگر تحریف تاریخی بوده یا واقعیت در آن‌ها مخدوش باشد.

عشقی تصریح می‌کند: به‌دلیل از دست دادن لوکیشن‌های اوایل انقلاب، اگر بخواهیم اثری درباره زمان کورش کبیر بازسازی کنیم، خیلی راحت‌تر از زمان محمدرضا شاه است؛ یعنی همه چیز دچار تغییر شده است. معتقدم نسلی درباره انقلاب می‌نویسد که درباره آن مقطع زمانی هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارد. می‌خواهم بگویم مثلاً در اوایل دهه ۶۰ فیلم‌های زیادی ساخته شده که درباره خان‌بازی، رعیت‌ها و روستاییانی است که سر به شورش می‌زنند و یاغی می‌شوند و در آن مقطع فردی توجه نکرد که انقلاب در شهر اتفاق افتاد، نه روستا. به همین دلیل زمان که می‌گذرد این اشتباهات ژرف‌تر می‌شود، چون نسل‌های جدیدتر اصولاً در مورد واقعیت‌های دوران انقلاب اطلاعات لازم را ندارند.

معدود مجموعه‌های انقلابی با درونمایه کم‌دی است که روزهای پایانی حکومت شاهنشاهی را با زبان طنز به تصویر کشیده است.

در دسته دوم سریال‌هایی چون «رعنا» (داوود میرباقری)، «یک مشت پرعقاب» (اصغر هاشمی)، «ارمغان تاریکی» (جلیل سامان)، «لبه آتش» (جواد افشار)، «چه کسی به سرهنگ شلیک کرد» (جواد اردکانی) و... قرار می‌گیرند که قهرمان‌هایشان را از متن جامعه انتخاب کرده‌اند.

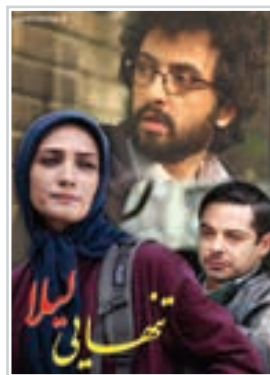
داوود میرباقری در سریال «رعنا» با خلق یک شخصیت زن مقتدر به عنوان مؤلفه تکرار شونده همیشگی‌اش، این بار وقایع تلخ سیاسی را از نگاه یک زن روایت کرد.

ناآشنایی فیلمسازان با انقلاب

بهزاد عشقی، منتقد سینما و تلویزیون، در رابطه با آثار نمایشی انقلابی تلویزیون از گذشته تاکنون می‌گوید: از همان ابتدا فرقی نمی‌کرد فیلم‌هایی که ساخته می‌شود از زاویه رسمی و حکومتی یا از زاویه گروه‌های دیگر است. واقعاً همواره سیاست بر واقعیت سیطره داشت. هر فردی که قصد داشت فیلم در گونه انقلاب بسازد، حتی آن فردی که صرفاً مستند می‌ساخت، اغلب با نگاه سیاسی وارد این عرصه می‌شد؛ یعنی واقعیت را از زاویه نگاه سیاسی خود عبور می‌داد و هر کدام سعی می‌کردند نکته خاص خود را به نگارش درآورند.

این منتقد تصریح می‌کند: به‌طور مثال فیلم «رزمناو پوتمکین» ساخته آیزنشتاین، اثری سفارشی و درباره انقلاب اکبر شوری سابق است، منتهی اگر نسخه‌ای خوب از فیلم را ببینید، از لحاظ تدوین، استفاده از دکوپاژ و استفاده از موسیقی آن قدر شگوه‌مند است که هنوز هم جوانانی که کوچک‌ترین آشنایی ندارند، با دیدن فیلم تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

شما مثلاً فیلم مستند «پیروزی اراده» لنی ریف‌شتال را ببینید؛ اثر شگوه‌مندی است و به همین دلیل به اثر ماندگار تاریخ سینمای



نویسندگانی باید مبادرت به نوشتن کارهای انقلابی کنند که دلشان با انقلاب باشد و بتوانند زوایای انقلاب را - صد البته - بدون سمت و سوی ناعادلانه با رویکرد جذاب انقلابی، به صورتی که جوانان خوششان بیاید، دوستش داشته باشند و اقبال عمومی پیدا کند، بنویسند و ما اکنون مشکل اساسی مان نویسنده است

او ادامه می‌دهد: در سال‌های اخیر شاید حق مطلب ادا نشده باشد، چون نسل نو خیلی با دوره ستمشاهی آشنا نیستند و معرفی درستی از آن دوره نیز وجود ندارد، ولی فکر می‌کنم به هر حال تلاش شده و تلاش هم کم نبوده، اما در مجموع اگر توقع اقبشار جامعه را برطرف نکند، بخشی از تاریخ را عنوان می‌کند و این خیلی خوب است. اکنون در سینما ممکن است ساخت این فیلم‌ها با اقبال روبه‌رو نشود. دغدغه مردم شناخت دوره قبل از انقلاب نیست، ولی معتقدم می‌شود در تلویزیون کارهای خوبی انجام داد.

هاشمی می‌افزاید: فیلمنامه‌نویس‌ها مجبورند برای این‌که اتفاق‌های واقعی را دراماتیزه کنند، بین آنچه حقیقت دارد و آنچه برای تماشاگر جذاب و دیدنی است اندکی تفاوت‌ها قائل شوند که خیلی طبیعی است. احساس می‌کنم خاطرات آدم‌های بزرگ دوره شاه می‌تواند دستاویز خوبی برای نوشتن کارهای خوب باشد، منتها نویسندگانی که جاهای دیگر مشغول کار هستند و مفاهیم انقلابی را سفارشی می‌نویسند و همین مشکل ساز است. از این جهت می‌گویم که «آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.»

او ادامه داد: نویسندگانی باید مبادرت به نوشتن کارهای انقلابی کنند که دلشان با انقلاب باشد و بتوانند زوایای انقلاب را - صد البته - بدون سمت و سوی ناعادلانه با رویکرد جذاب انقلابی، به صورتی که جوانان خوششان بیاید، دوستش داشته باشند و اقبال عمومی پیدا کند، بنویسند و ما اکنون مشکل اساسی مان نویسنده است؛ یعنی نبود نوشته خوب برای پرداخت سینمایی و تلویزیونی.

او درباره تغییر لوکیشن‌های گذشته هم می‌گوید: ساخت فیلمی برای انقلاب که ضعف‌های تاریخی نداشته باشد، سخت است و کار ساده‌ای نیست، به همین دلیل این هنر نویسندگان و هنرمندان است که کاری انجام دهند تا اصل ماجرا را با واقعیت منطبق کنند. ❖



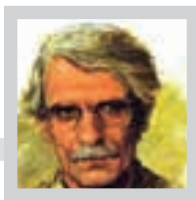
می‌کند: لوکیشن‌های اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ خیلی تغییر کرده است و ما هم در نگهداری از آن خیلی سهل‌انگاری کرده‌ایم و همین امر سبب شده بخش زیادی از ابزارها و المان‌ها از بین برود. البته در کشورهای دیگر همچنین اتفاقی می‌افتد، پیشرفت می‌کنند و این کاملاً محسوس است، اما سیستمی وجود دارد که از بخشی از المان‌های تاریخی کشور خود مراقبت می‌کنند.

شاید حق مطلب ادا نشده باشد

سیدجواد هاشمی، بازیگر، نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون هم درباره ویژگی‌های آثاری که با موضوع انقلاب ساخته شده می‌گوید: همکاران ما خیلی تلاش کردند بتوانند قطعه‌ای از شکوه انقلاب اسلامی را در قالب سریال‌ها به تصویر بکشند. این که بشود همه حرف‌ها را زد، قطعاً کار غیر ممکن است، اما معتقدم به خصوص نسل اوایل انقلاب تا سال ۷۰، فیلم‌های خوبی را درباره انقلاب ساخته و آماده پخش و اکران کرده است.

انقلاب و جنگ ساخته شده که مخاطب انبوه داشته و البته اثرگذار هم بوده. منظورم این است که در کنار اثرگذاری، مخاطب هم داشته باشد؛ یعنی هم باید اثرگذاری و محتوای خوبی داشته باشد و هم از ابزارهای درست سینمایی، فیلمسازی و نمایشی در آن استفاده شود تا مخاطب را جذب کند. شفیعی با بیان این که تعداد این گونه آثار خیلی محدود است، عنوان کرد: وقتی شما قصد ساخت اثری در این گونه دارید، سختی کار چند برابر می‌شود و باید گروه فیلمسازی مراقبت‌های بیشتری انجام دهند.

به گفته او، فردی که فضا را از نزدیک دیده و لمس کرده، می‌تواند گزینه بهتری برای به تصویر کشیدن انقلاب و نگارش وقایع جنگ باشد. البته برعکس این مسئله را هم داشتیم؛ افرادی که دوران انقلاب و جنگ را درک کرده و فیلم انقلابی خوب نساخته‌اند. به همین دلیل باید در اصل ماجرا، اثرگذاری و مخاطب را برای این گونه کارها در نظر گرفت. تهیه‌کننده سریال «کیمیا» تصریح



شاعر زمانه

مهرداد اوستا
شاعری که وفا کرد و جفا دید

میترا اعتصامی



محمدرضا رحمانی در خانواده‌ای که به شعر و ادبیات علاقه داشتند، در شهر بروجرد به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری او، شاعری خوش قریحه بود که در شعر، رعنا تخلص می‌کرد.

وی که نام هنری «مهرداد اوستا» را برای خود برگزید، تحصیلات دانشگاهی خود را از سال ۱۳۲۷ با ورود به دانشکده معقول و منقول (الهیات) دانشگاه تهران آغاز کرد و با مدرک فوق لیسانس در رشته فلسفه از این دانشگاه فارغ التحصیل شد.

اوستا در کنار سرودن و نوشتن و تحقیق و تألیف و تدریس از مسائل اجتماعی، سیاسی، دینی و مردمی غافل نبود، بلکه یکی از امتیازهای او توجه عمیق نسبت به مسائل انسانی و جریان‌های اجتماعی و سیاسی و آگاهی در این باره بود و به دلیل همین آگاهی و تعهدی که داشت به کسانی و جریان‌هایی پشت کرد و اصالت خویش را به شهرتی از آن گونه سودا نکرد.

یکی دیگر از امتیازهای او، مطالعات پرحاشیه او - به جز فرهنگ اسلامی - در فرهنگ‌ها و معارف مختلف بود، از شرقی و غربی، و حافظه‌ای که به او امکان می‌داد تا از این همه اندوخته سود جوید و آن‌ها را به موقع به کار برد و در شنونده سخن خود یا خواننده آثارش، زمینه آگاهی‌هایی لازم در آن موضوع را پدید آورد. استاد اوستا از عمق پاره‌ای از مسائل «سیاسی - فرهنگی» که به وسیله استعمار و ایادی آن - از داخل و خارج - در ایران رواج داده شد، آگاه بود و به علل بسیاری از آن‌ها و دست‌های خائنی که در کار بودند، پی برده بود. همچنین از رفتار استعمارگران با ملت‌های مظلوم - اسلامی و غیر اسلامی - خبر داشت و نسبت به آن‌ها به صورتی عمیق، دردمند و حساس بود که در آثار منظوم و منثور وی نمایان است. او به حق، انسان زمانه خود و شاعر زمانه خود و هنرمند زمانه خود و به مناسبت‌ها، با بیان ویژه خویش، از حقایق سیاسی و تزویرهای فرهنگی، پرده برمی‌داشت، و چون از ارزش‌های پر صلابت اسلامی، آگاه و به آن‌ها معتقد و متکی بود، به بسیاری از دام‌ها در نیفتاد و به شهرت‌ها دل نداد و دست در دست بیگانه‌ای نگذاشت و همواره از آن ارزش‌ها و اصالت آن‌ها دفاع کرد و با واقعیت مردم، هماهنگ بود، چیزی که بسیاری از مدعیان شعر و هنر، فاقد آنند و مدعی آن.

او در شهریور سال ۱۳۳۲، به جرم طرفداری از نهضت ملی ایران و مخالفت با شاه، به مدت هفت ماه زندانی شد. اوستا - بنا بر سائقه دینی و مردمی بودن - پس از انقلاب نیز در جهت گیری‌های جامعه، حضوری چشمگیر داشت و به خصوص نسل جوان را در کار شعر، ادب، جنگ و جهاد تشویق می‌کرد و به جز سرودن اشعار سیاسی دینی، اجتماعی، مردمی و متعهدانه به جبهه‌ها نیز رفت و آمد داشت. مهرداد اوستا انسانی مهربان، شاعری مردمی و متعهد و هنرمندی آگاه و متواضع بود. همواره از درد دردمندان، دردمند بود و در خروش‌های مردمی، خروش برمی‌داشت و به درستی سزاوار عنوان «شاعر زمانه» بود. او در روز ۱۷ شهریور ۱۳۷۰، در تهران، به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت - شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - از دنیا رفت. این شاعر در در بهشت زهراي تهران مقبره مشاهیر

فرهنگ، ادب و هنر در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجره ۹۵۳) به خاک سپرده شد.

اوستا بیش از ۴۰ اثر تحقیقی و یا تألیفی در زمینه ادبیات و هنر از خود به یادگار گذاشته که بیش از ۲۰ اثر آن در زمان حیات ایشان و بقیه بعداً منتشر شده است. یکی از زیباترین غزل‌هایش را با این مطلع سروده است:

وفا نکردی و کردم، خطا ندیدی و دیدم
شکستی و نشکستم، بُردی و نبریدم
اگر ز خلق ملامت، و گرز کرده ندامت
کشیدم از تو کشیدم، شنیدم از تو شنیدم ❖



با اسرافیل شیرچی،
هنرمند خوشنویس

گذشته‌ات را بشناس

زیب مرتضایی فرد

در شمال ایران و منطقه‌ای متولد شده و زندگی کرده‌اید که طبیعت زیبایی دارد. فکر می‌کنید این زیبایی‌ها تا چه اندازه در سوق دادن شما به سمت هنر مؤثر بوده است؟ این افتخار من است، جایی متولد شده‌ام میان رقص برگ‌ها و شاخه درخت‌ها. زاده روستایی هستم که شاخه‌ها هر شب با ماه احوالپرسی دارند و دست‌هاشان به سمت ماه دراز است. سرسبزی‌هایش بیکران است و هر پنجره‌ای را که باز کنی، در هر فصلی که باشی، زیباترین رنگ‌ها را مقابل چشمانت قرار می‌دهد. مخصوصاً در پاییز و زمستان هم رنگ‌های خاکستری شکسته خاص خودش را در آن جا می‌بینی و حال و هوای بی‌ظیرش را درک می‌کنی. زاده آن سرزمین هستم با آوا و نجوای مادرانه و پدرانه در دشت‌ها و ریتم‌هایی که هنگام نشاء مردم از خودشان نشان می‌دهند.

۵ یا ۶ ساله بودم که با لکنت زیاد وارد مکتب‌خانه شدم. به همین دلیل، نمی‌توانستم عم جزء را خوب بخوانم یا قرآن را خوب تلاوت کنم. یکی دو سال را به سختی گذراندم. وارد مدرسه شدم و دیدم لکنت باعث نیشخند همشاگردی‌هایم می‌شود و همین باعث شد مداد دست بگیرم و روی کاغذ نقش‌هایی را ترسیم و سعی کنم نیشخندها را نادیده بگیرم. کم‌کم خطوط شکل گرفتند و صاحب شخصیت و تبدیل به نقاشی شدند.

نقاشی را به صورت جدی ادامه دادید یا تنها در سنین کودکی با آن مأنوس بودید؟

نقاشی را ادامه دادم. در دوره راهنمایی هم وارد گروهی از نقاشان مازندران شدم که شیوه‌های مختلف باروک تا امپرسیونیسم را

او روی بوم می‌نویسد. خوشنویسی را به نقاشی گره می‌زند و رنگ‌ها را با دقت و حساسیت فوق‌العاده روی صفحه بوم می‌نشانند و آثار زیبایی خلق می‌کند. اسرافیل شیرچی، هنرمندی برجسته در عرصه خوشنویسی است. ساده و صمیمی از اتفاقات، دیدگاه‌ها، نظرها و حال و هوای کودکی تا امروزش حرف می‌زند و می‌رسد به حالا که هنرمند شناخته شده‌ای است. در این گفتگو از او بیشتر می‌خوانیم.

کار می کردند. به مناظر می رفتند و من همراهشان می شدم. جمع بسیار خوبی بود. من هم سعی می کردم نقاشی کنم. نقاشی هایم خوب بود؛ از آفتابگردان های ونگوگ تا آثار زیاد دیگری را کار کردم، اما به دلیل لکنتی که داشتم، دلم می خواست نجوایی با قلم و مرکب داشته باشم و اصالت هنر شرقی را بیشتر در خودم داشته باشم.

در ادامه این مسیر، بین خط و نقاشی بیشتر دنبال خط را گرفته و ادامه داده اید. دلیل تصمیمتان چه بود؟

خط، پر از خلوت های ناب است و باید مثل یک بندباز بنشینی و به آن پردازی. سال های ۵۹-۶۰ بود که علاوه بر نقاشی به تعلیم خط به دوستان هنرمندم در مازندران هم پرداختم و سال ۶۲ وارد دانشکده هنرهای زیبای استان تهران شدم و در کنار بزرگانی چون مرتضی ممیز، حلیمی، رویین پاکباز و دیگر استادان بزرگی که تدریس می کردند، شاگردی کردم و همزمان مدرس خط و خوشنویسی بودم. در انجمن خوشنویسان به عنوان جوان ترین استاد آن زمان حضور داشتم. استادان بزرگی چون غلامحسین امیرخانی، عباس اخوین، کیخسرو خروش، فولادی، یدالله کابلی و دیگر استادان عزیز نیز حضور داشتند.

از سال ۶۲ به قول حافظ که می گوید که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها... افتادیم در حال و هوای کار جدی در پایتختی که آدم ها همه جدی هستند و حرفه ای و کار می خواهند. دیپلماسی پایتخت را باید رعایت می کردم؛ هنرمند، شاعر، خوشنویس و موزیسین، همه و همه در یک فضا دور هم جمع هستند و بخواهی و نخواهی در خیابان هایی رفت و آمد می کنی که این حال و هوا هست و باید حال و هوای شهرستانی ات را برای خودت محفوظ بگذاری و دیپلمات باشی، هنرمند باشی و کنار استادان بزرگ، کارت را به شکلی انجام دهی که مورد قبولشان واقع شود. من سعی کردم این موارد را انجام دهم.

اولین نمایشگاهتان را چه زمانی برگزار کردید؟

اولین نمایشگاه را سال ۱۳۶۴ برگزار کردم که البته انفرادی نبود. در این دوره، در گالری دانشگاه هنرهای زیبا در فوق برنامه ای که بعد از ظهرها آن جا برگزار می شد، تدریس خط می کردم. دانشجویان دانشگاه های مختلف می آمدند و از من خط یاد می گرفتند و بعد مجموعه ای از آثار را به نمایش درآوردیم، اما اولین نمایشگاه انفرادی ام سال ۶۸ در گالری انجمن خوشنویسان ایجاد شد. این گالری با نمایشگاه آثار من افتتاح شد و دومین نمایشگاهم نیز سال ۷۰ با همیاری معصومه سیحون - خدا رحمتش کند - برگزار شد که از نظر هنری بانویی درجه یک بود و هنر را می شناخت.

ایشان، خلوص را درون هنرمند به راحتی می دید و هرازگاه با حالتی



مادرانه به من می گفت، پسر من مراقب خودت باش، هنرمند قابلی خواهی شد. این نمایشگاه با سخنرانی فریدون مشیری، دکتر ندوشن، نصرت کریمی، غلامحسین امیرخانی و... نمایشگاه باشکوهی شد.

سال بعد در گالری برگ که به شهرداری تعلق داشت، اشعار فریدون مشیری را نوشتم و به نمایش گذاشتم. در یک روز سه هزار نفر آمدند و کارها را دیدند. آن روز زنده یاد مشیری حال و هوای خوبی داشت؛ گویی جشن شعرهای مشیری و خطهای من بود. محمد نوری، بهمن بوستان و هنرمندان بزرگ و مطرح نیز آمدند. هم نمایشگاه استقبال خوبی داشت و هم من و قلمم بال خوبی گرفتیم. بعد از این مرحله، کارهای حرفه ای من شروع شد و در کنار تعلیم در انجمن خوشنویسان به کار تحقیق و پژوهش و تألیف ادامه دادم.

بیشتر درباره این توضیح دهید که چرا نقاش نشدید؟

ما از نظر نقاشی ۲۰۰ سال عقب هستیم و من این را به خوبی حس کردم. از طرف دیگر احساس کردم تغزل وجودی که درون من بود، می توانست با شعر گره خورده، هنری تغزلی بیافریند.

آدمی بودم که جوشش کار در من زیاد بود. با این که به نقاشی ارادت داشتم و دارم و هنوز گاهی نقاشی کار می کنم، ترجیح دادم به کوزه های پرمحنی خط بروم و نستعلیق و شکسته نستعلیق را ادامه دهم و مدل خوبی برای خوشنویسان جوان معاصر باشم.

ما در نقاشی بزرگانی را داریم که نموده های بسیار خوبی در این عرصه دارند، افرادی بودند که کارهای بزرگی کردند یا شجاعت و جسارت هایی داشتند که در خط این اتفاق نیفتاده بود. احساس



حیف می دانم
رابطه نسل نو که
کار مدرن می کند
با هنر سنتی قطع
شود. دوست دارم
همان نستعلیق ها و
همان شکسته های
ناب که زاده
نیاکان ماست
وارد فضای مدرنی
شود که پر از نور و
چراغ و پراز خرد
و روشنی است،
نه این که دری
باز شود به سمت
مدرنیته که هیچ
هویتی از گذشته
در آن نباشد



کردم اگر استاد حمیدی، هانیبال الخاص و... کاری را انجام می‌دهند، من هم می‌توانم آن حال و هوا را در خط ایجاد کنم.

به نظر خودتان در این زمینه چقدر موفق بوده‌اید؟
به اعتقاد خودم، بخش اعظمی از این کار را موفق بودم تا این سن که ۵۲ ساله هستم. ان شاءالله، اگر عمری باشد، بقیه‌اش را هم جبران می‌کنم.

همیشه در ذهنم این سؤال وجود داشت که چرا خط‌های شما روی بوم نوشته می‌شود. با این توضیحات، حالا می‌توانم به خودم پاسخ دهم آقای شیرچی ابتدا نقاش بوده و بعد خوشنویس شده، اما دوست دارم خودتان هم کمی درباره این موضوع توضیح دهید.

اگر من روی بوم کار کردم، برای این است که با نقاشی آشنا هستم. همان‌طور که نت‌ها برای رهبر ارکستر آشناس‌تر، من هم حروف را می‌شناسم و می‌توانم آن را روی هر چیزی ارکستراسیون کنم و از مواد نقاشی روی بوم، حال و هوای یک هنر دیگر تجسمی را هم وارد دنیای خط بکنم و بدون این که خط را بیازارم، بین آن‌ها رفاقت ایجاد کنم که ریتم دلنشینی برای مردم ایجاد کند. به نظر من این از همه چیز مهم‌تر است.



اگر گذشته‌ات را شناسی، نمی‌توانی کار نو انجام دهی. تمام هنرمندان و معمارانی که کار جدید و نو انجام داده‌اند، کسانی بودند که ساعت‌ها زیر طاق مسجد شیخ لطف‌الله نشستند و آن را تماشا کردند. در بازار کاشان و کنار آبگینه‌های یزد ساعت‌ها نشستند و روزگار رفته را مرور کردند

با توجه به این که روی بوم کار می‌کنید، کار خودتان را نقاشی می‌دانید یا نقاشی خط؟

حیف می‌دانم رابطه نسل نو که کار مدرن می‌کند با هنر سنتی قطع شود. دوست دارم همان نستعلیق‌ها و همان شکسته‌های ناب که زاده نیاکان ماست وارد فضای مدرنی شود که پر از نور و چراغ و پر از خرد و روشنی است، نه این که دری باز شود به سمت مدرنیته که هیچ هویتی از گذشته در آن نباشد.

این را می‌دانم که اگر خط می‌نویسم و به نوگرایی دست می‌زنم، می‌خواهم ارتباط فرزندان دنیای معاصر را که به جهان تکنولوژی وصل هستند، با هنر اصیل حفظ کنم و حال و هوای گذشته خط را از دوره صفویه به دوران مدرن انتقال دهم. هیچ اشکالی ندارد که من خودم باشم و امضای خودم را داشته باشم، برند خودم را داشته باشم و بفهمم کار هنری مدرن، پروازی بلندتر و یک دگرگونی می‌خواهد که تو باید فرهنگ و معانی و هنر مملکت خودت را بشناسی، چون اگر شناسی کار نو معنا ندارد.

اگر گذشته‌ات را شناسی، نمی‌توانی کار نو انجام دهی. تمام هنرمندان و معمارانی که کار جدید و نو انجام داده‌اند، کسانی بودند که ساعت‌ها زیر طاق مسجد شیخ لطف‌الله نشستند و آن را تماشا کردند. در بازار کاشان و کنار آبگینه‌های یزد ساعت‌ها نشستند و روزگار رفته را مرور کردند. اگر نگاهی به دور و برمان بیندازیم، بدون این که هیچ تخصصی داشته باشیم، درمی‌یابیم

معماری در جامعه ما بسیار بد حرکت کرده است، در صورتی که با توجه به پیشینه این عرصه می‌توانستیم خوب پیش برویم. می‌ترسم بلایی که بر سر معماری ما آمده، بر سر خط هم بیاید. به همین دلیل می‌خواهم اتصال به گذشته در من باقی باشد.

آقای شیرچی! خیلی شاعرانه صحبت می‌کنید. شعر نمی‌گویید؟

با خودم نجواهایی دارم. ما تخیل شرقی داریم که در همه‌مان وجود دارد. تغزل نستعلیقی که با خودم دارم به من حال و هوای خوبی می‌دهد، خط‌های خوب می‌بینم و برای رقص قلم‌هایشان شعر می‌گویم.

قصد انتشار شعرها بتان را ندارید؟

ما در ایران زندگی می‌کنیم و شاعرانی مثل حافظ، سعدی و مولانا آن قدر بزرگ هستند که اگر می‌خواهی زمزمه هم بکنی باید زمزمه‌ای سهراب‌گونه داشته باشی برای دل خودت. می‌خواهم همین که هستم باشم، خطاطی که به نقاشی خط گرایش دارد، کار می‌کند و احوال نوگرایانه دارد، ولی با رعایت احوال گذشته‌اش. من فرزند روزگار مدرن هستم، پنجره‌های جهان مدرن را می‌بینم، حال و هوای دنیای تند و تیز تکنولوژی را هم می‌بینم، ولی با روحیات نستعلیقی ام می‌خواهم کار نو انجام دهم. هنوز هم پنجره‌ها را باز می‌کنم، نجوای مادرم پشت گوشم هست. هنوز برگ‌ها در کارهایم اثر می‌گذارند، تغزل شکوفه‌ها و شاخه‌ها هنوز در دلم زنده است و دل‌داده کوچ‌پس کوچ‌های کودکی ام که عطر اقاقی و یاس در آن‌ها می‌پیچید. من با دلدادگی‌هایم زندگی می‌کنم. ❖

او شد سفیر ایران

پیشخوان کتاب

فرانسه به زبان ساده

فرهنگ مطالعه چگونه در خانواده

زنده می شود؟

پیشخوان کتاب



دختر پیامبر
آیت‌الله محمدعلی جاودان
چاپ هشتم
انتشارات مطیع
۱۴۳ صفحه
۵ هزار و ۵۰۰ تومان

رحلت پیامبر(ص)، یکی از بزرگ‌ترین وقایع در تمام دوران حیات اسلام بود و به سرعت، حوادث بزرگ دیگری را به دنبال داشت. قرآن، دوران بعد از پیامبر(ص) را در معرض یک خطر بزرگ می‌داند و چنین می‌گوید: «آیا اگر پیامبر بمیرد یا کشته شود، شما به گذشته‌تان رجوع می‌کنید؟» (آل عمران، ۱۴۴) شرح آیه این است که بعد از پیامبر(ص)، ممکن است جریاناتی در عالم اسلام اتفاق بیفتد که مسلمانان بار دیگر به گذشته خویش، یعنی همان عصر جاهلیت بازگردند و دوباره اصول حاکم بر آن عصر را پذیرا شوند.

کتاب «دختر پیامبر»، تألیف آیت‌الله محمدعلی جاودان (از شاگردان برجسته مرحوم علامه عسکری، استاد بنام تاریخ اسلام) است. این کتاب، مراحل مختلف مقابله خاندان پیامبر(ص) با جاهلیت زنده‌شده بعد از رحلت پیامبر(ص) را تبیین و سپس به تفصیل از خاکسپاری و مدفن دختر پیامبر(ص) سخن می‌گوید.

کتاب، دارای دو بخش اصلی است؛ بخش اول، شرح جریان سقیفه، تبیین و تحلیل آن و همچنین آثار و نتایج به بار آمده از حکومت زائیده شده سقیفه، و بخش دوم، موضوع مبارزه، بیماری، وفات و خاکسپاری دختر پیامبر(ص) است.



عقلانیت دینی در حوزه رفتار اخلاقی از نگاه امام خمینی(ره)
معصومه صابری
مؤسسه چاپ و نشر عروج
۲۵۶ صفحه
۱۵ هزار تومان

در مقدمه کتاب «عقلانیت دینی در حوزه رفتار اخلاقی از نگاه امام خمینی(ره)» به قلم معصومه صابری، آمده که یکی از مسائل و مباحث دینی - کلامی مهم، مسئله عقلانیت در حوزه تفکر دینی است، چرا که روشنفکران غربی و غرب‌باور در تلاشند در راستای ترویج اندیشه سکولاریستی، اندیشه جدایی عقل از دین (راسیونالیسم) را در جامعه دینی مطرح کرده و با ناکارآمد جلوه‌دادن دین و مدیریت دینی از حل معضلات و پاسخگویی به نیازهای زندگی، مدیریت عقلانی و مدیریت علمی را به عنوان جایگزین دین ترویج کنند؛ از این رو عقلانیت دینی باید مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد. در دین اسلام، عقلانیت دینی در پرتو هدایت و تربیت دینی، به چنان بینش بالنده‌ای رسیده که میدان دادن به نفس اماره، برآوردن همه خواسته‌ها و انتظارات کنترل نشده و تعدیل نشده را، نه تنها نشانه خردورزی، تمدن و ترقی نمی‌داند، بلکه بدترین نوع جهالت، اسارت دور شدن از شرافت و کرامت انسانی برمی‌شمارد.

امام خمینی(ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی، عالم دین، فیلسوف، اندیشمند سیاسی و جامعه‌شناسی است که به بهترین وجه، عقلانیت دینی را در عرصه‌های فردی و اجتماعی متبلور کرده و جلوه‌های جدیدی از کارکردهای دین بر مبنای عقلانیت و توانمندی آن در تاریخ اسلام و عرصه جهانی ترسیم کرد. در اندیشه امام خمینی(ره)، عقلانیت و رویکرد فلسفی به دین، اساس و پایه نظریه‌پردازی و رویکردی اساسی در حصول معرفت و شناخت و بیانگر نوع نگاه به انسان است. از این رو پرداختن به موضوع عقلانیت دینی از نگاه امام خمینی(ره)، امری راهگشا و کلیدی در تبیین نگاه اسلام و مکتب تشیع به مسئله عقل و دین است.



جنگ جهانی اول

دیوید اونز

ترجمه بابک محقق

انتشارات فرهنگ جاوید

۱۳۹۶

۳۶۶ صفحه

۲۵ هزار تومان



تماس سرد

چاک پالانیک

ترجمه محمود مؤمنی

نشر چترنگ

۱۳۹۶

۱۵۶ صفحه

۱۴ هزار تومان

کتاب «جنگ جهانی اول» به قلم دیوید اونز، روایتی موجز و خواندنی از آغاز تا پایان نخستین جنگ جهانی است. نویسنده با روایتی دقیق و دلنشین، مغز وقایع مهم جنگ جهانی اول را برای خواننده تشریح کرده است.

این کتاب شاید برای یک استاد «تاریخ جهان» آورده چندان ندانسته باشد، ولی برای کسانی که مقالاتی پراکنده یا حداکثر یکی، دو کتاب درباره جنگ جهانی اول خوانده‌اند، قطعاً کتاب مفیدی است. دیوید اونز با این که جزئیات وقایع جنگ جهانی اول را برای خواننده تشریح می‌کند، اما در گرداب جزئیات چنان فرو نمی‌رود که در نهایت نتواند تصویری کلی از روندها و فراز و فرودهای جنگ برای خواننده‌اش ترسیم کند. در واقع اونز گاه خواننده کتابش را به قلب میدان جنگ می‌برد و گاه او را بر فراز تپه‌ای مرتفع می‌نشانند تا از بالا به سیر رویدادها بنگرد. جزئی‌نگری اونز در میانه میدان جنگ، بر دقت و دلنشینی کتاب می‌افزاید، کلی‌نگری‌اش نیز معرفت‌افراست.

دیوید اونز در فصل پایانی کتابش به خسارات جانی، مادی و مالی جنگ جهانی اول می‌پردازد. مطابق گزارش اونز، کشورهای درگیر در جنگ بیش از ۶۸ میلیون نفر وارد صحنه مبارزه کردند که از این میان ۱۰ میلیون نفر کشته و ۲۱ میلیون نفر مجروح شدند. میانگین تلفات جنگ، روزانه ۵۵۰۹ نفر بود. ۵۱ درصد تلفات را متفقین متحمل شدند.

این مجموعه در برگیرنده دوازده داستان کوتاه است که هر یک وجهی از عاطل و باطل بودن زندگی و مرگ را به رخ می‌کشند.

داستان‌های این مجموعه دست به افشاگری جنبه‌هایی از زندگی می‌زنند که گاهی برای مخاطب آزاردهنده می‌شود و گاه لبخندی بر لبان او می‌نشانند و سرخوش می‌کند. داستان‌های چاک پالانیک که هنوز در ایران نویسنده‌ای شناخته‌شده نیست، لذت داستان کوتاه‌خوانی را یادآوری و تأکید می‌کند. برخی از داستان‌ها هم در عین خنده‌دار بودن، تلخ‌اند و چندان نمی‌توان آن را به یک شوخی خنده‌دار تشبیه کرد.

هنر داستان‌گویی چاک پالانیک در این است که زندگی آمریکایی را به گونه‌ای روایت می‌کند که به این راحتی‌ها از یاد نمی‌رود و کابوس‌ها، خواب‌ها و بیداری‌های به تصویر کشیده، مدام جلو چشم است. «جسد متحرک» از داستان‌های کوتاه این مجموعه است که سرنوشتی تراژیک را در انتظار دانش‌آموزی باهوش قرار می‌دهد. این سرنوشت تلخ از بابت مصرف ماده‌ای مخدر است.

در پشت جلد کتاب آمده است: دوازده داستان کوتاه فوق‌العاده از نویسنده پراوازه باشگاه مش‌زنی که نمی‌توانید از خواندنشان بگذرید. تماس سرد، مجموعه‌ای است توأمان با رنج و لذت که ذهن مخاطبان را درگیر روایت‌های شگفت‌انگیز خود می‌کند.

او شد سفیر ایران

«خاطرات سفیر» کتابی که رهبر انقلاب مطالعه‌اش را توصیه می‌کند

زهرا بختیاری



مشخص است که این ایده، حتی اگر بر اساس تخیل یک نویسنده شکل می‌گرفت، ایده‌ای بسیار جذاب برای پرداخت اثری داستانی بود. حالا فرض کنید هر چه می‌خوانید، از واقعیت نشأت گرفته باشد. طبعاً بر تعداد مخاطبان کتاب افزوده می‌شود. به همه اینها اضافه کنید کتاب «خاطرات سفیر» به روایت نیلوفر شادمهری که با نگارشی صمیمی و ساده، خواننده را به خوابگاهی در پاریس می‌برد و او را با رویدادها، تجربه‌ها و خاطراتش شریک می‌کند.

«او شد سفیر ایران، یا بهتر بگوییم سفیر اسلام در قلب کشور فرانسه. بانویی محجبه و شاید کمی متفاوت از همسالان و هم‌کلاسی‌های خود که برای تکمیل تحصیلاتش در رشته طراحی صنعتی، برای مدتی ایران را به مقصد فرانسه ترک می‌کند» و این گونه خاطرات سفیر آغاز می‌شود. خاطرات دختری مسلمان که در کشور فرانسه، هر چند برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری حضور دارد اما سفیری شده است برای دفاع از حقیقت اسلام. مواجهه او با آدم‌های مختلف و اتفاقات متفاوت، این خاطرات را جذاب‌تر می‌کند، از قبول نشدنش در بهترین دانشگاه فرانسه تنها به دلیل حجابش و دست ندادن با سرشناس‌ترین استادان مرد تا برگزاری دعای عهد در اتاق خوابگاه و خواندن دعای کمیل برای «یک سلیم النفس».

خاطرات منتشر شده در این کتاب، ابتدا در وبلاگی به نام «سفیر ایران» توسط نویسنده نوشته سپس به مرور بر آن خاطرات افزوده شده است. راوی در این کتاب، حدود ۳۰ خاطره را به رشته تحریر درآورده و توضیح نیز داده که این مجموعه در واقع بخش اندکی از تمام خاطرات اوست و ابراز امیدواری کرده است بتواند فصل‌های بعدی این کتاب را نیز بنویسد.

شادمهری همچنین در مصاحبه‌ای چنین گفته است: «زمانی که من شروع به مکتوب کردن این خاطرات کردم تعدادی از دانشجویان را می‌دیدم همان اتفاقاتی که برای من پیش آمده برای بعضی از آنها نیز رخ داده بود. اینها در برخورد با این اتفاقات واکنش‌های خوبی بروز ندادند؛ زیرا در آنجا با پوشش و حجاب خانم‌ها برخورد خوبی ندارند؛ از این رو تصمیم گرفتم خاطراتم را که بخشی از آن مربوط به برخورد با این گونه رفتارها بود، مکتوب کنم تا از این طریق آموزشی نیز داده باشم.» نیلوفر شادمهری هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه هنر است.

توصیه رهبر انقلاب

اگر در فهرست کتاب‌های پر فروش بچرخید، لایه‌لای آنها با کتاب‌هایی مواجه می‌شوید که مورد توصیه رهبر انقلاب بوده‌اند. کافی است ایشان بر کتابی صحنه بگذارند تا موجی از هواداران ادبیات و خاطره‌نویسی، خودشان را به پیشخوان فروش این کتاب‌ها برسانند. دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره ادبیات و هنر، همیشه مورد وثوق اهالی ادبیات و دوستداران این حوزه بوده است. درباره «خاطرات سفیر» هم که حالا به چاپ ششم رسیده است، رهبر انقلاب چندی پیش در جریان یکی از دیدارها گفتند: کتاب خاطرات سفیر را توصیه کنید خانم‌هایتان بخوانند. ♦

بی‌شک شما هم در این سال‌ها شنیده‌اید که می‌گویند شمارگان برخی کتاب‌ها کاذب است. این عده معتقدند برخی کتاب‌ها با پروپاگاندای نهادهای رسمی به جای این که به فروش واقعی برسند به انحای مختلف شمارگان خود را بالا می‌برند. ممکن است در برخی موارد و در چند چاپ مکرر بشود چنین شائبه‌ای را مورد بررسی قرار داد، اما انصاف نیست زحمات نویسندگان این کتاب‌ها را یکسره پای تبلیغات و سوگیری‌های تبلیغاتی گذاشت. اما چرا این موضوع را مطرح کرده‌ایم؟ اتفاق تازه‌ای افتاده است؟

بین کتاب‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف، کتاب‌هایی که با روایت اول‌شخص یا سوم‌شخص به بیان خاطرات یا برهه‌ای از تاریخ با همه مایه‌زاهای بیرونی‌اش

می‌پردازند، همواره پر مخاطب و دوستداران کتاب، همیشه برای به عینیت رساندن ذهنیات نویسنده‌ها، به این مایه‌زاهای نیاز دارند؛ هر چه کتاب به واقعیات و مصادیق بپردازد، مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط برقرار می‌کند. بسیاری کتاب‌هایی از این نوع؛ کافی است به فهرست کتاب‌های پر فروش در سال‌های اخیر نگاهی بیندازیم. اغلب آنها سرگذشت شهدا، مدافعان حرم، زنان و مردان سختکوش عرصه‌های مختلف و خاطرات سیاست‌مردان و اهالی فرهنگ بوده است.

حالا اتفاق تازه‌ای هم در این باره رخ داده و یکی دیگر از کتاب‌های خاطرات آرام‌آرام جای خودش را در فهرست پر فروش‌ها پیدا می‌کند. کتاب «خاطرات سفیر»، که شامل خاطرات نیلوفر شادمهری از تحصیل در فرانسه و بیان چالش‌هایی است که یک بانوی مسلمان به عنوان دانشجوی ممتاز ایرانی در این کشور با آن مواجه شده است.





نیلوفر شادمهری از واقعیت
فرانسه و تفاوتش با
عکس‌ها و فیلم‌ها می‌گوید

فرانسه به زبان ساده

از آن‌ها متفاوت باشد که نشان دهد مسلمان و شیعه هستم. می‌خواستم فرانسوی‌ها متوجه شوند مسلمانان در درون خود تقسیم‌بندی‌هایی دارند.

شادمهری درباره انتخاب چادر به‌نویان پوشش می‌گوید: پوشش، معرف شخصیت هر آدمی است! این پوشش را انتخاب کردم تا هویتم را آن‌گونه که دوست دارم نشان دهم و برایم امنیت و احترام به ارمان بی‌آورد. با نوع پوششم تصمیم نداشتیم چیزی را به کسی ثابت کنم، در وهله اول نیاز خودم بود که این پوشش را داشته باشم.

او همچنین درباره توجه رهبر معظم انقلاب به کتابش می‌گوید: حتماً لطف و بزرگواری ایشان بوده که چنین توصیه‌ای فرموده‌اند. چنین استنباط می‌کنم که ایشان از کتاب هم خوششان آمده است. من بخشی از خاطرات و تجربیاتم را از جاهای مختلف که می‌رفتم و با آدم‌های گوناگونی که درباره حجابم بحث و گفتگو می‌کردم، در این کتاب نوشتم. این خاطرات را به زبان ساده نوشتم شاید به همین دلیل است که مورد توجه قرار گرفته است. ❖

فرزندانشان محببه باشند، کودکان خود را به مدارس مذهبی کاتولیک می‌فرستند، چون در این مدارس بچه‌ها اجازه دارند پوشش داشته باشند. در سطح دانشگاهی هم می‌توان نوعی از حجاب را رعایت کرد که آن هم بی‌دردسر نیست! وقتی در جامعه‌ای زندگی می‌کنی که با پوشش اسلامی مشکل دارد، تو مدام تحت فشار هستی، وقتی برای خرید می‌روی این فشار را احساس می‌کنی، وقتی برای انجام کارت به اداره‌ای می‌روی، گاهی مورد سؤال قرار می‌گیری در حالی که کارمند مثلاً فرمانداری حق پرسش از تو را به دلیل حجابت ندارد.

او ادامه می‌دهد: این در حالی است که مدعی‌اند فرانسه کشوری کاملاً آزاد است، پس من هم باید آزاد باشم با حجاب اسلامی در شهر تردد کنم، اما حتی در دانشگاه و مقطع دکتری برایم مشکل ایجاد می‌کردند. در فرانسه وهابی‌های زیادی زندگی می‌کنند که پوشش خاصی دارند؛ دامن و مقنعه بلند و معمولاً در رنگ‌های طوسی، سورمه‌ای و سدری. البته زنان اعرابی که دانشجوی باشند خیلی کم هستند. من اصرار داشتم پوشش

نیلوفر شادمهری چند سال قبل برای تحصیل در مقطع دکترای طراحی صنعتی به فرانسه رفته و در بازگشت از این کشور خاطراتش را در قالب کتابی به نام «خاطرات سفیر» منتشر کرده است. او در این کتاب با ذکر خاطرات روزانه‌اش، این آزادی فرانسوی را به چالش کشیده و عنوان کرده که او به عنوان یک زن مسلمان و شیعه با پوشش چادر با چه مشکلاتی در فرانسه روبه‌رو بوده است. با شادمهری همصحب شدیم تا برایمان از تجربه زندگی یک زن محببه در فرانسه بگوید. او در بخش‌هایی از تازه‌ترین گفتگویش با رسانه‌ها چنین می‌گوید.

در ظاهر و از آنچه از عکس‌ها و فیلم‌هایی که از فرانسه در جاهای مختلف منتشر می‌شود، چنین برمی‌آید زنان محببه برای زندگی در این کشور مشکلی ندارند، اما واقعیت با آنچه در عکس‌ها و فیلم‌ها منتشر می‌شود کاملاً فرق دارد. بچه‌هایی که به مدرسه می‌روند اصلاً اجازه ندارند پوشش اسلامی داشته باشند، به همین دلیل اعراب مسلمانی که در فرانسه زندگی می‌کنند و تمایل دارند



در ظاهر و از آنچه از عکس‌ها و فیلم‌هایی که از فرانسه در جاهای مختلف منتشر می‌شود، چنین برمی‌آید زنان محببه برای زندگی در این کشور مشکلی ندارند، اما واقعیت با آنچه در عکس‌ها و فیلم‌ها منتشر می‌شود کاملاً فرق دارد

❖ کتابی پر از کشش و جذابیت

محسن مؤمنی شریف، رئیس حوزه هنری

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی در کشور ما می‌تواند این باشد که کتاب خوب را به هم معرفی کنیم. کتاب‌های متعددی در کشور ما منتشر می‌شوند که یافتن یک اثر تأثیرگذار و جذاب در میان آن‌ها، کار دشواری است؛ به همین دلیل باید در راستای این کار به یکدیگر کمک کنیم.

من از نخستین کسانی بودم که کتاب «خاطرات سفیر» را خواندم، با وجود تمام کشش‌ها و جذابیت‌هایی که برای من داشت، تصور نمی‌کردم انتشار آن با چنین استقبالی از سوی مخاطبان، به‌ویژه دختران جوان روبه‌رو شود. این کتاب برای من، با دغدغه‌هایی این چنین بسیار خواندنی بود تا حدی که به وجود شادمهری‌ها افتخار کردم.

دختری که از دانشگاه خوبی در فرانسه پذیرش می‌گیرد و تحصیل در آن را تنها به این دلیل که با اصول و عقاید او و خانواده‌اش در تضاد است رها می‌کند و به دانشگاهی با سطح پایین‌تر می‌رود، انسانی افتخار کردنی است. گرچه خداوند نیز خیلی زود جواب این ایمان او را می‌دهد و دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کند تنها چند ماه بعد همه آن ویژگی‌های دانشگاهی که رها کرده بود را به دست می‌آورد و این وعده حق خداوند است.

❖ هم‌رنگ جماعت نشدن

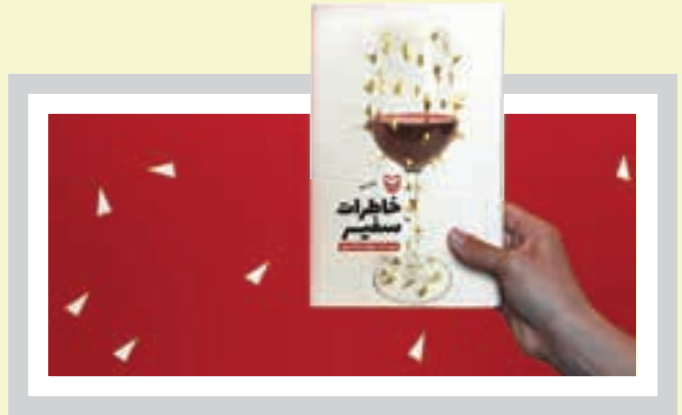
حسین آشتیانی، کارشناس ادبیات

«خاطرات سفیر» به معنای واقعی کتاب خاطرات است. زمانی که آن را در دست می‌گیرید، گویا شخصی کنار شما نشسته است و این خاطرات را برایتان توصیف می‌کند. خاطرات دختری ایرانی که برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به فرانسه می‌رود. آن‌جا با مسائلی روبه‌رو می‌شود که در تضاد با اعتقادات دینی، سیاسی و جهان‌بینی او در تضاد است و او پاسخ این تضادها را نه در هم‌رنگ جماعت شدن، که در منظره با آدم‌هایی می‌بیند که او را بابت اعتقاداتش شماتت می‌کنند.

❖ نویسنده کتاب، یک رسول است

محمود صلاحی، مدیر فرهنگی

انتشارات سوره مهر کتاب «خاطرات سفیر»، شامل خاطرات نیلوفر شادمهری، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر را منتشر کرده که شامل خاطراتی از تحصیل یک دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه است. نویسنده این کتاب به نظر من سفیر نیست، رسول است؛ چرا که کار او در حفظ، صیانت و میانجی‌گری، بیش از یک سفیر است. رسول، نه به معنای پیغمبر، به معنای کسی که رسالتی بالاتر دارد. خانم شادمهری زبان فرهنگ کشور دیگری را آموخته و با همان زبان به بحث و مناظره، نه با انسان‌های معمولی، که با اندیشمندان آن کشور پرداخته و این شأن او را در کشور ما بالا می‌برد. ❖



«خاطرات سفیر» از نگاه اهالی فرهنگ

این روزها ماجرای اتفاق افتاده است که در فضای مجازی برخی آن‌ها را با پریده‌هایی که کتاب «خاطرات سفیر» پاسخ داده‌اند، ماجرا از این قرار است یک بازیگر زن ایرانی درباره برخی مسائل پیش آمده در کشور، شکایت به خارجی‌ها برده است. در کتاب خاطرات سفیر، نویسنده در بخشی به ماجرای اعتصاب راننده اتوبوس‌ها در فرانسه می‌پردازد. نویسنده این‌طور می‌نویسد: «یه دفعه چشمم به یه اتوبوس افتاد که جلوی روی همه اومد و صاف وایساد توی ایستگاه. راننده اتوبوس رو خاموش کرد و سوت‌زنان از اتوبوس پیاده شد. رفتم جلو، سلام کردم و گفتم: «عذر می‌خوام. امروز اتوبوس نیست؟» گفت: «نه، امروز اعتصابه.» دوست داشتم بدونم اعتصاب برای چیه؛ به خصوص که داشتم متضرر می‌شدم و ناخواسته در زنجیره نتایج اعتصاب دخیل شده بودم. گفتم: «ببخشید... می‌شه بدونم برای چی راننده‌ها اعتصاب کردند؟» راننده اتوبوس یه نگاهی به من انداخت و گفت: «این یه موضوع ملیه. به خارجیا ارتباطی نداره.»

(آفرین ورپریده! از این حس ملی‌گرایی خیلی خوشم اومد بی‌تریت!)

خب، دیگه چی باید می‌گفتم؟ هیچی! اما واقعاً این حس دوگانه‌ای که توی پرانتز نوشتم سراغم اومد. اگر چه جواب بی‌ادبانه‌ای بود، آفرین به این شخص که علیه دولتش هم که تحسن می‌کنه، وقتی مقابل یه خارجی قرار می‌گیره، بهش حق نمی‌ده که بخواد حتی وارد دعوای ملی بشه. واقعاً از این کارش خیلی خوشم اومد. من اگه جای رئیس‌اش بودم حتما تشویق‌اش می‌کردم.»

جهان کودکان چگونه با کتاب شکופا می‌شود؟

ترجمه: مرجان آقبلاغی



هر شخصیتی با صداهای مختلف صحبت کنند. اگر والدین بیش از یک فرزند دارند، هر یک از بچه‌ها می‌توانند اجرای یکی از نقش‌های کتاب را بر عهده بگیرند. این کار باعث می‌شود تا داستان با تمام جنبه‌های مثبتش در ذهن کودک برای همیشه نقش ببندد.

۴. پس از من، تو بر ایمن بخوان

پس از آن که کتاب را برای فرزندان خواندید و درباره آن با او صحبت کردید، از پسر یا دخترتان بخواهید که او هم برای شما کتاب بخواند. این کار علاوه بر کمک به پویایی ذهنش، به او اعتماد به نفس می‌دهد. با این کار او را تشویق می‌کنید تا بتواند در جمع به راحتی و با کلمات مختلف صحبت کند.

۵. به سلیقه کودک احترام بگذارید

عجیب نیست که کتابی برای کودکی جالب نباشد و او تمایلی به شنیدن داستان آن نداشته باشد. در این گونه موارد او را توبیخ نکنید و اصرار نکنید که شنونده آن کتاب باشد. والدین باید به کتاب از دید کودک نگاه کنند. برای کودکان برخی از کتاب‌ها جذاب نیست. شاید آن‌ها از نوع چاپ کلمات، عکس‌های کتاب یا طراحی جلد کتاب خوششان نیاید و کتاب برایشان کسل‌کننده باشد. باید به سلیقه کودک احترام گذاشت، حتی اگر آن کتاب یکی از شاهکارهای ادبی باشد.

کتاب‌هایی که فرزندان را مجذوب خود می‌کند، باید با انتخاب خود آن‌ها باشد، نه با اصرار والدین. باید این را در نظر بگیریم که آن‌ها هم از خواندن و شنیدن لذت ببرند.

در پایان باید گفت این شما هستید که تمایل کودکان را به مطالعه تقویت یا تضعیف می‌کنید. نکات ظریف و کوچکی وجود دارد تا والدین با رعایت آن‌ها دنیای کودک را شکوفا کنند و عشق به کتاب بهترین آن‌هاست. ❖

نویسنده: ژاکوئیلین کاندیل، منبع: اورنج ویل

درست است که مطالعه، دروازه‌های دنیای جدیدی را به روی کودکان می‌گشاید و توانایی‌های یادگیری آن‌ها را افزایش می‌دهد، اما این وظیفه والدین است تا کلید این دروازه باشکوه را به دست فرزندان بدهند. شیوه‌های گوناگونی وجود دارد تا پدر و مادر روش خود را تغییر داده و علاقه به مطالعه را در کودک شکوفا کنند.

۱. ابتدا خودتان کتاب بخوانید (پدر و مادر)

کودکان از نگاه کردن می‌آموزند و همان کار را انجام می‌دهند. با دیدن کتاب در دست پدر و مادر، کودک به مطالعه تشویق می‌شود و همان کار را انجام می‌دهد. این علاقه را بهتر است والدین در چهار سال اول زندگی کودک به وجود آورند؛ یعنی همان سال‌هایی که شخصیت وی را در بزرگسالی شکل می‌دهد.

۲. برای کودکان کتاب بخوانید

آوای صدا، کلمات و بیان شما در حین کتاب خواندن برای کودک، ارتقای توانایی برقراری ارتباط را در نوجوانی به دنبال دارد. با گوش کردن به کتاب، دامنه لغات کودک افزایش می‌یابد. از کتاب خوانی نباید تنها زمانی یاد شود که پدر و مادر در کنار کودکشان هستند و فضا ساکت و آرام است. همچنین باید علاوه بر خواندن کتاب برای کودک، آن‌ها را با نویسندگان و انواع کتاب آشنا کرد.

۳. با فرزندان کتاب بخوانید

برای این که فرزندان را تشویق کنید تا مطالعه با شما را تجربه کند، راه‌های زیادی وجود دارد. زمان خواندن کتاب از کودکان درباره عکس‌های کتاب و استنباط او از این عکس‌ها بپرسید. از او بخواهید تا داستان را برای شما دوباره بازگو کند و به فرزندان اجازه بدهید که بگویند به نظر او در پایان داستان چه اتفاقی خواهد افتاد. عکس‌های کتاب‌های مصور، جایگزین خوبی به جای کلمات است و اجازه می‌دهد تا فرزندان از کلمات خودشان برای توضیح عکس‌های این داستان استفاده کنند. والدین می‌توانند در کتاب‌های مصور به جای

نگاهی به رمان «جزیره سرگردانی»
نوشته سیمین دانشور

شور عاطفی مادرانه در ساده‌انگاری تاریخ و داستان

محمد علی علمی



«هستی» دختر جوانی است که زندگانی‌اش محور اصلی رمان «جزیره سرگردانی» است و گویا در ذهن، روح و عواطف خویش، انعکاسی نه چندان نزدیک و نه چندان دور از دوران جوانی خانم دانشور هم دارد. او با مادر بزرگی تحصیل کرده و آگاه به مسائل اجتماعی و برادر کوچک‌تر خود که دانشجوی سال آخر علوم سیاسی است زندگی می‌کند.

هستی، کارشناس هنری اداره‌ای در وزارت فرهنگ و هنر است. پدر هستی، به‌زعم مادر بزرگ، در دفاع از دکتر مصدق، توسط سربازان شاه در تظاهرات خیابانی شهید شده و مادر هستی «عشرت» هم پس از درگذشت شوهر اولش، به عقد یکی از دلان و کارچاق‌کن‌های ثروتمند دربار، یعنی آقای «گنجور» درآمده و با آمریکایی‌های مستشار روابط نزدیک و صمیمانه دارد.

ای.ام. فورستر در وجه رمان در باب شخصیت داستان می‌نویسد: «می‌توان اشخاص داستان را به «ساده=سطحی» و «جامع=کامل عیار» تقسیم کرد. این شخصیت‌ها در اشکال ناب خود، حول یک فکر یا کیفیت واحد ساخته می‌شوند و اشخاص ساده داستانی را می‌توان در یک جمله بیان کرد. یکی از مزایای اشخاص ساده داستانی این است که هر گاه ظاهر شوند به سهولت باز شناخته می‌شوند و این

برای نویسنده موهبتی است که بتواند ضربه را یک مرتبه و با تمام نیرو وارد کند و برای این منظور اشخاص ساده برایش به نهایت سودمندند، چون هیچ‌گاه نیاز به معرفی مجدد ندارند. هرگز نمی‌گریزند و به این که نویسنده همیشه مراقب بسط و گسترششان باشد نیازی نیست، زیرا آن‌ها خود اتمسفر خود را فراهم می‌کنند.

این‌گونه شخصیت‌ها، آدم‌های روشن و از پیش ساخته‌ای هستند که چون «تئون» بازی در بین ستارگان به این سو و آن سو رانده می‌شوند و مزیت دیگرشان این است که خواننده بعدها ایشان را به سهولت به یاد می‌آورد.

«شخصیت جامع=کامل عیار» نیز همواره در پی منظور و منافع خویش است، با این حال نمی‌توان او را در یک عبارت تلخیص کرد و در پیوند با صحنه‌های بزرگی که از میانشان گذشته و در خلالشان تغییر یافته جستجو کرد. با بیان طرز تلقی فورستر از شخصیت‌پردازی، سلیم، مراد، عشرت، گنجور و سایر اشخاص اصلی و فرعی جزیره سرگردانی، شخصیت‌های ساده (سطحی) و یا نمونه نوعی (تیپ) هستند و تنها «هستی» است که شخصیتی نسبتاً پیچیده دارد، اما همچنان که گفتیم از حد شخصیت‌های ساده و نمونه نوعی (تیپ) در می‌گذرد.

با این همه، «آرنولد بنت» معتقد است که: «... سؤال: آیا رمان‌نویس می‌خواهد شخصیت‌هایش در ذهن خواننده باقی بمانند؟... شخصیت‌های دیکنز در ذهن آدم باقی می‌مانند. شخصیت‌های او شاید بیش از حد قراردادی باشند و بیش از حد ساده شده، ولی در ذهن باقی می‌مانند. هیچ رمان‌نویسی هرگز نمی‌تواند مدام به خلق شخصیت‌هایی بپردازد که صد درصد تازه باشند و صد درصد نو. بالزاک بارها و بارها از قالب قراردادی یگانه استفاده می‌کرد... تازه جوجه منتقدان، هنگامی که قراردادهای لازم را بررسی می‌کنند، می‌گویند نشانی از شخصیت‌پردازی در میان نیست، مسئله اصلی این است که در خواننده تأثیر بگذاری؛ اگر بتوانی بهترین تأثیر، و باز اگر بتوانی، حقیقی‌ترین تأثیر. اما اگر نشد، تأثیری از هر دست که میسر است...»

همه ما کمابیش آثار دیکنز را خوانده‌ایم و با اشخاص داستان‌های او، یعنی کودکان ولگرد و معصوم، دردهای خبیث، دخترهای مهربان و محکوم به ولگردی و دزدی و... آشنا هستیم. به راستی چرا اشخاص قراردادی دیکنز، بنا به قول آرنولد بنت، در ذهن آدم باقی می‌مانند و چرا اشخاص قراردادی جزیره سرگردانی، مراد و سلیم و... در ذهن باقی نمی‌مانند؟

واقع‌نمایی عواطف مخاطب

اشخاص قراردادی رمان‌های دیکنز به سبب اعمال و گفتار و اندیشه‌های واقعی، ملموس و محسوس که دارند، واقع‌نما و تأثیر گذارند، اما آن‌ها گاهی قراردادی عمل نمی‌کنند و به هر حال، کشاکش‌هایی در درون دارند که چارلز دیکنز با مهارت و توانایی آن کشاکش‌های نهانی را به نمایش می‌گذارد و حوادث داستان‌هایش با واقع‌نمایی، عواطف مخاطب را بر می‌انگیزند. طرح توطئه، گره‌افکنی





همه ما کمابیش
آثار دیکنز
را خوانده‌ایم
و با اشخاص
داستان‌های او،
یعنی کودکان
ولگرد و معصوم،
دزدهای خبیث،
دخترهای مهربان و
محکوم به ولگردی
و دزدی و...
آشنایم. به راستی
چرا اشخاص
قرار دادی دیکنز،
بنا به قول آرنولد
بنت، در ذهن آدم
باقی می‌ماند و چرا
اشخاص قرار دادی
جزیره سرگردانی،
مراد و سلیم و...
در ذهن باقی
نمی‌مانند؟

با گلوله‌های برقی به دخترهای دانشکده هنرهای زیبا حمله کردند... هستی... پایش لغزید و به زمین افتاد... پسر دستش را گرفت و از زمین بلندش کرد... پسر گفت: مرا می‌گویند مراد پاکدل، هستی گفت: مرا هم می‌گویند هستی نوریان، پسر گفت: انتقام می‌گیریم، پسرهای دانشکده را جمع می‌کنیم و به دخترهای حقوق حمله می‌کنیم... این شخص شاد و شوخ چه گذر و گذاری در روح و فکر داشته تا سرانجام توسط پلیس شاه تیر بخورد؟ رمان در این باب چیزی به ما نمی‌گوید و به همین سبب است که مراد پاکدل را غیر واقعی می‌بینیم، اما همین شخص کوک‌شده در مایه چپ که پیوسته شعارهای انقلابی می‌دهد و رابین هودی وطنی است، زمانی که تیر خورده و مجروح از شر ساواک به خانه هستی پناه می‌آورد، از خود ضعف‌های زیادی نشان می‌دهد و ضمن مخفی شدن در کمد، خود را خیس می‌کند، در جزیره سرگردانی بدان سبب که نویسنده تقریباً هیچ‌گاه، حتی در یچه‌ای را به دنیای پرکشاکش روان هستی نمی‌گشاید، اعمال متناقض او، بی‌منطق و غیر واقعی می‌نمایند. دختری جوان که از خلیل ملکی و سیمین دانشور آموزش‌های سیاسی و نحوه جهان‌نگری دیده و خود از فعالان جنبش دانشجویی زمان شاه و زندان رفته است. دختری که پدرش شاید از شهدای سال‌های قبل از ۳۲ است، دختری که دلباخته جوانی سیاسی و پر شور است، چنین رفتارهایی دارد و تقریباً به راحتی اجازه می‌دهد که مادرش او را در سونا در معرض تماشای خانم فرخی بگذارد، تا شاید آن خانم او را برای پسرش بپسندد. هستی تقریباً به راحتی با مستر کراسلی می‌رقصد. او تخم مرغ‌های عید را برای پذیرایی از مستشاران آمریکایی نقاشی می‌کند، بی‌هیچ تأسف و تأثیری از ماجرای نفرت‌انگیز مادرش با موری، به راحتی می‌گذرد و... هیچ چیز جهان پست و پلشت پیرامون هستی روح او را آن‌چنان آزار نمی‌دهد که کاری بکند؛ حتی کاری منفعلانه همچون گریستن در تنهایی. به هر حال جهان بر هستی می‌گذرد، بی‌هیچ حرکت مثبتی از جانب او.

نثر، نیازمند بازنگری

در مورد نثر این رمان هم باید گفت که نیاز به یک ویرایش اساسی دارد. این نثر آن‌گاه که از زبان هستی یا مادر بزرگ روایت می‌شود قطعات ادبی را به یاد می‌آورد: «... آفتاب خودی نشان می‌داد و سرشاخه‌های خشک درخت‌های حیاط را به بازی گرفته بود و می‌پوسیدشان و مژده می‌داد که بهار در راه است. اما آدم حتی به مژده خورشید هم نمی‌توانست اعتماد کند...» و یا: «... خورشید با سرشاخه‌های بید مجنون جلو حیاط که نه از شرمساری، بلکه به عادت همیشگی سر به زیر داشتند، سلام و احوالپرسی کرد، انگار دیده‌بوسی هم کرد، بعد روی کاج‌ها خستگی در کرد و برای ثواب به درخت‌های لخت سر کشید.»

نام‌های جزیره سرگردانی، هستی، مراد پاکدل، سلیم فرخی، عشرت، گنجور و... آشکار است که اثر بانوی ادب ایران در پس ظاهر، معانی نهانی را دنبال می‌کند و کلام آخر این که جزیره سرگردانی بسیار بالاتر از بیشتر کارهایی است که نویسندگانشان در روح و جان خویش آتش نگرته و نسوخته‌اند، خام مانده‌اند و آثار دیگران را رونویسی کرده‌اند. ♦

و گره‌گشایی دیکنز جاذبه و کشش ایجاد می‌کند. فضا سازی‌ها کامل، زیبا و مناسب با حوادث و روال داستان هستند ولیکن سلیم، مراد، فرهاد و دیگران در جزیره سرگردانی، به رغم آن همه گفتگوها و بحث‌های تئوریک و سیاسی و آن همه اعمال در زاغه‌ها به قصد برپایی شورش، اسکان گرفتن، در ماشین آمریکایی‌ها بمب گذاشتن، ساواکی کشتن، عاشق شدن، زن گرفتن و... واقعی جلوه نمی‌کنند و به همین سبب، تأثیر گذار نیز نیستند. گذشته از این گونه مسائل، اغلب اشخاص اصلی و فرعی جزیره سرگردانی واقعی نیستند، واقعی رفتار نمی‌کنند و به همین دلیل تأثیری به سزا در مخاطب بر جان نمی‌گذرانند. مثلاً «مستر کراسلی» آمریکایی مشکوک که علی‌الظاهر مستشار فرهنگی است، به راحتی و سادگی راز مأموریت سیاسی خود را در مجلس رقص به هستی باز می‌گوید: «... جزیره‌ای است که دورش را دریاچه نمک احاطه کرده است. در جزیره به کلی به دام می‌افتی...» بعد هستی را دور خود می‌چرخاند و می‌گوید: «می‌خواهم به اف. بی. آی، عذر می‌خواهم به ساواک پیشنهاد بکنم زندانیان سیاسی را که مقرر نمی‌آیند، ببرد آن جا رها کند.» همچنین غیر واقعی و باور نکردنی است که عشرت، مادر هستی، «عشی» همسر گنجور که در تداوم عیاشی‌هایش حتی شوهر فاسد خویش را به گریه و می‌دارد، در جان و روح خویش اساساً به یکباره دگرگون شود. «... موری و عشرت عین بازیگران سینمای آمریکا همدیگر را در آغوش گرفتند و بوسیدند و هنوز مامان عشی سیگار بر لب گذاشته، احد گنجور با موری دست به یقه شد. یک سیلی، دو تا لگد، موری داد زد: لگوری؟ احمد روی زمین نشست و های‌های گریه کرد...» و آن وقت چنین زنی، ناگاه به گونه‌ای مکانیکی طیب و طاهره می‌شود و به مادر شوهر سابقش، یعنی پیرزنی نماز خوان پناه می‌برد... به اشاره هستی چادر نمازش را سرش انداخت. دکتر بهاری چمدان‌ها را آورد. سوار شدند و تا خانه توران جان برسند حالیش کردند که چه اسراری را برای مادر بزرگ فاش کرده‌اند و چه اسراری را فاش نکرده‌اند. هستی کلید انداخت و در را باز کرد. توران جان دست در گردن عروس سابقش انداخت. بوسیدش و گفت: خانمی خوش آمدی... عشرت دست توران جان را بوسید و گفت: آبیجی به شما پناه آوردم تا مرا هم مثل هستی آدم بکنید»

و بعد در دیدار با خانم فرخی، همچون عارفی قلندر و از شر هر دو جهان وارسته می‌گوید: «لخت آمده‌ایم، لخت هم می‌رویم. نه متر کفن با خود می‌بریم که آن هم می‌پوسد!» اگر چه عشرت و مادر بزرگ او واقعی‌ترین، باورشدنی‌ترین و زنده‌ترین اشخاص این اثرند، لیکن از مادر بزرگ نیز بعید است که به آن همه نفرت از عشرت، او را به راحتی و آن‌چنان صمیمانه بپذیرد. از یاد نبریم که مادر بزرگ زمانی درباره عشرت به هستی چنین گفته بود: «کینه‌ام را فراموش کنم؟ آن سلیطه هنوز سر سال پدر شهیدت نشده بود که رفت زن گنجعلی گاراژدار شد...»

شخصیت‌های باورناپذیر

شخصیت مراد پاکدل نیز باورپذیر و واقعی جلوه نمی‌کند. چریکی جوان که زمانی به شوخی و یا جدی می‌خواسته به دخترهای دانشکده حقوق حمله ببرد: «... آن روز که برف می‌آمد، دانشجویان پسر دانشکده حقوق



فرهنگ مطالعه چگونه در خانواده زنده می‌شود؟

ترجمه: مرجان آقبلاغی

این به بچه‌ها در محیط خانه اهمیت داده‌اید و آن‌ها از این‌که جدی گرفته شده‌اند حس خوبی خواهند داشت و برای آینده مسیر کتابخوانی آن‌ها هم مؤثر است.

۴. از متخصصان مشورت بگیرید

کتابخانه مکان خوبی است تا شما بتوانید کتاب‌هایی را که دوست دارید پیدا کنید و مجبور نباشید خودتان درباره آن تحقیق کنید. بنابراین درباره علایقتان با کتابداران صحبت کنید تا آن‌ها در این زمینه شما را یاری کنند.

۵. بر پای جلسه کتابخوانی

با دوستانتان قرار بگذارید تا هر کسی کتابی مشخص را بخواند و پس از مطالعه، درباره آن کتاب‌ها با هم صحبت کنید. این کار شما را تشویق می‌کند تا هم یک جلسه دوستانه داشته باشید و هم پیش‌زمینه‌ای از کتابی را که خوانده‌اید در ذهن داشته باشید تا تصمیم بگیرید که این کتاب را بخوانید یا نه. این کار را به بچه‌هایتان هم توصیه کنید که چنین جلسه‌هایی با دوستانشان داشته باشند.

۶. به مطالعه تنها به عنوان سرگرمی نگاه نکنید

همه افراد به مطالعه به عنوان نوعی سرگرمی نگاه و فکر می‌کنند؛ اگر آن را انجام ندهند کار اشتباهی مرتکب نشده‌اند، اما اگر به مطالعه به عنوان یکی از نیازهای ضروری زندگی نگاه کنیم، یاد می‌گیریم تا مطالعه را مثل غذا خوردن، هرگز فراموش نکنیم. با چنین گام‌های مؤثری شاید در کمتر از یک ماه بتوان عادت خوب مطالعه را در خود پرورش داد. ♦

منبع: کید هلت، نویسنده: ماری ال گاوبین

اگر کتابخوان خوبی باشیم، می‌توانیم از کتاب‌های مناسبی که در اطرافمان هست لذت ببریم. عادت به مطالعه کمی دشوار است، اما با اندکی تلاش می‌توانیم این فرهنگ خوب را در خود زنده کنیم. برای زنده کردن فرهنگ مطالعه و کتابخوانی باید اول از خودمان شروع کنیم. اگر توقع داریم فرزندانمان بی‌آن‌که ما کتاب بخوانیم، کتاب‌خوان‌هایی حرفه‌ای شوند، انتظاری باطل است. علاوه بر این بدانیم که کتاب خواندن از هر کار به ظاهر فرهنگی‌ای دشوارتر است؛ سخت‌تر از کنسرت رفتن، فیلم و سریال و نمایش دیدن و کارهایی از این دست. بنابراین خودمان را وادار کنیم به خواندن و تنبلی را کنار بگذاریم.

عادت به مطالعه باید در وجود هر فرد نهادینه شود، در غیر این صورت تنها به مطالعه می‌توان به شکل یک گذران وقت نگاه کرد. در این‌جا چند پیشنهاد به ما کمک می‌کند تا نه تنها پس از مدتی کوتاه کتابخوانی حرفه‌ای شویم، بلکه مطالعه تبدیل به یکی از مفرح‌ترین سرگرمی‌های ما شود:

۱. انتخاب کتاب در زمینه‌ای که به آن علاقمند هستید

اگر شما به رشته یا زمینه خاصی علاقمندید و از آن لذت می‌برید، به دنبال انتخاب کتاب‌هایی باشید که در زمینه آن رشته‌ها هستند. با این کار عادت مطالعه در شما کم‌کم نهادینه می‌شود و پس از مدتی از هر کتابی، در هر زمینه‌ای و با هر محتوایی لذت می‌برید. اما درباره دیگر اعضای خانواده، اجازه بدهید آن‌ها خودشان طبق سلیقه‌هایشان کتاب انتخاب کنند. به‌ویژه در خصوص فرزندان - کودک و نوجوان - سلیقه شخصی‌تان را به آن‌ها تحمیل نکنید.

۳. از سایر اعضای خانواده کمک بگیرید

از فرزندان و همسران و کسانی که به آن‌ها علاقمندید یا خصوصیات مشترکی با آن‌ها دارید، بخواهید تا کتاب‌هایی را که خوانده‌اند و از آن لذت برده‌اند به شما معرفی کنند. با این کار شما هم شاید از کتابی که آن‌ها خوانده‌اند لذت ببرید و همین امر نقطه‌ای برای لذت بردن از مطالعه است. علاوه بر



هم‌ارزش، اما متفاوت
در پرتو قرینیت
دوست داشتن لازم است اما کافی نیست

از اساسی ترین نیازهای انسان، تربیت است. بشر، تنها در پرتو تربیت صحیح می تواند مسیر زندگی را با موفقیت طی کرده و به کمال، هویت و عبودیت دست یابد. از این رو، پیامبران الهی آمده اند تا انسان ها را تربیت کنند. از عوامل مهم تربیت، الگوپذیری است. ما باور داریم که اهل بیت علیهم السلام، الگوهای شایسته هستند و تکیه بر دیدگاه ها و رفتارهای تربیتی آنان، کارآمدترین راهکار تربیتی برای تربیت، به ویژه تربیت فرزندان است. در این نوشتار، به سیره و گفتار اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزندان خود پرداخته ایم.

انتخاب همسر شایسته

برخی تصور می کنند که تربیت فرزند، بعد از تولدش آغاز می شود؛ حال آن که این امر، به زمان پیش از تولد برمی گردد. از این رو، در آموزه های دینی برای قبل و بعد بارداری زنان، آداب و شرایط خاصی تعریف شده است که رعایت یا عدم رعایت آن، در شخصیت و آینده فرزند تأثیر شگرفی دارد. به موجب آمار، تعداد بسیاری از کودکان ناقص الخلقه جهان و کودکانی که رشد مغزی، عصبی و جسمی ناقصی دارند، در دوران بارداری مادرانشان درست تغذیه نشده اند. طبق برخی تحقیقات، علاقه مندی مادر به فرزند در هنگام شیردادن، در ثبات شخصیت او مؤثر است. به همین جهت، در روایات تأکید شده است که پیش و پس از بارداری، رعایت برخی مسائل ضرورت دارد؛ مثلاً سفارش شده که در هنگام ازدواج، برای فرزنددار شدن دعا کنیم. همچنین سفارش شده است که از خوردن لقمه و مال حرام پرهیز کنیم، زیرا این امر در روح و جسم فرزند تأثیر دارد. امام صادق (ع) فرمود: «آثار کسب حرام، در نسل انسان آشکار می شود». بر این اساس، انتخاب همسر شایسته، از مهم ترین زمینه های تربیت فرزند است؛ زیرا طبق قانون وراثت، همان طور که صفات ظاهری والدین و اجداد به فرزند منتقل می شود، رذایل و فضایل اخلاقی آنان نیز به او انتقال می یابد. معصومان علیهم السلام، نه تنها خود در

در پرتو تربیت

بررسی سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام
در تربیت فرزند

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
محقق و پژوهشگر



از مؤثرترین روش تربیت فرزندان، رفتارهای درست والدین است. چشم و گوش کودکان و نوجوانان، چون دریچه‌ای باز است و به خوبی می‌بینند و می‌شنوند و ذهنشان، چون آینه‌ای است که هر چیزی در آن انعکاس می‌یابد؛ با این تفاوت که آینه، تصویر اشیاء را در خود نگه نمی‌دارد، ولی ذهن کودکان و نوجوانان، هر چیزی را در خود نگه داشته و الگو قرار می‌دهد

خداوند اندیشه می‌کردند.» حضرت به فرزندش امام حسن (ع) نوشته‌اند: «در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای عزیز و بزرگ را همراه با تفسیرش و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.»

اهل بیت علیهم السلام در یادگیری فرزندان، به برخی موضوعات دینی توجه خاص داشتند؛ از جمله: خداشناسی، تعلیم قرآن و محبت اهل بیت علیهم السلام. رسول خدا (ص) فرمود: «فرزندانتان را بر سه خصلت انیکو! تربیت کنید؛ دوستی پیغمبرتان و دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.» امام باقر (ع) نیز فرزندش را به چگونگی سپاسگزاری از خداوند و استغفار سفارش نموده است.

متأسفانه در عصر حاضر، برخی پدر و مادرها، به تعلیم آموزه‌های دینی فرزندان خویش اهمیت نمی‌دهند و برای یادگیری رایانه و مانند آن، برای کودکان و نوجوانان خویش هزینه بسیاری می‌کنند، اما نسبت به نهادهای سازماری معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه‌یابی تفاوت‌اند!

همسویی رفتار و گفتار

از مؤثرترین روش تربیت فرزندان، رفتارهای درست والدین است. چشم و گوش کودکان و نوجوانان، چون دریچه‌ای باز است و به خوبی می‌بینند و می‌شنوند و ذهنشان، چون آینه‌ای است که هر چیزی در آن انعکاس می‌یابد؛ با این تفاوت که آینه، تصویر اشیاء را در خود نگه نمی‌دارد، ولی ذهن کودکان و نوجوانان، هر چیزی را در خود نگه داشته و الگو قرار می‌دهد. بنابراین، والدین باید مراقب باشند تا بین گفتار و عملشان تناقض به وجود نیاید.

اهل بیت علیهم السلام برای تربیت فرزندان خود، از اصل «خودسازی، مقدم بر دیگرسازی» بهره می‌گرفتند؛ یعنی قبل از آن‌که به فرزندان خویش بگویند فلان کار را انجام دهند، خود انجام می‌دادند و بین گفتار و رفتارشان همخوانی وجود داشت. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر که خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران، به

است. دوران کودکی، فرصت خوبی برای تربیت است. در برخی روایات، تربیت در زمان کودکی و نوجوانی، به نقاشی بر سنگ تشبیه شده است که نشان از اهمیت توجه به زمان دارد. به تعبیر بعضی روانشناسان بالینی، ذهن کودکان، مانند صفحه سفید، آماده نگاشتن تجارب است. در روانشناسی گفته شده است: «کودک در پنج یا شش سالگی، نسخه کوچک جوانی است.»

معصومان علیهم السلام، تربیت فرزندان خود را از دوران کودکی آغاز می‌کردند؛ زیرا هنوز گناه، قلب آسمانی کودکان را آسپاه نکرده است. افزون بر آن، پدر و مادر همیشه توان تربیت فرزندان را ندارند، چون پیری توان آنان را خواهد گرفت. حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش، امام حسن (ع) فرمود: «پسر! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو بر شمردم... پیش از آن‌که خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند، زیرا قلب نوجوان، چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس، در تربیت تو شتاب کردم؛ پیش از آن‌که دل تو سخت شود...»

تربیت دینی

والدین باید به تعلیم و تربیت امور دینی فرزندان خود اهمیت دهند؛ و گر نه مسئول آینده آنان خواهند بود.

پیامبر اکرم (ص) وقتی بعضی کودکان را می‌دید، می‌فرمود: «وای به فرزندان آخرالزمان، از روش ناپسند پدرانشان!» عرض شد: «ای رسول خدا! از پدران مشرک؟» فرمود: «نه، از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ‌یک از فرائض دینی را نمی‌آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند. من، از این مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزار.»

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «باید خردسالان شما به بزرگسالان تأسی جویند و بزرگسالان شما به کودکانتان مهربان باشند. همچون ستم‌پیشگان دوران جاهلیت مباحثید که نه آگاهی از دین داشتند و نه در شناسایی

انتخاب همسر دقت داشتند، بلکه دیگران را نیز به این امر سفارش می‌کردند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «از طایفه پاک‌دامن و خوش‌اخلاق، همسر انتخاب کنید. به‌درستی که عرق (ژن) در فرزند اثر می‌گذارد.» امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت، ریشه خانواده‌گی است.»

انتخاب نام نیکو

از روش‌های مهم تربیت فرزند، انتخاب اسم خوب و زیبا برای فرزند است؛ زیرا نام، وسیله‌ای برای توجه به شخصیت فرزند است و خوبی و بدی آن در شخصیت‌سازی فرزند اثرگذار است؛ اگر نام خوب نباشد، سبب رنجش روحی و آزرده‌گی خاطر کودک خواهد شد.

پیشوایان معصوم علیهم السلام، به نام‌گذاری فرزندان خود بسیار اهمیت می‌دادند و مقید بودند که نیکوترین و بهترین اسم را برای فرزندان خود گزینش کنند. از این رو، از آغاز تولد نوزاد پسر تا روز هفتم، او را «محمد» می‌نامیدند تا از بدو تولد، روح، فکر و مغز کودک را با حضرت آشنا کرده باشند. امام صادق (ع) فرمود: «هیچ نوزادی برای ما متولد نمی‌شود، مگر این که نخست نام او را «محمد» می‌نامیم و پس از هفت روز، اگر خواستیم، نامش را تغییر می‌دهیم؛ و گر نه همان نام را بر او می‌گذاریم.»

امروزه، انتظار می‌رود مردم ما به فرهنگ نام‌گذاری اهل بیت علیهم السلام بیشتر توجه کنند. اسامی‌ای را برای فرزندان خویش انتخاب کنند که با آموزه‌های دینی و فرهنگ ما هم‌سوئی داشته باشد. متأسفانه، برخی والدین تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار گرفته و نام‌هایی را برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند که در شأن جامعه دینی نیست. البته ناگفته نماند که - بحمدالله - تعداد فراوانی از فرزندان این مرز و بوم، به نام اهل بیت علیهم السلام نام‌گذاری شده‌اند.

فرصت‌شناسی

اگرچه زمان تعلیم و تربیت، از گهواره تا گور است، اما برخی زمان‌ها برای این امر مناسب‌تر



معصومان

علیهم السلام،

تربیت فرزندان

خود را از دوران

کودکی آغاز

می‌کردند؛ زیرا

هنوز گناه، قلب

آسمانی کودکان را

سپاه نکرده است.

افزون بر آن، پدر و

مادر همیشه توان

تربیت فرزندان را

ندارند، چون پیری

توان آنان را خواهد

گرفت

محبت، در تربیت کودکان و نوجوانان نقش کلیدی دارد. کودکان، بیشتر از بزرگ‌ترها به محبت نیاز دارند. آنان چندان توجهی ندارند که در کوخ زندگی می‌کنند یا کاخ؛ اما در این جهت که محبوب دیگران هستند یا نه، حساسیت دارند

نیز تشویق می‌کردند. امام سجاد(ع) فرمود: «من به بیماری شدیدی مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند بر ابرام تدبیر کرده، نپرسم. پدرم در مقابل این جمله، به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی؛ به هنگام گرفتاری، جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: آدر باره آنچه پیش آمده، از غیر خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او، بهترین و کیل است.»

احترام

یکی از خواهش‌های طبیعی نوجوانان، این است که مانند بزرگسالان به شخصیتشان احترام شود و به‌شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند. نوجوانان انتظار دارند که پدران و مادران و همچنین بستگان و سایر مردم، آنان را به چشم یک فرد کامل نگاه کنند و در معاشرت و محاوره و خلاصه در تمام شئون زندگی، با آنان مانند بزرگسالان برخورد کنند. از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام به احترام فرزندان سفارش بسیار کرده‌اند. رسول خدا(ص) فرمود: فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید. امام رضا(ع) نیز می‌فرماید: «برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ، زیبا گردان.»

اهل بیت علیهم‌السلام، حرمت و کرامت فرزندان خود را حفظ کرده و آن‌ها را محترم می‌دانستند؛ چنان که رسول خدا(ص) همیشه به امام حسن و امام حسین علیهما السلام احترام می‌کردند.

فرزندان نیازمند احترام‌اند و اگر احترامی نبینند، دچار بحران هویت و انحراف‌های اخلاقی می‌شوند. نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر نباشد، در ضمیر خود احساس پستی و حقارت می‌کند و همواره از این احساس درونی رنج می‌برد. او می‌کوشد تا به هر وسیله، اظهار وجود کند و شخصیت خود را در محیط خانواده و اجتماع اثبات کند. جایی که از راه مشروع، به این کار موفق نشود، به کارهای غیر مشروع دست می‌زند.

خود از اصل «محبت» استفاده کرده و آن را به‌خوبی اظهار می‌کردند. این امر، گاه با در آغوش گرفتن فرزند و گاهی با بوسیدن او نمود پیدا می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید: «من هیچ کس را ندیدم که با خانواده خود، از رسول خدا(ص) مهربان‌تر باشد.» حضرت هر روز صبح، بر سر فرزندان و نوادگان خود دست نوازش می‌کشید. گفتنی است، از افراط و تفریط در محبت نسبت به فرزندان باید پرهیز کرد، زیرا محبت و نوازش‌های بی‌حساب، مانع برخورد فرزندان با سختی‌های زندگی می‌شود؛ چنان که کوچک‌ترین حادثه ناملایمی آنان را از پا در می‌آورد.

تشویق

از جمله شیوه‌های تربیتی، تشویق است. تشویق، به منظور ایجاد انگیزه، شناسایی استعداد و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان، امری ضروری است. چه‌بسا فرزندان که از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود آگاهی نداشته باشند و این والدین هستند که باید توانایی‌های فرزندان خویش را شناسایی کرده و آن‌ها را به انجام کارهای خوب تشویق کنند. اهل بیت علیهم‌السلام ضمن تشویق دیگران به این امر، فرزندان خود را

تعلیم خویش بپردازد و تربیت‌کردنش، پیش از آن که با زبان باشد، با رفتارش باشد و آن که خود را تعلیم و تربیت نماید، از کسی که دیگری را تعلیم می‌دهد و تربیت می‌کند، شایسته‌تر به بزرگداشت و احترام است.»

مهرورزی

محبت، در تربیت کودکان و نوجوانان نقش کلیدی دارد. کودکان، بیشتر از بزرگ‌ترها به محبت نیاز دارند. آنان چندان توجهی ندارند که در کوخ زندگی می‌کنند یا کاخ؛ اما در این جهت که محبوب دیگران هستند یا نه، حساسیت دارند. افزون بر آن، محبت در مقاوم‌سازی کودکان و نوجوانان در برابر ناهنجاری‌ها بسیار مؤثر است؛ به همین جهت، از علل بزه‌کاری کودکان و نوجوانان، فقر عاطفی شمرده شده است. از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام محبت به کودکان را، جزو بهترین اعمال دانسته‌اند. امام صادق(ع) فرمود: موسی(ع) گفت: خدایا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا آنان را با توحید خود سرشته‌ام و بر یگانگی‌ام آفریدم. اگر آن‌ها را بمیرانم، با رحمتم به بهشت داخل می‌گردانم. اهل بیت علیهم‌السلام، در تربیت فرزندان



فرزندان نیازمند احترام‌اند و اگر احترامی نبینند، دچار بحران هویت و انحراف‌های اخلاقی می‌شوند. نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر نباشد، در ضمیر خود احساس پستی و حقارت می‌کند و همواره از این احساس درونی رنج می‌برد





والدین باید
بکوشند، با فرزندان
خود به عدالت
رفتار کنند. اگر بنا
به علتی، یکی از
فرزندان را بیشتر
دوست دارند،
نباید علاقه خود را
آشکار سازند، زیرا
فرزندان به این
مسئله حساس اند و
تحمل آن برایشان
دشوار است

و آدمی را آماده اتصاف به کمالات الهی می‌کند. موعظه، اصل مهمی است که قرآن و رهبران الهی، مردم و خانواده‌ها را بدان فراخوانده‌اند. در قرآن کریم از زبان لقمان حکیم می‌خوانیم: «و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش، در حالی که وی او را اندرز می‌داد، گفت: ای پسر من! به خدا شرک می‌آور که به راستی شرک، ستمی بزرگ است.» همچنین لقمان فرزندش را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌کند: «ای پسر من! نماز را برپا دار و خود را به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار.»

اهل بیت علیهم السلام نیز فرزندان خویش را موعظه می‌کردند؛ چنان که حضرت علی (ع) امام حسن (ع) را به خدا و معادباوری، تقوا و موعظه‌پذیری سفارش کرد و فرمود: «... پسر من! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی. چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست، اگر سر رشته آن را در دست گیری؟ دلت را با اندرز نیکو زنده کن.»

یکی از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید: «خدمت امام رسیدم، فرزندش امام کاظم (ع) حاضر بود. امام وصیت کرد و فرمود: فرزندم! به وصیت و گفته من عمل کن؛ زیرا اگر چنین کردی، زندگی سعادت‌مند و مرگ پسندیده‌ای خواهی داشت؛ هر کس به آنچه خداوند روزی او کرده راضی باشد، بی‌نیاز است و هر کس به آنچه در دست دیگران است چشم بدوزد، فقیر خواهد شد.» ❖

که دوستان فرزندانمان چه کسانی هستند و با چه کسانی رفت‌وآمد دارند. امام صادق (ع) به یکی از فرزندان فرمود: «فرزندم هرگاه می‌خواهی دیگران را زیارت کنی، خوبان را زیارت کن و بدان را زیارت نکن، زیرا بدان، مانند صخره‌ای که آب از آن نمی‌جوشد و درختی که برگ سبز ندارد و زمینی که در آن نمی‌روید، هستند.»

متأسفانه، امروزه برخی پدر و مادرها به بهانه این که فرزندانمان بزرگ شده‌اند، مراقب آنان نیستند. اینان پدر و مادرانی هستند که تا وقتی فرزندان جرمی مرتکب نشده و روانه زندان نشوند، نمی‌دانند او کجاست و چه می‌کند! این در حالی است که امروزه فرزندان ما بیشتر از هر زمانی نیاز به مراقبت دارند، زیرا زمینه ناهنجاری‌ها افزایش یافته و تهاجم فرهنگی، جوانان ما را تهدید می‌کند. یکی از راه‌های مبارزه با این امر، نظارت بر رفتار فرزندان است. به دلیل همین اهمیت توجه به اصل نظارت، معصومان علیهم السلام سفارش بسیار کرده‌اند مراقب رفتار و گفتار فرزندان خویش باشید، زیرا دشمنان و جریان‌های انحرافی، عقاید آنان را نشانه گرفته‌اند.

چنانچه زمینه تربیت و نظارت بر فرزندان فراهم گردد، آنان زودتر خوبی‌ها را می‌پذیرند.

موعظه

موعظه، عملی است که بازدارندگی از بدی‌ها و گرایش به خوبی را در انسان ایجاد می‌کند، سختی را از دل انسان می‌شوید

وجود چنین جوانی، برای خانواده و اجتماع، مایه نگرانی و ناامنی است. او همواره در معرض انحراف و سقوط قرار دارد و ممکن است مرتکب جرایم بزرگ و جنایات غیر قابل جبرانی بشود.

رعایت عدالت

واکنش‌های متفاوت در برابر رفتارهای یکسان فرزندان، موجب کاهش علاقه به پدر و مادر و یا ایجاد کینه به خواهر یا برادری است که بیش از دیگری مورد توجه قرار گرفته است. والدین باید بکوشند، با فرزندان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بنا به علتی، یکی از فرزندان را بیشتر دوست دارند، نباید علاقه خود را آشکار سازند، زیرا فرزندان به این مسئله حساس‌اند و تحمل آن برایشان دشوار است. در برخی خانواده‌ها، والدین میان دختر و پسر تبعیض قائل می‌شوند. بدیهی است که این گونه برخورد، از نظر تربیتی آثار ویرانگری دارد و باید از آن پرهیز کرد. اهل بیت علیهم السلام ضمن رعایت این امر نسبت به فرزندان خود، به دیگران نیز سفارش می‌کنند که بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید؛ چنان که دوست دارید میان شما در نیکی و لطف، به عدالت و مساوات رفتار کنند.

نظارت

تربیت فرزندان، مانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد. باید به موقع، به نهال آب داد و شاخ و برگ زایدش را هرس کرد تا به درختی پرثمر تبدیل شود. در همین راستا، اهل بیت علیهم السلام بر رفتار و گفتار فرزندان خود نظارت می‌کردند؛ این نظارت در عرصه‌های مختلف توصیه شده است؛ برای مثال ائمه علیهم السلام بر نوع پوشش و انتخاب دوست فرزندان خود نظارت می‌کردند. سلمه می‌گوید: «نزد امام باقر (ع) بودم که فرزندشان امام صادق (ع) وارد شد. امام خطاب به او فرمود: فرزندم، آیا لباس را مرتب نمی‌کنی؟ امام صادق (ع) بیرون رفت و ما گمان کردیم لباسش کثیف است. سپس بازگشت. به امام عرض کردم: فدایت شوم، چه اشکالی داشت؟ فرمود: لباسش بلند بود...»

همچنین اهل بیت علیهم السلام مراقب بودند

دوست داشتن لازم است اما کافی نیست

مروری بر حقوق کودک در زمینه
تربیت دینی توسط والدین

کلثوم عالی‌زاده



مهم‌ترین وظیفه والدین، دوست داشتن فرزندان، صرف وقت و به کارگیری توان و انرژی برای حمایت از آن‌هاست. با این که دوست داشتن و عشق ورزیدن مهم‌ترین نیاز است، اما به هیچ وجه کافی نیست. بدون درک نیازها، والدین نمی‌توانند آنچه را که بچه‌های امروزی نیازمندند به آن‌ها بدهند. بعضی از والدین نمی‌خواهند فرزندانشان را تنبیه جسمانی کنند و یا سرشان فریاد بکشند، ولی راه دیگری را نیاموخته‌اند؛ در نتیجه تصور می‌کنند حال که گفتگو با فرزندشان فایده‌ای ندارد، تنبیه یا تداوم تنبیه تنها راه است.^۱ هم اکنون دنیای غرب نوعی از بحران پرورش

است. بعضی نیز تمام این مشکلات را ریشه در تغییرات منفی جامعه می‌دانند. برخی نیز تلویزیون و تماشای آن، آگهی‌های متعدد و خشونت‌های نمایش داده شده در فیلم‌ها و برنامه‌های جنسی رسانه‌ها را عامل این مشکلات می‌دانند. بی‌تردید جامعه و چگونگی تأثیرگذاری آن بر کودکان، بخشی از این مشکلات است، ولی بخش اعظم مشکلات از خانه آغاز می‌شود. مشکلات فرزندانمان از خانه آغاز می‌شود و می‌تواند داخل خانه هم حل شود. والدین باید دریابند که برای پرورش کودکان قوی، با اعتمادبه‌نفس، مهربان و سازگار، قدرت در دست آن‌هاست.

تربیت کودک یکی از موضوعاتی است که ذهن تمامی والدین را به خود مشغول داشته و حتی بیشتر پسران و دختران مسئولیت‌پذیر نیز زمانی که به سن ازدواج می‌رسند، قسمتی از فکرشان درگیر این مسئله می‌شود. امروزه با توجه به هجوم گسترده، و احاطه افکار و رفتار کودکان توسط رسانه‌های ارتباطی، این امر چندین برابر مشکل شده است. بعضی از والدین بر این باورند که این مشکلات از آن‌جا ناشی می‌شود که بچه‌ها را بیش از اندازه آزاد می‌گذارند و آن‌ها در انجام هر کاری مجازند، اما عده‌ای هم معتقدند تنبیه و داد کشیدن سر آن‌ها موجب بروز این مشکلات شده

وقتی به والدین انسان‌های بزرگ مراجعه می‌کنیم، علاوه بر این که پدرانشان اهل علم و ادب بوده‌اند و حلال و حرام الهی را رعایت می‌کردند، مادرانشان نیز اهل علم و شعور بوده و پیوسته در پی افزودن بار ایمان و معرفتشان بوده‌اند

کودک را تجربه می‌کند. گزارش‌های مربوط به پرورشگری، اعتماد به نفس اندک، آشفتگی و بیماری کمبود توجه، استفاده از مواد مخدره و خودکشی در نوجوانی، روز به روز در حال افزایش است. امروزه در کشورهای غربی تمام والدین روش‌های تربیتی را زیر سؤال برده‌اند و به کارآمد نبودن این شیوه‌ها اعتراف دارند.^۲ پس تربیت کودکان بر اساس روش‌های مؤثر دینی بهترین ابزار برای موفقیت در بازار آزاد رقابت روش‌های تربیتی است. بدین منظور بر خود لازم دانستم جهت آشنایی و شناخت راه‌های تربیت دینی، پیرامون این موضوع تحقیق کرده تا هم نیاز خود و هم نیاز والدینی که مشتاق تربیت دینی فرزندانشان را بر طرف کنم.

اهمیت ازدواج

امام باقر (ع) فرمود: «پیغمبر (ص) فرمود چرا مؤمن زن نگیرد که شاید خدا به او فرزندی دهد که زمین را به لاله‌الله سنگین سازد.»^۳ امام صادق (ع) نیز فرمودند: «هر که از ترس خرج و نفقه تزویج نکند، به خدا بدگمان گشته؛ چرا که خداوند می‌فرماید: اگر فقیر باشند، خداوند از عنایت خود، بی‌نیازشان گرداند.»^۴

توصیه اسلامی در انتخاب همسر

تشکیل خانواده تنها به خاطر ارضای غریزه جنسی نیست که به هر گونه و فرمی پیش آمد به آن تن دهیم، بلکه مسئله نسل و شرایط حیات او در جامعه مورد نظر است. بدین نظر در اسلام توصیه‌هایی راجع به انتخاب همسر شده است که شرح آن را مطرح می‌کنیم:

در انتخاب همسر کوشش بر این است که فرد از خانواده‌ای شریابخوار، معتاد، قاطع رحم و فاسق نباشد. از لحاظ جسمی نیز توصیه شده همسر رشید، قوی بنیه و دارای سن و اندام متناسب باشد. از نظر اخلاقی حدود زیادی مربوط به این امر است.^۵ همسر متدین و مؤمن به خداوند، حامی و تقویت کننده ایمان انسان است؛ به طوری که هرگاه در ایمان شوهر وضعی به وجود آید، به یاری‌اش می‌شتابد و در رفع این ضعف به او کمک می‌کند. نمونه چنین زنی همسر زهیر بن قین است که در موقعیت حساس و بحرانی با تحریک احساسات و غیرت دینی شوهرش، وجدان او را به سعادت ابدی

نایل ساخت. حضرت علی (ع) درباره رابطه‌اش با حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «هرگز او را ناراحت و عصبانی نکردم و او هم هرگز مرا ناراحت و عصبانی نکرد.»

همسر در جنبه روانی دارای کمبود نباشد که موجب گرفتاری و تباهی فرزند است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از ازدواج با احق بپرهیزید، زیرا همنشینی با احق مایه اندوه و بلا و فرزندش نیز بدبخت است.»^۶ زناشویی با کافر و مشرک نیز نهی شده و سفارش شده که همسر از نظر اعتقادی فردی بی‌بندوبار و دچار بی‌اعتقادی نباشد، زیرا این امر در نسل اثر منفی می‌گذارد.^۷

وقتی به والدین انسان‌های بزرگ مراجعه می‌کنیم، علاوه بر این که پدرانشان اهل علم و ادب بوده‌اند و حلال و حرام الهی را رعایت می‌کردند، مادرانشان نیز اهل علم و شعور بوده و پیوسته در پی افزودن بار ایمان و معرفتشان بوده‌اند. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «کسی که تنها به جهت زیبایی زن با او ازدواج کند، به خواسته خود نمی‌رسد و کسی که به خاطر ثروتش با او ازدواج کند، خداوند او را به خود وا می‌گذارد.»^۸

با توجه به اهمیت همسرگزینی و تأثیر بسیار حساس آن در شکل‌گیری شخصیت فرزند، در منابع روایی از قول پیشوایان معصوم (علیهم السلام) توصیه‌هایی بیان شده است؛ رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفَتِكُمْ فَانِكُحُوا الْاَكْفَاءَ وَانِكُحُوا الْيَتَامَ»؛ برای نطفه‌های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم‌شان خود زن بگیرید و به آن‌ها زن بدهید.^۹ در روایت دیگری، از حضرت رضا (ع) در پاسخ به نامه فردی که سؤال کرده بود آیا به مردی که بد اخلاق است و به خواستگاری دخترم آمده پاسخ مثبت دهم یا خیر فرمودند: «اگر بد اخلاق است دخترت را به ازدواج او در مياور.»^{۱۰}

اسلام یک قاعده کلی دارد و آن قاعده کلی را هم پیامبر اکرم (ص) بارها روی منبر فرموده است: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْوُحٍ خَلْقَةٍ وَ دِينَةٍ وَ أَمَانَةٍ يَخُطِبُ إِلَيْكُمْ فَرُوحُوهُ وَ الْآ تَكُنْ فِتْنَةً وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ»^{۱۱}؛ هنگامی که فردی که اخلاق، دین و امانت‌داری او را قبول دارید به خواستگاری نزد شما آمد، به او زن ندهید و اگر

چنین نکنید فتنه و فساد بزرگ خواهد بود. البته شایسته است که دختران و پسران باایمان علاوه بر دقت و آگاهی قبل از ازدواج، برای برخورداری از همسر شایسته دعا کنند و مخصوصاً توصیه شده در قنوت این دعا را تلاوت کنند: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قَرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^{۱۲} علت این که اسلام این همه در نحوه انتخاب همسر دقت دارد، مسئله تولد کودک است و غایت ازدواج، تداوم انسانی است. کمبودهایی که در ساختمان جنین در رحم مادر ایجاد می‌شود، در عیوب و ضایعات بدنی خلاصه نمی‌شود. بسیار دیده شده که امراض روانی و انحرافات معنوی بر جنین عارض می‌شود و ظاهراً هویدا نیست، ولی مادر سبب ایجاد شرایط و زمینه‌ساز آن است. به فرموده مولای متقیان: «الْأَيَّامُ تُوَضِّحُ سَرَائِرَ الْكَامِنَةِ»؛ گذشت زمان پنهانی‌ها را روشن می‌نماید.^{۱۳} متأسفانه در بسیاری موارد، ملاک انتخاب همسر رعایت زیبایی، صورت و اندام و... است و توجهی به روحیات، اخلاقیات، صفات پسندیده، تربیت، ایمان و صلاحیت‌های معنوی او نمی‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبَنِ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْخَرِّ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَ حَسَنِ الْمَآبِ؛ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره، اسب‌های ممتاز، چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ این‌ها سرمایه زندگی پست مادی است و سرانجام نیک نزد خداست.»^{۱۴}

آیه مورد بحث، به شش مورد از سرمایه‌های مهم زندگی اشاره می‌کند که عبارتند از: زن، فرزند، پول نقد، مرکب‌های ممتاز، چهارپایانی که در دامداری مورد استفاده هستند (انعام) و زراعت‌ها (حرث)، که اگر کان زندگی مادی انسان را تشکیل می‌دهند. در میان این نعمت‌های مادی، زنان را مقدم داشته، چرا که در مقایسه با دیگر نعمت‌ها نقش مهم‌تری در جلب افکار دنیابرستان و اقدام آن‌ها بر جنایات هولناک دارد.^{۱۵}

امام سجاده (ع) در مورد مسئولیت تربیت



علت این که اسلام

این همه در نحوه

انتخاب همسر

دقت دارد، مسئله

تولد کودک است

و غایت ازدواج،

تداوم انسانی است.

کمبودهایی که در

ساختمان جنین در

رحم مادر ایجاد

می‌شود، در عیوب

و ضایعات بدنی

خلاصه نمی‌شود.

بسیار دیده شده

که امراض روانی و

انحرافات معنوی

بر جنین عارض

می‌شود و ظاهراً

هویدا نیست، ولی

مادر سبب ایجاد

شرایط و زمینه‌ساز

آن است

فرزندان می‌فرمایند: «وَأَعْتَبِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرْهِمْ»^{۱۶} پروردگارا مرا در تربیت و ادب کردن فرزندانم یاری فرما. «امام سجاده (ع) معصوم است و به تمام رموز و روش‌های تربیتی کودک آگاهی دارد، ولی در عین حال با توجه به عظمت این مسئولیت از خداوند متعال کمک می‌طلبد.

وظایف والدین پس از تولد

رفتار دینی والدین: مغز کودک نسبت به تمام حوادث، اعمال و رفتار اطرافیان مانند یک دستگاه دقیق فیلمبرداری است و از آنان تقلید می‌کند. مهر یکسان به فرزندان، بوسیدن و ابراز محبت مساوی به دو کودک، شب‌زنده‌داری‌ها، دعاها و خیر والدین و... در تربیت دینی کودک مؤثر است که درباره این موارد، روایاتی نیز وارد شده است. خداوند به موسی (ع) فرمود: «محبت به اطفال از بهترین اعمال است. زیرا آفرینش آن‌ها بر خداپرستی و توحید است و اگر در کودکی بمیرند، داخل بهشت می‌شوند»^{۱۷}.

احترام به کودک: در اسلام طرق مختلفی برای احترام به کودک ذکر شده که شامل احترام به نام کودک، احترام به او به عنوان امانت الهی و کلاً احترام به معنای وظیفه بودن است. با احترام به کودک، احترام گذاشتن به دیگران را به او می‌آموزیم. احترام به کودک یعنی رعایت حقوق کودک و انجام وظایفی که در قبال او داریم.

تأمین نیازهای مادی: مرد انصاری تمام اموال خویش را در راه خدا صدقه داد و هیچ مالی برای فرزندانش باقی نگذاشت. خانواده‌او بعد از مرگش گدایی می‌کردند، لذا پیامبر (ص) فرمودند: «چنین انسانی را نباید در قبرستان مسلمانان دفن کرد».

آموزش تکالیف دینی: بچه را باید از کودکی به تکالیف دینی عادت داد تا در سن بلوغ نسبت به آن‌ها رغبت داشته باشد و قبل از بلوغ حدود و واجبات و محرمات را به او بیاموزیم. آموزش تکالیف از سن ۵ سالگی و با یاد دادن حمد و سوره آغاز می‌شود. در مورد روزه نیز با بیدار کردن کودک در سحر، تشویق او برای روزه گرفتن و ذکر فضایل و ثواب روزه، می‌توان او را به این عبادت عادت داد.

دعای خیر والدین برای اولاد: دعا کردن جهت سلامتی ایمان و بدن جهت مطیع بودن فرمان خدا در تربیت کودک مؤثر است.

تأثیر شیر مادر: شیر همان گونه که در قوه و بنیه بچه تأثیر دارد، از نظر معنوی هم تأثیر عجیبی در روحیه بچه دارد. پس لازم است مادر باتقوا باشد و قبل از شیر دادن نام خدا بر زبان آورد، سپس استغفار کرده و با وضو به بچه شیر دهد و تخیلات بد در سر نپرورداند.

در دوران شیردهی مادر باید نشاط خود را حفظ کند و با یاد امام حسین (ع) به کودک شیر دهد. در وقت شیر دادن به کودک خود نگاه کند و در مورد ایام ولادت و شهادت با کودک حرف بزند. ماجرای فرزند آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اثبات‌کننده این مهم است.^{۱۸}

ایجاد احساس امنیت در فرزند: مهم‌ترین مسئله برای کودک، مسئله امنیت است. امنیت اولین چیزی است که زمینه تربیت را ایجاد می‌کند. والدین، خصوصاً مادر، با در آغوش گرفتن نوزاد به او آرامش و احساس امنیت می‌دهند زیرا خداوند رابطه‌ای بین صدای قلب مادر و آرامش نوزاد قرار داده است. یکی از آفات زندگی ماشینی این است که مهد کودک‌ها بچه‌ها را از مادران جدا کرده و آنان را مضطرب و ناآرام می‌کند.^{۱۹}

لزوم محبت در خانه: دنیای امروز، خصوصاً ممالک متمدنه، جاهلیت دوم است؛ یعنی همان گونه که بی‌عاطفگی در زمان جاهلیت حکمفرما بود، امروزه نیز ایبرقدرت‌ها جان هزاران کودک و زن و جوان را بر اثر گرسنگی و سوء تغذیه می‌گیرند، زیرا محبت از بین رفته است. حال آن که محبت، لازمه تربیت کودک است و همه پیامبران نیز برای تربیت و خودسازی از طریق محبت فرستاده شدند. صفت تکبر به اندازهای بد است که شیطان نزد حضرت نوح (ع) آمد و گفت: «مواظب باش تکبر به سراغت نیاید که اگر تکبر آمد، دنیا و آخرت از بین می‌رود»^{۲۰}.

روش‌های مستقیم

تعیین الگو

اساس یادگیری کودک بر دیدن و شنیدن است و والدین موظفند چشم او را به نیکی‌ها

و زیبایی‌های اخلاقی بکشایند. الگوی راستین و از هر حیث شایسته، اثر فوق‌العاده‌ای در حالت نفسانی کودک دارد و سهل‌انگاری در تعیین الگو برای فرزند، انعکاس نادرستی پدید می‌آورد، زیرا طفل اعمال و رفتارش بر اساس تقلید است. از نظر قرآن انسان فطرتاً خداجوست و این فطرت و غریزه باید توسط والدین درست هدایت شود تا سبب انحراف نگردد.^{۲۱} در روایات نیز می‌خوانیم: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصْرَانِهِ»^{۲۲} هر بچه‌ای فطرتاً تش اسلام‌یابی و خدایابی است و اگر منحرف شود، پدر و مادرش او را منحرف کرده‌اند.»

نصیحت در پنهانی

نصیحت جهت اصلاح عیب در پنهانی و حفظ آبروی شخص تأثیر بیشتری در رفع آن عیب دارد، زیرا بر ملا کردن عیب کسی در جمع، سبب دشمنی او نسبت به نصیحت‌کننده شده و نصیحت‌کننده را دلسوز و خیرخواه نمی‌داند. امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ نَاهَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ غَلَاظَةً فَقَدْ شَانَهُ»^{۲۳} هر که برادر دینی خویش را در پنهانی پند دهد، مایه زینت او شده و کسی که او را در حضور دیگران اندرز دهد مایه خواری او شده.»

تنبيه

سه قسم است: الف) بدنی: خطرناک‌ترین وسیله تربیت است و نه تنها با تنبیه نمی‌توان کودک را تربیت کرد، بلکه ضرره‌ای غیر قابل جبرانی هم به او وارد می‌شود. تنبیه فقط در مواردی است که خودداری طفل در انجام دستورات والدین موجب لطمه به خود یا دیگران باشد. نکته مهم این است که تنبیه نباید در حضور دیگران باشد و به حدی برسد که بدن را سیاه، سبز یا سرخ کند.

ب) لفظی: این نوع تنبیه شخصیت کودک را می‌کوبد و موجب ترس و اضطراب او می‌شود. ج) اخلاقی: بهترین روش تنبیه است؛ مثل قهر کردن با بچه، نبردن به مجلس مهمانی، کم کردن پول توجیبی، محروم کردن او از تفریح و گردش و...

تشویق

تشویق مؤثرترین وسیله تربیت، و سبب رغبت کودک برای خوب شدن است. رعایت نکاتی در تشویق ضروری است: تشویق دائمی نباشد،



مهم‌ترین مسئله برای کودک، مسئله امنیت است. امنیت اولین چیزی است که زمینه تربیت را ایجاد می‌کند. والدین، خصوصاً مادر، با در آغوش گرفتن نوزاد به او آرامش و احساس امنیت می‌دهند زیرا خداوند رابطه‌ای بین صدای قلب مادر و آرامش نوزاد قرار داده است.

نصیحت جهت اصلاح عیب در پنهانی و حفظ آبروی شخص تأثیر بیشتری در رفع آن عیب دارد، زیرا بر ملا کردن عیب کسی در جمع، سبب دشمنی او نسبت به نصیحت کننده شده و نصیحت کننده را دلسوز و خیر خواه نمی داند

پاورقی ها:

۱. جان گری، تربیت فرزندان در کنار عالی ترین روابط ناشویی، مهر داد انتشاری، بزرگه جلوی دان، ۱۳۸۲، ص ۱۸-۱۷
۲. همان، ۲۸-۲۶
۳. حسن ابن فضل، طبرسی، مکارم اخلاق، ص ۱۹۶
۴. نور/ ۳۲
۵. علی، قائمی، نقش پدر در تربیت، ص ۷۶
۶. محسن، ملا احمدی، ازدواج و تربیت انسان قبل از تولد، ص ۶۶
۷. علی، قائمی، نقش پدر در تربیت، ص ۷۶
۸. همان، ص ۶۱
۹. کنز الاعمال، ج ۱۵، حدیث ۴۳۴۰۰
۱۰. سیما، مخبر، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، ص ۲۵
۱۱. علامه محمد باقر، مجلسی، ج ۱۰، ص ۳۷۲
۱۲. فرقان/ ۷۴
۱۳. محمد تقی، فلسفی، گفتار فلسفی، ج ۱، ص ۱۰۶
۱۴. آل عمران/ ۱۴
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۲
۱۶. صحیفه سجاده، سید احمد قمری، نشر سبحان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰
۱۷. حسین، مظاferی، تربیت فرزند از نظر اسلام، ص ۸۹
۱۸. حسین، مظاferی، ص ۷۹-۸۰
۱۹. احمد، علم الهدی، همسر داری، بچه داری، تعامل به جوانان، ص ۵۱-۴۹
۲۰. ابن جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۴۲۳
۲۱. علی، قائمی، ص ۲۸۰-۲۷۹
۲۲. شیخ عباس، قمی، سفینه البحار، ص ۳۷۳
۲۳. تحف العقول، قم، بصیرتی، ص ۳۶۸
۲۴. سید مهدی، موسوی کاشمیری، روش های تربیت، ص ۹۵-۹۳
۲۵. عبد الواحد الامدی، التیمی، غرر الحکم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱، ص ۷۴۵



مؤثرترین روش
غیر مستقیم تربیت،
عمل است که
نتیجه بخش تر
از دعوت زبانی
است؛ برای مثال
شخصی برای
توجه دادن فردی
که به همسرش به
دیده خدمتگزار
می نگرد، در حضور
او به همسر خود
احترام کرده و در
خانه به او کمک
کند

مانند خطاب قرار دادن پیامبر در قرآن.

عمل

مؤثرترین روش غیر مستقیم تربیت، عمل است که نتیجه بخش تر از دعوت زبانی است؛ برای مثال شخصی برای توجه دادن فردی که به همسرش به دیده خدمتگزار می نگرد، در حضور او به همسر خود احترام کرده و در خانه به او کمک کند.

اظهار اعتقاد خلاف

مربی وانمود کند صفت خوبی را که در مرتبی نیست، در او موجود است و در مورد خوبی های آن صفت نیک با او سخن بگوید؛ مثلاً مربی بگوید: من می دانم که تو دارای این صفت خوب هستی، ان شاء الله این گونه باشد...

ایجاد عادت

عادت دادن کودک به انجام کارهای خوب، یکی از روش های تربیتی است و زمان استفاده این روش نیز حدود ۴ سالگی کودک است. از جمله اصول الزامی در این روش عبارت است از: همراهی کودک در هنگام انجام کار، تداوم کار، نظارت بر انجام کار کودک، پرهیز از سختگیری - تا عمل مورد نفع کودک قرار نگیرد - و ارتباط دادن کودک با محیط های مذهبی برای کمک بیشتر.^{۲۴} امام علی (ع) فرمود: «چنان نباشد که به وسیله تو خانواده ات و خویشان بدبخت ترین و شقی ترین مردم باشند.»^{۲۵}

زیرا اثر خود را از دست می دهد، اخلاق نیک کودک را باید تحسین کرد نه خود او را، در تشویق، کودک را با بچه های دیگر مقایسه نکنیم، تشویق از حد تجاوز نکند. نوع تشویق به تناسب سن کودک متفاوت است؛ تشویق کودک ۴ ساله می تواند شکلات باشد، ولی تشویق کودک ۱۰ ساله ستودن جنبه های مثبت او بین دوستان و خویشان است.

روش های غیر مستقیم تربیتی

سخن غیر مستقیم، یا به خاطر دشمنی، یا لایق ندانستن برای گفتگوی مستقیم و یا برتر بودن از مخاطب است؛ مانند خطاب قرآن به کافران به صورت غیر مستقیم و به مؤمنان به صورت مستقیم.

ابهام

مربی صاحب صفت زشت را مبهم ذکر می کند و نامی از او نمی برد، مثلاً می گوید: «برخی از مردم دارای فلان صفت زشت اند و آنان چه بد مردمی اند...» سپس در قیاحت آن صفت زشت سخن می گوید و یادارندگان صفت متضاد با آن صفت زشت را تحسین می کند. مثلاً می گوید: «بعضی افراد چنین ویژگی دارند و خوشا به حال آن ها...» سیره پیامبر گرامی (ص) نیز چنین بوده است.

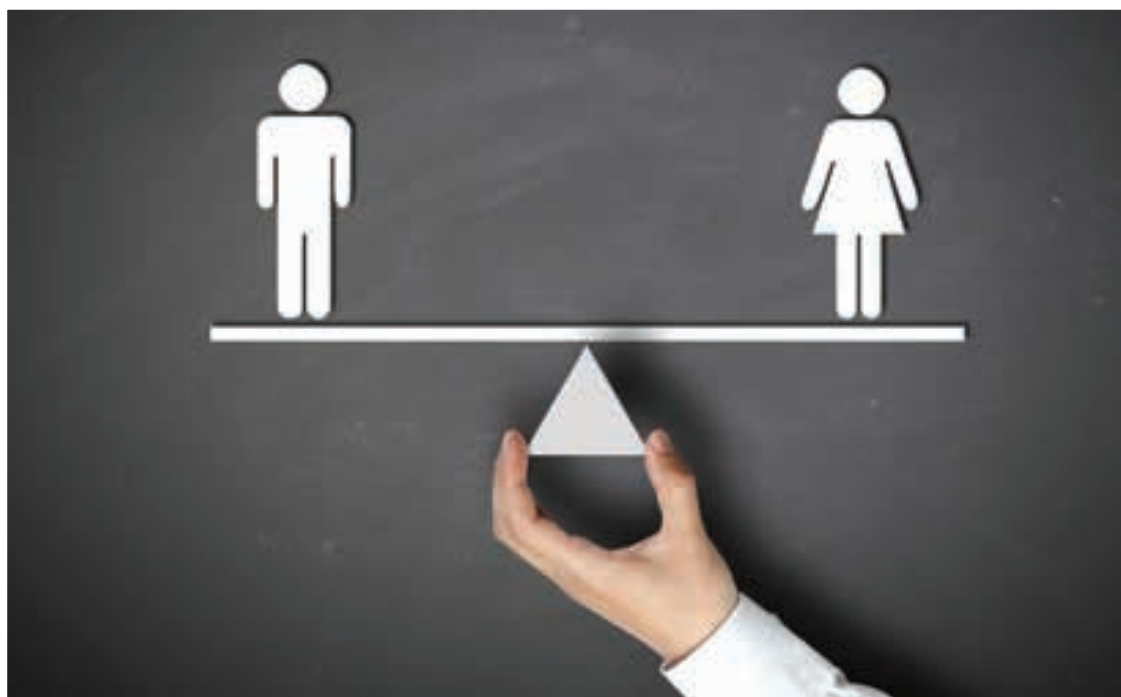
تطبیق (داستان)

کودک داستان را یک امر واقعی دانسته و خود را همگام با آن نقش می بیند. داستان گاهی به منظور ارائه الگو و گاهی برای انتقال یک پیام اخلاقی است تا به مرتبی بفهماند که باید در وضع خود تجدید نظر کند. قرآن نیز از این روش فراوان استفاده کرده است. از مسائل مهم در بیان داستان این است که باید به مقتضای سنی افراد باشد و نتیجه روشنی داشته باشد.

اولویت

گاهی مربی برای نشان دادن اهمیت یک موضوع به افراد مورد نظر خود، شخصی را که در نظر آنان منزلت والایی دارد را به فرض داشتن صفت زشتی، مورد سرزنش قرار می دهد تا به آنان بفهماند که آن صفت به قدری زشت است که حتی اگر فرضاً شخص بلندمرتبه نیز آن صفت را داشته باشد، به مجازات گرفتار می شود، چه رسد به سایر افراد.





هم‌ارزش اما متفاوت

نگاهی به نقش‌های اجتماعی
زن و مرد از دیدگاه اسلام

محمد عالم‌زاده توری



در آموزه‌های دین اسلام تفاوت آشکاری میان نقش اجتماعی زن و مرد مشاهده می‌شود، این تفاوت اِدا به معنای تفاوت ارزش انسانی آنان نیست، ارزش انسانی زن و مرد مساوی است، اما ساختار وجودی و به تبع، کارکردهای آنان در جامعه متفاوت است، برای تقریب به ذهن، یک ماشین سواری و یک ماشین باری را با ارزش مادی یکسان و قیمت مساوی در نظر بگیرید. کار ویژه و نقش این دو وسیله متفاوت است؛ یکی به درد جابه‌جایی مسافر و دیگری به درد انتقال بار می‌خورد. نظر به این کارکرد متفاوت، شکل ظاهری و ساختار درونی آن‌ها نیز متفاوت درست شده است. یکی ظریف و زیبا و دیگری سخت و سنگین است. به جهت همین ساختار مختلف، احکام مختلفی نیز برای عبور و مرور آنان وضع شده است، مثلاً برای ماشین باری جاده اختصاصی قرار داده شده و در ساعات مشخصی در مناطق مرکزی شهر نباید بپیاید، اما هر دو وسیله برای نیازهای جامعه لازم بوده و صنعتگران خبیر با در نظر گرفتن این نیازها، دو گونه مختلف ماشین را طراحی و تولید کرده‌اند، بدون این که هیچ‌یک بر دیگری برتری داشته باشد.

زن و مرد نیز همین‌گونه‌اند، دو ساختار متفاوت ظاهری و درونی برای آنان در نظر گرفته شده و هر یک برای ایفای نقش اجتماعی خاصی آمادگی یافته است و به جهت همین ساختار مختلف، احکام شرعی

نسل دختران امروز جامعه ما با نوعی دوگانگی هنجاری روبه‌روست، از یک طرف به صورت فطری به مسئولیت خانوادگی و تربیت نسل فردا تعلق دارد، از سوی دیگر به تحصیل دانشگاهی و کار کردن در بیرون خانه تشویق می‌شود

دوره پرزحمت اولیه را گذرانده و به استقلال نسبی دست یافتند، زحمت مادران کاهش می‌یابد و فرصت و فراغت برای آنان حاصل می‌شود که با فعالیت‌های مفید و متناسب اجتماعی قابل پر کردن است.

برترین مسئولیت‌های زن

انتقال فرهنگ و تربیت نسل آینده، از برترین مسئولیت‌های زن است. خداوند زن را در محیط خانه یک عنصر فرهنگی و تربیتی قرار داده و تربیت نسل فردا را بر دوش او نهاده است. محیط کوچک خانواده، کانون زندگی مشترک یک عنصر تربیتی-فرهنگی به نام زن و یک عنصر اقتصادی-اجتماعی به نام مرد است. در شبکه تقسیم کار و نظام توزیع نقش مطلوب دین، مرد موظف است با تلاش اقتصادی و اجتماعی خود، نفقه زن را تأمین کند و دغدغه معیشت را از ذهن او بزداید تا زن در ایفای نقش فرهنگی تربیتی خود موفق باشد. زن نیز با تلاش پی‌گیر خود به تولید ارزش‌های پایدار همت گمارد.

پروردگار بزرگ نیز به حکمت واسع خود امکانات لازم برای انجام این مسئولیت مهم را در اختیار زن قرار داده است؛ مهم‌ترین ابزار تأثیرگذاری شخصیتی، قدرت ارتباط است و انتقال فرهنگ تنها در بستر ارتباط امکان‌پذیر است. خدای حکیم زن را به کارآمدترین ابزارهای ارتباطی-که احساس و عواطف لطیف و قدرت جوشان سخن گفتن است-مجهز ساخته تا در ایفای نقش خود، احساس تکلف نکند.

تعارض هنجاری در میان دختران امروز

نسل دختران امروز جامعه ما با نوعی دوگانگی هنجاری روبه‌روست، از یک طرف به صورت فطری به مسئولیت خانوادگی و تربیت نسل فردا تعلق دارد، از سوی دیگر به تحصیل دانشگاهی و کار کردن در بیرون خانه تشویق می‌شود. سیاست تشویق دختران به تحصیلات عالی چنان کارگرافتاده که آمار دانشجویان دختر به دو برابر پسران یا بیش از آن ارتقا یافته است و در همه رشته‌ها و تخصص‌های مرتبط و غیرمرتبط حضور فعال دختران ملاحظه می‌شود.

این رویه باعث شده که در مرحله اول سن ازدواج بالا رفته است، زیرا دختران برای ادامه تحصیلات نیازمند فرصت و فراغت هستند که با قبول مسئولیت خانواده سازگار نیست، دوماً شانس ازدواج دختران تحصیل کرده پایین آمده است، زیرا اگر قرار باشد با همتای علمی خود ازدواج کنند، تنها نیمی از آنان امکان ازدواج دارند. از طرفی علاقه شدید به شاغل شدن و شخصیت پیدا کردن! در محیط کاری خارج از خانه، آنان را به دنبال کاری آسان و مناسب کشیده به صورتی که غالباً بدون توجه به رشته تخصصی و توانمندی ویژه خود-گاهی صرفاً برای کسب درآمد یا اعتبار اجتماعی-به قبول کارهایی با درآمد کم و جایگاه نامناسب رضایت می‌دهند.

سوماً فرصت‌های شغلی توسط همین نسل از دختران تحصیل کرده به سرعت اشغال شده و احتمال پیدا کردن کار مناسب برای پسران

متفاوتی برای آنان قرار داده شده است. اما این ساختار و کارکرد و احکام متفاوت هرگز به این معنا نیست که ارزش انسانی یکی بیش از دیگری است، هر دو برای جامعه مورد نیاز بوده و خدای حکیم هر دو را به دست قدرت خود طراحی و خلق فرموده بدون این که هیچ‌یک حق فخرفرشی بر دیگری داشته باشد.

کارکردن زن خارج از خانه

کارکردن زن خارج از خانه باید از جوانب مختلف بررسی شود و این مختصر، مجال پرداخت همه آن نیست، اما با توجه به آموزه‌های دینی چند گزاره را به نحو قطعی می‌توان در این باره بیان کرد:

اول این که کارکردن خارج از خانه اولویت اول زن نیست، بلکه مسئولیت‌های خانوادگی؛ یعنی همسر داری، فرزند داری و خانه داری بر کار بیرون از خانه ترجیح دارد.

توجه به فرمان پیامبر اکرم (ص) و پسند حضرت زهرا (س) که از آن در حدیث زیر به «نهایت سرور و خوشحالی» یاد شده است، فرهنگ

مورد نظر و الگوی مطلوب دینی را آشکار می‌سازد: «تَقَاضَى عَلَيَّ وَفَاطِمَةُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَيَّ فَاطِمَةُ بِخِدْمَتِهِ مَا دُونَ النَّبِإِ وَقَضَى عَلَيَّ عَلِيٌّ بِمَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلُنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ»^۱ «امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س) از پیامبر اکرم (ص) درباره کارها رهنمود خواستند، پیامبر اکرم (ص) کارهای داخل منزل را بر عهده فاطمه (س) و کارهای بیرون در را بر عهده علی (ع) نهادند، فاطمه زهرا (س) فرمود: هیچ‌کس نمی‌داند از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم، زیرا رسول خدا (ص) مرا از تحمل مسئولیت‌های مردانه معاف داشت.»

دوم این که نوع فعالیت اجتماعی زن با ساختار روحی و روانی او باید تناسب داشته باشد. اشتغال به کارهای سنگین مردانه برای زن موجب فرسایش روانی و مانع انجام بهینه وظایف مادری و همسری است. در مقابل، فعالیت‌ها و مشاغل مانند معلمی و پرستاری که در آن مقوله مراقبت و رسیدگی ملحوظ است، علاوه بر این که نوعی نقش آفرینی اجتماعی است، کاملاً با ساختار فطری زن هماهنگ و ارضاکنده روح لطیف زنانه اوست.

سوم این که با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات روز، گویا نمی‌توان همه سرمایه زن را به محیط خانه متعلق دانست و زن را به حضور در خانه منحصر کرد، زیرا وفور امکانات رفاهی جدید باعث شده که زحمت بسیاری از کارها کم شده و فراغت زیادی برای زن پدید آمده است، اگر از این فراغت زن بهره بهینه گرفته نشود، چه بسا با امور ناسالم پر شود، لذا می‌توان توصیه کرد که زن پس از آن که به کار همسر داری، فرزند داری و خانه داری به عنوان اولویت‌های اول پرداخت، باقی مانده فراغت خود را به فعالیت‌های اجتماعی مفید اختصاص دهد. طبیعی است که در اواخر دوره حمل و نیز آغاز دوره کودکی فرزندان، برنامه کاری مادر در محیط خانه بسیار مترکم است و فرصت فارغی برای کارهای دیگر باقی نمی‌ماند، اما وقتی کودکان



فعالیت‌ها و

مشاغل مانند

معلمی و پرستاری

که در آن مقوله

مراقبت و رسیدگی

ملحوظ است،

علاوه بر این که

نوعی نقش آفرینی

اجتماعی است،

کاملاً با ساختار

فطری زن

هماهنگ و

ارضاکنده روح

لطیف زنانه اوست



اگر نگاه تجزیه‌نگر
و انتزاعی را کنار
بگذاریم و روابط
شبکه‌ای موضوعات را
در برنامه‌های فردی و
سیاست‌گذاری‌های
اجتماعی لحاظ کنیم،
حتماً باید در بررسی
مسائل زنان از جمله
اشتغال آنان، تأثیرات
آن بر خانواده، بر
اقتصاد جامعه، بر
هویت جنسی زن، بر
ارتباط با خدا و بر همه
حوزه‌های حیات او را
در نظر بگیریم

به شدت پایین آمده است، زیرا معمولاً دختران قانون‌پذیرتر هستند و کار را بهتر، دقیق‌تر و ظریف‌تر از پسران انجام می‌دهند و به جهت آن که مسئولیت مستقیم تأمین نفقه بر دوششان نیست، کم توقع‌ترند و به درآمد کمتری قناعت می‌کنند، از جانب کارفرما نیز قابل کنترل‌تر و در مقابل او تحت فرمان‌ترند، جذابیت‌های زنانه هم دارند، به این جهات هر کارفرمایی آنان را بر پسران ترجیح می‌دهد. به این ترتیب نایاب شدن فرصت شغلی برای پسران، معضل ازدواج را پیچیده‌تر کرده است.

چهارم به جهت سن بالا، شرایط هر دو طرف پسر و دختر برای ازدواج به شدت سخت و سنگین شده و دقت، وسواس و احتیاط بالا رفته است. با بالا رفتن سن، افزایش توقع، محدودیت‌های اجتماعی و پاداشدن صفات شخصیتی در طرفین، اگر ازدواجی هم صورت گیرد و خانواده‌ای تشکیل شود، استحکام آن زیاد نیست.

گویا تنها راه حل این معضلات چندلایه، بازگشت به استانداردهای دینی در ازدواج زود هنگام، اولویت دادن زنان به مسئولیت‌های خانوادگی، مقدس شمردن وظایف فرهنگی و تربیتی درون خانه و جهت‌دهی تحصیلات عالی در خدمت انجام مسئولیت‌های زنانه باشد. به جای رشته‌ها و تخصص‌های نامرتبط، باید دانش و مهارت زنان را در انجام وظایف اصلی خود بالا برد و هرگز به تبعیت از الگوهای غربی با ساختار فطری آنان مقابله نکرد.

تبیین بسیار زیبایی از این موضوع در کلام فاضل ارجمند و برادر گرامی حجت‌الاسلام زیبایی‌نژاد ذکر شده که خلاصه آن را در ادامه بحث می‌آورم: «امروزه برای ارزیابی وضعیت موجود زنان و اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی، به شاخصه‌های مبتنی بر نظریه‌های مدرن تربیت و علم که تمایزات جنسی را به کل نفی

می‌کنند استناد می‌شود؛ شاخصه‌ها و کمیت‌هایی مانند میزان تمایل به شرکت در کنکور سراسری، شمار زنانی که تحصیلات عالی دارند، میزان حضور زنان در مناصب سیاسی، فراوانی زنان شاغل و جویای کار و غیره، در حالی که اگر نگاه تجزیه‌نگر و انتزاعی را کنار بگذاریم و روابط شبکه‌ای موضوعات را در برنامه‌های فردی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی لحاظ کنیم، حتماً باید در بررسی مسائل زنان از جمله اشتغال آنان، تأثیرات آن بر خانواده، بر اقتصاد جامعه، بر هویت جنسی زن، بر ارتباط با خدا و بر همه حوزه‌های حیات او را در نظر بگیریم. هرگز نباید عرصه‌های گوناگون زندگی را به صورت بسته‌های مستقل تحلیل کرد؛ عرصه حیات اجتماعی زن جدا از عرصه حیات خانوادگی و شخصی او نیست، بلکه این اجزا مکمل یکدیگرند. اشتغال و تحصیلات عالی برای زنان، تنها در صورتی پیشرفت است که معرفت به خدا، میزان تعهد اجتماعی، میزان اخلاق حسنه، میزان ارتباطات خانوادگی و غیره را در وجود او رشد دهد.»

متأسفانه الگوگیری از فرهنگ غرب منجر به جابه‌جایی ارزش‌های جنسیتی و تقویت تمایلات مردانه در زنان شد و ارزش خانواده را برای آنان در اولویت دوم قرار داد. به این ترتیب سن ازدواج بالا رفت و تعداد فرزندان کم شد، اشتغال و تحصیلات برای زن اولویت اول شد و غیره تا پس از همه این‌ها، تعدادی از زنان بتوانند در شرایط مشابهی در کنار مردان قرار گرفته و با مردان رقابت کنند و مدیریت سطوح بالا را بر عهده گیرند.

در آموزه‌های دینی «نسبت زن با خانواده» در مقایسه با «نسبت مرد با خانواده» متفاوت تعریف شده است. اولویت نخست زن باید ایجاد آرامش روانی در خانواده باشد و حضور زن در عرصه اجتماعی در رتبه آخر قرار دارد. مراتب و اولویت‌های ارزشی برای زن این گونه است: اول همسری، دوم مادری، سوم خانه‌داری و چهارم فعالیت اجتماعی، اما در ارزش‌گذاری برای مرد، نخست فعالیت اجتماعی و بعد خانواده لحاظ می‌شود. علامه طباطبایی در کتاب «المیزان» از مجموع ادله استنباط کرده‌اند که زن غیر از کسب معارف الهیه و ارتباطات خانوادگی وظیفه واجب اجتماعی ندارد؛ یعنی اگر جامعه بدون مهندس و پزشک بماند و نیازهای تأمین‌ناشده‌ای داشته باشد، گنااهش گردن مردان است و تکلیفی بر عهده زنان نیست.

جایگاه اصلی زن را باید در عرصه فرهنگ (به معنای مجموع ارزش‌ها، عقاید، سنت‌ها، نمادها، هنجارها) دید. مهم‌ترین هنر زن - چه در عرصه حیات خانوادگی چه در عرصه حیات اجتماعی - این است که ارزش‌های پایدار تولید کند و آداب حسنه را به نسل بعد منتقل کند یا آداب رذیله را اصلاح کند. حضور زن در عرصه‌های فرهنگی، لازمه تمدن‌سازی اسلامی، کمال اجتماعی و رشد دینی است که در ادبیات توسعه نیز به آن توجه می‌شود. ♦

پی‌نوشت:

۱. قرب‌الاسناد، ص ۵۲





جشن انقلاب در هلال احمر

انجام بخشی در داخل و

اعتماد سازی در بیرون

#۱۲۴امدادگر در فضای مجازی

تصویر یک امدادگر شهید



افتتاح ۲۲ پروژه عمرانی جمعیت هلال احمر
همزمان با دهه فجر انقلاب اسلامی

جشن انقلاب در هلال احمر

طرح‌هایی هستند که امدادگران زحمتکش هلال احمر را در ارائه خدمات بهتر به مردم و کشور یاری می‌کنند. در ادامه به برخی از این طرح‌های پردازیم.

انبار امدادی بندر خمیر

با حضور رئیس جمعیت هلال احمر، رئیس سازمان امداد نجات، اصحاب رسانه و جمعی از مدیران استان هرمزگان، انبار امدادی جمعیت هلال احمر بندر خمیر با مساحت ۹۰۰ متر افتتاح شد. در آیین افتتاح این انبار امدادی، دکتر علی اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر، با تأکید بر اهمیت ساخت انبارهای امدادی در کشور گفت: با توجه به گستردگی استان‌های کشور و همچنین حادثه‌خیز بودن کشور، موضوع ساخت انبارهای امدادی و دیپوی اقلام امدادی از برنامه‌های اصلی جمعیت هلال احمر است. پیوندی با بیان این که وظیفه هلال احمر خدمت به مردم در زمان حادثه و رفع آلام و دردهای آنان در زمان وقوع حوادث است، افزود: ما می‌بینیم کشورهای پیشرفته دنیا امروز بیشترین هزینه و توجه خود را در بخش آموزش همگانی در برابر بحران دنبال می‌کنند. آموزش در حوزه امداد، هم مفیدتر و هم کم‌هزینه‌تر از پاسخ‌گویی است. موضوع آموزش و نقش هر سازمان در بحران باید توسط تمام دستگاه‌های کشور دنبال شود.

در استان فارس، پایگاه امداد جاده‌ای پل بهادرآباد شهرستان کهنوج و پایگاه امداد جاده‌ای گل‌گهر شهرستان سیرجان در استان کرمان، ساختمان اداری و انبارهای امدادی سنندج در استان کردستان، ساختمان اداری و امدادی میناب و انبار امدادی خمیر در استان هرمزگان و پایگاه امداد جاده‌ای گردنه شهرستان اسداباد و ساختمان اداری و درمانی شهرستان رزن از دیگر پروژه‌هایی است که همزمان با دهه فجر در استان‌های مختلف کشور راهاندازی و افتتاح شد.

همچنین آشیانه بالگرد و ساختمان امدادی بجنورد در استان خراسان شمالی و سوله انبار امدادی شهرستان اراک در استان مرکزی نیز همزمان با سی‌ونهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به بهره‌برداری رسید که همگی از

همزمان با سی‌ونهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، پروژه‌های عمرانی قابل افتتاح هلال احمر در سراسر کشور به بهره‌برداری می‌رسد. بر این اساس مرکز اداری - امدادی شهرستان نجف‌آباد و ساختمان EOC اصفهان در استان اصفهان، پایگاه امداد جاده‌ای جاشک در استان بوشهر، پایگاه امداد جاده‌ای مسجد شکر شهرستان طبس در استان خراسان جنوبی و سوله ورزشی و ساختمان امور جوانان شهرستان گناباد در دهه فجر افتتاح شد.

به علاوه ساختمان اداری و ساختمان چندمنظوره فرهنگی - ورزشی آغاچاری در استان خوزستان، پایگاه چهار برکه لارستان، مرکز اداری و امدادی شعبه شهرستان لامرد و سوله انبار امدادی شهرستان قیر و کارزین

د کتر پیوندی، جمعیت هلال احمر ایران با توانمندی‌های بسیار خود در دنیا نیز شناخته شده است و به عنوان عضو هیئت حاکمه فدراسیون بین‌المللی جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ شناخته شده است



پشتیبانی عملیات (آشیانه بالگرد، پد و باند)، ساختمان اداری، افتتاح انبار هزار متر مربعی پایگاه پشتیبانی عملیات استان، بازدید از بازگشایی معابر، آسفالت و جدول بندی پایگاه پشتیبانی عملیات و افتتاح ساختمان پایگاه امدادونجات بین شهری سنخواست از دیگر برنامه‌های رئیس جمعیت در استان خراسان شمالی است.

مجموعه امداد هوایی شامل آشیانه، پد و باند بالگرد و پایگاه پشتیبانی عملیات، یکی از طرح‌های مهم امدادونجات است که با حضور رئیس جمعیت هلال احمر به بهره‌برداری رسید.



بنا بر این گزارش، برای بهره‌برداری از این طرح امداد هوایی که عملیات ساخت آن از سال ۸۹ آغاز شد، بیش از دو میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان از اعتبارات جمعیت هلال احمر، سفر رهبری و تملک استانی هزینه شد. همچنین انبار امدادی هزار متر مربعی و بازگشایی معابر و آسفالت پایگاه پشتیبانی

پیوندی با بیان این که جمعیت هلال احمر داری ۵۳۱ پایگاه امدادونجات در سراسر کشور است افزود: این میزان پایگاه با توجه به مخاطرات کشور کافی نیست و می‌بایست تعداد پایگاه‌ها در سراسر کشور افزایش پیدا کند.

همچنین ۲ پایگاه امدادونجات بین شهری (جاده‌ای) گل گهر سیرجان یادمان «شهید علی شیرآبیار» و پایگاه پل بهادرآباد یادمان «شهید جواد خانه‌گیر» با حضور رئیس جمعیت هلال احمر در استان کرمان به بهره‌برداری رسید. این پایگاه در محور سیرجان - شیراز قرار دارد که زمین آن توسط مجتمع معدنی گل گهر به جمعیت هلال احمر اهدا شده است. پروژه احداث این پایگاه در زمینی به مساحت ۵ هزار مترمربع و زیربنای ۲۵۰ متر مربع از سال ۹۳ آغاز شد و امروز به بهره‌برداری رسید.

پایگاه امدادونجات بین شهری (جاده‌ای) پل بهادر آباد یادمان «شهید جواد خانه‌گیر» واقع در دوراهی شهرستان‌های کهنوج و رودبار جنوب قرار دارد که زمین آن به جمعیت هلال احمر اهدا شده است. پروژه احداث این پایگاه در زمینی به مساحت ۲ هزار و ۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۲۵۰ متر مربع از سال ۹۳ آغاز شد و امروز به بهره‌برداری رسید.

پایگاه امدادونجات هوایی استان خراسان شمالی افتتاح شد

ساختمان امدادی - اداری - آموزشی هلال احمر شهرستان بجنورد و پایگاه امدادونجات هوایی استان خراسان شمالی با حضور رئیس جمعیت هلال احمر در این استان به بهره‌برداری رسید. دکتر پیوندی به منظور بازدید از توانمندی‌های جمعیت هلال احمر خراسان شمالی و افتتاح و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی هلال احمر به این استان سفر کرد.

ساختمان اداری، امدادی و آموزشی جمعیت هلال احمر شهرستان بجنورد، امروز با حضور رئیس جمعیت هلال احمر به بهره‌برداری رسید. دکتر پیوندی همچنین از درمانگاه تخصصی و فوق تخصصی امام رضا(ع) بازدید کرد. بهره‌برداری از پروژه عمرانی پایگاه

رئیس جمعیت هلال احمر در پایان سخنان خود در این مراسم، از پیگیری برای ساخت ساختمان اداری جمعیت هلال بندر خمیر، یک پایگاه امدادونجات ساحلی و همچنین یک ساختمان آموزشی در این شهرستان خبر داد.

افتتاح «مرکز جراحی محدود مادر» هلال احمر در آبادان

افتتاح ساختمان‌های اداری و سالن چند منظوره جمعیت هلال احمر شهرستان آغاجاری و مرکز جراحی محدود مادر جمعیت هلال احمر آبادان با حضور دبیر کل جمعیت هلال احمر استان خوزستان انجام شد. بازدید از زمین ۲۷ هکتاری و آزمایشگاه کنترل کیفی تجهیزات پزشکی و بیمارستانی جمعیت هلال احمر اهواز، دیدار با نجاتگران پایگاه امدادونجات رامشیر، دیدار با خانواده شهید محمد هادی‌نژاد، شهید مدافع حرم و از امدادگران باسابقه هلال احمر اهواز، دیدار با نجاتگران پایگاه امدادونجات امام صادق(ع) سر بندر، بازدید از استخر و زمین ۴۰ هکتاری جمعیت هلال احمر خرمشهر، از دیگر برنامه‌های سفر محمدی‌نسب به اهواز همزمان با دهه فجر بود که به انجام رسید.

از افتتاح مرکز جراحی و دندانپزشکی هلال کرمان تا راه‌اندازی ساختمان جدید EOC

مرکز جراحی و دندانپزشکی تحت بیهوشی هلال کرمان با حضور دکتر علی‌اصغر پیوندی افتتاح و همچنین مرکز جدید کنترل مدیریت بحران EOC استان راه‌اندازی شد. دکتر علی‌اصغر پیوندی در مراسم افتتاح مرکز EOC استان کرمان به سبب وقوع حوادث تلخ در استان کرمان اشاره کرد. وی گفت: واقعیت این است که کشور ما یکی از حادثه‌خیزترین کشورهای دنیاست.

پیوندی با بیان این که جمعیت هلال احمر ایران با ۹۳ سال سابقه خدمت مورد اطمینان مردم کشور است گفت: جمعیت هلال احمر ایران با توانمندی‌های بسیار خود در دنیا نیز شناخته شده است و به عنوان عضو هیئت حاکمه فدراسیون بین‌المللی جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ شناخته شده است.



رئیس جمعیت
هلال احمر: هلال
احمر یک ارگان
امدادی و مردم نهاد
است که از منابع
مالی مختلفی
بهره مند است.
دولت بخشی از
منابع هلال احمر
را تأمین و هلال
احمر نیز به عنوان
معین دولت
در بخش های
مختلف مشغول
به خدمت رسانی
است

عملیات این استان نیز با حضور رئیس جمعیت هلال احمر افتتاح شد.

افتتاح پایگاه امداد هوایی جمعیت هلال احمر استان کردستان

پایگاه امداد هوایی جمعیت هلال احمر استان کردستان با حضور دبیر کل جمعیت هلال احمر پایگاه امداد هوایی جمعیت هلال احمر استان کردستان افتتاح شد. این پایگاه در زمینی به مساحت ۳ هزار متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۷ میلیارد تومان احداث شده است. پروژه بعدی نیز مربوط به مجتمع لجستیک با آمادگی جمعیت هلال احمر در زمینی به مساحت ۱۲ هزار و ۵۰۰ متر بوده که یک مجتمع امدادی و انباری برای انبار کردن مایحتاج و ضروریات جمعیت هلال احمر بوده و دارای چهار سوله و یک ساختمان اداری با فضای بزرگ با اعتباری بالغ بر ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است.

بنا بر این گزارش، افتتاح کلینیک درمانی یکی دیگر از پروژه های خدماتی و امدادی جمعیت

هلال احمر کردستان است که شامل واحدهای گفتار درمانی، شنوایی سنجی، کادر درمانی، فیزیوتراپی و واکسیناسیون حجاج است.

همچنین کلینیک کاردرمانی و شنوایی سنجی هلال احمر استان کردستان با حضور دبیر کل جمعیت هلال احمر افتتاح شد. این مرکز با مشارکت جمعیت هلال احمر استان کردستان و مجمع خیرین سلامت افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت. دبیر کل جمعیت هلال احمر پس از افتتاح کلینیک کاردرمانی و شنوایی سنجی جمعیت هلال احمر استان کردستان از بخش های مختلف این کلینیک شامل فیزیوتراپی، گفتار درمانی، کادر درمانی، توانبخشی و شنوایی سنجی بازدید کرد.

افتتاح مجتمع امدادی، فرهنگی و ورزشی گناباد

مراسم افتتاحیه مجتمع امدادی فرهنگی امدادی ورزشی جمعیت هلال احمر گناباد برگزار شد. در این مراسم دکتر علی اصغر

پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر، مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد نجات، حمید بنایی، نماینده مردم شهرستان گناباد و بجستان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی حضور داشتند.

دکتر پیوندی ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع مردم گناباد عنوان کرد: هلال احمر یک ارگان امدادی و مردم نهاد است که از منابع مالی مختلفی بهره مند است. دولت بخشی از منابع هلال احمر را تأمین و هلال احمر نیز به عنوان معین دولت در بخش های مختلف مشغول به خدمت رسانی است.

افتتاح ساختمان اداری جمعیت هلال احمر میناب

رئیس جمعیت هلال احمر در ادامه سفرهای خود به استان های شرقی و جنوبی کشور وارد استان هرمزگان شد و با حضور در شهرستان میناب، ساختمان جدید اداری جمعیت هلال احمر میناب را افتتاح کرد و درباره جایگاه و اهمیت هلال احمر به سخنرانی پرداخت. ❖



هلال احمری‌ها در راهپیمایی ۲۲ بهمن



در صحنه حوادث و چه غیر حوادث، در کنار مردم حضور دارد، تأکید کرد: برپایی پایگاه‌های سلامت در سراسر کشور در مراسم ۲۲ بهمن با هدف خدمت بیشتر به مردم و تعامل با مردم عزیز کشور صورت گرفته است. کارکنان، امدادگران و داوطلبان جمعیت هلال احمر در سراسر کشور در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن حضور پررنگ و پرشوری داشتند و علاوه بر این حضور، جمعیت هلال احمر با برپایی چادرها و ایستگاه‌های سلامت، خدماتی از جمله تست قند و فشار خون رایگان در مسیرهای راهپیمایی به مردم ارائه دادند.

خدمات هلال احمر در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن در سراسر کشور
مرتضی سلیمی با اشاره به آخرین آمار ارائه خدمات هلال احمر در راهپیمایی عظیم یوم الله ۲۲ بهمن در سراسر کشور گفت: در مجموع ۳۰ هزار و ۱۲ نفر به پایگاه‌ها و پست‌های امدادی جمعیت مراجعه کرده‌اند.

او با بیان این که از این تعداد، ۲۵ هزار و ۳۸۹ تن، از خدمات پزشکی هلال احمر شامل تست قند و فشار خون بهره‌مند شدند، افزود: همچنین ۴ هزار و ۵۹۶ نفر خدمات سرپایی دریافت کردند و ۲۷ نفر نیز به مراکز درمانی منتقل شدند.

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر اظهار کرد: ۸۲۶ پایگاه و پست امدادی هلال احمر با به کارگیری ۹ هزار و ۸۴ نفر نیروی عملیاتی در قالب یک هزار و ۲۱۱ تیم، ۸۵۳ دستگاه خودروی عملیاتی، ۴۶۷ دستگاه آمبولانس و ۳۵۷ دستگاه خودروی کمک‌دار سبک، پوشش امدادی مراسم راهپیمایی پر شکوه ۲۲ بهمن را بر عهده داشتند. ❖

مسئولان ارشد جمعیت هلال احمر، در سی و نهمین سالروز پیروزی پرشکوه انقلاب اسلامی در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن، حضور پررنگ و شوری داشتند و همچنین بیش از ۳۰ هزار نفر به پست‌ها و پایگاه‌های امدادی جمعیت در سراسر کشور در این روز مراجعه کرده‌اند. حجت‌الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با همراهی دکتر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر، ضمن حضور در جمع پرشور راهپیمایان یوم الله ۲۲ بهمن تهران از پایگاه‌های ثابت و سیار امدادونجات که با همکاری هلال احمر استان تهران در محل راهپیمایی برپا شده بود بازدید و از تلاش امدادگران و نجاتگران قدردانی کرد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با اشاره به حضور میلیونی ملت شریف ایران در مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، این حضور حماسی را متأثر از بصیرت و آگاهی مردم دانست و افزود: اعتقاد و باور قلبی آحاد جامعه به استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند این گونه اتحاد و همبستگی ایجاد کرده و چنین روز با عظمتی را در تقویم تاریخ پر افتخار ایران اسلامی ثبت کند.

همچنین دکتر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر در این مراسم اظهار کرد: ما در کنار مردم عزیز کشورمان در مراسم سی و نهمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی برای اظهار وفاداری به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و تجدید بیعت با مقام معظم رهبری و اندیشه‌های امام راحل حضور یافته‌ایم که صمیمانه از حضور مردم و مسئولان در این مراسم قدردانی می‌کنم.

او با بیان این که جمعیت هلال احمر هم با توجه به وظیفه ذاتی خود، چه

مروری بر سه سال تلاش نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر انسجام بخشی در داخل و اعتماد سازی در بیرون



● جایگاه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر چیست؟
یعنی اصولاً چرا باید نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر
حضور داشته باشد؟

در سال ۱۳۶۱ آقای فیروزآبادی که مسئول هلال احمر بودند، با مسائل شرعی مواجه می‌شوند از قبیل موقوفات، هدایا و تبرعات. درباره محل مصرف این اموال و نیز احکام خاص آن‌ها ابهاماتی داشتند. به حضرت امام نامه‌ای می‌نویسند که ما اینجا مسائل شرعی و موضوعاتی داریم و می‌خواهیم با دفتر شما ارتباط داشته باشیم. شما نماینده‌ای معرفی کنید که در این امور به ایشان مراجعه شود. حضرت امام هم آقای غیوری را به عنوان نماینده خودشان معرفی می‌کنند.

سه سال قبل، مقام معظم رهبری طی حکمی نماینده خود را در جمعیت هلال احمر منصوب کردند. در حکم نماینده جدید آمده بود: "با توجه به اهمیت و ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی این جمعیت و با آگاهی از توانمندی‌ها و تعهد جنابعالی، انتظار می‌رود که با هدایت و نظارت بر امور، به تقویت و گسترش این تعالیم گرانبها و زندگی بخش در مجموعه اعضای وابسته به این جمعیت، به‌ویژه جوانان، و پیشی جستن و همیاری کردن در کار نیک خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان از حوادث طبیعی و سایر وظایف جمعیت همت گمارد." اکنون در آستانه چهارمین سال صدور حکم حجت‌الاسلام و المسلمین معزی درباره اقدامات و فعالیت‌های حوزه نمایندگی در این سه سال گفتگو کرده‌ایم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی: امداد و نجات از خود گذشتگی می‌خواهد، ایثارگری می‌خواهد، فداکاری می‌خواهد و رضایت خدا را در نظر داشتن می‌خواهد، واقعاً لله و بالله برای خدا حرکت کردن و کار کردن است. این باید روز به روز به تقویت شود. معرفت دینی کارکنان افزوده شود. آن دستگاهی که می‌تواند در این زمینه کار کند، حوزه نمایندگی ولی فقیه است

● پس نیاز از داخل جمعیت اعلام شد. البته بعدها این حضور ثمرات دیگری هم داشت.

بله آقای غیوری تا آخر عمرشان این مسئولیت را به عهده داشتند و منشاء خدمات ارزشمندی در هلال احمر بودند. آنچه که مهم است همین نیاز به مسائل شرعی است. در هلال احمر فقه از جنبه حاکمیتی حضور دارد. مسائل فقهی در این جمعیت صرفاً احکام و مسایل فردی کارکنان نیست. بلکه مهم‌تر از آن احکام اجتماعی فقه است و نیز مواجه بودن با موضوعاتی مهم در ابواب مختلف فقه هم در عبادات و هم در معاملات. گستردگی موضوعات فقهی مورد ابتلای جمعیت شامل مباحث مختلفی در عقود، ایقاعات و سیاسات را در بر می‌گیرد. علاوه بر احکام سلوک و آداب شخصی که کارکنان با آن مواجه‌اند. نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر باید در آداب عمومی، یعنی رفتار و سلوک دستگاه‌های حکومتی و عمومی در مسائل قضاء و حکومت، و صلح و جنگ، و روابط بین‌المللی، أبواب و مباحث ولایت عامه، قضا و شهادت از جمله وقف و هبه پاسخگوی نیازهای جمعیت باشد. به طور مشخص وقف و هبه در هلال احمر موضوعات مهمی هستند. مردم اموالی را هبه می‌کنند، صلح می‌کنند و هنگام بروز حوادث، تبرعانی دارند. این‌ها مسائل شرعی است که به وجود آمده. و حوادثی به وجود می‌آید که در این حوادث هلال احمر درگیر می‌شود و نیاز به تبیین مسائل شرعی دارد. سبب عمده حضور همین مسئله بود.

هلال احمر یک جمعیت مردمی است، دولتی نیست. و اگر چه هنوز جان‌نثاده برای مردم که هلال مردمی است. خیلی‌ها فکر می‌کنند که هلال هم یک دستگاه دولتی است. یک سازمان دولتی است. در حالی که این‌طور نیست. بلکه سازمانی است که در هنگام بروز حوادث به دولت کمک می‌کند. سازمانی است مردمی با رأی مردم و با حضور مردم. که ساز و کار خودش را دارد. اگر بخواهیم تشریح کنیم، حداقل یک یا دو مورد از اصل یا ماده‌های اساسنامه هلال احمر را باید در این گفتگو بررسی کنیم تا بدانیم این متکی بودن به مردم چگونه است. داوطلب‌محور است و مردم داوطلبانه در آن فعالیت می‌کنند. آن‌ها به استخدام هلال درنیامده‌اند، حقوق بگیر هلال نیستند. آن‌ها که هنگام بروز حوادث کمک می‌کنند حضورشان رایگان است. خیرخواهانه است نه برای مزد. دستی از سوی مسئولان و دستی از سوی نیازمندان، این وسط هلال احمر است که این اتصال را برقرار می‌کند. خوب وقتی یک سازمان، مردمی شد، سرمایه اصلی و سرمایه اجتماعی آن تشکیلات اعتماد مردم است. اعتماد مردم سرمایه اجتماعی هلال است. باید بر این سرمایه روز به روز افزوده شود، نه این‌که از آن کاسته شود. اعتماد مردم باید جلب شود. مسئولان هلال احمر توسط مردم و در قالب و قاعده‌ای که وجود دارد، انتخاب می‌شوند. موفقیت و پیشرفت هلال احمر به اعتماد مردم وابسته است. حضور نماینده ولی فقیه در هلال، در این زمینه بسیار مؤثر است تا مردم بدانند از طرف رهبر انقلاب کسی آنجا هست که ناظر بر کارهاست، در زمینه‌های خاصی هدایت دارد. و این‌گونه نیست که به کمک‌های مردمی و

تبرعاتشان یا موقوفاتشان هرز برود و یا به شکل نادرست و ناصحیحی مصرف شود. برای جلب اعتماد مردم، حضور نماینده ولی فقیه خیلی مؤثر است. علت اصلی این حضور بعد از آن‌که به هر حال مسایل شرعی را هم می‌توانستند حل کنند، این بود. درست است که تقاضای اولیه برای مسائل شرعی بوده و رابطه نماینده امام و مسئولان هلال درباره مسائل شرعی بوده است. اگر چه آن‌ها می‌توانستند از طرق دیگر هم این مسئله را حل کنند. ولی هدف اصلی حضور نماینده امام و بعد از امام راحل (ره) نماینده رهبر انقلاب این بوده که مردم اعتماد بیشتری



داشته باشند و این دستگاه در کشور ما که حوادث فراوانی دارد، از پشتوانه مردمی استفاده کند. این سبب اصلی حضور نماینده ولی فقیه بود. اما مسئله دیگر این‌که کارکنان هلال که در خدمت مردم هستند، اعتقادشان به کارشان و اهمیت آن باید روز به روز بیشتر شود. مثلاً مهم‌ترین مسئولیتی که در هلال است، مسئله امداد و نجات است، امداد و نجات از خود گذشتگی می‌خواهد، ایثارگری می‌خواهد، فداکاری می‌خواهد و رضایت خدا را در نظر داشتن می‌خواهد، واقعاً لله و بالله برای خدا حرکت کردن و کار کردن است. این باید روز به روز به تقویت شود. معرفت دینی کارکنان افزوده شود. آن دستگاهی که می‌تواند در این زمینه کار کند، حوزه نمایندگی ولی فقیه است. همان‌طوری که ما روز به روز باید در زمینه خدمت‌رسانی به مردم روزآمد باشیم از نظر وسائل، ابزار، دانش و تکنیک‌های کمک‌رسانی و امداد و نجات، از نظر فرهنگ دینی هم باید ارتقا پیدا کنیم. با توجه به این‌که اصول هفت‌گانه هلال، تقریباً مانند همان چیزی است که در دین به آن‌ها توجه شده است. یا اهداف چهارگانه هلال همسو با ارزش‌های دینی است. این همان چیزی است که در حکم مقام معظم

فعالیت‌هایی که به ما مربوط است با نظر ما انجام می‌شود کارهای فرهنگی و بخش‌های نظارتی به عهده ماست. برای اتقان بیشتر در این امور شوراهایی تشکیل دادیم: شورای فرهنگی، شورای مشورتی و شورای نظارت. همچنین ما در زمینه ارتقای فرهنگ دینی مسئولیت ستاد اقامه نماز و مسئولیت شورای امر به معروف را در هلال به عهده داریم. خوب طبعاً ما آمدم بررسی کردیم ببینیم که اصلاً در هلال کار فرهنگی چیست. هلال دارای سازمان‌های متعددی است، یکی از آن‌ها سازمان جوانان است. سازمان جوانان که با مخاطبان متنوعی مرتبط است، از کودک ۵ ساله تا جوان ۲۹ ساله. غنچه‌ها، کانون دانش‌آموزان، کانون دانشجویی، کانون طلاب، کانون به اصطلاح آزاد، این‌ها وابسته به سازمان جوانان است. نظارت و تعامل ما با سازمان جوانان با توجه به این که نزدیک ۲۰ محور عمده فرهنگی در فعالیت‌های کانون‌ها وجود دارد، مفصل است. در برنامه‌های سازمان جوانان، نشست‌های گوناگون و اردوهای مختلف حضور داشته‌ایم.

بحث مهم نظارت را که حالا کجا نظارت می‌کنیم. در قانون هست، قانون که می‌گوییم یعنی اساسنامه مصوب در مجلس هست. یک بخش مهم، موقوفات است که طبعاً نظارت باید کنیم که این موقوفات در جایگاهی که وقف شده مصرف شود، تصرف غیر نشود، تبدیل نابجا نشود و اگر نیاز بود تبدیل به احسن شود، بر اساس مبانی شرعی تبدیل به احسن شود. یا اگر تبرعی در یک مسئله‌ای می‌شود، آن تبرع در جای خودش مصرف بشود. مثلاً برای نمونه اگر مردم برای کرمانشاه چیزهایی را دادند، ما نمی‌توانیم ببریم جای دیگر، باید به مردم کرمانشاه، به زلزله‌زدگان آنجا برسانیم. نظارت این‌جا سازوکارهای مختلفی دارد با ابزارهای مختلف. ما از طریق دستگاه‌های ملی که نظارت دارند مثل سازمان بازرسی کل کشور یا مثل دیوان محاسبات یا مثل دستگاه‌های مختلف نظارتی یا دستگاه‌های نظارتی داخل هلال مثل بازرسی هلال، مثل حراست هلال با این‌ها در ارتباطیم که همه اطلاعات را کسب کنیم و نظارت کنیم. مهم‌ترین مسئله این است که رهبر انقلاب اسلامی وقتی نماینده‌ای تعیین کرده‌اند، خیالشان راحت باشد که خلاصه آنچه که این‌جا انجام می‌گیرد بر اساس مبانی شرعی و قانونی است و بر اساس تطابق با قانون اساسی است، تطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران است، معاهده‌ای از نظر بین‌المللی این‌جا نوشته نمی‌شود که مخالف باشد. دیگر این که در برنامه پنج‌ساله که برای هلال نوشته شده است، در فصل پنجم آمده که حوزه نمایندگی ولی فقیه بر عملکرد هلال نظارت دارد. این خیلی مسئله مهمی است. همان‌طور که در حکم مقام معظم رهبری آمده، نظارت بر امور، نظارت بر کارها. این نظارت چه نوع نظارتی است، نظارت استدلالی است یا نظارت استصوابی؟ طبعاً در بعضی جاها، نظارت آگاه شدن و مطلع شدن است، اما در بعضی جاها هم نظارت باید استصوابی باشد. ما اگر مطلع شدیم که در موقوفه کاری خلاف نظر واقع انجام می‌گیرد، باید دخالت کنیم و نگذاریم انجام شود و به مسیر صحیح برگردانده شود. اگر در برنامه‌های فرهنگی یا تولیدات فرهنگی هلال احمر خلاف تعالیم دین یا ارزش‌های انقلاب دیده شود حتماً دخالت خواهیم کرد.

رهبری هم آمده است. به هر حال اصول و اهداف هلال منطبق با تعالیم اسلام است. و این باید تصریح بشود که این حرکت، حرکت اسلامی است که هلال در کشور اسلامی و جامعه اسلامی انجام می‌دهد.

● ارتباط حوزه نمایندگی با بخش‌های مختلف هلال احمر بعد از حضور جنابعالی تقویت شد، حضور موثر در شورای عالی و تشکیل چند شورای مهم در راستای ایفای وظایف حوزه، از دیگر بروزهای این تأثیر است. این حضور چقدر جدی است؟ حضور من در هلال با وظایفی که در حکم مقام معظم رهبری تصریح شده بود و برآمده‌ای از آن حکم بود در قالب نظامنامه‌ای تعریف شد و در پی آن ساختار اداری به وجود آمد، من حضور جدی پیدا کردم، نه حضور تشریفاتی. حضور جدی به این معنا که تقریباً در طول هفته همواره در هلال حضور دارم، در جلسات اساسی هلال مثل شورای عالی حضور دارم. مطالبی که در آن‌جا بحث می‌شود، ابتدا در کمیسیون دائمی قبل از جلسات مورد بررسی قرار می‌گیرد بحث می‌شود و نماینده ما در آن کمیسیون حضور دارد. در هلال



نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر: برای نمونه اگر مردم برای کرمانشاه چیزهایی را دادند، ما نمی‌توانیم ببریم جای دیگر، باید به مردم کرمانشاه، به زلزله‌زدگان آنجا برسانیم. نظارت این جاسازو کارهای مختلفی دارد با ابزارهای مختلف



● در حوزه نظارت فرهنگی چطور؟ خوب، هلال احمر یک جمعیتی است که عمده فعالیت‌هایش در حوزه فرهنگی است، تولیدات فرهنگی دارد، برنامه‌های فرهنگی دارد، سازمان جوانان، داوطلبان، بخش جدی، فعالیت‌های فرهنگی است. برای این نظارت در حوزه فرهنگی چه باید کرد؟

دستگاه‌هایی که بیشتر کار فرهنگی می‌کنند در شورای فرهنگی عضو هستند. ما می‌خواهیم برنامه‌ریزی فرهنگی هلال، در این شورا انجام شود. ما بر مبنای فرهنگ دینی تاکید داریم و باید کاری کنیم که برنامه‌های فرهنگی دینداری را تقویت کند نه فقط در ظاهر بلکه اعتقاد و باور مهم‌تر است. در استان‌ها هم با شورای فرهنگی داریم که در آن‌جا مسئول شورای فرهنگی، نماینده ولی فقیه است و امور فرهنگی زیر نظر ایشان است و ایشان نظارت دارد بر کارها. البته الان در مسائل فرهنگی هلال آن‌گونه که می‌خواهیم و مطلوبان هست حضور نداریم در برخی برنامه‌ها و نیز برخی تولیدات فرهنگی مرتبط با هلال مشکلاتی وجود دارد که باید برای حل آن‌ها با همفکری و همکاری بخش‌های مختلف هلال برنامه‌ریزی کنیم. در حوزه نظارت و فرهنگ ما بیشتر در موقعیت چه باید بکنیم هستیم و تا وضعیت چه کردیم هنوز خیلی راه داریم.

بله. هلال از آستانه پیروزی انقلاب تا کنون حدود ۴۶۰ شهید تقدیم انقلاب کرده است بیشتر این شهدا در جریان امداد و نجات در جبهه شهید شدند. خانواده این شهدا هنوز خود را وابسته به هلال می‌دانند. مقام معظم رهبری چهل سال است که به خانواده شهدا سرکشی می‌کند. سنتی را خودشان بنیان گذاشتند و شخصاً انجام می‌دهند و به مسئولان هم توصیه می‌کنند. ارتباط با خانواده شهدا از دو حیث خیلی حائز اهمیت است؛ یکی این که خانواده آن‌ها احساس می‌کنند هنوز در ارتباط هستند، عزیزانشان فراموش نشده‌اند و به هر حال مورد توجه هستند. دوم این که ارتباط با خانواده شهدا، روحیه شهادت‌طلبی، روحیه جهاد و روحیه ستیزه با دشمن را که این عزیزان داشتند، در ما تقویت می‌کند. خانواده شهدا، از شهدا کمتر نیستند. ما به هر حال باید این چیزها را یاد بگیریم. جزو برنامه‌های مستمر خودمان سرکشی به تعدادی از خانواده شهدا هست. بین این‌ها ما به افراد ویژه‌ای برخورد کردیم. مثلاً خانمی که همسر امدادگرش همان اول جنگ در آبادان شهید می‌شود. با برادر آن شهید ازدواج می‌کند، او هم در همین لباس امداد و نجات شهید می‌شود. دو برادر هر دو شهید می‌شوند. این‌ها چه روحیه بالایی داشته‌اند. و این خانم الان در خدمت به بنیاد شهید فعالیت می‌کند. دختر یکی از روحانیون محترم حوزه، آقای مکی هستند. خیلی زن بزرگواری است. من هم نمی‌شناختم، وقتی رفتیم آنجا من شناختم ایشان را. من آقای مکی را می‌شناختم در آبادان ولی نمی‌دانستم این شهیدی که الان به خانهاش می‌رویم دختر ایشان است.

● ممکن است همه فعالیت‌های فرهنگی هلال زیر نظر حوزه نمایندگی ولایت فقیه نباشد.

ببینید آنچه که مرتبط با فرهنگ دینی است، زیر نظر ماست. همه آموزش‌ها زیر نظر ما نیست، آموزش دین زیر نظر ماست، هلال معاونت آموزشی دارد، فعالیت‌های آموزشی متنوع و متعددی دارد، در رشته‌های در مؤسسه علمی - کاربردی هلال دانشجو دارد. اما آنجا که آموزش دین است، آنجا در قانون تصریح شده که به عهده حوزه نمایندگی ولی فقیه است.

● فرآیند ارتباط حوزه نمایندگی با مسئولان دفاتر در استان‌ها چگونه است؟

مسئولان دفاتر از حضرات علما، بزرگان و برخی شخصیت‌های برجسته در حوزه‌ها هستند که شاید بیش از نیمی از آن‌ها در دوران آیت‌الله غیوری انتخاب شدند که مسئول کار هستند، برخی هم به دلایل مختلف در سه سال گذشته منصوب شدند. در رابطه با مسائل فرهنگی با معاونت فرهنگی و در رابطه با مسائل نظارتی با معاونت نظارت حوزه ارتباط دارند. در رابطه با مسائل اداری نیز با اداره کل امور مالی و اداری تعامل دارند. یعنی به هر حال ارتباط ما مستمر است و ارتباطمان همواره است، قطع نیست ولیکن بهتر از این باید باشد.

● یکی از اتفاقات خوب و موثر در سه سال گذشته، سرکشی به خانواده شهدا و توجه به فرهنگ ایثار و شهادت در جمعیت بود.



حجت الاسلام و
المسلمین معزی؛
مهم‌ترین مسئله
این است که رهبر
انقلاب اسلامی
وقتی نماینده‌ای
تعیین کرده‌اند،
خیالشان راحت
باشد که خلاصه
آنچه که این‌جا
انجام می‌گیرد بر
اساس مبانی شرعی
و قانونی است و
بر اساس تطابق با
قانون اساسی است،
ایران است

مهر و ماه برای نمایاندن انطباق اهداف هلال با معارف دینی به موضوعاتی چون کرامت انسانی، وقف، خیریه، خیرخواهی، حقوق بشر، دوستانه، مبارزه با فقر و تبعیض، امداد، انفاق و بسیاری دیگر از ماحث مرتبط پرداخته است. این مجله هر ماه مسابقه‌ای برگزار می‌کند و تا کنون بیش از بیست و پنج هزار شماره تلفن در این مسابقه شرکت کرده‌اند که آماری خیره‌کننده است

یک عمر کار فرهنگی

من متولد ۲۰ فروردین ۱۳۲۴ در تهران هستم. در یک خانواده روحانی و به هر حال بعد از گذراندن دوران ابتدای به طلبگی روی آوردم بر اساس سابقه خانوادگی و مدتی در تهران در حوزه حاج آقا مجتهدی بودیم. و بنده هر چند سال یک بار می‌رفتم و چند سالی هم زمان برد. بخشی از سطوح عالی را در قم گذرانیدیم. در سال ۱۳۴۴ که امام از ترکیه به نجف تبعید شدند ما در اولین گروه طلبه‌های قم بودیم که به نجف رفتیم. و تا سال ۱۳۴۸، حدوداً چهار سال در نجف بودیم. هم سطوح عالی را به پایان بردیم و در درس خارج بعضی از آقایان شرکت می‌کردیم. و دوران روی کار آمدن بعضی‌ها بود و ایرانی‌ها را به ایران بازگرداندند و فضا، فضای مناسبی نبود و قبل از این که آن‌ها به ما بگویند، ما خودمان برگشتیم. آمدیم و باز رفتیم قم و تا سال ۱۳۵۲ در قم بودیم و بعد از آن به تهران برگشتیم. فعالیت‌های فرهنگی آن زمان هم که دوستانمان در قم و جاهای دیگر بودند. دوران مبارزاتی را هم با برخی گروه‌های مبارز و فعال آن زمان چه علنی و چه زیرزمینی همراهی می‌کردیم. تا پیروزی انقلاب. پس از پیروزی انقلاب هم مدتی در سازمان تبلیغات، به عنوان معاون بین‌الملل سازمان تبلیغات و بعد هم به عنوان قائم مقام سازمان تبلیغات حضور داشتم و بعد هم به عنوان معاون وزیر کشور از اواسط سال ۱۳۶۱ تا اواخر ۱۳۶۴ معاون حقوقی و پارلمانی وزارت کشور بودم. از خرداد ۱۳۶۵ تا خرداد ۱۳۶۸ دانشگاه امام صادق (ع) مسئولیت دانشکده تبلیغات را داشتم. و از سال ۱۳۶۸ که رهبری، بعد از رحلت امام به عهده مقام معظم رهبری گذاشته شد، از همان روزهای نخست رهبری به دفتر ایشان آمدیم و کارهای ارتباطات فرهنگی را به عهده گرفتم. بیش از یازده سال و نیم در دفتر مسئولیت این کار را داشتم و بعد هم به عنوان تبلیغ معارف اسلامی به اتریش رفتم چهار سال تمام در اتریش بودم. مرکز اسلامی امام علی (ع) را در آنجا به وجود آوردیم، ثبت و فعال کردیم. بعد هم از اواسط سال ۱۳۸۳ به لندن رفتم و مسئولیت مرکز اسلامی آنجا را به عهده گرفتم. حدود ده سال هم در لندن بودم که فعالیت‌های لندن هم بخش‌بخش قابل توجه و قابل بحث است برای کسانی که خواهند فعالیت‌های خارج از کشور داشته باشند، تجربیات خوبی به دست آمده که در جای خودش باید پرداخته شود. تا ابتدای سال ۱۳۹۳ به ایران برگشتیم و در دفتر مقام معظم رهبری به عنوان مشاور فرهنگی دفتر مشغول کار شدم تا دی ماه ۱۳۹۳ که مقام معظم رهبری بعد از فوت آیت‌الله غیوری، بنده را به عنوان نماینده خودشان منصوب کردند. از اول بهمن ۱۳۹۳ تا به حال به عنوان نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر مشغول فعالیت هستیم. بیشترین دغدغه من هم در همه این سالها مسائل فرهنگی بوده در سابقه‌ام کارهای تبلیغی - فرهنگی بیشتر است. ❖

● به حوزه فرهنگ بپردازیم، در این بخش که پرداختن به آن یکی از ماموریت‌های اصلی حوزه نمایندگی است چه اقداماتی انجام گرفته و چه برنامه‌هایی در پیش است؟
حقاً که موضوع فرهنگ، اصلی‌ترین دغدغه ما در حوزه نمایندگی است. اگر چه امکانات و ساختار مناسبی برای فعالیت در زمینه‌های متعدد فرهنگی وجود ندارد اما با همین بضاعت تلاش کردیم با همت همکاران محترم در تهران و مراکز استان‌ها برنامه‌های متعدد فرهنگی اجرا کنیم. برپایی محافل و مراسم مذهبی و تعظیم شعائر از این جمله است. همچنین برنامه‌های قرائت قرآن و کتابخوانی و ویژه برنامه‌های فرهنگی در استان‌های مختلف برگزار شده است. تولید ماهنامه مهر و ماه که در آستانه شماره سی‌ام قرار دارد از اتفاقات مهم در این دوره است. بیش از سه هزار صفحه مطلب منتشر کرده است. عمده مطالب اختصاصی و توسط نویسندگان شاخص حوزه و دانشگاه تالیف شده است. در این مجله تلاش ما بر این بوده که از موضوعات تخصصی و مباحث فکری محض اجتناب و در عین حال از انتشار مطالب کم‌مایه و سطحی نیز پرهیز شود. این کاری دشوار است که در این میانه حرکت کنیم. الحمدلله این ماهنامه به اذعان مخاطبان در داخل جمعیت و نیز افرادی که در بیرون جمعیت نشریه را دیده‌اند از نمونه‌های موفق در ترویج معارف دینی و نیز توجه جدی به مسائل سازمانی است. مهر و ماه برای نمایاندن انطباق اهداف هلال با معارف دینی به موضوعاتی چون کرامت انسانی، وقف، خیریه، خیرخواهی، حقوق بشر، دوستانه، مبارزه با فقر و تبعیض، امداد، انفاق و بسیاری دیگر از ماحث مرتبط پرداخته است. این مجله هر ماه مسابقه‌ای برگزار می‌کند و تا کنون بیش از بیست و پنج هزار شماره تلفن در این مسابقه شرکت کرده‌اند که آماری خیره‌کننده است.

● گمان می‌کنید با توجه به وجود سایت‌ها و مجلات مختلف در هلال احمر انتشار این نشریه کار لازمی است؟

البته سایت‌ها و کانال‌های مختلفی اخبار و گزارش‌ها را منتشر می‌کنند ولی مهر و ماه یک مجله اطلاع‌رسانی نیست. این نشریه در واقع ابزار کار فرهنگی ما به شمار می‌رود. همان منبر است که همزمان در شهرهای مختلف برپا شده است. همان کلاس آموزشی است که عده زیادی در آن شرکت می‌کنند. طبعاً نمی‌توان این همه استاد مبرز و نویسنده صاحب نام را همزمان به همه شهرها برد و برایشان کلاس ترتیب داد ولی از طریق مجله این امکان فراهم شده است. طبعاً کار ما ترویج معارف دینی و تبیین دینی اهداف هلال احمر است و این را با هر ابزاری که موثر باشد انجام می‌دهیم. نشریه مهر و ماه ارگان تبلیغی ما نیست بلکه ابزار تبلیغ دین است. به همین دلیل و در همین راستا برای استفاده طلاب همکار با هلال احمر و نیز متخصصان حوزه دین انتشار ماهنامه زاد نیز در سال جاری آغاز شده و هشت شماره آن تاکنون منتشر شده است. این ماهنامه نیز به صورت تخصصی به مباحث اندیشه، تاریخ، احکام و کتابشناسی در زمینه‌های دینی می‌پردازد. ❖



حجت الاسلام و
المسلمین معزی،
موضوع فرهنگ،
اصلی‌ترین دغدغه
ما در حوزه
نمایندگی است.
اگر چه امکانات
و ساختار مناسبی
برای فعالیت در
زمینه‌های متعد
فرهنگی وجود
ندارد اما با همین
بضاعت تلاش
کردیم با همت
همکاران محترم
در تهران و مراکز
استان‌ها برنامه‌های
متعدد فرهنگی
اجرا کنیم

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان قم:

اولین مجمع خیرین هلال احمر در قم تشکیل شد



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم گفت: طلاب نیز ظرفیتی ارزشمند در خدمات داوطلبانه هستند. در جهت ارتباط گسترده میان طلاب و مبلغان باید افرادی به عنوان رابط در جهت انتقال موضوعات حضور داشته باشند تا بتوان این ظرفیت را نیز مورد توجه قرار داد.

او افزود: برای جهادگران طلبه تفاوتی ندارد که در چه صحنه‌ای به خدمت بپردازند. در واقع نیروهای جهادی از افتخارات ما هستند، اما اگر همین افراد دوره‌های آموزشی بگذرانند، خدمات بهتری ارائه می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین علامه مهری یادآور شد: دوره آموزش ویژه طلاب با حضور مربیان طلبه و روحانیت، یکی از پیشنهاداتی است که امیدواریم به‌زودی اجرایی شود تا با قابلیت‌های بیشتری از خدمات این عزیزان بهره‌مند شویم.

ایشان همچنین عنوان کرد: حتی در توزیع کالاها و خدمت‌رسانی باید طبق آموزش‌ها عمل شود. هلال احمر در حادثه اخیر، بیش از ۸۰ هزار چادر برای زلزله‌زدگان ارسال کرد که با مدیریت توزیع می‌توانست بسیاری از گله‌ها را کم کند. این مدیریت نیز نیاز به آموزش نیروها دارد. او در مورد دیگر فعالیت‌ها نیز خاطر نشان کرد: ۷۰ خانه هلال در مساجد داریم که تعداد زیادی از آن‌ها فعال است و این کار ابتکاری هلال احمر به شمار می‌رود و حتی در برخی موارد جمعیت هلال در امامزادگان و حسینیه‌ها نیز فعالیت دارند. ❖

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم گفت: طلاب جهادگر و نیروهای جهادی در هلال احمر، از نیروهای اثرگذار در آسیب‌ها هستند و خوشبختانه در قم به لحاظ حضور طلاب جهادگر از ظرفیت‌های بالنده‌ای برخوردار هستیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مصطفی علامه مهری در نشست با طلاب جهادگر که در مناطق آسیب‌دیده از زلزله در حال ارائه خدمات هستند، عنوان کرد: جمعیت هلال احمر، جمعیتی مردم‌نهاد است و برنامه‌های مردمی دارد و عمده فعالیت‌ها بر عهده جامعه است.

او افزود: یکی از فعالیت‌های هلال احمر حضور در امور خیر است و در این ارتباط، اولین مجمع خیرین هلال احمر در قم تشکیل شد و اساسنامه را از قم فرستادیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مصطفی علامه مهری تصریح کرد: تأمین جهیزیه در هر مناسبتی یکی از اقدامات مجمع است که هدایایی به زوجها تقدیم می‌کنیم و اخیراً ۱۹ جهیزیه نیز به متقاضیان اهدا شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم اظهار کرد: داوطلبان جمعیت هلال احمر شامل اقشار مختلفی هستند و ممانعتی برای ورود افراد وجود ندارد و از هر طیف و قشر و مذهبی می‌توانند وارد شوند و بعد از بسیج، بیشترین جمعیت جوان در اختیار جمعیت هلال احمر است و این ظرفیتی با ارزش است.

او عنوان کرد: همکاری و تعامل مدیریت به همراه تعهد، بسیاری از گره‌ها را در خدمت‌رسانی می‌گشاید و این دستاوردها و برکات زیادی به همراه دارد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم بیان کرد: جمعیت هلال احمر در طول سال تا شب عید به صورت داوطلبانه به خدمت می‌پردازد و این نیروهای متعهد در بسیاری از صحنه‌ها حاضر می‌شوند.

حجت‌الاسلام علامه مهری خاطر نشان کرد: آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور و رئیس هیئت مدیره هلال احمر، با حضور خود به خدمات مسیری بالنده بخشیدند و چنین شخصیتی با این مسئولیت واقعاً منحصر به فرد و با حضور آیت‌الله حسینی بوشهری و... هر یک ظرفیت‌های بالنده معنوی، دینی و فرهنگی در فعالیت‌های جمعیت هستند.





خبر تلخ و آغاز یک عملیات دشوار

هواپیمای مسافربری در سمیرم اصفهان سقوط کرد

جمعیت هلال احمر در قالب ۸ تیم به ارتفاعات اعزام شدند. در طول مسیر ۲ دره و ۲ یخچال بسیار خطرناک وجود دارد که در این یخچال‌ها کارگاه‌های ثابت قرار داده شده تا تیم بعدی بتواند ایمن از مسیر عبور کند. البته بارش شدید برف کار این تیم را ناتمام گذاشت تا شاید با بهتر شدن شرایط جوی تیم‌های بعدی حاضر در این منطقه کار ناتمام آنها را به پایان برسانند.

همچنین در ادامه ۲۴ نفر از تیم‌های تخصصی هلال احمر در محل کشف لاشه هواپیما اسکان داشتند و جستجو برای یافتن اجساد را ادامه دادند. آن‌طور که سلیمی روایت کرده است، نیروهای تخصصی هلال احمر با تلاش‌های بسیار در شرایط سخت جوی تعدادی از اجساد سرنشینان هواپیما را پیدا کردند، ولی امکان شناسایی پیکرها فراهم نبود، تا این که پیکرهای یافته شده به پزشکی قانونی اصفهان تحویل شد و هنوز هم تلاش برای احراز هویت اجساد ادامه دارد.

محمدی نسب، دبیرکل جمعیت هلال احمر، از حضور این ارگان‌ها و تلاش‌های بی‌دریغشان قدردانی کرد.

عملیات انتقال اجساد از صبح چهارشنبه دوم اسفندماه آغاز شد. پس از شناسایی محل دقیق سقوط هواپیما، چند تیم به سمت محل حادثه در ارتفاعات حرکت کردند. نخستین گروهی که به ارتفاع ۴ هزار متری قله «پازنپیر» رسید، تیمی ۱۶ نفره از کوهنوردان و اسکی‌بازان هلال احمر، ارتش و هیأت کوهنوردی بود که شب را در ارتفاع ۴ هزار متری و دمای منفی ۲۰ درجه سانتی‌گراد سپری کردند.

مرحله بعد انتقال اجساد بود؛ مرحله‌ای که با توجه به شرایط جوی منطقه بسیار هم دشوار بود. این تیم امداد کوهستان پس از شناسایی، پیکرهای برخی از سرنشینان هواپیما ۷۲ ATR را به پایین انتقال می‌دهند. همزمان با پایین آمدن این تیم ۱۶ نفره، یک گروه ۴۰ نفره نیروی تخصصی شامل تیم‌های کوهنوردی و هیلیمانورد و واکنش سریع

«سقوط یک فروند هواپیمای مسافربری»؛ تیرت تلخی بود. هواپیمای مسافربری آسمان که از مقصد تهران به سمت یاسوج حرکت کرده بود، در سمیرم اصفهان سقوط کرد. تیم‌های واکنش سریع استان‌های اصفهان، فارس و کهگیلویه و بویراحمد به محل حادثه اعزام شدند و همچنین تمامی پایگاه‌های امدادی استان اصفهان به حالت آماده‌باش درآمدند تا در صورت مساعد بودن شرایط جوی و وجود دید کافی، بالگرد به محل حادثه اعزام شود.

آن‌طور که مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات، در خصوص سقوط هواپیمای مسافربری شرکت آسمان (تهران - یاسوج) در گزارش‌های مختلف به رسانه‌ها بیان کرده است، این هواپیما در روستای بیده و کهنگان از توابع سمیرم اصفهان سقوط کرد و در این سانحه ۶۶ نفر سرنشین در گذشتند.

هلال احمر و یگان پهبادی و هوافضای سپاه وارد عمل شدند و با سختی فراوان موفق به یافتن لاشه هواپیما شدند. محمود



روایت امدادگران از آن شب سرد

افتادیم و ساعت ۱۰ به محل رسیدیم. وقتی وارد کوهستان شدیم، اول لاشه هواپیما را دیدیم؛ حادثه خیلی وحشتناک بود، درواقع یک فاجعه بود. هواپیما قطعه قطعه شده بود. همان جا عملیات جست و جو را آغاز کردیم؛ از صد متری اجساد قابل رویت بودند. به پیکر چند نفر از سرنشینان در کنار لاشه هواپیما دسترسی پیدا کردیم. باد و طوفان بود. سرد بود و سرما به استخوانمان رسیده بود؛ شرایط واقعا نامناسب و وحشتناک بود.

عزیزمنش از شیوه کار و سختی های این عملیات چنین می گوید: «من خودم جزو اسکی بازهای گروه بودم. وقتی پیکرها را پیدا کردیم، یک سری از آنها را تحویل بالگرد دادیم تا به پایین منتقل شوند. بقیه

هاشم کاشفی ۳۱ ساله که از امدادگران این تیم یاری رسان است، درباره جزئیات این ماموریت سخت به خبرنگار «شهروند» گفت: «وحشتناک بود. شرایط خیلی بد بود. برف و بوران و باد می آمد. سرد بود. آن قدر سرد که حتی نتوانستیم یک لحظه هم بخوابیم. از سرما فقط لرزیدیم. کمپ زدیم و وسایلمان بیرون بود. آن قدر هوا بد بود که صبح وقتی از کمپ بیرون آمدیم، وسایلمان زیر برف رفته و ناپدید شده بود. این امدادگر در توصیف شرایط آنجا می گوید: «وضعیت وحشتناکی بود. از طرفی شرایط آب و هوا بد بود؛ برف می آمد و هوا هم بشدت سرد بود. از طرف دیگر هم اجساد در شرایط نامناسبی قرار داشتند و با پیداشدن آنها حال روحی خودمان هم بد شد. با پیداشدن هر کدام از این پیکرها اشک می ریختم. امیدواریم خداوند به خانواده های آنها صبر زیادی بدهد تا بتوانند این مصیبت را تحمل کنند».

او درباره اینکه با توجه به سختی عملیات از این کار منصرف شد یا نه ادامه داد: «ما قصدمان فقط کمک به خانواده قربانی ها بود. می خواستیم با این کار دل هایشان تسکینی یابد. با وجود این که اخبار بسیار منفی از محل حادثه به گوش می رسید و ما با جانمان بازی می کردیم، ولی از کار خود منصرف نشدیم. ما فقط به کمک فکر می کردیم. می خواستیم هر طور شده این عملیات را انجام دهیم؛ هیچ چیز و هیچ کس نتوانست ما را منصرف کند».

محمد عزیزمنش نیز یکی دیگر از امدادگرانی است که در این تیم حضور داشت و با کمک هم تیمی هایش خطر را به جان خرید و ماموریتی سخت را اجرا کرد. او ۱۵ سالی می شود عضو فعال جمعیت هلال احمر شهرستان سپیدان است؛ با وجود اشک های همسرش باز هم از تصمیمش منصرف نشد. رفت و با شرایط پرخطر ماموریتش را اجرا کرد. او نیز درباره آن شب سخت به خبرنگار «شهروند» گفت: «من می خواستم کمک کنم. تنها دل خانواده های قربانیان برایم مهم بود؛ فقط به آنها فکر می کردم. حتی هنگام رفتن همسرم گریه کرد و از من خواست که منصرف شوم؛ می ترسید بلایی سرم بیاید. می گفت داری با جانم بازی می کنی؛ ولی قبول نکردم حتی اشک های او هم مانع نشد. این حادثه خیلی وحشتناک و دردناک بود و ما به عنوان هموطن باید هر کمکی که از دستمان برمی آید، انجام دهیم. وقتی دیدم می توانم در یاری رساندن به خانواده ها سهیم باشم و کمکی از دستم برمی آید، تصمیم گرفتم هر طور شده آن را انجام دهم.»

اومشاهداتش را این گونه توضیح داد: «ساعت ۸ صبح از کمپ راه



را هم خودمان کاور کردیم و به پایین آوردیم. ما اسکی بازها مسئول انتقال اجساد بودیم. وقتی آنها را منتقل می کردیم به خاطر این که روی اسکی بودیم و از پیاده ها جلو می زدیم، هر از گاهی می ایستادیم تا بقیه با ما همراه شوند. نمی خواستیم اتفاق بدتری بیفتد ساعت یک بود که رسیدیم. عملیات سختی بود. تمام شب را تا صبح نخوابیدیم و از سرما لرزیدیم، ولی تمام فرمان آرامش خاطر خانواده های این قربانی ها بود.» ❖



#۲۴ امدادگر در فضای مجازی

این اتفاق نشان داد در صورت خبررسانی درست و در جریان قرار گرفتن مردم، آن‌ها قادران هلال احمر و زحمات امدادگران خواهند بود. تجربه تلخ شایعه‌سازی‌های کرمانشاه، هر چند به علت گستردگی حادثه با این اتفاق قابل مقایسه نیست، اما می‌تواند مدل کوچکی باشد از یک اطلاع‌رسانی مطلوب و نتیجه گرفتن از آن.

کاربران فضای مجازی و به‌خصوص توییتر، با #۲۴ امدادگر، با جملات و عبارات مختلف از امدادگرانی که در شرایط دشوار به محل حادثه رفته و اجساد درگذشتگان این حادثه را به خانواده‌هایشان رساندند تشکر و قدردانی کرده و تأکید کردند که حضورشان در روزهای سخت و شرایط تلخ را فراموش نمی‌کنند.

پیام تسلیت رئیس جمعیت هلال احمر



همچنین در پی این حادثه تلخ، دکتر علی‌اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر، در پیامی جان‌باختن جمعی از هموطنان را در حادثه سقوط هواپیمای مسافری تسلیت گفت، در پیام او آمده است: «خبر سقوط هواپیمای مسافربری تهران - یاسوج و جان‌باختن تعدادی از هموطنانمان، دوباره قلب همه ایرانیان را به درد آورد. اینجانب به نمایندگی از خانواده بزرگ

امدادگران و داوطلبان هلال احمر، این سانحه تلخ را به خانواده داغدار این عزیزان تسلیت عرض می‌کنم. کاش این سانحه هرگز اتفاق نیفتاده بود و حتی کاش فرصت نجات برای امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر و سایر دستگاه‌های امدادی فراهم می‌شد. جمعیت هلال احمر از لحظات اولیه حادثه آماده خدمت‌رسانی بود و همچنان نیز بر اساس پروتکل‌های امدادی در حال بررسی وضعیت حادثه و یافتن مفقودین است.

تداوم سوانح طبیعی و غیرطبیعی در ماه‌های گذشته یک پیام مهم را برای همه ما، از مردم تا مسئولان دستگاه‌های اجرایی دارد و آن این‌که باید بیشتر از همیشه آماده مواجهه با حوادث باشیم. جمعیت هلال احمر با تمام توان در حال افزایش ظرفیت و توانمندی خود برای مواجهه با حوادث است و در این مسیر همچنان به مردم انسان‌دوست ایران نیاز دارد.»

پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر



در پی سقوط هواپیمای مسافربری تهران - یاسوج و جان‌باختن تعدادی از هموطنانمان در این حادثه، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، پیام تسلیتی صادر کرد. متن پیام به شرح زیر است:
«بسمه تعالی

جان‌باختن جمعی از هموطنان عزیزمان در سانحه هوایی ۲۹ بهمن ماه، ملت بزرگ ایران را در غم و اندوه فرو برد.

اینجانب با کمال تأسف و تأثر این حادثه ناگوار را به خانواده‌های داغدار و مصیبت‌دیده و همچنین مردم شریف ایران، که دیگر بار در اندوه از دست‌دادن هم‌میهنان خود آزردہ خاطر و متأثر گشته‌اند، تسلیت عرض نموده و برای از دست‌رفتگان آمرزش و غفران الهی را خواستارم.

امدادگران و نجاتگران همیشه در صحنه جمعیت هلال احمر از لحظات ابتدایی وقوع این حادثه غمبار، با تمام توان و امکانات برای کمک و امدادرسانی به محل‌های احتمالی سقوط این هواپیما اعزام شده و برای یافتن اثری از این حادثه، تلاش خواهند کرد.»

چهار دهه خدمت

نمایشگاه عکس
«۳۹ سال خدمت بشردوستانه»
در ساختمان صلح برپاست

مریم خبازیان



این که جمعیت هلال احمر همواره در حوادث و سوانح توانسته از آلام مردم بکاهد، بیان می‌کند: جمعیت هلال احمر در عرصه‌های بین‌المللی هم حضور داشته و در کمک‌رسانی به افراد در حوادث و بحران‌های انسانی مثر بوده است.

محمّدی‌نسب درباره برپایی نمایشگاهی از فعالیت‌های امدادی جمعیت هلال احمر در عرصه‌های بین‌المللی خاطر نشان می‌کند: راینی‌های لازم با فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ هلال احمر و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای جمع‌آوری تصاویر مربوط به امداد رسانی‌های هلال احمر ایران انجام شده است، اما معتقدم می‌توانیم تصاویر مربوط به امداد رسانی‌ها و فضای مهربانی که در جمعیت ما وجود دارد را در کشورهای دیگر هم به معرض نمایش بگذاریم.

برپایی این نمایشگاه طلیعه‌ای برای تولید محصولات فرهنگی بیشتر در حوزه مستندسازی امداد رسانی‌های جمعیت هلال احمر در حوادث است. مجموعه تصاویر نمایش داده شده بسیار ارزشمند است و می‌تواند در قالب محصولات مختلف فرهنگی در دسترس عموم قرار بگیرد و فضای همدلانه میان مردم و هلال احمر را بیشتر تقویت کند. ❖

تصویر حفظ می‌کند.

این نمایشگاه مجموعه تصاویر از امداد رسانی‌ها و کمک‌های جمعیت هلال احمر در مقاطع مختلف تاریخی و بحران‌های طبیعی است. جمعیت هلال احمر سابقه‌ای قریب به ۱۰۰ سال دارد، در اتفاقات مختلفی در کنار مردم بوده است و در وقایع تاریخی نظیر انقلاب شکوهمند اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و آزادسازی اسرا و همچنین وقایع طبیعی مثل زلزله در منجیل و رودبار، بم، ورزقان و... با اتکا به نیروهای مردمی، حضور بسیار پررنگی داشته است که بخشی از این تجربیات در عکس‌های ارائه شده در نمایشگاه قابل رؤیت هستند.

مهندس محمود محمدی‌نسب، دبیر کل جمعیت هلال احمر، با تأکید بر لزوم مستندسازی فعالیت‌های امدادی جمعیت هلال احمر در حوادث می‌گوید: مستندسازی قطعاً برای جمعیت هلال احمر لازم است، چرا که می‌توان از آن برای ارائه گزارش عملکردهای روتین به مردم و نهادهای حاکمیتی استفاده کرد و هر اتفاق و هر بحرانی که توسط هلال احمر مدیریت می‌شود، گنجینه‌ای از تجربیات است که می‌توان از آن تجارب نهایت بهره را برد.

دبیر کل جمعیت هلال احمر با اشاره به

همه از مرگ می‌ترسند، اما امدادگران هلال احمر بارها و بارها با مرگ روبه‌رو شده‌اند، در چشم‌هایش زل زده‌اند و با همه این که می‌دانند چه قدرتی دارد، تلاش می‌کنند تا دیگری راه، دیگران راه، آن‌هایی را که ممکن است به هیچ‌وجه نشناسند و تا به حال حتی در خیابانی هم از کنارشان نگذشته باشند، نجات دهند تا دردی را تسکین دهند و مقابل مرگ قد علم کنند. و این جاست که مرگ موفق شود و نشود، بخواهد و نخواهد، در برابر عشق شکست خورده است. و درست از همین جاست که باید گفت امدادگری یعنی عشق، خدمت به انسان‌ها فارغ از این که چه رنگ و چهره و اعتقادی دارند، یعنی عشق. عشقی که می‌توان این روزها برای تماشایش به دیوارهای موزه گالری جمعیت هلال احمر در ساختمان صلح سر زد.

نمایشگاه عکس با عنوان «۳۹ سال خدمت بشردوستانه» که به فعالیت‌های جمعیت هلال احمر در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته، خدمات حدود ۴ دهه هلال احمر را به صورت مستند ارائه کرده است؛ مستندی که از وجوه مختلف ارزشمند بوده و علاوه بر نشان دادن تلاش‌ها و فداکاری‌های نیروهای هلال احمر، گنجینه ارزشمندی است که تجربیات این جمعیت را هم در قالب



تصویر یک امدادگر شهید

اکرم پرورده

دختر شهید محمد پرورده

هدف گلوله قرار می گیرد و...
مادر من می گوید پدر ملاقاتی هم با امام خمینی داشته است. پدر همیشه می گفت امام (ره) نصیحتش کرده و عاقبت خوبی برایش آرزو کرده است. مادر من می گوید عاقبتی که امام (ره) برای پدر تصور کرده بود، همین شهادت در راه خدا بود.
شهادت پدرم سعادتی بود، هر چند بدون او من و مادر روزهای سختی را سپری کردیم، اما روزهایی را تجربه کرده ام که روح پدر، چقدر به کمک من و مادر آمده است.
هیچ وقت از ذهنم پاک نمی شود تصویر امدادگری را که به جای ترس از حفظ جان خودش در حال نجات به یک مجروح شهید شده است... او پدرم است و تا همیشه به تصویرش در روزنامه کیهان ۲۱ بهمن ۵۷ نگاه می کنم، تصویر یک امدادگر شهید... شهید محمد پرورده. ❖

هر سال از ۱۲ تا ۲۱ بهمن ماه در بین اقوام و دوستان صحبت از خاطرات اوست. دهه فجر که می آید، نام پدرم که یکی از اعضای خانواده هلال احمر بوده، دوباره در ذهن همه کسانی که او را می شناخته اند، پررنگ می شود.
به خاطر دارم برای آخرین بار پدرم را در هفت سالگی دیدم. یک روز پرحادثه که پدر به خانه آمد دو ساعته را استراحت کند و دوباره به محل کارش در بیمارستان باز گردد. استراحت دو ساعته اش بیشتر از ده دقیقه طول نکشید. تصویر اصرارهای مادر که از پدر می خواست کمی بیشتر استراحت کند... و پدر که رفت و پا به خیابان های شلوغ و ملتهب شهر گذاشت هنوز در خاطره زنده است.
خلاصه آن شب پدر رفت و دیگر برگشت، شاهدان صحنه شهادت می گویند در حال کمک به مجروحی در نزدیکی بیمارستان بوعلی



اصغر دستجانی فراهانی، مرکزی	۹۱۸۳۴۸	۶
احمد سیریزی، کرمان	۹۰۱۴۸۳	۷
الهام پور حسینی، کرمان	۹۱۳۶۶۱	۲
محمد امین خرم، مرکزی	۹۱۸۶۴۲	۴
حسن احمدی، مرکزی	۹۱۸۰۶۹	۵
علیرضا دشتکی، زنجان	۹۱۹۶۷۶	۷
داریوش ایزدی، کرمانشاه	۹۱۸۷۳۱	۰
زهره اعلایی، خراسان رضوی	۹۱۵۶۴۶	۷
آسبه معماری، آذربایجان شرقی	۹۱۴۴۰۵	۹
ساعدرحیمی دولت آباد، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۶۴۷۰	۰
علی اصغر واعظزاده اسدی، فارس	۹۱۷۳۱۰	۴
مبین یایچیلو، آذربایجان غربی	۹۳۶۲۷۴	۴
حبیب بهلولی، آذربایجان غربی	۹۱۴۲۷۸	۲
رضا صناعی، فلاورجان	۹۳۰۱۰۴	۸
حمیدرضا محمدی، فسا	۹۱۷۷۳۱	۵
فریبا جلالی، خراسان جنوبی	۹۳۶۷۴۰	۳
اکبر ارجمند، هرمزگان	۹۱۷۵۴۶	۷
مهدیه سالاروند، لرستان	۹۱۶۵۵۳	۶
فرهاد قنبریان، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۳۸۳	۳
مهین شکری، البرز	۹۳۳۵۳۷	۸
علی یاقوتی، آذربایجان غربی	۹۰۱۵۱۰	۳
علی مؤگانیان، یزد	۹۱۳۵۲۰	۵
سونیا زارعی، فارس	۹۳۸۸۹۴	۱
فریده دوهایی، لرستان	۹۱۶۳۶۲	۸
مرجان حقیقت، البرز	۹۳۹۱۶۲	۷
محمدحسین ابراهیمی، خراسان جنوبی	۹۳۰۷۸۷	۶
بهرام بهنژاد، اردبیل	۹۱۴۸۶۳	۸
رقیه سادات مزاری مقدم، خراسان جنوبی	۹۱۴۰۷۰	۸
معصومه زبیری، هرمزگان	۹۳۸۸۶۰	۸
فایزه میرزایی زاده، کردستان	۹۱۸۳۴۴	۶
مهدی مسعودزاده، فارس	۹۱۷۸۲۳	۸
سیداحمدامیرفخری، سمنان	۹۱۹۲۷۶	۲
طلعت علیدادی شمس آبادی، شهرکرد	۹۱۳۳۸۴	۸
امیدرضا یآوری، کرمانشاه	۹۱۸۷۵۴	۳
ایرج دشت خوش منفرد، تهران	۹۱۹۶۰۹	۱
محمد مهدی سلام، قم	۹۱۲۷۴۸	۲

پایگاه اطلاع رسانی
حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

ارتباط مستمر و مداوم با مردم

اخبار و گزارش ها
یادداشت و مقاله ها
و صفحه اختصاصی دفاتر استانی نمایندگی
ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

نسخه آزمایشی پایگاه اطلاع رسانی نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت هلال احمر بر روی آدرس
www.nvhelal.ir در دسترس است.



www.nvhelal.ir



مسابقه پیامکی مهرماه

زمان ارسال پیام تا ۲۰ فروردین

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند. پاسخ شما باید یک عدد ۱۰ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و ... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عده های ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمتتان را قید کنید.
به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



بر اساس آمار بانک جهانی، در سال ۵۶ چند درصد مردم ایران زیر خط فقر بودند؟

الف) سی درصد ب) سی و شش درصد ج) چهل و شش درصد د) چهل درصد

۰۱

صادرت غیر نفتی پس از انقلاب چند برابر شده است؟

الف) پنجاه و پنج برابر ب) پنجاه و شش برابر ج) پنجاه و هفت برابر د) پنجاه و هشت برابر

۰۲

تعداد دانشجویان پس از انقلاب چند برابر شده است؟

الف) بیست برابر ب) بیست و چهار برابر ج) بیست و پنج برابر د) بیست و شش برابر

۰۳

سریال «معمای شاه» ساخته کیست؟

الف) محمد حسین لطیفی ب) محمد رضا ورزی ج) احمد نجیب زاده د) داود میرباقری

۰۴

کتاب «دختر پیامبر» اثر کیست؟

الف) محمد علی جاودان ب) علامه عسگری ج) رسولی محلاتی د) جعفر شهیدی

۰۵

ناشر کتاب «شاه رفت» کدام انتشارات است؟

الف) مرکز اسناد ب) امیرکبیر ج) عروج د) کانون پرورش فکری

۰۶

چند پروژه عمرانی در دهه مبارک فجر در هلال احمر به بهره برداری رسید؟

الف) بیست ب) بیست و یک ج) بیست و دو د) بیست و سه

۰۷

چند پایگاه امدادی پوشش مراسم بیست و دوم بهمن را به عهده داشتند؟

الف) هشتصد و بیست و شش ب) هشتصد و بیست و پنج ج) هشتصد و بیست د) هشتصد و سی

۰۸